

هو الله العلي الاعلى
يُعرف الله تعالى لِنَبِيِّهِ الْكَرِيمِ؛ الْأَيُّمَةِ الْمُهَيِّدِينَ وَأَتْبَاعَهُمُ الْمُهْتَدِينَ، وَيُبَشِّرُهُمْ
خداوند به پیامبر اعظم ﷺ ائمه مهتدین ﷺ و پیروان مهتدین شان را معرفی نموده و بشارتشان می دهد:
وَالَّذِينَ آجَتَنَّبُوا الظُّغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا، وَأَتَابُوا إِلَى اللَّهِ، لَهُمُ الْبُشْرَى،
فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ، وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ

گاهنامه

بررسی

برای آگاهی و تبادل و فکر کردن، محیط و افراد و امکانات و موانع را شناختن، و برای رسیدن به مقصد اعلی تلاش نمودن

آغاز این بررسیها مربوط به سال 1398 هجری قمری و در دوران طاغوت بود که مطالب با استماع رادیوهای مختلف و اخبار شفاهی و ارتباطات مؤمنان مبارز داخل و خارج ایران (از افغانستان و پاکستان و هندوستان تا خلیج و عراق و لبنان و اروپا و آمریکا) بدست می آمد و بطور شفاهی در جلسات همراهان تبادل می کردید، بعد از بیروزی انقلاب اسلامی و شروع دوران یاقوت، امکانات جمهوری اسلامی و بولتنهای محرمانه و رسمی افزون بر رسانه های عمومی هم به بشتوانه این بررسیها افزوده شد، سپس با آمدن اینترنت و وسعت کستره بررسیها و امکان ارسال ایمیل این بررسیها برای برخی از اهل مطالعه تبادل مطالعاتی انجام می شد،

تا به امروز، که این برنامه چهل ساله شده است، والحمدلله رب العالمین همچنانکه در عناوین و توضیحات آمده است؛ هدف آگاهی از احوال زمان و انجام مسؤولیت در برابر آن بوده است، و عدم محاصره خبری و تسلط جو رسانه ای توسط جریانهای خاص؛ و اطلاع هرچه وسیعتر و فارغ از ایزوله حزبی یا حکومتی می باشد. همانطور که اشاره شده نقل و مطالعه برخی گزارشها خصوصا از منابع غیر خودی و با ادبیات خودشان؛ صرفا برای احاطه کافی بر نبض جریانها و فارغ از دسته بندیها می باشد.

فرستادن گزارشی علامت تایید کلیات چه برسد جزئیات آن یا تعبیرات آن نیست، و صرفا جهت اطلاع از فضا و محیط می باشد، فرصتی هم برای تصحیح یا بازنویسی متن آنها یا تعلیقه نویسی بر همه گزارشها و همه فقرات آن نیست، ارسال مطالب صرفا برای بررسی و آگاهی و تأمل و تفکر و شناخت محیط و افراد و امکانات و موانع و انگیزه کافی جهت تلاش برانمقصد اعلی است،

اگر می بینید که رویکرد مناسب فوق را نداشته از ما بخواهید تا برایتان دیگر ارسال نکنیم و مطالب آنرا برای دیگری که به غیر مقصود برداشت می کند نقل نکرده و ارسال هم نکنید (وتعیهها اذن واعیه).

کسانی که این گزارشها را بررسی می کنند؛ از افتادن به دسته بندیها برهیز کنند و بر محور تعالیم الهی:

- 1- ابتدا اجتناب از طاغوت و عبادت و پیروی و التزام به آن کنند.
- 2- توجه عمیق و با تمام وجود به درگاه و مسیر الهی بنمایند.
- 3- در بررسیها هرچه بیشتر بشنوند و بخوانند، و بهترینش را که در چهارچوب تعالیم مکتب وحی است پیروی کنند.

اگر مناسب دیدند مطلبی را در اختیار کسی بگذارند، رعایت ظرفیت طرف مقابل و عدم سوء برداشت او را بنموده، و مطلب را بدون انتساب به کسی یا شخصی یا مرکزی یا عنوانی در اختیارش بگذارند؛

15 سوال

1439

استعفای امامجمعه در خطبه‌های نماز عید فطر به علت نیاز والدینش به او



امامجمعه شهرستان نظرآباد در جمع نمازگزارانی که برای اقامه نماز عیدفطر آمده بودند، استعفا داد. به گزارش شفقنا به نقل از مهر، حجت‌الاسلام جعفر محسن زاده در خطبه‌ی نماز عید فطر در جمع نمازگزاران استعفا داد.

امامجمعه نظرآباد دلیل استعفای خود را کهولت سن والدین خود و نیاز آنها به وی اعلام کرد. حجت‌الاسلام محسن زاده ابراز امیدواری کرد و گفت: امیدوارم در سنگر دیگری توفیق خدمت به مردم و نظام را داشته باشم.

اخبار محور مقاومت

پالس روسیه به ایران / نیوزویک: پس از حمله ی اسرائیل به
یک موضع ایرانی در دمشق، روسیه به توافق آتش بس با
آمریکا پایان داد!!!

پایگاه نیروی هوایی ارتش روسیه در سوریه اعلام کرد که به توافق آتش بس با امریکا و اردن در جنوب غربی اردن پایان می دهد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



نیوزویک می گوید ارتش روسیه به دلیل حمله ی گزارش شده ی اسرائیل به یک موضع ایرانی در دمشق، به توافق آتش بس با آمریکا پایان داده است.

به گزارش «انتخاب»؛ پایگاه نیروی هوایی ارتش روسیه در سوریه اعلام کرد که به توافق آتش بس با امریکا و اردن در جنوب غربی اردن پایان می دهد.

پایگاه حمیم یکی از پایگاه های اصلی ارتش روسیه در در سوریه به حساب می آید. هواپیماهای روسیه روز دوشنبه به موضعی در جنوب غربی در درعا حمله کردند.

پایگاه ارتش روسیه در حمیم اعلام کرد: پایان دوره ی کاهش تنش ها در جنوب سوریه پس از نقض آن توسط گروه های مسلح مخالف دولت سوریه اتفاق افتاد. البته این توافق همچنان در ادلب بر سر جای خود باقی است.

فریاد الأمان افسران اسرائیلی از کلاهی که روسیه بر سر اسرائیل گذاشته و با تظاهر به همراهی با اسرائیل اما ایرانیها بالباس ارتش سوریه به مرزهای اسرائیل می رسند

معامله اسرائیلی و روسیه ناکام مانده سوریه به بمباران سوریه، حضور ایران / حزب الله است



حرکت های سوریه در جنوب غربی این هفته پس از ناکامی روسیه برای مسکو امیدوار بود که نیروهای شورشی سوری در دفاع از این دو منطقه اسلحه خود را بازسازی کنند و به ارتش بشار اسد بروند. منابع نظامی اف.بی.سی گزارش دادند که دولت نتانیاهو طرح روسیه را تحریم کرده است - به ویژه برای عدم اعتماد، متأسفانه که سوری ها را فریب می دهد و اجازه می دهد حزب الله به مرز خود برسد. ماه گذشته، تلاش شد تا اسرائیل را پس از رضایت خود از یک برنامه پیشین روسیه برای انتقال بی تی جین به سرزمین هرمان به سوریه، با فراهم کردن نیروهای حزب الله با نیروهای ارتش سوریه در چهار ماه دوم، ترغیب کند.

همان فریب در حال حاضر در مناطق جنوب غربی دره و قونیترا تمرین می شود. ماشین های تبلیغاتی روسیه و سوریه ادعا می کنند که شبه نظامیان حزب الله و شبه نظامیان طرفدار ایرانی از مناطق مرزی اسرائیل و اردن خارج می شوند، در واقع آنها پس از پوشیدن لباس های ارتش سوریه حرکت نمی کنند. روس ها از خروج ایران سخن نمی گویند، زیرا مسکو وانمود می کند که آنها وجود ندارد، در واقع یک مرکز فرماندهی ایران در آن بخش از سوریه کاملاً عملیاتی است.

اظهارات سفیر روسیه در بیروت، الکساندر زسیپکین و رسانه های رسانه های حزب الله، به ناراحتی در اورشلیم درباره اهداف مسکو در سوریه افزوده است. وی چند روز پیش اعلام کرد: "ما می گوئیم ارتش سوریه با پشتیبانی نیروهای روسی اکنون زمین خود را در جنوب و بازگرداندن اقتدار دولت سوریه بازسازی می کند."

براساس منابع اطلاعاتی ما، اورشلیم تلاش کرد تا بفهمد که واقعا چه اتفاقی می افتد. آیا سفیر روسیه شامل سربازان حزب الله در نظرسنجی خود به عنوان سربازان و افسران سوریه پنهان شده است؟ هیچ پاسخی از مسکو دریافت نشد.

دولت نتانیاهو و دولت ترامپ در حال تعامل دقیق با رویدادهای جنوب سوریه هستند، زیرا روس ها در حال تلاش برای فروش همان در حالی که اسرائیل لابی کرد تا حمایت خود را از گروه های شورشی سوری که دارای قونیترا هستند برگرداند، روس ها از رضایت ایالات متحده برای رهایی شورشیان ارتش آزاد سوریه که مرز اردن را در مرز اردن دنبال می کنند، این امتیاز موجب واکنش زنجیره ای خواهد شد و ایالات متحده را مجبور به ترک پاسگاه اصلی خود در الطائف در مرز بین سوریه، اردن و عراق می کند.

در پاسخ به اختلافات و خطرات روسیه، اداره ترامپ در روز پنج شنبه، 21 ژوئن، به شدت به مسکو و دمشق هشدار داد که جنبش های ارتش سوریه در جنوب غربی "پیامدهای جدی" داشته باشد، زیرا آنها موافقتنامه ترامپ-پوتین را در ماه ژوئیه 2017 در هامبورگ نقض می کنند برای راه اندازی مناطق تخریب در مناطق دره و قونیترا.

منابع نظامی اف.بی.سی گزارش می دهند که هشدار آمریکا و رد اسرائیل از معامله روسیه تأثیر اولیه ای را برای جلوگیری از پیشرفت نیروهای سوریه سرزمین های اشغالی را سرکوب می کنند و روز جمعه دو یا سه هلیکوپتر برای رها کردن بمب ها ارسال می کنند اما در غیر این صورت ایستاده اند. با این حال، بیش از نیمی از نیروهای مبارزه با اسد در جنوب غربی آماده برای یک توهین عمومی

هستند که او قول داده است تا منطقه را ببرد و در هر لحظه ممکن است راه اندازی کند. دشوار است که چگونه اسرائیل و ایالات متحده واکنش نشان دهند.

متن اصلی خبر در سایت افسران امنیتی اسرائیل

<https://www.debka.com/failed-israeli-russian-deal-opens-sw-syria-to-syrian-bo/mbardment-iranian-hizballah-presence>

وزیر خارجه آمریکا: دولت سوریه در جریان جنگ هفت ساله سوریه بسیار موفق عمل کرده است



وزیر خارجه آمریکا در نشستی در مجلس سنا گفت هفته آینده با همتایانش درباره ایران رایزنی خواهد کرد. به گزارش گروه مانیتورینگ بین الملل **خبرگزاری فارس**، «مایک پامپئو»، وزیر خارجه آمریکا در نشستی در مجلس سنا بار دیگر درباره ایران اظهار نظر کرد. وزیر خارجه آمریکا در این نشست گفت هفته آینده در بروکسل با همتایانش دیدار خواهد کرد تا با آنها در خصوص راهی در خصوص ایران، رایزنی کند.

وزیر خارجه آمریکا درباره سیاست دولت ترامپ درباره عراق هم گفت: «ما اوضاع را به دقت تحت نظر داشته ایم. سفیر ما در آنجا، همزمان با برگزاری انتخابات، اوضاع را به دقت تحت نظر داشت و تلاش های ما در زمینه تشکیل دولت آغاز شده است تا دولتی در عراق ایجاد شود که یک دولت اتحاد ملی عراق، با کمترین تأثیرپذیری ممکن از ایران است.» «پامپئو» در بخش دیگری از اظهاراتش اضافه کرد که دولت آمریکا می تواند از نفوذ ایران در عراق بکاهد و مدعی شد که این چیزی است که مردم عراق هم خواهان آن هستند.

وزیر خارجه آمریکا گفت در صورتی که روس ها بتوانند ایران را از سوریه خارج کنند، آن را تحسین می کند. **وی در بخش دیگری از اظهاراتش گفت که دولت بشار اسد، رئیس جمهور سوریه در جریان جنگ هفت ساله سوریه «بسیار موفق» عمل کرده است.**

پامپئو به سوال یک سناتور درباره اینکه آیا دولت آمریکا می تواند با حضور ایران و بشار اسد در سوریه به پیشرفت هایی برای حل بحران این کشور پیدا کند، پاسخ منفی داد و پس از آن گفت: «رژیم اسد، در مورد آنچه در جریان این جنگ هفت ساله پیش آمده بسیار موفق بوده اما از نقطه نظر آمریکا، به نظرم می رسد که ایران بزرگترین تهدید [در سوریه] به شمار می رود و ما بایستی روی این موضوع تمرکز کنیم.»

وی همچنین گفت: «ما در جایگاهی نیستیم که از اهرم فشار کافی برخوردار باشیم تا بتوانیم به یک نتیجه سیاسی [درباره سوریه] برسیم که در راستای منافع ایالات متحده و دنیا باشد.»

وزیر خارجه آمریکا با بیان اینکه به دنبال افزایش فشار علیه ایران است گفت با متحدان آمریکا در این خصوص همکاری خواهد کرد. وی گفت به دنبال آن است که ایران به یک «کشور نرمال» تبدیل شود.

نماینده مجلس ایران: پوتین و اسد ما را قربانی می کنند

بهروز بنیادی، نماینده مردم کاشمر در مجلس شورای اسلامی، درباره آنچه خطر «انحطاط» ایران خوانده، هشدار داده و ضمن انتقاد از نزدیکی روسیه و سوریه گفته است که این دو کشور ایران را «قربانی» می کنند.

بهروز بنیادی در یک **نطق علنی در صحن مجلس** از نزدیکی روسیه و سوریه انتقاد کرده و گفته است: «امروز شاهد این هستیم که با تمام وقاحت (بشار) اسد (رئیس جمهور سوریه) وزنه همنوایی خود با (ولادیمیر) پوتین (رئیس جمهور روسیه) را سنگین تر کرده و حتی حضور شهیدان مدافع حرم را در سوریه کمرنگ و بعضاً کتمان می کند.»

آقای بنیادی افزود: «دور نیست که این دو مهره سیاسی، ما را در راه منافع خود و بزودی برای (بنیامین) نتانیاهو (نخست وزیر اسرائیل) و (دونالد) ترامپ (رئیس جمهور آمریکا) قربانی کنند.»

او گفت: «بخش زیادی از واردات کشور و خروج ارز فقط تحمیل قدرت هایی نظیر چین و روسیه است. ماحصل این معادله برد-باخت، افزایش فقر و فلاکت و بی اعتمادی در بین مردم است. می طلبد که حلقه تفکر اول کشور از نظامی به اقتصادی سیاسی تغییر نماید تا در سیاست خارجی برد برد معنا یابد.»

وی افزود: "اختلاس، رانت‌خواری، فساد اداری، فقر، آقازدگی، فحشا، ریا، دروغ، کودک‌آزاری، همسر‌آزاری، تجاوز در مدرسه و کلاس قرآن، کلیه فروشی و ده‌ها مورد شرم‌آور دیگر در مخیله مردم و مسئولان در ابتدای انقلاب نمی‌گنجید". آقای بنیادی گفت: "دانشجو، وکیل، معلم و کارگر عامل دشمن معرفی شده در حالی که در قرن ۲۱ و با پیشرفت فرضیه‌های مدیریت، عدم پذیرش انتقاد و عاری دانستن یک تفکر از خطا و اشتباه برای سال‌های متمادی از سوی هیچ عقل سلیمی پذیرفتنی نیست، به گونه‌ای که تاریخ نشان داده که این مسیر هر حکومتی را به خودکامگی و فساد رهنمون کرده و در سرآشویی انحطاط قرار داده است".

از طرف دیگر، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، روز چهارشنبه حکومت جمهوری اسلامی را به ائتلاف منابع ایران در سوریه و یمن متهم کرد.

او در حساب کاربری خود در شبکه توئیتر نوشت: "حکومت فاسد ایران منابع این کشور را بر سر اسد، حزب الله، حماس و حوثی‌ها تلف می‌کند، در حالی که مردم ایران دچار مضيقه هستند".

وی افزود: "این نباید مایه تعجب باشد که اعتراضات ایران ادامه پیدا بکند. مردم از فساد، بی‌عدالتی و بی‌کفایتی رهبران‌شان خسته شده‌اند. دنیا صدای آنها را می‌شنود".

۴۰ سال را با تمام مشکلات تحمل کرده‌اند

بهروز بنیادی در نطق کم‌سابقه خود تاکید کرد که "تا دیر نشده با همدلی و شنیدن صدای مظلومیت مردم که نجیب و باشرافت به همه مسئولان فرصت داده‌اند و ۴۰ سال را با تمام مشکلات تحمل کرده‌اند، باید در مسیر رفاه به امنیت فکری این دنیای آنها قدم برداشت".

نطق میان‌دستور این نماینده مجلس در شرایطی انجام شد که به دنبال هفته‌ها بحران ارزی، بازار برخی شهرها از جمله تهران متلاطم است و برخی بازاریان کسب و کار خود را به دلیل شرایط نامعلوم اقتصادی متوقف کرده‌اند.

این نماینده مجلس ایران "افزایش فضای امنیتی، برخوردهای فراقانونی، عدم تحمل معترضان و ورود به حریم خصوصی شهروندان" را "نخستین زنگ خطر مسیر انحطاط" خواند و خطاب به مقام‌های نظام جمهوری اسلامی گفت: "تا دیر نشده با همدلی و شنیدن صدای مظلومیت مردم که نجیب و باشرافت به همه مسئولان فرصت داده‌اند و ۴۰ سال را با تمام مشکلات تحمل کرده‌اند، باید در مسیر رفاه به امنیت فکری این دنیای آنها قدم برداشته و تنها به وعده پاداش و ثواب اخروی بسنده نکنید".

بهروز بنیادی گفت: "کشوری که سالیانه نیاز به سرمایه‌گذاری ۶۰ میلیاردی دارد چرا باید به جای اولویت هزینه کردن در مسیر منافع ملی و ریشه‌کنی فقر و بیکاری و گرسنگی، ثروت ملی را بدون کسب منافع اقتصادی ثانویه در سایر نقاط جهان به راحتی هزینه نماییم چرا باید همیشه در بیم جنگ، تحریم و دلهره اخبار ناگوار زندگی کنیم؟"

او افزود: "بعضی با خطاهای بی‌شمار در مصونیت کامل قرار دارند و دیگران با همه محبوبیت ملی و نجابت و سیادت به گونه‌ای در حصر و ممنوع‌التصویری و مردم‌نظاره‌گر این رفتار سراسر کینه و حسد".

اشاره آقای بنیادی به بیش از ۷ سال حصر خانگی میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی و محدودیت‌های شدید برای محمد خاتمی است.

اظهارات بهروز بنیادی در مجلس با درخواست روسای کمیسیون‌های برنامه و بودجه و اقتصادی مجلس برای تغییر تیم اقتصادی دولت حسن روحانی همزمان شده است.

ورود انتقاد از روسیه به "حوزه قدسی" سیاست خارجی ایران

سیاست‌های نفتی روسیه و اقدامات این کشور در سوریه بار دیگر بحث "نگاه به شرق" را داغ کرده است. رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس خواستار "بازبینی" سیاست خارجی جمهوری اسلامی شده است. به گفته او ایران بارها "بازیچه" روسیه شده است.

بحث "نگاه به شرق" و به‌خصوص تکیه جمهوری اسلامی به روسیه برای گریز از پیامدهای احتمالی تحریم‌های آمریکا علیه ایران، به‌ویژه پس از اجلاس اخیر اوپک و نیز رایزنی‌های مسکو و تل‌آویو درباره سوریه، بار دیگر در فضای سیاسی و رسانه‌ای ایران بالا گرفته است.

روسیه که بسیاری از اصول‌گرایان به حمایت‌های او از جمهوری اسلامی چشم دوخته‌اند، در جریان بحث‌های اخیر کشورهای صادرکننده نفت، در برابر ایران و در کنار عربستان سعودی، از افزایش تولید نفت حمایت کرد. به گزارش شبکه خبری "راشا تودی"، طبق توافق اوپک و کشورهای غیر عضو صادرکننده

نفت قرار است که آنها به رغم مخالفت ایران، روزانه یک میلیون بشکه دیگر به بازار عرضه کنند. همچنین گزارش شده است که روسیه بر افزایش تولید یکونیم میلیون بشکه نفت اضافه در روز اصرار دارد. این در حالی است که ایران به عنوان سومین تولیدکننده بزرگ اوپک با چنین تصمیمی، به خاطر ناتوانی در افزایش تولید نفت در زمان تحریم‌ها، مخالف است. جمهوری اسلامی عملاً در شرایط تحریم امکان سود بردن از افزایش تولید را نخواهد داشت. با وجود این، جمهوری اسلامی در نشست جمعه گذشته سازمان کشورهای صادرکننده نفت، با "افزایش محدود" تولید موافقت کرد، اما در عین حال از اوپک خواست تا در برابر تحریم‌های آمریکا علیه ایران موضع‌گیری کند.

رفتار روسیه با "دست عسلی ایران"

در چنین شرایطی شبکه تلویزیونی "سی‌ان‌بی‌سی" گزارش داده است که آمریکا می‌تواند از مسکو بخواهد تا در راستای همراهی با واشنگتن برای وضع تحریم‌های جدید علیه ایران و در جهت جلوگیری از کمبود عرضه جهانی نفت، تولید خود را افزایش دهد. البته وزیر انرژی آمریکا دوشنبه گذشته گفته بود که توافق با مسکو ممکن است "کمی کمتر" از میزانی باشد که برای جلوگیری از کمبود ناشی از تحریم ایران لازم است. "روسیه دست آغشته به عسل ایران را گاز می‌گیرد" عنوان معنادار این خبر در سایت "تابناک" در روز گذشته (سه‌شنبه ۵ تیر / ۲۶ ژوئن) شده بود.

بایستی بر سیاست‌های اخیر نفتی روسیه، رفتار این کشور در برابر حضور ایران در سوریه را نیز افزود. در این میان نه تنها در راستای "مدیریت" حضور جمهوری اسلامی در سوریه، خبرهایی از نهایه شدن "توافق" مسکو و تل‌آویو بر سر دور کردن نیروهای ایرانی از مرز سوریه و اسرائیل منتشر شد، بلکه روسیه به صراحت از لزوم خروج تمامی نیروهای خارجی، از جمله ایران و متحدانش، از خاک سوریه سخن گفت.

در واکنش به همین "رفتارهای اخیر" روسیه بود که غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده مجلس ایران، روز گذشته گفت: «ما کدهای بسیاری داریم که روسیه در موارد متعدد ایران را جا گذاشته است. آنها به اصطلاح خودشان به دنبال منافع ملی‌شان هستند». این اصول‌گرای میانه‌رو ضمن اشاره به لزوم "هوشمندی" مسئولان و دل نبستن آنها به حمایت‌های روسیه، خواستار قرار دادن منافع ملی ایران "در صدر همه موارد"، حتی در صورت ناهمخوانی آن با منافع روسیه شد.

این نماینده حامی دولت همچنین افزود: «نکته اینجاست که روسیه هیچ‌وقت در محافل بین‌المللی و صحنه‌های حساس برخلاف اظهارات برخی افراد و به اصطلاح تعارف‌های آنان، امتحان خوبی پس نداده است». ادامه سخنان جعفرزاده ایمن‌آبادی تأیید تلویحی رابطه نابرابر جمهوری اسلامی با روسیه است: «من نمی‌دانم چرا برخی از گفتن این حرف و حقایق امتناع می‌کنند، اما نکته اینجاست که ما باید به روس‌ها گوشزد کنیم که اگر همسایه خوبی برای آنها هستیم، این خوبی باید به صورت متقابل و دوطرفه باشد نه روابط یک‌طرفه و یک‌سویه».

گسترش "حوزه قدسی" سیاست خارجی

مواضع رئیس جدید کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران صراحتی از این هم بیشتر داشت. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه که پس از ۱۴ سال ریاست علاءالدین بروجردی بر این کمیسیون، یکشنبه گذشته جای او را گرفت، هم‌زمان با این جابه‌جایی به تفصیل رابطه تهران و مسکو و "سیاست‌های منفعت‌طلبانه" روسیه در قبال ایران را مورد انتقاد قرار داد. فلاحت‌پیشه که از اصول‌گرایان حامی دولت روحانی است، در دوره‌های هفتم، هشتم و دهم نیز عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس بوده است.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه: بارها ایرانی‌ها بازیچه سیاست‌های منفعت‌محور روسیه قرار گرفته‌اند

این سیاستمدار اصول‌گرا در گفت‌وگو با ایسنا ضمن اشاره به اینکه "بارها ایرانی‌ها بازیچه سیاست‌های منفعت‌محور روسیه قرار گرفته‌اند"، از جمله گفت: «متأسفانه در کشور ما به یکباره حوزه قدسی سیاست خارجی گسترش پیدا کرده که حتی نمی‌توان از سوریه و روسیه انتقاد کرد». او در ادامه با اشاره به مواضع اخیر مسکو در اوپک، خواستار "بازبینی" در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، به جای "برخورد احساسی علیه روسیه" شد و گفت: «روس‌ها طبق قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل عمل می‌کنند، لذا این ما هستیم که قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل را به گونه‌ای احساسی نادیده می‌گیریم. به طور طبیعی بر اساس این قوانین،

روس‌ها هر جا منافع‌شان اقتضا کند کنار یک کشور قرار می‌گیرند، چون آنها سیاست را امر ژله‌ای دیده و هیچ‌گونه پیوند دائمی با کشورها ندارند».

فلاح‌پیشه با اشاره به تبدیل شدن "روسیه، سوریه و برخی کشورها" به حریم ممنوعه نقد در ایران، افزود: «اگر آنها مورد نقد قرار گیرند ما مورد حمله و هجمه قرار می‌گیریم. بنده بارها به دلیل طرح نگاه واقع‌بینانه، از سوی برخی محافل داخلی مورد تکفیر، تهدید و مقابله قرار گرفتم». به گفته این نماینده اصولگرا «روس‌ها همان بازیگرانی هستند که هفت بار علیه ایران یعنی یک بار در شورای حکام و شش بار در مجامع بین‌المللی احکام ضد ایرانی دادند. در شرایطی که ایران سعی می‌کرد که در فضای بین‌المللی مشکلات‌شان را با دیگران حل کند، روس‌ها همراه با فضای بین‌المللی علیه ما شدند».

"پیام آشکار" روسیه به آمریکا

حشمت‌الله فلاح‌پیشه با اشاره به "سیاست پیچیده" مسکو در منطقه در پی چالش‌های این کشور در کریمه و خارج از مرزهای روسیه، نتیجه گرفته است: «در چنین شرایطی برخی از افراد در ایران سعی می‌کنند به گونه‌ای احساسی روسیه را قدسی و راهبردی نشان دهند. بنده هنوز هم معتقدم در مناسباتی که ایران و روسیه در حوزه‌های مختلف آن‌هم عمدتاً نظامی داشتند، [ایران] دچار اشتباه راهبردی شد که در آینده می‌تواند به ضرر منافع و امنیت ملی کشور تمام شود».

از نظر فلاح‌پیشه موضع مشترک روسیه و عربستان سعودی در اوپک «پیام آشکاری برای آمریکا مبنی بر آمادگی بازیگران برای جایگزینی نفت ایران دارد». فلاح‌پیشه سپس با اشاره به روسیه و اشاره تلویحی به برخی کشورهای دیگر از جمله عراق، سود سالانه‌ی مجموع آنها از بازار نفت در زمان تحریم‌های پیش از سال ۱۳۹۴ را ۲۰ میلیارد دلار "یعنی برابر با ایجاد حداقل دو تا دو و نیم میلیون شغل در ایران" تخمین می‌زند و نتیجه می‌گیرد: «این ایرانی‌ها هستند که باید درکی از نظام بین‌المللی بر اساس بازتعریف از منافع ملی داشته باشند، چون ما برای خیلی از بحران‌های بین‌المللی هزینه می‌دهیم که هیچ اثری بر منافع و امنیت ملی ما ندارد. زمانی خواهد رسید که آنها به ثبات در مناطق‌شان رسیده و ایران را در قلمروی دشمنان خود قرار می‌دهند و حتی در حوزه‌های اقتصادی هم فضایی برای دوستی ایران ایجاد نمی‌کنند».

رئیس جدید کمیسیون امنیت ملی مجلس در نهایت با تأکید بر ضرورت بازبینی "عقلایی راهبردهای سیاست خارجی"، عملاً حل اساسی‌ترین معضل جامعه جهانی با جمهوری اسلامی را راه دستیابی به منافع ملی ایران ارزیابی کرده است: «بدانیم که دنیای امروز دنیای تنش‌زدایی است، هرگاه ما توانستیم تنش‌زدایی کرده و مشکلات خودمان با دنیا و منطقه را حل کنیم کشورها به سمت‌مان آمدند، در مقابل هرگاه به سمت فضای تنش رفتیم کشورها ما را همچون گوشت قربانی دیده و منافع‌مان را بین خودشان تقسیم می‌کنند. لذا باید با توجه به منافع ملی و بدون اتکا به بازیگران غیرقابل اعتماد سیاست‌های خود را پیش ببریم».

توصیه‌های رهبر

علاءالدین بروجردی، رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس ایران، حدود سه ماه پیش در واکنش به "تغییرات کلیدی" در کابینه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، و انتصاب جان بولتون به سمت مشاور ارشد امنیت ملی این کشور، جهت‌گیری به سوی "شرق" را توصیه کرده و گفته بود: «آمریکایی‌ها بنا دارند سیاست‌های تندتری را نسبت به جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کنند و ما باید در مقابل نگاه به شرق به ویژه چین و روسیه را تقویت کنیم».

علی اکبر ولایتی، مشاور رهبر جمهوری اسلامی: روسیه نه می‌تواند و نه بنا دارد که به ایران زور بگوید

علی اکبر ولایتی، مشاور امور بین‌الملل علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، نیز کمتر از یک ماه پیش در واکنش به خروج آمریکا از برجام، خواستار فاصله گرفتن ایران از اروپا و نزدیک شدن به روسیه و چین شده و گفته بود: «روسیه نه می‌تواند و نه بنا دارد که به ایران زور بگوید. با این کشور در خصوص مسائل دفاعی در حال همکاری هستیم و تقریباً هر چه خواستیم کم و بیش به ما داده است».

اندک‌زمانی پس از این اظهارات که با انتقادهای فراوانی همراه شده بود، صالح اسکندری، مشاور رسانه‌ای ولایتی، سخنان او را "تبیین" توصیه‌های رهبر جمهوری اسلامی و تلاش در جهت "بن‌بست‌شکنی" خواند.

"نگاه به شرق" که از آن به عنوان یکی از سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی یاد می‌شود، مرزهای روشنی ندارد؛ گاه مفهومی صرفاً ضد "غرب" داشته و همچون دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد کشورهای آمریکای لاتین را هم شامل می‌شده، گاه از منظری ایدئولوژیک نزدیکی به کشورهای مسلمان‌نشین را در مد نظر داشته و گاه با عزیمت از حوزه تمدنی شرق بیشتر اشاره‌ای بوده است به جهت‌گیری به سوی کشورهای منطقه، همسایگان ایران و دیگر کشورهای آسیایی. اما در عرصه سیاست و اقتصاد در درجه اول این روسیه و چین هستند که نزدیکی با آنها به عنوان "نگاه به شرق" جدی گرفته می‌شود. علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، بارها مقام‌های دولتی ایران را از آنچه آن را "شراکت محدود اقتصادی با چند کشور اروپایی و صرف بلوک غرب" خوانده، نهی کرده است. خامنه‌ای در روز ۲۹ بهمن سال گذشته (۱۳۹۶) گفته بود: «در سیاست خارجی، ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهایی که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویت‌های امروز ما است». پایگاه رسمی اطلاع‌رسانی دفتر رهبر جمهوری اسلامی روز ۳۰ بهمن ماه سال گذشته طی یادداشتی "شش دلیل برای ترجیح شرق بر غرب" را برشمرد. دلایل شش‌گانه مزبور "دسترسی به بازارهای بزرگ"، "توازن تجاری مناسب"، "منافع مشترک بالا"، "اثرگذاری کمتر دشمنان بر حوزه شرق"، "توان تکنولوژیکی و فناوریانه بالا" و "وجود پول‌ها و ارزهای متفاوت و گسترده" در کشورهای شرقی عنوان شده‌اند.

گزارش «رای الیوم» از اوضاع هم پیمانان سوریه؛

جنگ پیام‌های مستقیم بین ایران و روسیه

«حتی اگر تمام جهان جمع شود از سوریه خارج نخواهیم شد، مگر اینکه دولت سوریه چنین درخواستی کند». این پیام ایرانی که از طریق نصرالله مطرح شد، نه تنها پیامی برای اسرائیل و آمریکا، که پیغام واضحی برای روسیه است که خواستار خروج تمام نیروهای خارجه از سوریه شده بود.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

منی صفوان در رای الیوم نوشت: «حتی اگر تمام جهان جمع شود از سوریه خارج نخواهیم شد، مگر اینکه دولت سوریه چنین درخواستی کند». این پیام ایرانی که از طریق نصرالله مطرح شد، نه تنها پیامی برای اسرائیل و آمریکا، که پیغام واضحی برای روسیه است که خواستار خروج تمام نیروهای خارجه از سوریه شده بود.

به گزارش «انتخاب»، این رسانه عرب زبان ادامه داد: در همین زمان، کرملین اعلام کرد که منظور از نیروهای خارجی، ایران و حزب الله است، اما ایران به سرعت پاسخ داد حضور نیروهای ما در سوریه قانونی است. پیامها روشن بود و تکرار آن نشان دهنده عدم تغییر موضع دو طرف. اما آیا این به معنای اختلاف ایرانی روسی است که منافع آنها را در تعارض با یکدیگر قرار می دهد یا تنها اختلاف در مورد شکل تمرکز نیروها در آینده سوریه است؟

دبیر کل حزب الله یک روز پس از صحبت‌های پوتین در این باره، نظر خود را تکرار کرد و این بار پوتین تصریح کرد تا زمانی که نیاز به حضور روسیه باشد، نیروهای روسی هرگز سوریه را ترک نخواهند کرد. و عجیب آنکه اینطور پیامها از طریق رسانه ها علنی شد؛ اینگونه موضع گیریهای روسیه متوجه کدام طرف می تواند باشد جز ایران؟

نکته قابل توجه آنکه اسرائیل چند هفته پیش، از آغاز مذاکراتی مستقیم و سرّی در اردن خبر داده بود، که موضوع اصلی آن، حضور ایران در مرزهای سوریه-ایران است! این در حالی است که یک هفته قبل، نماینده روسیه در شورای امنیت اعلام کرد در مورد خروج نیروهای ایرانی از جنوب سوریه و مرزهای اسرائیل توافق شده است.

در این میان، طرف ایرانی یا حتی سوری اظهار نظری نکردند تا اینکه ولید المعلم بعد از سکوتی طولانی، حضور نیروهای ایران در سوریه را مشروع دانسته و تصریح کرد این آمریکایی ها هستند که باید از سوریه خارج شوند.

در ادامه، اسد اظهار داشت تنها تعدادی مستشار ایران بنابر درخواست دولت سوریه در این کشور حاضر هستند. در این جنگ کلامی-علنی بین دو طرف روسی و ایرانی، سوریه تلاش می کند در لبه محورها ایفای نقش کند، به گونه ای که نه ایران را خشمگین کند و نه با منافع روسیه تعارضی داشته باشد؛ که البته این مأموریتی دشوار برای سوریه است.

صحبت‌های اولیه پوتین در مورد ضرورت خروج ایران از سوریه، در سایه حضور اسد در روسیه و نیز سکوت او مطرح شد و رئیس دولتی بیگانه در حضور اسد در این باره اظهار نظر می کرد که چه کسی در سوریه بماند و چه کسی برود! اسد سه هفته منتظر ماند و پس از آنکه انفجار خشم ایران را مشاهده کرد، به صورتی غیر مستقیم واکنش نشان داد.

این بار هم پیام نصرالله یا بهتر بگوییم پیام ایران کاملاً روشن بود. ایران می داند که ضربات اسرائیل به پایگاههای حزب الله در سوریه با مخالفت روسیه مواجه نشد و حتی ممکن است این حملات با همکاری مسکو انجام شده باشد. اما سوال آن است که آیا حملات مذکور با دمشق نیز هماهنگ شده بود؟ دمشق که نمی تواند به راحتی از حزب الله بخواهد سوریه را ترک کند.

از زمان آغاز بحران سوریه، دو طرف هم پیمان سوریه و ایران (حزب الله) هر یک تلاش می کنند خود را مسلط بر اوضاع نشان دهد و ثابت کند که رهبری معرکه را بر عهده دارد؛ که جنگ رسانه ای بین رسانه های رسمی سوریه و حزب الله نیز در همین چارچوب قرار می گیرد. در این میان، رسانه های ایرانی سعی داشتند اینطور وانمود کنند که این نیروهای ایران و حزب الله هستند که نبرد سوریه را رهبری می کنند و پشت آنها، ارتش سوریه قرار دارد؛ آنچه که رهبری سوریه را خشمگین می کرد.

در بسیاری موارد پس از آزادسازی مناطق مختلف سوریه از دست تروریستها، وزارت اطلاعات سوریه تنها به شبکه های سوری اجازه پوشش اخبار را می داد، و مانع ورود شبکه های ایرانی به منطقه می شد، تا صدارت و اولویت با سوریه ای ها باشد.

رقابت رسانه ای مخفی بین رهبری سوریه و حزب الله و ایران که خیلی علنی نشد، در واقع نبردی بر سر سیادت بود نه اختلاف در خصوص اهداف؛ در حقیقت هیچ اختلاف نظر واقعی بین سوریه و ایران نیست، بویژه آنکه هر دو دشمن واحدی دارند.

سوریه همانطور که به روسیه نیاز دارد، به ایران هم محتاج است؛ اما به نفع دمشق نیست که حضور ایران در خاک سوریه قوی شود، نه ایران و نه هیچ دولت دیگری.

با این وجود، سوریه نمی تواند از ایران بخواهد پس از پایان جنگ این کشور را ترک کند؛ چرا که این مساله به معنای نبردی جدید بین ایران و اسرائیل در میدان سوریه است؛ این امری است که دمشق قصد ورود به آن را ندارد.

سوریه پس از شکستی که در اکتوبر 1973 از سوی اسرائیل متحمل شد و منجر به از دست دادن جولان گردید، وارد هیچ نبرد مستقیمی با اسرائیل نشده است- با اینکه جزئی از محور مقاومت است.

اما نظر ایران در این باره متفاوت بوده و مصلحت آن ماندن در سوریه است، از این جهت که این مساله جایگاه مهمی را درخصوص اسرائیل فراهم می کند، می تواند به این وسیله در مرزهای اسرائیل مستقر شده و مساحت مانور بیشتری برای مبارزه با آن داشته باشد.

در این بین، روسیه نمی خواهد انفجار بین ایران و اسرائیل اتفاق بیفتد و مانند پلیس تامین امنیت منطقه، سعی در دست گرفتن زمام امور و نخ های بازی و روابط را دارد و به دنبال آن است که باب هماهنگی نظامی با همه طرفها را بگشاید؛ به اسرائیل اجازه ضرباتی محدود به پایگاههای ایران را می دهد، در حالی که خطوط قرمز ایران را می داند و اجازه نمی دهد اسرائیل از آن تجاوز کند. و از سوی دیگر در صورتی که اسرائیل از خطوط قرمز ایران تجاوز کند، روسیه با پاسخ حزب الله به آن، موافقت می کند.

روسیه به دنبال آن است که اوضاع را آرام کند تا بتواند منافع خود را در آن مدیریت کرده و منطقه را اداره کند. می توان گفت صحبت های پوتین در اواسط ماه می در سوچی مبنی بر خروج نیروهای خارجی از سوریه و سکوت اسد در این باره، نشان دهنده موافقت وی با این مساله است. بویژه آنکه رئیس جمهور سوریه موافق منافع روسیه در منطقه است، پس از آنکه پایگاههای نظامی تازه ای در حمیمیم و طرطوس ایجاد کرده است.

با اینکه اسد از عدم وجود نیروهای ایرانی صحبت کرده است، اما از حضور آنها نیز دفاعی نمی کند و تنها منکر وجود این نیروها شده؛ ضمن اینکه با سخنان پوتین و کرملین مخالفتی نکرده است.

روز قدس روزی است که محور ایران پیامهای سیاسی خود را با راهپیمایی های گسترده به اسرائیل می رساند و شاید این بار پیام ایران متوجه روسها شود؛ اما آیا می توان گفت که ایران اقدامات روسیه را در خدمت منافع اسرائیل می داند و این علت اصلی اختلافات بین تهران و مسکو است؟

مترجم: مریم نصرالهی

خطیبی نماینده پیشین ایران در اوپک در گفت و گو با «انتخاب» پاسخ داد؛

آیا روس ها واقعا در بحث نفت با سعودی ها علیه تهران به توافق رسیده بودند؟ / با سقوط قیمت نفت، روسیه هم از نفت ضرر می کند هم از گاز؛ ملاحظه قیمتی آنها دو برابر ماست / اگر عربستان باعث سقوط قیمت نفت شود، روسیه در مقابل آن می ایستد

محمدعلی خطیبی، نماینده پیشین ایران در اوپک می گوید: روسیه یکی از بزرگترین تولیدکنندگان گاز است و چون گاز خود را بر اساس قیمت نفت، قیمت گذاری می کند، با سقوط قیمت نفت، هم از نفت ضرر می کند هم از گاز؛ بنابراین ملاحظه قیمتی روسیه دو برابر ماست.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



محمدعلی خطیبی، نماینده پیشین ایران در اوپک می گوید: روسیه یکی از بزرگترین تولیدکنندگان گاز است و چون گاز خود را بر اساس قیمت نفت، قیمت گذاری می کند، با سقوط قیمت نفت، هم از نفت ضرر می کند هم از گاز؛ بنابراین ملاحظه قیمتی روسیه دو برابر ماست.

خطیبی در گفت و گو با خبرنگار «انتخاب»، درباره نشست اخیر اوپک در وین گفت: در جلسه ای که تشکیل شد دو نظر وجود داشت. یکی اینکه عربستان و چند کشور دیگر معتقد بودند باید یک میلیون بشکه باید به عرضه اوپک اضافه شود و نظر دیگر این بود که همین وضعیت تا آخر سال ادامه یابد. نظر ایران و چند کشور دیگر هم این بود که تغییری در تولید داده نشود.

او ادامه داد: چون هر یک از این دو گروه باید اجماع را به دست می آوردند، هیچ یک موفق نشدند نظرشان را به کرسی بنشانند. در این بین یک پیشنهاد مطرح شد که حالا که اوپک در حال اعمال کاهش عرضه است، این کاهش اکنون به جای ۱۰۰ درصد ۱۵۰ درصد اعمال می شود، یعنی بیش از آن چیزی که باید کاهش می داد، کاهش می یابد. این موضوع به دلیل برخی مشکلاتی است که تعدادی از کشورها دارند و نمی توانند به اندازه سهمیه خود تولید کنند.

این کارشناس نفت و انرژی افزود: در نهایت اجازه داده شد که کاهش ۱۵۰ درصدی به ۱۰۰ درصد برسد یعنی ۵۰ درصد فضا برای افزایش تولید ایجاد شد. یعنی می توان گفت: افزایش سقف و سهمیه صورت نگرفته، اما فضا برای افزایش ۵۰۰ یا ۶۰۰ هزار بشکه فراهم شده است. این نظر یک نظر بینابینی بود که مورد توافق قرار گرفت.

او درباره نقش روسیه در تصمیم گیری های اینچنینی اظهار داشت: روسیه هیچ وقت مایل نبود عضو اوپک شود. بارها از این کشور خواسته شده، اما آن ها ابراز تمایل نکرده اند. اما زمانی که قیمت ها سقوط می کند، چون آن ها هم ضرر می کنند مایلند با اوپک همکاری کنند. ولی نمی توان این طور تلقی کرد که روسیه مایل به عضویت در اوپک است. من بعید می دانم عضو اوپک شود، ولی مایل به همکاری است و فکر می کنم تمایل دارد تا همین حالت را ادامه دهد.

خطیبی درباره اینکه گفته می شود روسیه در نشست مذکور به ایران رکب زد و فضا را برای تحریم های آمریکا هموار کرد، گفت: روسیه با ایران توافق نکرده بود که بخواهد آن را به هم بزند. توافق روسیه با اوپک بود. یعنی وعده داده بود که مقداری از این ۱.۸ میلیون بشکه را روسیه کاهش بدهد. یعنی قرار بود ۱.۲ میلیون بشکه را اوپک کاهش دهد و مابقی را روسیه و چند کشور غیر عضو اوپک که عمده آن مقدار را روسیه کاهش داد.

او ادامه داد: روسیه، چون تولید خود را کاهش داده بود، مایل بود آن کاهش را برگرداند. از این نظر، روسیه مایل است با صد در صد ظرفیت خود تولید کند، ولی به شدت ملاحظه قیمت دارد. یعنی به هیچ مایل نیست این افزایش تولید باعث کاهش قیمت شود. می‌خواهد با حفظ همین قیمت‌های فعلی، تولید خود را افزایش دهد.

خطیبی افزود: ملاحظه اصلی روسیه روی بحث قیمت است، ولی اگر احساس کند، افزایش تولید عربستان یا چند کشور دیگر باعث سقوط قیمت شود، روسیه با این قضیه موافق نخواهد بود، چون به شدت ضرر می‌کند.

او در پاسخ به این سوال که منظور شما این است که اگر آمریکا بخواهد با همکاری سعودی قیمت نفت را کاهش دهد، روسیه جلوی این کار خواهد ایستاد؟، گفت: بله، ملاحظه اصلی روسیه قیمت است. آمریکا می‌خواهد با کاهش قیمت ها، اقتصاد روسیه را تضعیف کند. روسیه روزانه ۱۱ میلیون بشکه تولید می‌کند و حدود ۵ یا ۶ میلیون بشکه صادر می‌کند. اما موضوع اصلی گاز است. روسیه یکی از بزرگترین تولیدکنندگان گاز است و چون گاز خود را بر اساس قیمت نفت، قیمت گذاری می‌کند، با سقوط قیمت نفت، هم از نفت ضرر می‌کند هم از گاز؛ بنابراین ملاحظه قیمتی روسیه دو برابر ماست. روسیه معتقد است با حفظ همین قیمت ها، می‌توان حدود یک میلیون بشکه به عرضه، اضافه کرد.

اندیشکده آمریکایی اذعان کرد:

قدرت اطلاعاتی ایران مانع «رقص شمشیر» آمریکاست/ هکرهای ایرانی توان نفوذ در سیستم‌های آمریکایی را دارند

اندیشکده «رَند» می‌نویسد: قدرت ایران در محیط اطلاعاتی به عنوان بازدارنده‌ای قوی، غرب و آمریکا را وادار کرده تا پیش از «رقص شمشیر» مقابل تهران، عواقب این کار را با دقت بسنجند.

سرویس جنگ نرم مشرق - امروزه جنگ نرم و نبرد اطلاعاتی یکی از ارکان اصلی قدرت هر کشوری محسوب می‌شود و بر خلاف گذشته که حکومت‌ها برای کشورگشایی به حمله نظامی روی می‌آوردند، اکنون دولت‌ها و حتی بازیگران غیردولتی برای مرزنوردی اقدام به انجام عملیات‌های اطلاعاتی می‌کنند. جنگ نرم نسبت به جنگ نظامی به مراتب کم‌هزینه‌تر و در عین حال مؤثرتر است و همین مسئله موجب شده تا قدرت‌های بزرگ برای پیش‌برد اهدافشان بیش‌تر به سوی جنگ غیرنظامی سوق پیدا کنند.

اندیشکده‌های آمریکایی تا کنون بارها و بارها گزارش‌های مفصلی را درباره ظرفیت‌های دوستان و دشمنان آمریکا در جنگ نرم نوشته‌اند. یکی از آخرین گزارش‌ها در این باره، گزارش ۳۰۰ صفحه‌ای اندیشکده شناخته‌شده و تأثیرگذار «رَند» وابسته به دولت آمریکاست. این اندیشکده در گزارشی با عنوان «درس‌هایی از دیگران برای عملیات‌های آینده ارتش آمریکا درون و از طریق محیط اطلاعاتی [۱]»، عملیات‌های اطلاعاتی دوازده بازیگر غیردولتی را بررسی و از آن‌ها درس‌هایی را برای ارتش آمریکا استخراج می‌کند. این دوازده بازیگر عبارتند از: چهار متحد (رژیم صهیونیستی، ناتو، کانادا و آلمان)، چهار بازیگر مهم دولتی (چین، کره شمالی، ایران و روسیه) و چهار بازیگر مهم غیردولتی (حزب‌الله، القاعده، داعش و سازمان‌های مکزیکی قاچاق مواد مخدر). آنچه در ادامه می‌آید خلاصه‌ای از نکات مهم گزارش رَند درباره عملیات‌های اطلاعاتی ایران و حزب‌الله است.

Lessons from Others for Future U.S. Army Operations in and Through the Information Environment

CASE STUDIES

Christopher Paul, Colin P. Clarke, Michael Schwille, Jakub P. Hlávka,
Michael A. Brown, Steven S. Davenport, Isaac R. Porche III, Joel Harding



برای خواندن متن کامل گزارش، روی تصویر بالا یا همین نوشته کلیک کنید

لازم به ذکر است که **مشرق** صرفاً جهت اطلاع نخبگان و تصمیم‌گیران عرصه سیاسی کشور از رویکردها و دیدگاه‌های اندیشکده‌های غربی این گزارش را منتشر می‌کند و دیدگاه‌ها، ادعاها و القانات این گزارش لزوماً مورد تأیید **مشرق** نیست.

ضعف ارتش آمریکا در محیط اطلاعاتی

اندیشکده رند پیش‌گفتار گزارش خود را با این جمله آغاز می‌کند: «امروزه محیط اطلاعاتی برای [دستیابی به] نتایج عملیات‌های نظامی، پیچیده‌تر، گسترده‌تر، فراگیرتر و مهم‌تر از هر زمان دیگری شده است. از آنجایی که ارتش آمریکا همان میزان برتری‌ای را که در حوزه زمینی [و جنگ سخت] دارد، در حوزه محیط اطلاعاتی ندارد، جا برای تقویت و فرصت برای یادگیری از دیگران برای ارتش آمریکا وجود دارد.» این اندیشکده سپس پیش از آن‌که به دوازده پرونده‌ای بپردازد که اصل گزارش را تشکیل می‌دهند، نه پیشنهاد را خطاب به ارتش آمریکا مطرح می‌کند که در حقیقت نتیجه این گزارش هستند:

تأکید و اولویت بخشیدن به تأثیرات درون و از طریق محیط اطلاعاتی.
ترویج دیدگاهی درباره قدرت اطلاعاتی به عنوان بخشی از «تسلیمات ترکیبی» [استفاده ترکیبی از تسلیحات جنگی].
روتین‌سازی و استانداردسازی فرآیندهای مرتبط با عملیات‌ها درون و از طریق محیط اطلاعاتی به منظور دربرگرفتن و یکپارچه‌سازی آن‌ها با سایر فرآیندهای روتین کارکنان.

گره زدن اهداف سیاسی، فیزیکی و شناختی به شکلی منسجم به یکدیگر و مخابره شفاف این اهداف ترکیبی به «نیروهای مانور» [مسئولان اخلاقی در تصمیم‌گیری دشمن].

تلاش هماهنگ با وزارت دفاع، و به طور عمومی‌تر دولت آمریکا، برای دستیابی به اختیارات گسترده‌تر با هدف عملیات در محیط اطلاعاتی تا یک گام پیش از دشمنی علنی.

وادر کردن نیروهای ذخیره به انجام عملیات‌های اطلاعاتی، عملیات‌های پشتیبانی اطلاعات نظامی و [عملیاتی کردن] دیگر ظرفیت‌های اطلاعات‌محور.

تخریب یا جابه‌جایی دیوار آتش میان [عملیات‌های] امور عمومی و دیگر ظرفیت‌های اطلاعات‌محور. افزایش حجم و کارآمدی آموزش و تحصیل در زمینه عملیات‌ها درون و از طریق محیط اطلاعاتی و حوزه قدرت اطلاعاتی با هدف انعکاس اهمیت فزاینده این ظرفیت‌ها برای ارتش و ملت آمریکا، و همچنین نقش بزرگ‌تری که در درگیری‌های آینده بازی خواهند کرد.

برداشتن گام‌های لازم برای پر کردن شکاف‌های ظرفیتی موجود [میان آمریکا و بازیگران بین‌المللی دیگر] در زمینه‌های کلیدی، از جمله فضای سایبری، نفوذ، امنیت عملیاتی، و فریب نظامی، از طریق گسترده‌تر، جذاب‌تر و معتبرتر کردن زمینه‌های شغلی موجود در حوزه عملیات‌های اطلاعاتی و ظرفیت‌های اطلاعات‌محور، و تخصص‌های موجود در حوزه مشاغل نظامی.

رونمایی از آشیانه «عقاب»ها، رادارها و موشک‌های ایرانی؛ نمادی از پیشرفت‌های ایران در حوزه‌های فنی و اطلاعاتی (فارسی)

عملیات‌های اطلاعات‌محور ایران

نویسندگان گزارش اندیشکده رند توضیح می‌دهند که ایران بخش قابل‌توجهی از منابع، توجه و انرژی خود را به فضای مجازی اختصاص داده است، اما «این کشور قابلیت‌های سایبری‌اش را نه برای تهاجم واقعی، بلکه بیش‌تر برای به نمایش گذاشتن ظرفیت‌هایش و استفاده به عنوان بازدارنده‌ای به کار می‌گیرد که شامل، هم «داشتن» ظرفیت‌های تنبیهی [و تقابلی علیه دشمنان] می‌شود و هم نمایش عزم و اراده استفاده از این ظرفیت‌ها. ایران از ظرفیت‌های اطلاعات‌محور فنی خود نیز دقیقاً به همین شکل استفاده کرده است.»

کارشناسان آمریکایی رند در زمینه جنگ نرم و نبرد اطلاعاتی همچنین اعتراف می‌کنند: «هک‌های ایرانی بسیار فراتر از تخریب ظاهری وب‌سایت‌ها و یا «حملات توزیع‌شده منع سرویس» [DDoS] که هدف آن ایجاد اختلال در خدمت‌رسانی یک خدمات‌دهنده اینترنتی به کاربرانش است] پیش‌رفت کرده‌اند؛ این هکرها اکنون قادر هستند نرم‌افزارهای پیش‌رفته‌ای را برای بازرسی و یافتن نقاط ضعف، تزریق بدافزار، و به دست گرفتن کنترل سیستم‌های آمریکایی طراحی کنند.»

در همین‌باره بخوانید:

ایران در آستانه دستیابی به فناوری نظامی هوش مصنوعی و «یورش فوجی» +عکس و فیلم

اندیشکده رند که معتقد است «در کنار رهبر عالی و نزدیکان وی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دومین نهاد قوی درون ایران است»، در خصوص ظرفیت‌های اطلاعات‌محوری که در اختیار و مورد استفاده ایران هستند، می‌نویسد: «ایران عمدتاً بر اثر دو اتفاق مهم («جنبش سبز» سال ۲۰۰۹ و حمله استاکس‌نت در سال ۲۰۱۰) سرمایه‌گذاری خود در حوزه ظرفیت‌های سایبری تهاجمی و تدافعی را به شکل چشم‌گیری افزایش داد. فضای سایبری مستقیماً در استراتژی گسترده‌تر ایران برای عملیات درون و از طریق محیط اطلاعاتی گنجانده شده و چنان‌که کارشناسان می‌گویند: تهران فعالیت‌های سایبری خود را با توجه به پیام‌هایی که می‌خواهد به دشمنان خود مخابره کند، تشدید یا تضعیف می‌کند.»

بخشی از انیمیشن «نبرد خلیج فارس ۲» که در آن توانایی‌های نظامی ایران به نمایش گذاشته می‌شود

شبکه‌های خبری بین‌المللی بازوهای قدرتمند رسانه‌ای ایران

در ادامه، درباره فعالیت‌های رسانه‌ای ایران نیز می‌خوانیم: «اگرچه ایران به شدت در ظرفیت‌های سایبری خود سرمایه‌گذاری می‌کند، اما شبکه خبری عربی‌زبان این کشور یعنی العالم، همچنان «محور ارتباطات استراتژیک تهران در جهان عرب» است. پیام‌هایی که ایران [در العالم و صدای و سیمای داخلی‌اش] مخابره می‌کند، اغلب به تئوری‌های توطئه اشاره دارد و مدعی است که آمریکا و اسرائیل در تلاش هستند تا حکومت این کشور را تضعیف و آن را با دولتی طرفدار غرب و دوست با واشینگتن و تل‌آویو جایگزین کنند.»

ایران چندین شبکه خبری بین‌المللی دارد که برای ترویج جهان‌بینی خود و تبلیغ فرهنگ و تمدن ایرانی از آن‌ها

استفاده می‌کند. این اندیشکده آمریکایی در اشاره به نمونه‌هایی از اقدامات ایران در حوزه عملیات‌های اطلاعاتی، می‌نویسد:

«ایران از طریق "صدای و سیمای جمهوری اسلامی ایران" بی‌سروصدا به دنبال اجرای یک دستورکار توسعه‌طلبانه در مقیاس جهانی و تبلیغ فرهنگ و تمدن ایرانی در میان مخاطبان بین‌المللی‌اش است. ایران علاوه بر شبکه خبری العالم که روی عراق، لبنان، فلسطین و آفریقا تمرکز دارد، چهار شبکه خبری بین‌المللی دیگر نیز دارد، از جمله یک شبکه اسپانیایی‌زبان که در اسپانیا و آمریکای لاتین برنامه پخش می‌کند [«هیسپان‌تی‌وی»]، و یک شبکه ۲۴ ساعته انگلیسی‌زبان، یعنی پرس‌تی‌وی که سال ۲۰۰۷ راه‌اندازی شد. عملیات‌های رسانه‌ای بین‌المللی ایران با وب‌سایت‌هایی تکمیل می‌شوند که هم به زبان مخاطبان هدف و هم به زبان فارسی در دسترس هستند.»

نویسندگان گزارش رند یکی از مثال‌های قابل‌توجه از نمایش قابلیت‌های ایران را پوشش مذاکرات میان واشینگتن و بغداد پس از عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از عراق می‌دانند و در این خصوص تصریح می‌کنند: «ایران می‌تواند عملیات‌های اطلاعاتی‌اش را متناسب با مخاطبان خاص و با هدف تمرکز بر مسائل مهم سیاستی، از جمله مذاکرات هسته‌ای تهران با غرب و یا توافق‌نامه

«وضعیت نیروها» میان ارتش آمریکا و دولت عراق، تنظیم کند. سال ۲۰۰۹ زمانی که مذاکرات در زمینه این توافقنامه [وضعیت نیروها] داشت انجام می‌شد، هم شبکه تلویزیونی العالم و هم شبکه «المنار» حزب‌الله، در تلاش برای خارج کردن کامل این توافقنامه از مسیر خود، برنامه‌های به شدت انتقادی‌ای را پخش کردند.»
در همین باره بخوانید:

دست کم گرفتن قدرت نرم ایران اشتباهی فلج‌کننده است + دانلود

اندیشکده رَند شبکه «العالم» را «محور ارتباطات استراتژیک تهران در جهان عرب» می‌داند

ایران از کشورهای قدرتمند در حوزه سایبری

رَند اذعان می‌کند که ایران در آینده به توسعه ظرفیت‌های سایبری خود ادامه خواهد داد، چراکه تهران در حال حاضر بر این حوزه تمرکز کرده است و تلاش‌هایش در این زمینه ثمربخش نیز بوده‌اند. این اندیشکده می‌نویسد: «از ایران اغلب در کنار روسیه، چین و کره شمالی به عنوان بازیگری دولتی با ظرفیت‌های مستحکم سایبری نام برده می‌شود.» رَند با اشاره به این‌که «غرب (و به طور خاص آمریکا) در حالت آماده‌باش دائم مقابل حملات سایبری ایران قرار دارد» مدعی می‌شود: «ایران به عنوان بخشی از اقدامات خود، از سپاه پاسداران برای هدف قرار دادن سیستم‌های کنترل صنعتی، هم در بخش عمومی و هم در بخش خصوصی، از جمله سیستم‌های کنترل نظارت و جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرده است که برای عمل‌کرد تأسیسات و اتوماسیون صنعتی ضروری هستند.»
اندیشکده وابسته به واشینگتن ادامه می‌دهد:

«در واکنش، آمریکا نیز ماه مارس سال ۲۰۱۶ گام بی‌سابقه‌ای برداشت و چندین شهروند ایرانی را که ادعا می‌کرد به عنوان هکر برای سپاه پاسداران و دولت ایران کار می‌کنند، مورد تعقیب قانونی قرار داد. این هکرها متهم به انجام حملات سایبری علیه اهدافی در آمریکا هستند که از این قرارند: «بورس نیویورک» [بزرگترین بورس اوراق بهادار در دنیا]، «نزدک» [NASDAQ]، دومین بورس بزرگ اوراق بهادار در دنیا، «جی‌پی مورگان چیس» [بزرگترین بانک آمریکا و دومین بانک ارزشمند دنیا]، «بانک آمریکا» [دومین بانک بزرگ آمریکا]، و «ای‌تی‌اندتی» (AT&T، بزرگترین کمپانی ارتباطاتی دنیا)، و همچنین «سَد خیابان بومن» در منطقه «رای» در نیویورک، جایی که هکرها دسترسی از راه دور و غیرمجاز به رایانه‌ای پیدا کردند که درهای ذخیره سد را کنترل می‌کرد.»



دولت آمریکا رسماً به دنبال ایرانی‌هایی است که ادعا می‌کند به این کشور حملات سایبری کرده‌اند

قدرت ایران در محیط اطلاعاتی، بازدارنده‌ای قوی مقابل آمریکا

قدرت ایران در محیط اطلاعاتی به عنوان بازدارنده‌ای قوی، غرب و آمریکا را وادار کرده تا پیش از رقص شمشیر مقابل تهران، عواقب این کار را با دقت بسنجند. صرف‌نظر از این‌که ادعاهای رَند درباره حملات سایبری هکرای ایران علیه اهداف آمریکایی صحت داشته باشد یا نداشته باشد، این اندیشکده در بخشی از گزارش خود با موضوع «درس‌هایی از عملیات‌های ایران درون و از طریق محیط اطلاعاتی» به کارآمدی این عملیات‌ها اذعان می‌کند و هشدار می‌دهد: «ظرفیت‌هایی که ایران در انجام عملیات درون و از طریق محیط اطلاعاتی، به خصوص در عرصه سایبری، از خود نشان داده، کافی است تا آمریکا و غرب وقتی «رقص شمشیر» مقابل تهران را سبک و سنگین می‌کنند، [برای بررسی ظرفیت‌های ایران در محیط اطلاعاتی] «مکثی جدی» بنمایند. بر همین اساس، منطقی است که نتیجه بگیریم، ظرفیت‌های ایران بازدارنده‌ای مؤثر مقابل

دست‌اندازی غربی‌ها محسوب می‌شوند، به خصوص از آنجایی که این کشور همچنان منابع قابل‌توجهی را به توسعه بیش‌تر این ظرفیت‌ها اختصاص می‌دهد.»

رَند در توضیح «ویژگی‌های متمایزکننده» عملیات‌های ایران درون و از طریق محیط اطلاعاتی می‌نویسد: «ایران از مخابره پیام به عنوان نوعی عملیات اطلاعاتی استفاده می‌کند و عموماً در نزدیکی مرزهایش تهاجمی‌تر است. حوادث متعددی در این‌باره قابل‌توجه هستند. سال ۲۰۰۷، نیروهای دریایی ایران، ۱۵ نفر از ملوانان و تفنگداران دریایی انگلیس را در حال انجام مأموریت روتین بازرسی کشتی‌های تجاری در آب‌های عراق، به زور اسلحه دست‌گیر کردند. ایران ادعا کرد که این نیروها به طور غیرقانونی وارد آب‌های این کشور شده‌اند. این حادثه همان زمانی اتفاق افتاد که تهران به خاطر عدم همکاری با بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تحت فشار شدیدی از سوی شورای امنیت سازمان ملل قرار داشت.»

اندیشکده آمریکایی رَند همچنین یادآور می‌شود: «ژانویه سال ۲۰۱۶، نیروی دریایی ایران ۱۰ نفر از ملوانان آمریکایی را پس از آن‌که موتور قایق‌شان با مشکل مواجه شد و وارد آب‌های این کشور شدند، بازداشت کرد. ایرانی‌ها از این عملیات بازداشت، فیلم‌برداری کرده و این فیلم را در تلویزیون دولتی خود نشان دادند. در یکی از کلیپ‌های پخش‌شده، یکی از ملوانان آمریکایی به خاطر این اتفاق عذرخواهی می‌کند. این بازداشت تنها چند روز پیش از موعد احتمالی اجرایی شدن توافق هسته‌ای انجام شد و احتمالاً هدف از این کار، حفظ آبرو یا مخابره این پیام بود که «ایران خود را تسلیم غرب نخواهد کرد.»

دست‌گیری ملوانان آمریکایی و گریه یکی از آن‌ها

درس‌هایی که ارتش آمریکا باید بگیرد

کارشناسان آمریکایی اندیشکده رَند یکی از درس‌های مهمی را که ارتش آمریکا باید از عملیات‌های ایران در محیط اطلاعاتی بگیرد، استفاده تهران از ظرفیت‌های فنی اطلاعات‌محور به منظور مخابره پیام و در نتیجه باز شدن راه‌های جدیدی مقابل این کشور برای واکنش به تهاجم در حوزه‌های گوناگون می‌دانند. گزارش رَند بار دیگر متذکر می‌شود: «ایران سرمایه‌گذاری‌های قابل‌توجهی را در حوزه ظرفیت انجام عملیات‌های سایبری آغاز کرده است. این کشور مانند دیگر بازیگران دولتی، از توانایی‌های سایبری خود به شکل تهاجمی استفاده می‌کند. با این حال، ویژگی خاص این کشور، استفاده‌اش از ظرفیت‌های سایبری بیش‌تر برای مخابره پیام و بازدارندگی تا تجاوز واقعی است. ایران با نمایش قسمتی از ظرفیت‌های سایبری‌اش به دشمنان بالقوه این کشور، امیدوار است آن‌ها را وادار کند از برخی از انواع تجاوزها علیه تهران صرف‌نظر نمایند.»

نویسندگان گزارش، فصل ایران را نهایتاً با این جملات به پایان می‌رسانند: «ایران در برون‌سپاری، استفاده از شبه‌نظامیان نیابتی و شعبه زدن [و گسترش شبکه وابستگی‌ها] با هدف گسترش دامنه ظرفیت‌های اطلاعات‌محورش عالی است. نیروی قدس سپاه پاسداران یک یگان نخبه نظامی است که حکومت ایران از آن برای آموزش نیروهای نیابتی در خارج از این کشور به عنوان ابزاری در جهت ترویج سیاست خارجی و امنیتی تهران در سراسر خاورمیانه استفاده می‌کند. ایران از جمعیت‌های شیعه و نیروهای چریکی غیردولتی در عراق، یمن، لبنان، سوریه، بحرین و نقاط دیگر حمایت می‌کند؛ اگرچه تهران اغلب تسلط کاملی روی این نیروها ندارد، اما تهدید و واقعیت این نیروهای نیابتی، تأثیرات مهمی در محیط اطلاعاتی دارد.»

حزب‌الله لبنان یکی از سازمان‌هایی است که غربی‌ها آن را «نیروی نیابتی» ایران معرفی می‌کنند

حزب‌الله لبنان قوی‌ترین بازیگر غیردولتی در محیط اطلاعاتی

اندیشکده آمریکایی رَند در فصل جداگانه‌ای به ظرفیت‌های عملیاتی حزب‌الله در محیط اطلاعاتی نیز می‌پردازد. در این بخش از گزارش، با اشاره به این‌که «حزب‌الله طی چند دهه گذشته، ارتش خود را حرفه‌ای کرده و درکی جامع را از ارزش تأثیرات درون و از طریق محیط عملیاتی به دست آورده است» اذعان می‌کند که ظرفیت‌های اطلاعات‌محور حزب‌الله، فاصله میان این سازمان (که زمانی یک ارتش شبه‌نظامی محلی بود) با ارتش رژیم صهیونیستی را اندک کرده است. خلاصه نکات مهم گزارش رَند درباره ظرفیت‌های اطلاعاتی حزب‌الله از این قرار است:

حزب‌الله بیش از هر بازیگر غیردولتی دیگری اهمیت عملیات‌های اطلاعاتی را درک می‌کند و عملیات‌ها در حوزه محیط اطلاعاتی را به عنوان نوعی مبارزه تلقی می‌نماید. حزب‌الله با این شعار و باور عمل می‌کند که «اگر فیلمش را نگرفتی، اصلاً نجات‌دهی.» اواخر سال ۱۹۹۴، سربازان حزب‌الله همراه با یک فیلم‌بردار، به یکی از تأسیسات نظامی اسرائیل در لبنان نفوذ کردند و پرچمی را در آن به اهتزاز درآوردند. سپس فیلم این عملیات را منتشر کرده و با آن یک کودتای رسانه‌ای انجام دادند. حزب‌الله کمپ‌های تابستانی برای کودکان و برنامه‌های گسترده کمک‌های عمومی را در مناطق تحت کنترلش دارد و بسیاری از این فعالیت‌ها مستقیماً با اقدامات این سازمان در جهت جذب نیرو و حفظ مشروعیت سیاسی و حمایت بالای مردمی از دستورکارش مرتبط هستند.

حزب‌الله مجلات و هفته‌نامه‌های متعددی را داشته یا دارد که از جمله آن‌ها العهد، البلاد، الوحده، الاسلامیه و السبیل هستند. این سازمان همچنین شبکه‌های رادیویی متعددی از جمله «صدای الاسلام»، «صدای مظلومین» و النهار، و دو شبکه تلویزیونی به نام‌های المنار و الفجر را دارد. حزب‌الله وبسایت‌هایی هم دارد که گاهی از آن‌ها با عنوان «کاتبوهای سایبری» (اشاره به راکت‌های روسی) یاد می‌شود و برنامه‌های گسترده این سازمان را منعکس می‌کنند.

حزب‌الله سال ۲۰۱۰ برای گسترش تعاملش با نسل جوان‌تر یک بازی ویدیویی آنلاین را منتشر کرد که بازیکنان در آن علیه دشمنان حزب‌الله و به ویژه ارتش رژیم صهیونیستی می‌جنگیدند. پیش از آغاز خود بازی، بازیکن‌ها برای تمرین هدف‌گیری، به یک سری از سیاستمداران شناخته‌شده اسرائیلی شلیک می‌کردند.

در نتیجه تلاش‌ها و موفقیت‌های حزب‌الله در زمینه تقویت ظرفیت‌های فنی‌اش، ارتش اسرائیل استفاده نیروهایش از تلفن همراه برای تماس با خانواده‌هایشان را ممنوع کرد، چراکه می‌ترسید حزب‌الله با شنود این مکالمات، اطلاعات ارزشمندی را به دست بیاورد.

حزب‌الله با استفاده از ابزارهای ساده‌ای مانند دوربین‌های فیلم‌برداری، تأثیر حملاتش علیه اسرائیل را چند برابر و ضربات ویرانگری را به اسرائیلی‌ها وارد کرده است؛ تا جایی که یکی از ناظران سازمان ملل می‌گوید: «۷۵ درصد از جنگ حزب‌الله، نوارهای ویدیویی بوده‌اند.»

شبکه المنار سال ۲۰۰۰ با هدف مستقیم تخریب روحیه ارتش، سیاستمداران و شهروندان [سرزمین‌های اشغالی] اسرائیل، یک سری برنامه تحت عنوان «نفر بعدی کیست؟» را پخش کرد. حزب‌الله به خوبی می‌دانست این برنامه که کشته شدن سربازان و عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی در اثر حملات حزب‌الله را نشان می‌داد، چه تأثیری روی شهروندان [سرزمین‌های اشغالی] اسرائیل می‌گذارد، چراکه آن‌ها به روحیه نجات [و شکست‌ناپذیری] و سنت نظامی خود افتخار می‌کنند.

«عملیات ایوب» و پرواز پهپاد حزب‌الله بر فراز فلسطین اشغالی (زیرنویس فارسی)

گزارش اندیشکده رَند، هم درباره ایران و هم درباره حزب‌الله به نقاط قوت بیشتری نیز اشاره می‌کند که پرداختن به همه آن‌ها از حوصله این گزارش خارج است. برای خواندن متن کامل این گزارش، می‌توانید از لینک ارائه‌شده در ابتدای همین مطلب استفاده کنید.

Lessons from Others for Future U.S. Army Operations in and Through the Information [۱]
Environment [Link](#)

بادبادک‌های کودکان فلسطینی = کابوس واقعی نتانیاهو

نخست وزیر رژیم صهیونیستی، بادبادک‌ها و بالون‌های آتش زای جوانان فلسطینی را «کابوس واقعی» خواند.

به گزارش شفقنا به نقل از مرکز اطلاع رسانی فلسطین، پایگاه خبری صهیونیستی «واللا» نوشت: بنیامین نتانیاهو در جریان سخنرانی خود در کنفرانس «تروریسم» مدعی شد که «مساله بادبادک‌ها و بالون‌های آتش را چالشی برای ما به شمار می‌روند و باید فکری به حال فناوری لازم برای مقابله با این بالون‌ها کرد.»

جوانان فلسطینی این بادبادک‌ها را به عنوان ابزار مقاومتی علیه رژیم صهیونیستی استفاده می‌کنند و آن‌ها را به سمت شهرک‌های صهیونیست‌نشین و پایگاه‌های ارتش صهیونیستی می‌فرستند. این بادبادک‌ها تاکنون باعث آتش سوزی در مساحت‌های زیادی از اراضی کشاورزی شهرک‌نشینان صهیونیست در اطراف نوار غزه شده و خسارت‌های سنگینی به رژیم صهیونیستی وارد کرده است.

جنگ رسانه ای اسرائیل با ایران

"ندا امین" بازداشتی در اسرائیل، با سازمان اطلاعات سپاه و نیروی قدس ارتباط داشته

"ندا امین" وبلاگ نویس ایرانی در ترکیه، که به دنبال اطلاع دولت این کشور از همکاری وی با سازمان اطلاعات سپاه (ساس)، از ترکیه اخراج و دولت اسرائیل به خاطر همکاری وی با "اوقات اسرائیل" به او پناهندگی اعطا کرد، مدتی است از سوی "سازمان امنیت داخلی اسرائیل" (شاباک) به اتهام ارتباط با نیروی قدس سپاه و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران تحت بازجویی قرار گرفته است.

بر اساس اطلاع خبرنگار **آمدنیوز**، ندا امین وبلاگ نویس بازداشت شده ی ایرانی در کشور اسرائیل، با "سازمان اطلاعات سپاه" (ساس) و "نیروی قدس سپاه" (نقسا) در ارتباط بوده است.

"ندا امین" وبلاگ نویس ایرانی در ترکیه، که به دنبال اطلاع دولت این کشور از همکاری وی با سازمان اطلاعات سپاه (ساس)، از ترکیه اخراج و دولت اسرائیل به خاطر همکاری وی با "اوقات اسرائیل" به او پناهندگی اعطا کرد، مدتی است از سوی "سازمان امنیت داخلی اسرائیل" (شاباک) به اتهام ارتباط با نیروی قدس سپاه و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران تحت بازجویی قرار گرفته است.

"دیوید هورویتز" در بخشی از یادداشت خود که اوقات اسرائیل آن را در زمان ورود "ندا امین" به اسرائیل منتشر کرد، می نویسد: "احساس من این بود که چون اسرائیل به طور کل و اوقات اسرائیل به ویژه، از عواملی بوده اند که باعث به خطر افتادن جان وی شده بود، ما در حفظ امنیت او تعهدی داریم که می بایست به جا بیاوریم. دولت اسرائیل هم به روشنی چنین دیدگاهی داشت. خروج وی به آسانی انجام نشد. وقتی نخستین بار قرار به پرواز به اسرائیل داشت و به فرودگاه رفت، معلوم شد که یکی از فرم هایی که می بایست از سوی پلیس ترکیه صادر شود را در دست ندارد. بدون آن برگه، اجازه ی پرواز نداشت. شوربختانه در این زمان موبایل وی باتری نداشته و نمی توانسته است با ما تماس بگیرد. تا چند ساعت ناپدید بود و سرانجام یکی از دو را با دو جمع زد شد پنج و به رسانه های عبری خبر رساند که او را بازداشت کرده اند، در حالی که بازداشت نشده بود، دستگیر نشده بود. و دو روز پس از آن، در ساعات آغازین پنج شنبه، با برگه ی مزبور در دست به فرودگاه بازگشت و توانست به پرواز مقصد تل آویو سوار شود. سگش به همراهش، یک ژرمن شیرد ۲۷ کیلویی به نام چیکا که عشق زندگی اوست!!"

یک مقام ارشد در سازمان تروریستی سپاه قدس پاسداران به خبرنگار "آمدنیوز" اطلاع داده است که "ندا امین" با واسطه ی یکی از کادرهای این نیرو به نام "احمد رضا کریمی" با نام مستعار "عاشر"، که سال ها در کشور لبنان فعالیت کرده، طعمه های بسیاری را در کشور ترکیه و برخی کشورهای همسایه ی ایران، برای "نیروی قدس سپاه" و "سازمان اطلاعات سپاه" شکار کرده است.

بر اساس تحقیقات صورت گرفته، "عاشر" نام فردی بود که در موساد خدمت می کرد، اما چند سال پیش در یک درگیری نظامی کشته شد و سازمان اطلاعات سپاه با همکاری یکی از نیروهای خود (مسلط به زبان عبری - انگلیسی - عربی) که در خانه ی امن خیابان جمهوری مستقر است و در اداره ی اطلاعات ارومیه نیز تردد دارد، هویت "عاشر" را سرقت و با ایرانیان خارج از کشور یا پناهجویان نظامی در کشور ترکیه ارتباط برقرار کرد. "ندا امین" و "عاشر" افراد بسیاری را در تورهای امنیتی نیروهای قدس سپاه گرفتار و از راه شهر وان به ایران منتقل کردند. برخی افراد نیز در کشور ترکیه توسط جوخه های ترور نیروی قدس، کشته شدند. نقش "ندا امین" به عنوان خبرنگار اوقات اسرائیل در جذب این افراد و معرفی فردی با پوشش سرویس امنیتی موساد به آنان، نقشی غیر قابل انکار بوده است.

"ندا امین" پس از خروج از ایران و ورود به کشور ترکیه، فعالیت های وبلاگ نویسی خود را آغاز کرد. اما به دلیل فقر مالی خانواده اش، با وعده ی اعطای پروانه ی وکالت به خواهرش "ویدا" و حقوق ماهیانه به مادرش "کیان دخت"، برای همکاری با نیروی قدس سپاه و سازمان اطلاعات سپاه جذب شد. سپاه افزون بر اعطای حقوق ماهیانه به مادر "ندا امین"، از راه یکی از کادرهای خود به نام "حاج رسول"، بلیت رفت و برگشت کشور ترکیه را در اختیار مادر "ندا امین" گذاشت تا با دخترش در ترکیه دیدار کند. "ندا امین" با نفوذ و شرایطی که در کشور ترکیه پیدا کرد، با برخی پناهجویان همچون "پیمان عارف" و "آریاسب باوند" که به دلیل ارتباط با سپاه پاسداران از ترکیه اخراج شد، ارتباط خانوادگی تنگاتنگ پیدا

کرد؛ به گونه ای که در زمان اخراج امین از کشور ترکیه، پیمان عارف برای وی پیام گروهی ف. بوکی به راه انداخت تا بتواند کمک مالی برای همکار خود جذب کند. بر اساس گزارش ها، پس از اخراج ندا امین از ترکیه، پیمان عارف که با "سردار رضا روشن" از مسئولین سازمان اطلاعات سپاه ارتباط مستقیم دارد، با برخی سرپل های مرتبط با "ندا امین" تماس گرفت و به آنان پیشنهاد ارتباط با فرد دیگری (تور امنیتی) برای جاسوسی در ازای دریافت پول و اقامت کشورهای دیگر را داد تا این پروژه با وسعت بیشتری ادامه پیدا کند.

امین در آغاز ورود خود به ترکیه، طی مصاحبه با رسانه های کم اهمیت، خود را به عنوان فرد مخالف جمهوری اسلامی جا زد و بر خلاف دارا بودن یک "رگه ی سیدی"، پدر و مادر خود را یهودی معرفی کرد. سپس با دستور "افسر هادی" خود "عاشر"، به عنوان خبرنگار با بخش پارسی اوقات اسراییل ارتباط برقرار و مدیران آن رسانه را متقاعد کرد تا به عنوان خبرنگار بخش پارسی با آنان همکاری کند. سپاه پاسداران به نمایندگی عاشر با طراحی یک تارنمای اسراییلی پوششی با دامنه ی "موساد" و با استفاده از حضور "ندا امین" در کشور ترکیه، نیروهای فعال اپوزوسیون ها و افراد شناخته شده را با نمایشنامه ای بدون ایراد، در پوشش اقدام رسانه ای به تور دستگاه های امنیتی جمهوری اسلامی می انداخت. طراحی این تارنما با این هدف صورت گرفت که با افراد ناآگاه که قصد داشتند با یک نهاد امنیتی اسراییلی تماس گرفته یا گزارشی را ارسال کنند، ارتباط برقرار کرده و آنان را در تور امنیتی گرفتار کنند.

سوژه ها در آغاز طی تماس های مستقیم "ندا امین" با عنوان خبرنگار "اوقات اسراییل" با این رسانه مصاحبه می کردند و پس از تماس های پسین، خانم امین آنها را به "یک افسر سرویس اطلاعاتی اسراییل" که همان عاشر بود، وصل می کرد. عاشر یا همان افسر اطلاعاتی قلابی موساد، با استفاده از امکاناتی شبیه شماره های مجازی آمریکا و اسراییل، با سو استفاده از نام یکی از افسران سرشناس موساد و با ارائه ی وعده های دروغین پرداخت پول، اقامت و حمایت دولت اسراییل و کپی کردن پادمان های امنیتی موساد، با سوژه های داخل و خارج ایران ارتباط برقرار کرد و هر سوژه را پس از تکمیل اطلاعات جداگانه، به "واحد ارزیابی اطلاعات" گزارش می نمود. پس از مدتی سوژه را به بهانه ی دیدار با "افسران ویژه ی موساد" به محل هایی از پیش تعیین شده در ترکیه، امارات، ارمنستان و آذربایجان می کشاند و سوژه ها از سوی یک تیم عملیاتی ویژه بازداشت، ربوده و در اختیار سرویس های اطلاعاتی جمهوری اسلامی قرار می گرفتند.

همکاری ندا امین با اطلاعات رژیم برای ربایش "صبری حسین پور" در ترکیه و انتقالش به ایران

"صبری حسن پور" مجری تلوزیون "سیمای رهایی" در هلند، یکی از قربانیان این سناریوی دهشتناک سازمان اطلاعات سپاه بود. رسانه های جمهوری اسلامی به دروغ بازداشت وی را "پس از بازگشت به ایران برای دیدار با خانواده" عنوان کردند، اما وی برای دیدار با خانواده اش به کشور ترکیه رفته بود و با هماهنگی ندا امین و عاشر به محل دیدار کشانده شد و پس از ربایش، به ایران منتقل گردید. بر اساس گزارش ها، هم میهنان بی شماری نیز در داخل و خارج از کشور، در دام این توطئه ی سازمان های اطلاعاتی جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. اما در برخی موارد، عملیات ربایش موفقیت آمیز نبود و پلیس و نیروهای امنیتی ترکیه مانع از انتقال افراد به ایران می شدند. به عنوان نمونه "ب. ب" از هموندان دفتر آخوند "علی فلاحیان" وزیر پیشین اطلاعات و هموند کنونی مجلس خبرگان رهبری که حامل اطلاعات مهمی از فلاحیان بود و در نوبت مصاحبه ی کمیساریای پناهجویان ملل متحد قرار داشت، با همین شیوه برای دیدار با "افسران ویژه ی موساد" ترغیب شد تا با ربایش به ایران منتقل شود که پلیس ترکیه به دلیل آنکه از پیش وی را تحت نظر داشت، مانع از انجام این اقدام شد.

ندا امین تحت پوشش خبرنگار اوقات اسراییل سعی کرد، با رده های نظامی در ایران تماس بگیرد و آنان را به خروج از ایران و همکاری با اسراییل ترغیب کند. وی با همکاری پیمان عارف، پس از اخذ مبالغی برای خروج غیر قانونی افراد، ورود آنان به ارومیه برای خروج و معرفی به یک "قاچاق بر همکار"، افراد را در تور سازمان اطلاعات سپاه گرفتار می کرد و بسیاری به اتهام همکاری با اسراییل و خروج غیر قانونی از کشور به همین شیوه بازداشت شدند. بر اساس گزارش های متعدد منابع خبری آمدنیوز، در سپاه پاسداران، طی هفته ی گذشته و هم زمان با اعلام بازداشت ندا امین در اسراییل، سازمان اطلاعات سپاه برای "سوزاندن سر پل های ارتباطی وی" و "جلوگیری از شکار اطلاعاتی آنان از سوی موساد"، بسیاری از کادرهای سپاه را بازداشت کرد تا موساد با "تخلیه ی اطلاعاتی" ندا امین نتواند ارتباطی با آنان برقرار کند. اسامی این سرپل ها که با "ندا امین" ارتباط داشته اند، در اختیار عاشر افسر قلابی موساد بوده است.

ندا امین با ادامه ی فعالیت خود در ترکیه، مورد سو ظن افسران اطلاعاتی این کشور قرار داشت و دولت ترکیه که به ارتباط وی با نیروهای امنیتی ایران پی برده بود، تصمیم به دیپورت وی به ایران گرفت، اما با هدایت "افسر هادی" یعنی خود "عاشر"، به سفارت اسرائیل در ترکیه مراجعه کرد و با بیان سابقه ی همکاریش با اوقات اسرائیل، درخواست پناهندگی در کشور اسرائیل را به دست داد. گفته شده "موساد" از پشت پرده ی فعالیت‌های ندا امین در ترکیه اطلاع داشته، اما به گرمی از وی پشتیبانی و استقبال کرده است. ندا امین پس از بازجویی از سوی سازمان امنیت داخلی اسرائیل گفته است که "در اسرائیل احساس امنیت نمی کنم و می‌خواهم به یک کشور دیگر بروم" / او صریحاً گفته "من با فرد جوانی در ترکیه در تماس بودم که می گفت از سازمان اطلاعات اسرائیل است ولی اسرائیلی‌ها می گویند که او مامور امنیتی جمهوری اسلامی بوده است". او در ادامه در حالی که از سال‌ها پیش از بازداشت در ترکیه با "عاشر" ارتباط داشته، به دروغ ادعا می کند:

"وقتی در ترکیه بودم، سازمان اطلاعات امنیت ترکیه (MIT) مرا به خاطر همکاری با یک رسانه ی اسرائیلی که برایشان خوشایند نبود، مکرراً بازجویی و احضار می کردند. این سازمان هتا به من پیشنهاد همکاری داد تا برای آنها از اسرائیل جاسوسی کنم، اما قبول نکردم و آنها مرا تهدید به دیپورت کردند. وقتی این مسائل را رسانه ای کردم، از سازمان اطلاعاتی اسرائیل شخصی با من تماس گرفت و گفت می‌خواهیم به تو کمک کنیم تا نتوانند به تو آسیبی برسانند. این فرد جوان بر اساس شواهد و مدارک زیادی که دارم از سوی سازمان اطلاعاتی اسرائیل با من در تماس بود، اما نمی دانم چرا مقامات امنیتی اسرائیل می گویند این شخص با سازمان های اطلاعاتی ایران همکاری می کند !! در حالی که همکاری من با این فرد علیه جمهوری اسلامی بود، از جمله او اشخاص زیادی را برای مصاحبه با آنها علیه جمهوری اسلامی به من معرفی می کرد !!"

فعالین عرصه ی سیاست، مبارزین، پناهندگان و ایرانیان عزیز در صورت تماس هر فردی با اسامی و عناوین سازمان های امنیتی هتا با پیش شماره های کشور اسرائیل، هتمن گزارش تماس را به رایزنی های مستقر در محل سکونت خود اطلاع دهند.

سایت نویسنده:

<http://www.dariushafshar.blogspot.com>

نفوذ در اعمال اسرائیل و به استخدام گرفتن يك وزیر کابینه اسرائیل برای جاسوسی جهت ایران



بازداشت وزیر سابق انرژی اسرائیل به اتهام جاسوسی برای

ایران «اسرائیل نشنال نیوز» نوشت: سگوف از سوی شین بت و پلیس اسرائیل ماه گذشته به اتهام همکاری با دشمن و جاسوسی علیه اسرائیل بازداشت شده است.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

گونن سگوف وزیر انرژی سابق اسرائیل به اتهام جاسوسی برای ایران دستگیر شد. به گزارش «انتخاب»؛ «اسرائیل نشنال نیوز» نوشت: سگوف از سوی شین بت و پلیس اسرائیل ماه گذشته به اتهام همکاری با دشمن و جاسوسی علیه اسرائیل بازداشت شده است.

سگوف در سال های اخیر در نیجریه زندگی می کرده است و اخیرا به گینه سفر کرده بود که از آنجا به درخواست پلیس اسرائیل، به تل آویو تحویل داد شد.

براساس این گزارش، شین پس و پلیس اسرائیل به محض تحویل گرفتن سگوف، از او بازجویی کردند. بنابراین اسرائیل نشنال نیوز، شین بت اطلاعاتی مبنی بر تماس سگوف با مقامات ایرانی و همکاری با آنها علیه تل آویو دریافت کرده است. براساس یافته های ادعایی شین بت و پلیس اسرائیل، سگوف در سال 2012 از سوی ایران به خدمت گرفته شد. او با عوامل سفارت ایران در نیجریه ارتباط داشته است.

سگوف بعنوان وزیر در سال های 1995 و 1996 در دولت اسحاق رابین و شیمون پرز حضور داشته است.

گزارش «المانیتور» از وزیر بازداشت شده دولت اسحاق رابین و شیمون پرز؛

«شوک» تهران به دستگاه اطلاعاتی اسرائیل

با وجود این که اسرائیل پر از گروه های اقلیت است، اما به طور مداوم مردم و جمعیت متنوع قومی را به خود جذب می کند. اما این دولت در زمینه هدف گیری اطلاعاتی غیرقابل نفوذ در نظر گرفته می شود. تا به امروز هیچ گروه جاسوسی خارجی نتوانسته است که یک شخصیت عالی رتبه اسرائیلی و از صفوف نخبگان دولتی به عنوان یک جاسوس استخدام کند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



بن کاسپیت در المانیتور نوشت: با وجود این که اسرائیل پر از گروه‌های اقلیت است، اما به طور مداوم مردم و جمعیت متنوع قومی را به خود جذب می‌کند. اما این دولت در زمینه هدف‌گیری اطلاعاتی غیرقابل نفوذ در نظر گرفته می‌شود. تا به امروز هیچ گروه جاسوسی خارجی نتوانسته است که یک شخصیت عالی رتبه اسرائیلی و از صفوف نخبگان دولتی به عنوان یک جاسوس استخدام کند. جامعه اسرائیل بسیار منسجم است و این دولت توسط دول متخاصم خود احاطه شده و در معرض تهدید موجودیت قرار گرفته است؛ بنابراین هر گونه خیانت علیه آن می‌تواند به گزینه خطرناک تبدیل گردد.

به گزارش «انتخاب»، المانیتور ادامه داد: نهادها و سازمان‌های جاسوسی ضد اسرائیلی گهگاهی درصدد برآمده تا نماینده عالی رتبه از یک گروه اقلیت یا شخصی در حوزه کنفرانس علمی به استخدام خود در آورند، اما با موفقیت محدودی روبرو بوده اند؛ بنابراین این حقیقت که گونن سگو وزیر سابق انرژی و عضو کابینه امنیتی این دولت در سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۶ به عنوان عامل ایران شناسایی شده است سلی محکمی به صورت اسرائیل بوده است. یک منبع اطلاعاتی اسرائیلی که خواست نامش فاش شود گفت: «با این وجود این خبر هیچ آسیب قابل توجهی به اسرائیل وارد نشده است، چون که سگوف بیش از دو دهه است که از مراکز اطلاعاتی و تصمیم‌گیری اسرائیل اخراج شده است.»

گونن سگو در دهه ۱۹۹۰ حزب دست راستی تزومت (جنبش احیای صهیونیسم) را ترک کرد و او با دو عضو دیگر موفق شدند که وارد کنست شوند تا از این طریق بتوانند به فرایند تصویب پیمان اسلو دوم به اسحاق رابین نخست وزیر سابق کمک کنند. در وضعیت موجود این اقدام بیشتر وجهه و مشروعیت جناح چپ اسرائیل را خدشه دار کرده است، زیرا که وی پس از ترک جناح راست، به عضویت جناح چپ درآمد و اکنون خیانت کرده است. اکنون جناح راست اسرائیل از این اقدام وی برای تضعیف جناح چپ استفاده می‌کنند.

گونن سگو به عنوان پزشک آموزش دیده بسیار ناشناخته بود تا این که با رافائل ایتان رئیس سابق اطلاعات و قهرمان جنگ آشنا شد و آن‌ها پس از بنیان‌گذاری حزب تزومت توانستند در سال ۱۹۹۲ در انتخابات کنست ۸ کرسی را به خود اختصاص دهند. کسانی که از نزدیک سگو را می‌شناختند بر این عقیده هستند اگر چه ایتان دلیل عضویت سگو در کنست است، اما بعداً وی سعی کرد به حامی خود خیانت کند. یکی از اعضای سابق کنست که خواست نامش فاش شود گفت: «کمتر از یک سال پس از ورود ما به کنست؛ سگو به همه می‌گفت که ایتان را باید کنار بگذاریم و او قصد داشت که خود به جای ایتان در صدر فهرست حزب قرار بگیرد.»

رافائل ایتان یکی از محبوب‌ترین سیاستمداران جناح راست اسرائیل است که امروزه شجاع و یکی از چهره‌های مقبول در تاریخ مدرن اسرائیل شناخته می‌شود. وی افزود: خیانت در سگو عمیق، ذاتی و جزئی از شخصیت وی است. وی زمانی که به ایتان خیانت کرد از جناح حزب راست خارج شد و به عضویت جناح حزب چپ درآمد. وی با این اقدام به حیات سیاسی خود پایان داد و بعداً هم درصدد برآمد که مواد مخدر به اسرائیل وارد کند که دستگیر شد و پس از آزادی به نیجریه نقل مکان کرد.

نویسنده در ادامه افزود که هر چه رئیس سازمان اطلاعاتی اسرائیل نگران می شود، شادی ایران موجه است. اسرائیلی ها معترف هستند که استخدام یک وزیر سابق کابینه اسرائیل به عنوان جاسوس و عامل ایران می تواند دستاورد واقعی برای تهران باشد. رام بن باراک معاون سابق موساد به المانیتور گفت: «من می توانم لبخندی که بر چهره مسئولان ایرانی در زمانی که نیروهایشان از موفقیت در استخدام وزیر سابق اسرائیل سخن گفته اند را تصور کنم.»

نویسنده در پایان بر این تاکید کرد که امروزه جنگ بین ایران و اسرائیل در تمامی ابعاد نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی شروع شده است، ولی نقطه تمرکز اصلی جنگ آن ها در حوزه اطلاعات است. بخش قابل توجهی از بودجه موساد در حوزه اقدامات ضد ایرانی بوده است. بنی گاتز، رییس ستاد کل ارتش اسرائیل دستورالعملی را صادر کرد تا تمام تلاش ها و بخش اعظم بودجه به جنگ علیه ایران و نائبان آن مانند حزب الله اختصاص پیدا کند. در حقیقت ایران در اولین رتبه تهدیدات اسرائیل مطرح بوده است.

**بخاطر اینکه امریکا مسافران به لبنان را به امریکا راه نمی دهد؛ و این امر سبب کاهش
تورسیم لبنان شده فلذا دولت لبنان مهر ورود در گذرنامه های مسافران از جمله ایرانی نمی
زند و روی کارت شان مهر می زند**

اخبار برجام

نامه جدید احمدی نژاد به ترامپ!

ملت ایران علاقه‌مند است همکاری را با آمریکا آغاز نماید، اما.../ تعبیر «ماموران ضعیف» برای ظریف و همکاران و ابراز تاسف از بی توجهی ترامپ به نامه قبلی‌اش!

چهارشنبه ۶ تیر ۱۳۹۷ ساعت ۰۶:۱۴

صرف نظر از نوع رابطه ملت ایران با حکومت و نحوه رفتار حاکمیت، لازم به تصریح است که در مناسبات میان ایران و آمریکا و به ویژه در هفتاد سال اخیر، نه تنها حتی یک موضع یا اقدام مثبت و سازنده یافت نمی‌شود که بتوان آن را نشانه حمایت دولت آمریکا از ملت ایران تلقی کرد، بلکه رفتارها و سیاست‌های دولت آمریکا، پیوسته علیه منافع ملت ایران بوده است.

گروه سیاسی جهان نیوز: در پی خروج آمریکا از برجام و ادعاها و تهدیدهای مقامات دولت این کشور علیه ایران، احمدی نژاد رئیس جمهور سابق، نامه ای را خطاب به رئیس جمهور آمریکا ارسال کرد. متن کامل نامه احمدی نژاد به رئیس جمهور آمریکا به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم (قدیمها می نوشت بسم الله قاصم الجبارین = بطور شد الان عوض شد)
جناب آقای دونالد جان ترامپ
رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا
سلام علیکم

جنابعالی در دوران تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری به کرات قول دادید که به دخالت‌ها و جنگ‌افروزی‌های دولت آمریکا در مناطق مختلف جهان پایان می‌دهید. آشکارا خواستار دوران جدیدی از همکاری سازنده بین ملت‌ها شدید. از اینکه دولت قبل از شما گروه‌های تروریستی را ایجاد و حمایت کرد، انتقاد کردید. نظام اداری و حکومتی آمریکا را فاسد خطاب کردید و قول اصلاح آن را دادید.

اینجانب پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نامه‌ای که بعداً منتشر شد با تاکید بر ادعاهای جنابعالی راه مناسب تحقق آن‌ها را ارائه نمودم. در همان زمان خطر بی‌صدافتی در بیان آن ادعاها را گوشزد کردم. متأسفم که باید مجدداً درباره نقض عهد و بی‌توجهی به حقوق دیگر ملت‌ها و تداوم سیاست‌های سلطه‌گرانه حکومت آمریکا سخن بگویم.

جناب عالی اخیراً و برخلاف انتظار و وعده‌های انتخاباتی، به اصل ضرورت گفت و گوی سازنده و منطقی در جهت برقراری صلح پایدار جهانی ضربه‌ای اساسی وارد نمودید و در اقدامی غیرمنطقی، توافق و برنامه اقدام مشترک بین ۷ کشور را به طور یکجانبه نقض و تحریم‌های ظالمانه را مجدداً علیه ملت ایران، برقرار کردید. همزمان مدعی شدید که این اقدام را برای جلوگیری از حضور و نفوذ ایران در منطقه، ممانعت از توسعه برنامه هسته‌ای ایران و حمایت از ملت ایران در برابر طبقه حاکم انجام داده اید!

با توضیحات مختصری، روشن خواهد شد که این ادعاها، صرفاً بهانه و پوشش است و برخلاف تبلیغات زمان انتخابات، شما نیز به دنبال اهداف اسلاف خود هستید. الف: ادعا کرده اید که حضور منطقه‌ای ایران موجب درگیری و جنگ و مشکلات جاری در منطقه و حمایت از تروریسم شده است و شما با تحریم ملت ایران، به دنبال محدود کردن این حضور هستید!

صرف نظر از کیفیت و درستی یا نادرستی حضور و عملکرد ایران در درگیری‌های منطقه‌ای، سوال اساسی این است که آیا اصل حضور و دخالت یک کشور در مناطق فرامرزی نادرست است یا اینکه از جانب ایران اقدامی نادرست، ولی از جانب دولت آمریکا، اقدامی کاملاً درست است؟

بیش از ۳۵ سال است که قوای نظامی آمریکا، حدود ده هزار کیلومتر دورتر از مرزهای رسمی آمریکا، به طور گسترده در منطقه خاورمیانه حضور داشته و حداقل در ۴ جنگ خانمان سوز نقش اساسی ایفا کرده‌اند. در عراق دوبرار و در افغانستان یکبار آغاز کننده جنگ بوده اند و اینک سوریه

نیز صحنه حضور و تحرکات گسترده نظامی آمریکا است. در یمن نیز طراح و پشتیبان و مشوق درگیری، دولت آمریکا و متحدین او هستند.

چگونه می‌توان فروش سلاح‌های پیشرفته به میزان صدها میلیارد دلار در یک سال اخیر و سالانه حدود پنجاه میلیارد دلار طی بیست سال گذشته به برخی از کشورهای منطقه توسط آمریکا را در جهت توسعه صلح و امنیت در منطقه ارزیابی کرد؟ آیا دخالتی بالاتر از این هم متصور است؟ آیا می‌توانید گوشه‌ای از جهان را معرفی کنید که دولت آمریکا در درگیری‌های آن منطقه به عنوان عامل اصلی ایجاد کننده و یا تعیین کننده حضور نداشته باشد؟

اگر حضور و دخالت در دیگر کشورها بد و نادرست است که البته هست، برای همه و تحت هر عنوان بد است. واضح است که نگاه گزینشی از عوامل اصلی مشکلات جامعه بشری است. آیا یک گروه تروریستی را می‌شناسید که نهادهای اطلاعاتی آمریکا در ایجاد و یا به کارگیری آن‌ها نقش نداشته باشند؟

آیا حمایت‌های آشکار و همه جانبه و هفتاد ساله دولت آمریکا از رژیم صهیونیستی و اشغال‌گری‌های مستمر آن و پشتیبانی کامل از حداقل پنج جنگ خونین با میلیون‌ها آواره و هزاران کشته و مجروح که آن رژیم به مردم منطقه تحمیل کرده است و همچنین حمایت بی قید و شرط از ظلم مستمر و روزانه آن رژیم علیه مردم فلسطین، دخالت در امور منطقه محسوب نمی‌شود؟ در حالیکه آمریکا بزرگترین تولید کننده و صادر کننده سلاح است و رونق بازار اسلحه نیازمند مصرف دائم آن یعنی جنگ است، آیا ادعای دولت آمریکا به ضدیت با جنگ و یا طرفداری از صلح بیشتر به یک لطیفه شبیه نیست؟

ب: ادعا کرده اید که اقدامات شما علیه ملت ایران با هدف جلوگیری از توسعه برنامه هسته‌ای ایران است.

وقتی دولتی که خود هزاران بمب اتمی ذخیره کرده و تنها متهم استفاده جنایتکارانه از آن است، تحت پوشش ادعای دفاع از صلح و امنیت جهانی، مخالف توسعه نه تنها سلاح هسته‌ای بلکه فن‌آوری هسته‌ای می‌شود، آیا امیدی به استقرار صلح و امنیت باقی می‌ماند؟ حمایت دولت آمریکا از زرادخانه اتمی رژیم متجاوز و اشغالگر صهیونیستی که تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار نداشته و هیچ تعهد بین المللی نیز نسپرده و همواره سایر کشورها را به حمله نظامی تهدید می‌کند، چه نسبتی با ادعای آن دولت در مخالفت با توسعه سلاح هسته‌ای دارد؟ این تناقض در رفتار و گفتار دولت آمریکا چگونه قابل توجیه است؟

حقیقت این است که دولت آمریکا اصرار دارد انرژی هسته‌ای و سلاح اتمی حتی‌الامکان در انحصار او و متحدینش باشد تا روند سلطه او بر جهان پایدار و بی رقیب باقی بماند. ج: ادعا کرده اید که به مردم ایران احترام می‌گذارید، ولی به دنبال حمایت از آنان در مقابل اجحافات حاکمیت هستید.

صرف نظر از نوع رابطه ملت ایران با حکومت و نحوه رفتار حاکمیت، لازم به تصریح است که در مناسبات میان ایران و آمریکا و به ویژه در هفتاد سال اخیر، نه تنها حتی یک موضع یا اقدام مثبت و سازنده یافت نمی‌شود که بتوان آن را نشانه حمایت دولت آمریکا از ملت ایران تلقی کرد، بلکه رفتارها و سیاست‌های دولت آمریکا، پیوسته علیه منافع ملت ایران بوده است. آیا در منظومه فکری شما، مقابله با ملی شدن صنعت نفت و طراحی و اجرای برنامه کودتا علیه دولت ملی دکتر محمد مصدق، به مثابه حمایت دولت آمریکا از حقوق ملت ایران تلقی می‌شود؟ آیا تحمیل طرح مارشال و اصل ۴ ترومن که منجر به نابودی و وابستگی اقتصاد ایران، عدم تعادل در نظام استقرار جمعیت، وابستگی کامل دولت به درآمد نفت و تغییر اقتصاد مولد به اقتصاد مصرفی و استیلای دولت آمریکا بر ارکان سیاست ایران گردید، اقدامی در جهت حمایت از ملت ایران بوده است؟

چگونه می‌توانید ایجاد دستگاه جهنمی سازمان اطلاعات و امنیت (ساواک) و تحمیل یک رژیم غیرمردمی به ملت بزرگ ایران برای مدت ۲۵ سال را دلیلی بر حمایت از حقوق مردم این سرزمین وانمود کنید؟

چگونه می‌توان برنامه ریزی و تصمیم به کشتار حداقل یک میلیون نفر از مردم ایران با هدف جلوگیری از پیروزی انقلاب که به لطف خدا و هوشمندی و عدم همراهی ارتشیان عزیز خنثی گردید را نشانه‌ای از حمایت دولت آمریکا از ملت ایران دانست؟!

آیا تجهیز رژیم صدام و حمایت‌ها و تشویق‌های پیدا و پنهان او در جنگ ۸ ساله و نهایتاً ورود رسمی به جنگ علیه ملت ایران و اسقاط هواپیمای مسافربری، دفاع دولت آمریکا از حقوق ملت ایران بوده است؟

چگونه می‌توان ادعا کرد تحریم‌های گسترده و اعمال فشار به اقتصاد خانوارهای ایرانی طی ۳۹ سال اخیر و به ویژه در ۷ سال گذشته که مشکلات قابل توجهی را برای توده‌های مردم ایجاد کرده است، در جهت حمایت دولت آمریکا از ملت ایران انجام شده است؟

آیا تحریم‌های جدیدی که وعده اش را داده اید کسی غیر از مردم را هدف گرفته است؟ آیا می‌توانید فقط به یک تصمیم یا اقدام در جهت منافع ملت ایران، اشاره کنید که بانی آن دولت آمریکا بوده یا در آن مشارکت داشته باشد؟

در دوره ۲۵ ساله پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که دولت ایران به طور کامل با سیاست‌های بین‌المللی آمریکا همراهی داشت، آیا رژیم حاکم بر ایالات متحده، اجازه پیشرفت علمی و تکنولوژیک به ملت ایران داد یا اینکه با طراحی‌های مختلف، مانع از تحقق آن گردید؟ سهم ملت ایران از دستاوردهای علمی خیل عظیم نخبگان ایرانی مهاجر به آمریکا در آن دوره چه بوده است؟

حضور ده‌ها ساله بیش از ۴۵ هزار مستشار آمریکایی با دریافت حقوق‌های نجومی، منجر به کدام پیشرفت علمی و فنی در ایران شد؟ آیا جز تحقیر منابع انسانی مستعد و نخبه ایرانی نتیجه‌ای داشته است؟

همواره با توجیه اینکه فشار بر مردم به فشار مردم بر حاکمیت تبدیل خواهد شد تحریم‌های غیر قانونی و غیر انسانی را علیه ملت ایران تحمیل کرده‌اید، اما آیا این اقدامات جز انتقام کشی از ملت ایران بوده است؟

مگر نه اینکه در یک نگاه و تحلیل تاریخی واقعی و درست، تمام سیاست‌های آمریکا برای مهار قدرت ذاتی ملت ایران و عقب نگه‌داشتن او از جریان پیشرفت علمی و اقتصادی، طراحی و عملیاتی شده است؟

جناب آقای رییس جمهور؛

گرچه ملت ایران علاقه‌مند است گذشته‌ها را به تاریخ بسپارد و فصل جدیدی از همکاری سازنده و صادقانه را با آمریکا آغاز نماید، اما متأسفانه حقیقت این است که شما نیز مانند اسلاف خودتان به دنبال توسعه سلطه آمریکا و تأمین منافع سرمایه داران جهانی و البته در سایه آن، کمک به حل برخی از مشکلات اقتصادی آمریکا هستید! حق بدهید که ملت ایران به اقدامات شما از زاویه تردید نگاه کند.

مگر غیر از این است که دولت قبل از شما بخشی از یک طرح استیلاگرانه علیه ملت ایران را جلو برده است و شما به دنبال تکمیل آن هستید؟

البته باید با افتخار اعلام کرد که روابط ملت ایران با مردم آمریکا و دیگر ملت‌های جهان همواره سازنده، انسانی و دوستانه بوده است.

تاکید می‌نماید که ملت بزرگ ایران با تکیه بر فرهنگ و قدرت ذاتی خود، قادر است مشکلات خود را حل نماید و نیازی به دلسوزی و یا دخالت دیگران ندارد.

جناب آقای رئیس جمهور!

بر اساس گزارش‌های رسمی، دولت آمریکا با زیر پا نهادن معاهده برتون وودز و لغو تعهد خود در ذخیره طلا به عنوان پشتیبان دلار، حدود ۴۰ سال است با تزریق بیش از ۲۱ هزار میلیارد دلار دارایی کاغذی و غیرواقعی به اقتصاد جهانی، به همین مقدار دارایی واقعی ملت‌ها را به صورت سیستماتیک تصاحب کرده است. روشن است که حیات اقتصادی آمریکا و سرمایه‌داران حاکم بر آن، مرهون این غارت سازمان یافته است که به نوبه خود، سلطه سیاسی و امنیتی آمریکا را نیز تضمین می‌کند.

روشن است که حضور گسترده نظامی آمریکا در جهان و تهدید و تحمیل جنگ به ملت‌ها، حفاظت از این جریان غارت تاریخی است.

اگر شما واقعاً خواهان کمک به ملت‌ها هستید، در گام اول باید به این چپاول بزرگ که موجب فقر در بخش عظیمی از دنیا شده و می‌شود، پایان دهید.

فقط سهم ملت ایران از این غارت تاریخی به قیمت جاری حدود ۴۲۰ میلیارد دلار است. چگونه می‌خواهید این خسارت را جبران نمایید؟ این رقم غیر از قراردادهای یک جانبه‌ای است که طی ۲۵

سال قبل از انقلاب به ملت ایران تحمیل گردید.

حقیقت این است که رقابت و خصومت دولتمردان آمریکا با ملت ایران، یک امر تاریخی است. هیات حاکمه آمریکا با فرهنگ و توانایی‌های ملت ایران به ویژه در حوزه فرهنگ، علم و تمدن سازی مخالفند. به یاد بیاورید که آقای رامسفلد وزیر دفاع اسبق آمریکا خواستار ریشه کن کردن ملت ایران شده بود، امری که از نیات واقعی دولت آمریکا علیه ملت ایران پرده برداشت. موضوعی که هم اینک نیز در سند منتشر شده استراتژی امنیت ملی آمریکا کاملاً برجسته است.

ممکن است امروز عده‌ای با هدف کنترل حاکمیت ایران، با شما و برخی از شرکایتان در اعمال فشارهای سنگین بر ملت ایران موافق باشند، اما ملت ایران با فرض اینکه از شرایط حاکم بر کشور ناراضی بوده و با سیاست‌ها و یا عملکردهای برخی از صاحب منصبان کشور مشکل داشته باشد، لیکن تاریخ گواهی می‌دهد که این ملت بزرگ با اتکاء به فرهنگ و توانایی‌های ذاتی خود قادر به حل و فصل مشکلات و دفاع از حقوق اساسی خویش بوده و خواهد بود و در این امر نیازی به دیگران ندارد. ملت ایران مارگزیده‌ای است که ریسمان سیاه و سفید هم او را نگران می‌کند.

این بار نیز روشن است که بر خلاف ادعاها، تحریم‌های یک جانبه و ظالمانه دولت شما فقط مردم مظلوم ایران را تحت فشارهای غیرانسانی قرار داده و خواهد داد.

ما به شرایط ناحق و ناصوابی که امروز به مردم منطقه تحمیل شده و موجب توسعه دخالت‌های دیگران در امور داخلی کشورها شده است اعتراض داریم و امیدواریم هر چه زودتر و با هوشمندی و خویشتنداری طرفین و از طریق گفتگوهای درون منطقه ای، اختلافات و درگیری‌ها پایان یابد و صلح و برادری و خواست ملت‌ها در اداره کشورها به طور کامل جریان یابد.

دولتمردان شما همچون همکاران قبلی شما در مواجهه با برخی از مامورین ضعیف، تصور کرده اند که با استفاده از ابزار تبلیغ و تهدید می‌توانند قراردادهای یک جانبه و استعماری را به ملت ایران تحمیل و با تضييع و تحديد حقوق مسلم او، برای همیشه این ملت تاریخ ساز و تمدن آفرین را از صحنه سیاست جهان حذف نمایند. بدانید که هم در فهم مسائل و شناخت ملت ایران و هم در سیاستگزاری و اقدام اشتباه می‌کنید.

قاطعانه اعلام می‌نمایم هر قراردادی که علیه منافع ملت ایران باشد و یا به تایید آشکار و آزادانه او نرسیده باشد، فاقد رسمیت بوده و مورد قبول مردم نخواهد بود. تاریخ نشان داده است که اراده ملت ایران بر بدخواهان غلبه خواهد کرد.

ما ملتی با چند هزار سال سابقه و تاریخ پر فراز و نشیب بوده و به لطف خدا خواهیم بود و همچون گذشته بر فرهنگ انسانی، مهرورزی، احترام، آزادی و عدالت برای همه ملت‌ها پای خواهیم فشرد و قاطعانه از استقلال و هویت فرهنگی، سیاسی و تاریخی خود صیانت خواهیم کرد.

تردید نداشته باشید که سیاست‌های جاری دولت شما علیه ملت بزرگ ایران نتایج مد نظرتان را در بر نخواهد داشت و بر بی‌اعتمادی تاریخی خواهد افزود.

راه درست و البته انسانی و پایدار، احترام به حقوق ملت ایران و دیگر ملت‌ها از جمله آزادی انتخاب و حق تعیین سرنوشت و همچنین تغییر رویکردها از مقابله و دشمنی به احترام، تفاهم و همکاری سازنده است.

ملت ایران حل ریشه‌ای مسائل جامعه انسانی، نه فقط در محدوده خاورمیانه بلکه در سراسر جهان را، صرفاً از طریق گفتگو و همکاری سازنده بین همه کشورها و ملت‌ها و در شرایط احترام و عدالت می‌داند.

ملت ایران همواره به همه ملت‌ها و حقوق اساسی آن‌ها احترام گذاشته و می‌گذارد و خواهان دوستی و همکاری با همگان و صلح، آزادی، امنیت، احترام، عدالت، رفاه و پیشرفت برای همه ملت‌ها بوده است.

جناب آقای رئیس جمهور!

آمریکا کشوری بزرگ، ثروتمند، صاحب نفوذ و تاثیرگذار در معادلات جهانی و دارای مردمی فرهیخته و فهیم است و ایران نیز کشوری ریشه دار در تاریخ، تاثیرگذار در فرهنگ و تمدن بشری و برخوردار از موقعیتی بسیار مهم و حساس در یک منطقه استراتژیک جهان و نیز دارای ملتی فهیم، یکپارچه، آزادیخواه و ظلم ستیز است و همه خوبی‌ها و پیشرفت‌ها را برای تمامی ملت‌ها و کشورها می‌خواهد و انحصار طلبی و زیاده خواهی را به هر شکل آن مذموم و محکوم می‌داند.

یادآوری می‌کنم که، دولت‌های مختلف آمریکا، به ویژه در ۴۰ سال اخیر، همواره سیاست خود در ارتباط با ایران را برمبنای رویکردی تخریبی پی ریزی کرده و هزینه‌های سنگینی را از حیث مالی و

انسانی به مردم دو کشور تحمیل ساخته‌اند و متأسفانه دولت شما نیز، این رفتار خصمانه و غیرقابل توجیه را دنبال کرده است، رفتاری که جز پایداری و مقاومت فزاینده ملت ایران، انباشته شدن کینه‌ها و بیشتر شدن فاصله‌ها، حاصلی در بر نداشته و نخواهد داشت.
مهدی پازوکی، اقتصاددان در گفت و گو با «انتخاب»:

حالا تاثیر تضعیف برجام در اقتصاد کشور احساس می‌شود / اگر در سال ۹۴ به این توافق نمی‌رسیدیم، امروز در حالت «نفت در برابر غذا» بودیم / اقتصاد کشور به مرحله «بحران» نرسیده / دلیل علمی وضعیت کنونی رشد فزاینده نقدینگی است / مشکل ما جهل است؛ از نان شب واجب تر، شفافیت در اقتصاد ایران است / نتیجه ارزهای ۱۲۲۶ تومانی دوره احمدی‌نژاد را در زعفرانیه، نیاوران و ماشین‌های آخرین مدل ببینید / قیمت واقعی دلار ۵۵۰۰ تا ۵۶۰۰ تومان است / سید حسن نصرالله باهوش است و کاری کرد که بانک‌های لبنانی تحریم نشوند / اگر روحانی بتواند ما را به شاخص‌های سال ۸۴ برگرداند، باید مجسمه اش را در میدان پاستور بنا کنیم

مهدی پازوکی، اقتصاددان می‌گوید: ضربتی ترین اقدامی که دولت می‌تواند در شرایط فعلی انجام دهد، تشکیل بازار ارز است که متقاضیان و عرضه کنندگان ارز، ارز خود را آنجا ببرند و دولت هم رانت ندهد. یعنی اگر کسی می‌خواهد گوشی ابل 10 یا سامسونگ اس 9 بخرد، باید پولش را بدهد نه اینکه دولت به او رانت بدهد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



مهدی پازوکی، اقتصاددان می‌گوید: ضربتی ترین اقدامی که دولت می‌تواند در شرایط فعلی انجام دهد، تشکیل بازار ارز است که متقاضیان و عرضه کنندگان ارز، ارز خود را آنجا ببرند و دولت هم رانت ندهد. یعنی اگر کسی می‌خواهد گوشی ابل 10 یا سامسونگ اس 9 بخرد، باید پولش را بدهد نه اینکه دولت به او رانت بدهد.

پازوکی در گفت و گو با خبرنگار «انتخاب»، درباره وضعیت کنونی اقتصاد کشور گفت: اعتقاد ندارم که وضعیت به «بحران» رسیده؛ بحران زمانی است که پول ملی از مبادلات حذف می شود. بنابراین به بحران نرسیده ایم و امیدوارم هیچ وقت هم نرسیم.

برجام را نمی پذیرفتیم امروز «نفت در برابر غذا» بودیم

او با اشاره به دلایل رسیدن اوضاع اقتصاد به وضعیت کنونی گفت: اولین دلیلش این است که اقتصاد ایران گروگان سیاست است. ما تعامل مان با جهان برخلاف کشورهای منطقه، بسیار ضعیف است. در واقع تنها کار خوبی که در این سال ها در حوزه سیاست خارجی انجام دادیم، تعامل با 1+5 در برجام بود. من به شدت از برجام دفاع می کنم و اعتقاد دارم، برجام با FATF کاملاً با هم فرق دارند.

پازوکی با بیان اینکه اگر برجام را نپذیرفته بودیم، امروز «نفت در برابر غذا» بودیم، گفت: جامعه داشت خوب پیش می رفت اما فکر می کنم برخی مسئولان کم کاری کردند که اعتقاد دارم اگر کمی منطقی تر و بخردانه تر با مسائل امنیتی ایران با دنیای بین الملل برخورد میکردند، قطعاً وضعیت ما خیلی بهتر بود.

این اقتصاددان با بیا اینکه «روال بعد از برجام داشت خوب پیش میرفت» گفت: هیات ها داشتند به ایران می آمدند و وضع داشت به روال عادی برمی گشت، اما برخی اقدامات و تهییج دشمنان علیه خودمان، باعث شد کمی تردید نسبت به ایران ایجاد شود. در حالی که منافع ملی باید برای ما مهم باشد اما ما از نگاه اقتصادی، برخورد بخردانه ای نکردیم.

دلیل علمی وضعیت کنونی رشد فزاینده نقدینگی است

او با اشاره به دلیل دوم وضعیت کنونی اقتصاد کشور گفت: دومین دلیل، دلیل علمی است؛ یعنی شما وقتی اقتصادی دارید که رشد نقدینگی آن فزاینده است، به عبارت بهتر، نرخ رشد نقدینگی طی 5 سال گذشته، 30 درصد است ولی نرخ رشد اقتصادی حدود 5 درصد است، یک تعارض ایجاد می شود. یعنی نسبت حجم نقدینگی به حجم تولید ناخالص ملی ما متأسفانه بزرگتر از یک شده؛ یعنی حدود 110 درصد است در حالی که در استانداردهای جهانی، این نسبت باید 60 درصد باشد نه 110 درصد.

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: وقتی نقدینگی از تولید ناخالص ملی پیشی می گیرد، بالقوه یک سیل خطرناک است. یعنی اگر نقدینگی به سمت فعالیت های دلالتی، سفته بازی و واسطه گری بیاید که متأسفانه آمده، بازار سکه، ارز و طلا را دچار مشکل می کند که کرد.

شوک خارجی اقتصاد، خروج آمریکا از برجام بود

پازوکی با اشاره به تاثیرات یک شوک بر اقتصاد کشور، در این شرایط، گفت: همین اتفاق در دولت احمدی نژاد افتاد، اما ما متأسفانه درس نمی گیریم. یعنی در دولت آقای احمدی نژاد وقتی قیمت نهاده های انرژی 500 درصد بالا رفت، دولت چون درآمد ارزی اش خوب، قیمت اسمی ارز را ثابت نگه داشت. در حالی که قیمت واقعی ارز به شدت کاهش یافته بود و نیاز به یک شوک خارجی داشت. در این شرایط، شوک تحریم ها باعث شد ارز 900 تومانی در کمتر از سه ماه به ارز سه هزار تومانی تبدیل شد. همین اتفاق در دوره اخیر افتاد. یعنی وقتی حجم نقدینگی 1500 تریلیون تومان است، اگر ده درصد این نقدینگی وارد فعالیت های سفته بازی و دلالتی شود که شد، هر بازاری را دچار مشکل می کند و این موضوع، به شدت در قیمت ارز و ... تاثیر داشت. پس دلیل علمی اش نقدینگی بود و نیاز به یک شوک خارجی داشت که همان خروج آمریکا از برجام بود. یعنی حالا تاثیر تضعیف برجام بر اقتصاد کشور مشخص می شود.

سیستم بانکی ما پولشویی می کند

پازوکی با اشاره به اینکه تندرها به دولت روحانی می گویند چرا بانک های اروپایی با ما کار نمیکنند؟ گفت: بانک های اروپایی می گویند به این دلیل کار نمی کنیم که بخشی از سیستم بانکی شما پولشویی می کند. یعنی پول های کثیف وارد بانک می شود و این پول کثیف از طریق پولشویی تبدیل به پول تمیز می شود. مثلاً پول ناشی از مواد مخدر، رشوه فساد اقتصادی، قاچاق کالا وارد این سیستم می شود.

او ادامه داد: خود دولت اعلام کرده است که 12 میلیارد دلار قاچاق داریم که اگر با ارز 4200 تومانی حساب کنیم، 50 هزار میلیارد تومان حجم قاچاق می شود. این حجم بسیار بالایی است و دنیا این را می فهمد. یعنی اگر یک دلار پول کثیف وارد سیستم بانکی آلمان، فرانسه، سوئیس، انگلیس شود و سیستم، مبدا پول را نداند، شما را بازخواست می کند. سیستم بانکی ما این نیست.

نصرالله کاری کرد که بانک های لبنانی تحریم نشوند

پازوکی ادامه داد: سید حسن نصرالله، رهبر حزب الله انسان بسیار فهیمی است و منافع ملی لبنان برای او مهم است. او به خاطر تحریم نشدن بانک های لبنان مصاحبه ای کرد و گفت ما پولمان را به صورت چمدانی می گیریم. این حرف به خاطر این بود که بانک های لبنانی تحریم نشوند. یعنی او تا این حد باهوش است.

از عدم شفافیت رنج می بریم

این اقتصاددان افزود: منافع ملی کشور در شفافیت است، ما از عدم شفافیت رنج می بریم. چرا اکنون نسبت مالیات به تولید ناخالص ملی ما 7 درصد است در حالی که در ترکیه 20 درصد است. بودجه جاری کشور باید از مالیات باشد. قانونش را هم داریم ولی عمل نمی شود. چرا؟ چون نظام اطلاعات شفاف نداریم. چون سیستم اطلاعات مالی ما در اختیار سازمان امور مالیاتی نیست. چون ایران بهشت دلالان، واسطه گران کلاهبرداران و افراد سودجوست. ما قربانی عدم شفافیت هستیم.

او ادامه داد: ما برای آنکه بیکاری را از بین ببریم، نیاز داریم در اقتصادمان سرمایه گذاری شکل بگیرد؛ ابتدا سرمایه گذاری داخلی و سپس خارجی. برای آنکه سرمایه گذاری شکل بگیرد، نیاز داریم که فضای کسب و کار مناسب تولید باشد و اولین عامل این موضوع شفافیت در اقتصاد است.

تندروها توانستند دیدگاه غیرکارشناسی خود را حاکم کنند

پازوکی با بیان اینکه متأسفانه ما به جامعه بین المللی سیگنال می دهیم که شفافیت نداریم، گفت: ما کشور را گران اداره می کنیم. اقلیت تندرو در مجلس توانستند دیدگاه غیرکارشناسی خود را به دلیل قدرت مالی و تریبون هایی که دارند، حاکم کنند.

او با تمجید از سیاست های زنگنه در وزارت نفت گفت: یکی از بهترین وزرای دولت آقای زنگنه است. ما دو دور در اوپک با عربستان منطقی برخورد کردیم و موفق شدیم؛ چون منافع مشترک داریم. متأسفانه تلویزیون ما اینها را نشان نمی دهد. دنیا این موضوع را تحسین کرد.

روس ها خنجر زدند اما ما در اوپک عالی عمل کردیم

او با بیان اینکه ما در اوپک با عربستان منافع مشترک داریم، گفت: در دور قبل اوپک، 500 هزار سهمیه عربستان کاهش یافت اما سهمیه ما افزایش پیدا کرد و تولید ما امروز به همان چیزی رسیده که سهمیه ماست.

پازوکی با بیان اینکه حمله تندروها به سفارت عربستان کلی هزینه برای مملکت به بار آورد، گفت: ما در اوپک بسیار عالی عمل کردیم در حالی که شما ببینید تندروها آقای زنگنه را کوبیدند و بایکوت کردند. روس ها در همین داستان اخیر، به ما خنجر زدند اما وزیر نفت ما با وزیر نفت عربستان بحث کارشناسی کردند چون منافع ملی داریم. ما در جنگ بارها دیدگاه مان با دیدگاه وزیر نفت صدام یکی بود چون منافع ملی برای مان مهم است.

این اقتصاددان با بیان اینکه اقتصاد ایران در شرایط فعلی به شدت از جهالت رنج می برد، گفت: چه دلمان بخواهد چه نخواهد آمریکا امروز 25 درصد تولید ناخالص ملی دنیا را دارد و ما نیم درصد و در مبادلات اقتصادی سهممان به اندازه همان نیم درصد است. بنابراین باید تلاش کنیم تولید ملی و درآمد ملی کشورمان بالا برود، فقر از بین برود و رفاه جامعه بیشتر شود.

یک طبقه نوکیسه رانتخوار آماده کرده ایم

او با بیان اینکه سیستم بانکی ما از عدم شفافیت رنج می برد گفت: در ایران یک طبقه نوکیسه ظاهر شده. بروید ببینید چه کسانی در دوره احمدی نژاد، ارز 1226 تومانی گرفتند و کالا وارد کردند و با قیمت 3 هزار تومان فروختند، اینها را شما می توانید در خانه های لواسان، زعفرانیه، در آپارتمان های شیک در فرمانيه، کارمانيه و نیاوران ببینید. ماشین های آخرین مدلی که امروزه در تهران وجود دارد، در ژاپن که یک کشور پیشرفته است، این تعداد ماشین مدل بالا دیده نمی شود.

او با ابراز تأسف از اینکه ما به جای آنکه از تولید ملی حمایت کنیم جو را برای یک طبقه نوکیسه رانتخوار آماده کرده ایم، گفت: به عنوان کسی که با رانت و عدم شفافیت مخالف است، می گویم مشکل ما جهل است، باید بدانیم که اگر دور کشور سیم خاردار بکشیم از جامعه جهانی عقب می مانیم. امروز از نان شب واجب تر، شفافیت در اقتصاد ایران است.

بازار ارز بدون رانت دولت درست کنیم

او درباره ضربتی ترین اقداماتی که دولت در حال حاضر می تواند انجام دهد ادامه داد: در شرایط فعلی پیشنهاد من این است که بازار ارز درست کنیم، که متقاضیان و عرضه کنندگان ارز، ارز خود را آنجا ببرند و دولت هم رانت ندهد. اگر کسی می خواهد گواهی ایل 10 یا سامسونگ اس 9 بخرد، باید پولش را بدهد نه اینکه دولت به او رانت بدهد.

قیمت واقعی دلار 5500 تا 5600 تومان است

او با بیان اینکه قیمت ارز 4200 تومان نیست، گفت: قیمت واقعی ارز بر اساس محاسبات کارشناسی، حدود 5500 تا 5600 تومان است. بنابراین اعتقاد دارم دولت باید بازار ارز را شکل بدهد و بانک های ما که در استانداردهای بین المللی کوچکند، با بانک های خارجی وارد معامله بشوند.

او با تاکید بر اینکه اقتصاد دستور و فرمان نمی پذیرد، گفت: اگر امنیتی کردیم، بدانیم که قیمت ارز بالا می رود. باید در کوتاه مدت بانک مرکزی با سیاست های بخردانه، بازار ارز را شکل دهد و صرافی ها را آزاد کند که ارز خرید و فروش کنند. دولت کاملاً می تواند کنترل کند که چه کسانی ارز می خرند یا می فروشند.

پازوکی با بیان اینکه الان ایرانی های خارج کشور زیادی داریم که ارز خود را به داخل می فرستند، گفت: ما به پتروشیمی ها ارز با قیمت دولتی می دهیم و آنها با قیمت آزاد می فروشند. این موضوع باید شفاف شود. اگر قرار است پتروشیمی ها با ارز آزاد محصول خود را بفروشند خوراک خود را هم باید با ارز آزاد بگیرند.

او با بیان اینکه باید ارز را از امنیتی بودن خارج کنیم، گفت: عمده ترین عرضه کننده ارز، دولت است باید دخالت کند و با مدیریت شناور، شرایط کند. اگر قیمت از یک حدی بالاتر رفت ارز عرضه کند و اگر پایین تر آمد ارز را بخرد.

او با بیان اینکه سه گروه رو دشمن ملت ایران می دانم، گفت: یکی تندرو در آمریکا به رهبری ترامپ، تندروها در اسرائیل به رهبری نتانیاها، و تندروهای وطنی خودمان که دنبال رانت هستند و بدشان نمی آید دوباره تحریم شود و آن طبقه نوکیسه گسترش پیدا کند. چون تندروها در ایران در یک حالت عادی نمی تواند قدرت را به دست بگیرند. بکله نیاز دارند بحران بیافرینند و بحران ها را مدیریت کنند. اقتصاد مایه قوام ملت هاست اگر اقتصاد از هم بپاشد، همه ضرر می کنیم نه فقط اصلاح طلبان، بلکه اصولگرایان هم ضرر می کنند.

احمدی نژاد ربع قرن کشور را عقب برد

او با بیان اینکه احمدی نژاد ربع قرن کشور را به عقب برد، گفت: زمان تحویل دولت خاتمی به احمدی نژاد، شاخص اقتصادی در وضعیت بسیار خوبی بود. اگر روحانی بتواند ما را به همان شاخص های سال 84 برگرداند، باید مجسمه اش را در میدان پاستور بنا کنیم. تندروها باید بدانند هزینه حمایت از دولتی علم ندارد و جامعه جهانی را نمی شناسد، عقبگرد شاخص های اقتصادی است. بنابراین این اقتصاد توان اینکه یک بار دیگر عقب برود، ندارد.

شرکت خودروسازی «رنو»: باوجود تحریم های آمریکا، در



RENAULT

ایران می مانیم

مدیرعامل رنو در نشست سالانه سهامداران این شرکت گفت: حتی اگر مجبور به کاهش شدید حجم باشیم، آن را رها نخواهیم کرد. پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):

شرکت فرانسوی رنو اعلام کرد که به رغم تحریم های آمریکا در ایران باقی می ماند. به گزارش «انتخاب» به نقل از خبرگزاری فرانسه، کارلوس قوسن، مدیرعامل این شرکت روز جمعه گفت که «رنو» ایران را ترک نخواهد کرد.

مدیرعامل رنو در نشست سالانه سهامداران این شرکت گفت: حتی اگر مجبور به کاهش شدید حجم باشیم، آن را رها نخواهیم کرد.

وی افزود: این اقدام شرکت رنو برای زمانی که بازار مجدد گشوده می شود، یک مزیت محسوب می شود.

ترامپ: از شر برجام راحت شدیم

رئیس جمهور آمریکا می گوید ایران در پی حفظ برجام بدون آمریکا است ولی به هر حال، ایرانی ها یک روز مجبور می شوند برای انعقاد توافقی جدید، با آمریکا وارد مذاکره شوند.

به گزارش مشرق، «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا امروز در محوطه کاخ سفید در جمع خبرنگاران در خصوص رفتار ایران پس از خروج آمریکا از برجام و پیش بینی واشنگتن از آینده برجام سخن گفت.

آنطور که خبرگزاری رسمی کویت گزارش کرده، ترامپ در ابتدای گفت و گو با خبرنگاران، گفته: «از زمانی که من رئیس جمهور شدم، آمریکا مورد احترام بیشتری قرار گرفته است.»

ترامپ به تفاوت رفتار ایران از زمان روی کار آمدن خود هم پرداخته و مدعی شده که در این برهه زمانی، سودای «تسلط بر خاورمیانه» دیگر از اذهان ایرانیان رخت بر بسته است.

وی در این خصوص گفته: «ایران دیگر به مدیترانه دسترسی ندارد؛ حالا دیگر آنها مجبورند برای رسیدن به این منطقه، مسیری طولانی را طی کنند.»

رئیس جمهور آمریکا در خصوص برجام گفته: «دیگر از شر توافق احمقانه ای که اوپاما با آنها بسته بود، راحت شدیم.» منبع: فارس

با توجه به دستاوردهای ترك برجام ایران دیگر مشکلي ندارد و مي شود برجام با او داشت!!!!

واکنش مطهری به هشدار علم الهدی به مجلس درباره FATF: این صحبت‌ها شاید بتواند به کشف منشأ پیامک‌های تهدیدآمیز ارسالی از مشهد کمک کند



نایب رئیس مجلس شورای اسلامی از هشدار علم الهدی به مجلس درباره تصویب FATF انتقاد کرد و نوشت: اگر بنا بود نمایندگان مجلس تشخیص‌های آقای علم الهدی را ملاک تصمیم‌های خود قرار دهند امروز اثری از جمهوری اسلامی نبود و انقلاب اسلامی را دو دستی تقدیم آمریکا و اسرائیل کرده بودیم؛ چرا که همیشه انقلاب‌ها بیشترین ضربه را از ناحیه دوستان ناآگاه خود دریافت می‌کنند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی از هشدار علم الهدی به مجلس درباره تصویب FATF انتقاد کرد. به گزارش «انتخاب»، علی مطهری در یادداشتی نوشت: «آقای علم الهدی امام جمعه مشهد به نمایندگان مجلس هشدار داده است که "حواستان جمع باشد که در تاریخ اسمتان دنبال مملکت فروشان نیاید و نگویید شما هم با تصویب FATF جزو مملکت فروشان بودید."

اولا اگر بنا بود نمایندگان مجلس تشخیص‌های آقای علم الهدی را ملاک تصمیم‌های خود قرار دهند امروز اثری از جمهوری اسلامی نبود و انقلاب اسلامی را دو دستی تقدیم آمریکا و اسرائیل کرده بودیم؛ چرا که همیشه انقلاب‌ها بیشترین ضربه را از ناحیه دوستان ناآگاه خود دریافت می‌کنند.

ثانیا این گفته آقای علم الهدی شاید بتواند به کشف منشأ پیامک‌های بعضا تهدیدآمیز ارسالی از مشهد برای نمایندگان در ایام طرح لایحه مرتبط با FATF کمک کند.»

تحلیل مجله آلمانی «اشپیکل»

حالا زمان منزوی کردن ترامپ است

ترامپ فکر می‌کند که بزرگترین است و صرفا بر احساسات غریزی خود اتکاء دارد. او نسبت به مباحثات منطقی، عایق است. سرویس جهان مشرق- یادداشت زیر در وبسایت مجله آلمانی «اشپیکل» به تاریخ ۱۱ ژوئن و به قلم «رولند نیلس» منتشر شد.

The G-7 Fiasco

It's Time to Isolate Donald Trump

The G-7 summit once again made it clear that U.S. President Donald Trump is intent on treating America's allies worse than its enemies. Europe must draw the consequences and seek to isolate Trump on the international stage.



A Commentary by **Roland Nelles** ▼



*زوال غرب، پایان نظام جهانی پس از جنگ، آغاز یک دوران نوین... این‌ها دعاوی دراماتیکی است که این روزها برای توصیف رفتار دونالد ترامپ به کار می‌رود و همه آن‌ها هم همزمان هم درست و هم نادرست هستند. شکست G7 به روشنی نشان داد که مشکل اصلی سیاست‌های ترامپ، خود ترامپ است. هیچ دلیل و انگیزه دیگری برای این اعمال، غیر از اشتیاق-نیاز- به بهرتین، مهم‌ترین، بزرگ‌ترین بودن (در ترامپ) وجود ندارد. سقوط غرب و نابودی ائتلافی که دهه‌ها حفظ شده است، صرفاً عوارض جانبی یک خودشیفتگی بی‌سابقه است.

در G7 ترامپ طوری با قدیمی‌ترین دوستان آمریکا رفتار کرد که انگار دشمن هستند. همزمان، او نسبت به رییس جمهور روسیه تملق گفت و رهبر کره شمالی را «بسیار شریف» خواند. او در چنین کسانی، بازتاب خود را می‌بیند. او کاری را که دوست دارد انجام می‌دهد. توافقات با شرکاء، قواعد نظام بین‌الملل، هیچ‌کدام برای او محلی از اعراب ندارد. ترامپ کنترل کامل می‌خواهد و نمی‌تواند مخالفت را تحمل کند. او همیشه باید حرف اول و آخر را بزند. در حقیقت، اصلاً غیرمنتظره نبود که او قصد داشت برنامه خود را (بازگشت روسیه به گروه و جنگ تجاری) در G7 پیش ببرد. توثیتی که او در هواپیما درباره کانادا نوشت و در آن حمایت خود را از بیانیه اجلاس لغو کرد، صرفاً نتیجه منطقی «خود بزرگ بینی» او بود. فقط من، من، من....

دیدگاه خام او درباره دنیا، تصویر او از آمریکا که در آن این کشور سال‌هاست که توسط دیگران استثمار و سرکیسه می‌شود، حاصل خودبزرگ‌بینی است، چون ترامپ فکر می‌کند که بزرگ‌ترین است و صرفاً بر احساسات غریزی خود اتکاء دارد. او نسبت به مباحثات منطقی، عایق است. ترامپ صرفاً غرایز و افکار خود را به قیمت حذف دیگران لحاظ می‌کند، حتی اگر این غرایز و افکار فاقد آگاهی و مبتنی بر تعصب باشد. مشکل پیش روی «غرب»، یا دست کم غربی که آنگلا مرکل، جاستین ترودو و امانوئل ماکرون و..... نمایندگان آن هستند، این است که همچنان قصد دارند بازیگران فرعی این نمایش جنون آمیز باشند. آن‌ها چنین می‌کنند چون به ایده‌آل‌های قدیمی و قواعد قدیمی چسبیده‌اند. آن‌ها به قدرت سخنان، مباحثات منطقی و اتحادها باور دارند. این‌ها شاید اموری پسندیده باشند، ولی در مواجهه با خودشیفته‌ای مثل ترامپ، این شیوه‌ها جواب نمی‌دهند. می‌توان امید داشت که در نهایت این رهبران بعد از پایان خجالت‌آور اجلاس G7 به درک این موضوع برسند.

شاید معقول‌ترین واکنش را رییس جمهور فرانسه نشان داد. او در توثیتی نوشت: «هیچ رهبری، ابدی نیست.»، پیامی که آشکارا مخاطب آن ترامپ بود، یادآوری این نکته که چگونه این نمایش ناشایست می‌تواند به پایان برسد. رای‌دهندگان آمریکایی این

قدرت را دارند که به طور جدی ترامپ را توبیخ کنند. آن‌ها می‌توانند او و جمهوری‌خواهان را در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در پاییز امسال تنبیه کنند و در ۲۰۲۰ هم عذر ترامپ را از کاخ سفید بخواهند.

و اروپا؟ اروپا می‌تواند با منزوی کردن ترامپ، مقاومت خود را نشان دهد؛ با نادیده گرفتن ترامپ و روشن ساختن دلیل این نادیده گرفتن برای او.

در این جدال، اروپا باید صدای خود را بالاتر از صدای ترامپ ببرد- پیام اروپا نه فقط باید به شهروندان اروپا، که باید به مردم آمریکا هم برسد. هنوز در ایالات متحده بسیاری هستند که کاملاً در جریان آسیبی که ترامپ به اتحاد غربی می‌زند، نیستند. البته ترامپ هوادارانی دارد که به خاطر همین آشوبی که به پا کرده، او را تحسین می‌کنند. ولی بسیاری از رای‌دهندگان هم هستند که از مسیر مخربی که ترامپ در پیش گرفته، خرسند نیستند. این دسته از رای‌دهندگان آمریکایی، مهم‌ترین متحدان اروپا هستند- و بزرگترین امید اروپا.

وال استریت ژورنال:

مرکل ناجی برجام شده؛ آلمان‌ها به کاخ سفید گفته اند کاری می‌کنند تا ایران همچنان به «سوئیفت» دسترسی داشته باشد / استراتژی ترامپ برای فشار شدید به تهران بزودی از هم پاشیده می‌شود؟

اگر بانک مرکزی اروپا به کانالی برای پرداخت به ایران تبدیل شود این خطر وجود دارد که کشورهای دیگر مانند چین، روسیه و هند هم رویکردهای مشابهی را برای رهایی و فرار از تحریم‌های آمریکا اتخاذ کنند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):

وال استریت ژورنال نوشت: علی‌رغم تلاش گسترده دولت آمریکا برای اعمال تحریم علیه ایران، آنگلا مرکل صدراعظم آلمان در پشت صحنه با اتخاذ اقداماتی در صدد تضعیف تلاش‌های واشنگتن است.

به گزارش «انتخاب»؛ این روزنامه آمریکایی در ادامه آورده است: چگونه پرزیدنت ترامپ نسبت به این واکنش نشان می‌دهد و آیا استراتژی حداکثر سازی فشار آمریکا بر ایران می‌تواند با موفقیت همراه شود یا خیر؟

در طی جلسات توجیهی در واشنگتن؛ مقامات آلمانی هدف خود را اعلام کردند و آن‌ها بر تضمین اطمینان به این که ایران به سیستم سوئیفت متصل خواهد بود تاکید کردند. سیستم سوئیفت به طور رسمی به نام انجمن ارتباط مالی بین بانکی نامیده می‌شود که معاملات مالی جهانی را تسهیل می‌بخشد. با حفظ دسترسی ایران به شبکه سوئیفت؛ آلمانی‌ها امیدوار هستند که بتوانند توانایی اروپا را برای پرداخت بهای نفت خریداری شده از ایران بر خلاف تحریم‌های آمریکا را حفظ کنند. آلمانی‌ها میدانند که اگر ایران به شبکه سوئیفت متصل باقی بماند هر گونه حداکثر سازی فشار آمریکا علیه ایران نمی‌تواند با موفقیت همراه شود.

در ماه گذشته، در پرتو تحریم‌های آمریکا، آن‌ها می‌توانند نهادهای فعال اتحادیه اروپا در معاملات نفتی با ایران را هدف قرار دهند. در این راستا کمیسیون اروپا، اعضای اتحادیه اروپا را برای بررسی ایده ارسال پرداخت مستقیم به بانک مرکزی ایران تشویق کرده است. در واکنش ایالات متحده می‌تواند به دلیل نقض تحریم‌ها، دسترسی بانک مرکزی اروپا را به دلار مسدود کند و آن‌ها را از نظام مالی بین‌المللی منزوی کند. اما مقامات آلمان بر این عقیده هستند که وزارت خزانه داری آمریکا تمایلی به پذیرش چنین ریسک اقتصادی ندارد. با این وجود رهبران آلمان بدیل و آلترناتیوهای آمریکا را در نظر نگرفته‌اند. وزارت خزانه داری آمریکا می‌تواند به دلیل نقض تحریم‌ها، دارایی‌های مقامات شخصی بانک مرکزی اروپا را مسدود کند و همچنین از ورود آنها به آمریکا جلوگیری کند.

همچنین سایر نهادهای اجرایی و تنظیمی آمریکا هم می‌توانند به اقداماتی متوسل شوند. برای نمونه دادستان فدرال منطقه جنوبی نیویورک و همچنین دادستان منطقه منهن می‌توانند مجازات‌های شدیدی را علیه بانک‌های اروپایی به دلیل تسهیل فعالیت‌های مرتبط مالی با ایران تحمیل کنند. همچنین اداره خدمات مالی نیویورک می‌تواند به اقدامات مشابهی دست بزند.

نویسنده بر این تاکید دارد که اگر بانک مرکزی اروپا به کانالی برای پرداخت به ایران تبدیل شود این خطر وجود دارد که کشورهای دیگر مانند چین، روسیه و هند هم رویکردهای مشابهی را برای رهایی و فرار از تحریم‌های آمریکا اتخاذ کنند. در این صورت استراتژی دولت ترامپ برای فشار بیشتر به ایران به اسانی از هم پاشیده خواهد شد. بنابراین راه حل اصلی قطع دسترسی ایران به شبکه سوئیفت است. وزارت خزانه داری آمریکا به سوئیفت فرصت داده تا 4 نوامبر ارتباط خود را با بانک مرکزی ایران و موسسات مالی که به دلیل فعالیت‌های غیرقانونی تحت تحریم هستند قطع کند. این اقدام به طور کامل مناسب است زیرا که بر طبق قوانین سیستم سوئیفت، اعضای آن باید از مشارکت در رفتارهایی که با اصول پذیرفته شده تجارت منطبق نیست خودداری کنند.

نویسنده در ادامه معتقد است که بر اساس چارچوب مقررات ECB تمام اعضا باید به تعهدات خود در جلوگیری از پول شویی، تامین مالی تروریسم و اشاعه سلاح هسته ای تبعیت کنند. اگر بانک های ایرانی به دلیل این فعالیت ها تحت تحریم هستند نباید اجازه داد که معاملات بر اساس یورو انجام شود.

در سال 2012م. سوئیفت با فشار کنگره از اتحادیه اروپا خواست تا دسترسی مبنی بر قطع روابط با بانک های ایرانی صادر کند. اما با انعقاد توافق هسته ای در سال 2015 اتحادیه اروپا مجبور شد که این دستور را لغو کند و یکی از امتیازات اصلی ایران در توافق هسته ای ارتباط مجدد با سیستم سوئیفت بود.

هیئت مدیره سوئیفت از بانک های سراسر جهان تشکیل شده است که بسیار تحت نفوذ وزارت خزانه داری آمریکا قرار دارند؛ زیرا که تحت قوانین آمریکا، وزارت خزانه داری می تواند به اعمال تحریم علیه کارکنان، مقامات و مدیران سوئیفت مبادرت بورزد. این اقدام می تواند شامل مسدود کردن دارایی شخصی و جلوگیری از سفر آنها به آمریکا باشد. دولت ترامپ همچنین می تواند برای دو بانک مطرح آمریکایی به نام سیتی گروپ و جی پی مورگان که در هیئت مدیره سوئیفت هستند مشکلات قانونی ایجاد کند.

سیستم سوئیفت تحت قوانین بلژیک عمل می کند و مسئولیت نظارت فعالیت های روزانه آن بر عهده بانک ملی بلژیک است. در صورتی که مقامات بلژیک به سوئیفت دستور قطع ارتباط با بانک های ایرانی را ندهند مقامات آمریکایی می توانند بانک ملی بلژیک و سوئیفت را مسئول کمک به دور زدن تحریم ها معرفی کنند. اگر چه چنین اقداماتی ممکن است سخت گیرانه به نظر بیایند، اما استراتژی ترامپ در حداکثر سازی فشار علیه ایران به اعمال سخت گیرانه تحریم ها وابسته است. به این ترتیب آمریکا چاره جز اقدام تهاجمی و شدید در برابر عدم تبعیت برلین، بروکسل و سایر نقاط جهان ندارد.

سخنان ظریف در اتاق بازرگانی

محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه در نشست با اتاق بازرگانی، صنایع، تعاون و کشاورزی طی سخنانی نتایج خروج آمریکا از برجام را توضیح داد و گفت:

ادعا می شود چرا آمریکا از برجام خارج شد، حتما برجام ایرادی داشته است. آمریکا از نفتا، توافق پاریس، توافق همکاری های اقتصادی اقیانوس آرام و مقررات بین المللی دیگری هم خارج شد، آیا این توافقات ایراد داشته است؟

خبرگزاری رویترز روزی ۵۰ خبر دروغ از اقتصاد ایران مخابره می کند و گروهی در ایران بازار را تحریک می کنند که همه دارند از ایران می روند.

هدف آمریکا خروج ایران از برجام است. این بدان معنا نیست که ما هیچ وقت از برجام خارج نمی شویم اما آمریکا این هدف را برای منزوی کردن ایران دنبال می کند.

حل مشکل ما شرکتهای کوچک و متوسط است. کمیتة ای در اتاق بازرگانی تشکیل شود و شرکتهای کوچک و متوسط ایرانی و متناظر شرکتهای اروپایی آنها را شناسایی کند.

در کوتاه مدت هارت و پورت آمریکایی ها موثر می شود، ولی در درازمدت هزینه بدنامی ترامپ به نفع ما تمام می شود. اروپا منافع راهبردی در حفظ برجام دارد، ولی اینکه چقدر هزینه می دهد در این زمینه، جای سوال است.

ناموفق شدن برجام برای ما خیلی خطرناک است گرچه اگر مجبور شویم این کار را می کنیم که البته این از انتخاب های نظام نیست.

دوستان بر اهمیت قدرت اقتصاد در اقتدار ملی تاکید داشتند و این در حالی است که یکی از مواردی که افراد دلوایس به من ایراد می گرفتند عدم اهمیت دادن به قدرت نظامی بود در حالی که در کنار این قدرت، قدرت اقتصادی هم از اهمیت بسزایی برخوردار است.

زمانی دیپلماسی قایق های توپدار قدرت یک کشور را تعیین می کرد که این رفتار مربوط به قرن ۱۸ میلادی است اما از ابتدای قرن بیستم این قدرت اقتصادی است که در دنیا حرف اول را می زند. از همان زمان دیگر دیپلمات ها فقط نماینده بخش سیاسی نبودند بلکه در حوزه

اقتصادی نیز فعالیت می‌کردند. قدرت‌ها دیگر براساس بُرد تانک و موشک سنجیده نمی‌شوند بلکه بُرد کلام و قدرت اقتصادی مهم است.

آمریکایی‌ها مجاری تنفسی ما را شناسایی کرده‌اند و اگر نکرده بودند با دستگیری **ضراب** و پسر آقای **صدر هاشمی** تاکنون شناسایی کرده‌اند. نکته‌ای که ما باید در نظر داشته باشیم متکثر شدن منابع قدرت است. ما باید مراقب باشیم که این تکثر قدرتمان را از دست ندهیم.

چرا باید با دست خودمان دستاوردهای خودمان را زیر سوال ببریم. الان که دو سال از برجام گذشته دوستانی که می‌گفتند توافق هسته‌ای هیچ دستاوردی نداشته امروز در خبرگزاری‌ها، در روزنامه‌های خودشان تیر می‌زنند که چرا فلان شرکت خارج شد. در مذاکراتی که با اروپایی‌ها، چین و هند و سایر کشورها داشتیم به جز رژیم صهیونیستی و سه کشور همسایه جنوبی همه متفق القول اند که برجام باید ادامه داشته باشد.

موتور محرك اقتصاد اكثر كشورهای اروپایی شرکت های كوچك و متوسط است كه حتی می‌توانند جایگزین شرکت‌های بزرگ شوند.

توتال وقتی در یک کشور کاری انجام می‌دهد فقط کار مدیریت و سرمایه‌گذاری را انجام می‌دهد و بقیه کار را شرکت‌های کوچک انجام می‌دهند. ما می‌توانیم برجام را موفق یا نا موفق کنیم اما نا موفق کردن برجام به ضرر ما خواهد بود.

انسجام داخلی از نان شب و هوا مهم‌تر است. دنیا ما را دارای عزت می‌داند چرا ما خودمان با عزت نمی‌دانیم. در مورد مسایل بانکی بخشی از مشکلات با برجام حل شد اما در زمینه شفافیت (پولشویی) بنا نبود که برجام کاری بکند.

همانطور که در برجام بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری پیش رفتیم، مشکلات نظام بانکی و پولشویی را نیز می‌توانیم با فرمایشات ایشان حل کرده و پیش ببریم، مشکل FATF را بر اساس نظر مقام معظم رهبری حل خواهیم کرد. در ارتباط با شفافیت مالی و مبارزه با تامین مالی تروریسم و پولشویی در حال گفتگو و رایزنی هستیم.

همه چیز را سیاه و سفید نبینیم. موانع در کشور بسیار است اما اعتقاد دارم این موانع قابل حل است. همه داخل يك کشتی قرار داریم. هدف دشمن نظام و رییس جمهور و دولت فعلی نیست، بلکه هدف اصلی ایران و نابودی آن است. هدف دشمنان نه نظام ایران، نه دولت روحانی، بلکه هدف ایران است.

خیال نکنید که اگر آقای روحانی رفت و اصولگرایان آمدند موفق می‌شوند. بعضی‌ها خیال نکنند که اگر جمهوری اسلامی ایران رفت آنها سر کار می‌آیند.

بازداشت پسر بنیانگذار بانک اقتصاد نوین در ایالات متحده

علی صدر هاشمی نژاد، فرد ایرانی که در ایالات متحده به اتهام ارسال بیش از ۱۱۵ میلیون دلار از ونزوئلا به ایران از طریق بانک‌های آمریکایی بازداشت شد پسر یکی از متمول‌ترین سرمایه‌گذاران ایرانی محمد صدر هاشمی نژاد است. محمد صدر هاشمی نژاد بنیانگذار یکی از بزرگترین بانک‌های خصوصی ایران با نام اقتصاد نوین است.

برپایه آخرین گزارش‌ها دادستان آمریکایی اعلام کرده است که علی صدر هاشمی نژاد با ایجاد شرکت‌های صوری در خارج از ایران، معاملات با شرکت‌های ایرانی در ونزوئلا را پنهان می‌کرد. علی صدر هاشمی که ۳۸ ساله است چهارشنبه در ویرجینیا دستگیر شده است. آقای صدر هاشمی نژاد رئیس بانک پیلاتوس در مالت بود. این بانک در پرونده مرگ خبرنگار مالتی تحت بازجویی کارآگاهان اروپایی است. علی صدر هاشمی در شش مورد بدلیل دورزدن تحریم‌ها از سوی دادستانی نیویورک متهم شده است.



خانواده صدر هاشمی در ایران مالک شرکت استراتوس هستند که توسط پدر علی صدر هاشمی تاسیس شده است و در دهه هفتاد میلادی یکی از شرکت های مورد تقدیر محمد خاتمی، رئیس جمهوری ایران قرار گرفته است. حال مقامات آمریکا می گویند این خانواده از طریق شرکت استراتوس و اجرای پروژه های ساخت و ساز در ونزوئلا تحریم های آمریکا علیه ایران را دور زده است.

علی صدر هاشمی نژاد متهم به توطئه برای فریب ایالات متحده است. گفته می شود اتهامات علیه صدر هاشمی نژاد می تواند او را مادام العمر محکوم به زندان کند.

روزنامه **وال استریت جورنال** در گزارشی به بازداشت یک ایرانی در آمریکا به اتهام دور زدن تحریم ها و نقل و انتقال میلیون ها دلار پرداخته است: دادستان های آمریکا یک مرد ایرانی را به نقض تحریم های ایالات متحده در پروژه ساخت مسکن در ونزوئلا به نیابت از حکومت جمهوری اسلامی ایران متهم کرده اند.

در اعلام شش فقره جرم در دادگاه فدرال منهتن نیویورک چشم انداز دیپلماتیکی از روابط تهران و کاراکاس ارائه شده که جرم های ادعایی در آن چارچوب انجام گرفته و به تاکید دولت آمریکا به هدف گرفتن ناقضان تحریم ها اشاره شده است.

«علی صدر هاشمی نژاد» شبکه ای از شرکت های صوری را ایجاد کرده و حساب هایی را در بانک های خارجی باز کرده بود تا معاملات تجاری اش با ونزوئلا را مخفی کند.

«علی صدر هاشمی نژاد» از سوی دادگاهی در نیویورک به پولشویی و دور زدن تحریم های ایران متهم شده است. دادگاه می گوید او به نیابت از جمهوری اسلامی در ونزوئلا پروژه های ساخت و ساز را پیش می برد.

(عکس از سایت بانک پیلاتوس)

آقای صدر هاشمی نژاد ظاهرا از طریق نهادهایی در سوئیس، ترکیه و بریتیش ویرجین آیلند بیش از ۱۱۵ میلیون دلار وارد نظام مالی آمریکا کرد تا روابطش با ایران پنهان بماند.

جفری برمن، دادستان منهتن، می گوید: «بازداشت صدر نشان دهنده کارایی جدی تحریم های اقتصادی آمریکا علیه ایران است و این که ناقضان رسوا شده و تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.»

علی صدر هاشمی نژاد در ویرجینیا بازداشت و سپس به توطئه برای فریب آمریکا، نقض قوانین تحریم آمریکا، کلاهبرداری و پولشویی متهم شد. وکیل آقای صدر هاشمی نژاد برای اظهارنظر در دسترس نبود.

دولت های ایران و ونزوئلا در سال ۲۰۰۴ موافقت کردند در حوزه های منافع مشترک همکاری کنند. یک سال بعد دو کشور یادداشت تفاهمی را برای ساخت هزاران واحد مسکونی در ونزوئلا امضا کردند.

دادستان ها می گویند «گروه استراتوس» شرکت تحت کنترل صدر و خانواده اش پروژه ساخت ۷ هزار واحد مسکونی در ونزوئلا را به ارزش ۴۷۶ میلیون دلار اداره می کرد.

امپراتوری مالی صدر هاشمی‌نژاد با رانت دولتی- سپاهی: های پدر و پسر از دولت خاتمی و احمدی‌نژاد تا روحانی

روزنامه فایننشال تایمز در [گزارشی](#) نکات تازه‌ای درباره‌ی پرونده علی صدر هاشمی‌نژاد مدیر عامل بانک ایرانی- مالتایی «[پلاتوس](#)» متهم به همکاری با جمهوری اسلامی در پولشویی منتشر کرده که مهر تاییدی بر افشاگری‌های [دافنه کاروانا گالیسیا](#) روزنامه‌نگار اهل مالت است که در یک سوء قصد در ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷ در انفجار بمب در اتومبیل‌اش ترور شد.

سیدعلی صدر هاشمی‌نژاد فرزند سیمحمد صدر هاشمی‌نژاد صاحب بنگاه مالی استراتوس صدر هاشمی‌نژاد بیستم مارس (اول فروردین ۱۳۹۷) در ویرجینیا [بازداشت شد](#) و در نخستین جلسه دادگاه تمام اتهامات را رد کرد. بازجویی از او همچنان ادامه دارد.

آنچه در گزارش فایننشال تایمز آمده عمدتاً همان مسائلی است که در گزارشی با عنوان «[امپراتوری مالی خانواده صدر هاشمی‌نژاد متهم به پولشویی برای جمهوری اسلامی](#)» روز شنبه ۴ فروردین ۱۳۹۷ (۲۴ مارس ۲۰۱۸) در کیهان لندن منتشر شد.

فایننشال تایمز چه مسائل تازه‌ای را مطرح کرده؟

از نکات تازه‌ای که این روزنامه آمریکایی نوشته این است که یکی از دختران الهام علی‌اف رییس جمهور آذربایجان مبلغ یک میلیون دلار از همسر نخست وزیر مالت جوزف موسکات، که او هم در این پرونده زیر ذره‌بین قرار گرفته، دریافت کرده که انتقال این پول از طریق بانک پلاتوس صورت گرفته است.

همچنین در بررسی‌ها مشخص شده صدر هاشمی‌نژاد به همراه هفت همدست دیگرش در سوئیس، ترکیه و بعضی کشورهای دیگر شرایط نقل و انتقال پول‌های کلان را از طریق «[هایو سوییس](#) [پرایوت بانک](#)» مستقر در زوریخ و «[جی پی مورگان](#)» مستقر در آمریکا فراهم کرده که عموم این پرداخت‌ها به نفع نهادها و شرکت‌هایی در ایران بوده است.

نخست وزیر مالت جوزف موسکات در کنار همسرش میشل این روزنامه می‌نویسد علی صدر هاشمی‌نژاد پاسپورت کشور سنت کیتس و نویس را دارد اما آدرس او در دوبی ثبت شده و دادستان‌ها می‌گویند هدفش فراهم کردن ارتباطات مخفیانه با عواملی در داخل ایران بوده است.

فایننشال تایمز همچنین کشف کرده فردی به اسم «مصطفی چتینل» (Mustafa Cetinel) که احتمالاً فردی با ملیت ترکیه‌ای است، یکی از مدیران اجرایی بانک پلاتوس است که او هم در پولشویی‌ها دست داشته اما هنوز محاکمه نشده است.

همچنین در این گزارش آمده بعضی اعضای پارلمان اروپا پرسیده‌اند چگونه است یک فرد با این سن و سال توانسته یک بانک خصوصی در کشور مالت ثبت کند و مشتریانی در بین سیاستمداران پیدا کند؟ طبق گزارش سالیانه‌ی این بانک دارایی‌های آن بیش از ۳۰۰ میلیون یورو است. اعضای پارلمان اروپا پرسیده‌اند صدر هاشمی‌نژاد چگونه چطور توانسته شعبه‌هایی از این بانک را در لندن تاسیس کند؟! محمد صدر هاشمی‌نژاد

دیوید کوستا، دستیار پیشین نخست‌وزیر مالت و عضو پارلمان اروپا که پیگیر پرونده بانک پلاتوس است، می‌گوید سیستم‌های بانکی که در اروپا امکان پولشویی را فراهم می‌کنند فراتر از پرونده صدر هاشمی‌نژاد هستند. به گفته او پولشویی‌ها مربوط به ضعف اساسی سیستم «پاسپورتینگ» اتحادیه اروپا است که به شرکت‌های مالی و بانک‌های دارای مجوز در یک کشور اجازه می‌دهد در یک کشور دیگر عضو اتحادیه اروپا نیز مجوز داشته باشند.

با این حال رییس هیات نظارت بر بانک مرکزی اروپا، ماه گذشته به کمیته پارلمانی اتحادیه اروپا این ادعاها را شرم‌آور توصیف کرده و گفته بانک مرکزی اروپا دستورالعملی برای نظارت بر مؤسسات مالی و بانک‌ها برای رعایت قوانین ضدپولشویی ندارد زیرا این وظیفه بر عهده‌ی ناظران محلی گذاشته شده است.

اداره بانکداری اروپا تحقیقات اولیه درباره‌ی مبارزه با پولشویی را با محور قرار دادن سیستم مالی کشور مالت آغاز کرده است.

در بخشی از گزارش فایننشال تایمز آمده «استراتژی‌های جدیدی که توسط رژیم ایران برای مقابله با تحریم‌ها طراحی شده، شامل مبادله نفت در برابر کالا است و پرداخت‌ها از طریق اشخاص ثالث و شرکت‌های صوری انجام می‌شود و گروهی از افراد هستند که به عنوان واسطه مسیر نقل و انتقال پول‌ها را فراهم می‌کنند.»

این موضوعات که در گزارش فایننشال تایمز آمده پیش از این در گزارش چهارم فروردین کیهان لندن نیز به آنها اشاره شده بود.

محمد صدر هاشمی‌نژاد صاحب استراتوس در کنار اسحاق جهانگیری معاون حسن روحانی رابطه صدر هاشمی‌نژادها با دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی

به قول حکیم ابوالقاسم فردوسی «پسر کو ندارد نشان از پدر، تو بیگانه خوانش مخوانش پسر». در ایران روز ۲۸ مهرماه ۱۳۹۴ (در دولت اول حسن روحانی) مراسمی به مناسبت روز ملی صادرات در سالن اجلاس سران برگزار شد که در آن اسحاق جهانگیری معاون اول روحانی، محمدجواد ظریف وزیر خارجه، محمدرضا نعمت‌زاده وزیر صنعت دولت یازدهم و مقام‌های دیگر از جمله رییس سازمان توسعه تجارت و برخی نمایندگان مجلس حضور داشتند و در این مراسم سیدمحمد صدر هاشمی‌نژاد به عنوان مؤسس و رئیس هیأت مدیره شرکت بین‌المللی پیمانکاری استراتوس و مؤسس بانک اقتصاد نوین، گروه هلدینگ استراتوس و کانون کارآفرینان توسعه‌گرا، تندیس و لوح تقدیر «صادرکننده نمونه ملی سال ۱۳۹۴» را در گروه خدمات فنی و مهندسی ایران دریافت کرد. او تندیس را از دست همان افرادی گرفت که به دولت محمود احمدی‌نژاد انتقاد می‌کردند چرا سرمایه‌های کشور را برای ساخت و ساز مسکن در ونزوئلا صرف می‌کند. ارزش قرارداد شرکت استراتوس با شرکت تابعه‌ی شرکت نفت ونزوئلا که در سال ۲۰۰۷ به امضا رسید ۴۷۶ میلیون دلار بود.

شرکت عمرانی «[استراتوس](#)» نه تنها ساخت و ساز بلکه در در زمینه‌ی خدمات مالی، سرمایه‌گذاری و بازار پول و بیمه، املاک و مستغلات، تجارت و بازرگانی، پیمانکاری و صنعت و خدمات بازرگانی نیز فعال است.

این شرکت در سال ۱۳۷۸ به عنوان پیشتاز و اولین صادرکننده خدمات فنی و مهندسی از سید محمد خاتمی لوح تقدیر دریافت کرد.

چهارم اردیبهشت ۱۳۸۷ [علی اکبر محرابیان](#) وزیر صنایع دولت احمدی‌نژاد در دیدار با هوگو چاوز در ونزوئلا خبر انعقاد قرارداد ساخت هفت هزار واحد مسکونی در ونزوئلا را رسماً اعلام کرد. چاوز در آن دیدار در مورد روابط ایران و ونزوئلا گفت این همکاری‌ها اکنون به یک اتحاد و همبستگی بزرگ میان دو ملت ایران و ونزوئلا منجر شده و امپریالیسم آمریکا از این اتحاد ناخرسند است! احمدی‌نژاد و چاوز رهبر کمونیست ونزوئلا در سال‌های آخر عمر وی روابط بسیار دوستانه‌ای داشتند. در این تصویر چاوز میل باستانی اهدایی احمدی‌نژاد را بالای سر برده

اردیبهشت سال ۱۳۹۰ روزنامه «[دی ولت](#)» آلمان گزارش داد که بر اساس یک پیمان محرمانه میان ایران و ونزوئلا دو کشور بر سر ایجاد یک پایگاه موشکی مشترک در خاک ونزوئلا توافق کرده‌اند. این قرارداد محرمانه ۲۷ مهر سال ۱۳۸۹ منعقد شده بود.

تیرماه ۱۳۹۱ روزنامه اسپانیایی «[النوو](#)» هراuld افشا کرد که جمهوری اسلامی و ونزوئلا توافق کردند یک پایگاه موشکی نزدیک مرزهای آمریکا احداث کنند. هم ایران و هم ونزوئلا هرگونه مشارکت با سپاه در این پروژه‌ها را رد کردند.

مرداد سال ۱۳۸۹ [وزارت خارجه آمریکا](#) از گسترش روابط بین ونزوئلا و ایران به ویژه در امور نظامی ابراز نگرانی کرد.

آذر سال ۱۳۹۲ سفیر ونزوئلا خبرداد که ایران [۲۰ هزار مسکن](#) در این کشور ساخته و آنجا مشخص شد که شرکت‌های دیگری هم مانند [شرکت «کیسون» به مدیرعاملی محمدرضا انصاری](#) در این ساخت و سازها [دست داشتند](#) و همچنین شرکت‌هایی وابسته به سپاه پاسداران. ساخت و ساز مسکن در ونزوئلا توسط ایران مخالفان زیادی در [مجلس](#) شورای اسلامی داشت. برخی نمایندگان می‌گفتند اگر ساخت هزاران واحد مسکونی در ونزوئلا از سوی [شرکت‌های پیمانکار ایرانی](#) ممکن است چرا این شرکت‌ها در خود کشور و برای مردم ایران چنین خدماتی را ارائه نمی‌دهند؟!

در همین دوران شرکت استراتوس با قرارگاه خاتم‌النبیاء سپاه همکاری نزدیک داشت و یکی از عوامل موثر در آغاز این همکاری‌ها شخص قاسم سلیمانی بود. هم او و هم صاحب شرکت استراتوس اهل کرمان هستند.

اسفند ۱۳۸۹ [عباس طاهری قراگزلو](#) از مدیران شرکت استراتوس که برای وصول طلب ۳۰ میلیارد تومانی این شرکت به وزارت راه مراجعه کرده بود پس از مشاجره همان‌جا سخته قلبی کرد و درگذشت!

جمهوری اسلامی نه تنها در حوزه اقتصاد و تسلیحاتی روی ونزوئلا حساب باز کرده بود بلکه طرح‌هایی هم برای تاثیر در حوزه‌های فرهنگی و دینی در این کشور پیاده می‌کرد.

حوزه‌های علمیه در دوران احمدی‌نژاد اقدام به [اعزام روحانی و طلبه به ونزوئلا](#) کردند. این سیاست در دوره حسن روحانی هم ادامه پیدا کرد و حتی [رساله امام چهارم](#) شیعیان را به زبان اسپانیولی ترجمه کردند و برای قحطی‌زدگان ونزوئلا فرستادند. [سریال یوسف پیامبر](#) را هم در تلویزیون حکومت چاوز در این کشور پخش کردند.

محمد صدر هاشمی‌نژاد به همراه حسین عبده تبریزی و عسگری‌آزاد از موسسان بانک «اقتصاد نوین» نیز هست. این بانک یکی از پایگاه‌های مالی قدرتمند اصلاح‌طلبان و «جبهه مشارکت ایران اسلامی» بود و در داد و ستدهای بورس و اوراق بهادار زمانی که عبده تبریزی رییس بورس بود همکاری‌های ویژه‌ای داشتند. [شرکت کنترل کیفیت ساختمان ایرانیان](#) نیز دستپخت رفاقت این دو است.

ماجرای شیرین بولدار شدن صدر هاشمی: سال 64 حمام عمومی

میرفتم باروزنامه خودم را خشک می‌کردم!! سرمایه هیچ نداشتم!! تا اینکه همان سال زد و بیمانکار بروزه در باکستان شدم!!! و سبس بانک افتتاح کردم!!! وووو من خیلی پروژه‌های بزرگی را در این کشور اجرا کردم. راه‌آهن اصفهان - شیراز، سد تالوار، سد ارسباران، اتوبان قم - کاشان، پروژه 7000 واحدی خانه‌سازی در ونزوئلا و...



داستان سرمایه ها و سرمایه داران ایرانی/محمد صدر هاشمی نژاد، بانکدار و از پیمانکاران بزرگ کشور می گوید: پشتکار در زندگی من معجزه کرد!

3/3

بسیار- محمد صدر هاشمی نژاد، بانکدار، صاحب 60 شرکت و یکی از بزرگترین پیمانکاران راهساز و سدساز کشور است. او در سال 1329 در روستای هنزای کرمان متولد شده است. او از مؤسسان اولین بانک خصوصی کشور (بانک اقتصاد نوین) و رییس هیأت مدیره همان بانک، همچنین مدیر عامل شرکت توانمند ساختمانی استراتوس است. کسی نمی داند او چقدر ثروت دارد، اما در زمینه ساختمان سازی و بازرگانی از بزرگان به شمار می رود.

او خود می گوید: من در روستای هنزا در استان کرمان متولد شدم. هنزا جایی است در دامنه کوهستان هزار بین جیرفت و بافت. پدر من فرد عالمی از خانواده روحانی بود. خانواده من یک خانواده کاملاً معمولی اما با فرهنگ بودند. تا دبلم را در کرمان خواندم و بعد در رشته مهندسی دانشکده فنی تبریز مشغول تحصیل شدم. من در اتاق پلی کپی دانشکده فنی تبریز کار می کردم و ماهی 90 تومان (نه 90 هزار تومان) حقوق می گرفتم. حدود ماهی 50 تومان هم از طرف خانواده می آمد و خلاصه در مجموع با ماهی 140 تا 150 تومان در ماه درس می خواندم. وقتی از دانشکده بیرون آمدم، همان کت و شلوا را تن داشتم که روز اول ورود به دانشگاه پوشیده بودم. کفش هایم هم کهنه و پاره بودند. تنها دارایی ام که در تمام زندگی ام کمکم کرد و می کند سه چیز بود: یک پشتکار، دو پشتکار و سه پشتکار. با این دارایی شروع به کار کردم و چون مهندسی خوانده بودم در چند شرکت کارآموزی کردم و سرانجام استخدام شدم از قرار ماهی 3 هزار تومان.

این داستان مربوط به سال 1353 است. هیچ دارایی دیگری نداشتم جز یک ژیان چادری که مال شرکت بود و زیر پای ما گذاشته بودند. اما خیلی زود کارفرمای خودم شدم. پس از یک سال و اندی که در شرکت ها کار کردم، یکی از دوستانم که در زنجان پروژه پل سازی در راهی را به عنوان پیمانکار دست دوم برداشته بود و در کارش مانده بود، به من زنگ زد و گفت چه می کنی؟ گفتیم: در شرکتی کار می کردم و از آنجا بیرون آمده ام و الان سرگردان هستم. گفت بیا زنجان ببینیم با هم چه می توانیم بکنیم. به زنجان رفتم و آن پروژه پل سازی را با دوستم شریک شدم و از آنجا کار پیمانکاری را شروع کردم. الان در بین شرکت هایم که حدود 60 شرکت هستند، اولین آنها با همان کت و شلوار کهنه و کفش های پاره تاسیس شده است و تا الان به عنوان یک شرکت معتبر بین المللی که اولین صادرکننده خدمات فنی و مهندسی کشور است، کار می کند و پروژه های عظیمی را در این کشور احداث کرده است.

آن موقع سازمان برنامه برای این که بخواهد به هر شرکتی رتبه و درجه بدهد، حداقل 100 هزار تومان سرمایه می خواست و ما دوست داشتیم این رقم 10 هزار تومان یا کمتر باشد! اما سرانجام با قرض فراوان این رقم را جور کردیم و آن شرکت تاسیس شد. در این شرکت کمی پیشرفت کردیم تا سال 1360 رسید که سال گرفتاری و بدبختی برای ما بود. در کار پیمانکاری ورشکست شدیم و سال 1364 دوباره از زیر صفر استارت زدیم. در آن سال ها واقعا هیچ چیز نداشتم. هیچ چیز. در تبریز پروژه های اجرا کرده بودیم که ما را خلع ید کرده بودند و حالا دنبال گرفتن طلبیم بودم. یادم نمی رود. باید به تبریز رفت و آمد می کردم برای پیگیری امور مالی و طلب های آن پروژه. پول هواپیما که نداشتم با اتوبوس به تبریز می رفتم و آن اتوبوس ها شبرو بود و حدود 5 صبح به تبریز می رسیدیم. اما تا زمانی که ادارات دولتی باز می شد 3، 4 ساعتی زمان بود. من هم که پول مسافرخانه نداشتم با همان روزنامه ای که در اتوبوس خریده بودم، به حمام های عمومی تبریز می رفتم و آنجا می ماندم و بعد هم با همان روزنامه خودم را خشک می کردم و می رفتم دنبال کارم. این اوضاع ادامه داشت تا این که قرار شد یک هیاتی برای تهیه صورت های مالی آن پروژه به محل پروژه بیاید. خب! آن هیات شام و ناهار و بلیت و سایر مخارج لازم داشت. حالا باید این مخارج را تامین می کردم و به پول سال 63 - 64 حدود 7 تا 10 هزار تومان می شد. به خانه آمدم و مثل ماتم زده ها بودم. خدا مادر خانمم را خیر بدهد. از من پرسید چه شده؟ چند بار پرسید تا ماجرا را گفتم. ایشان آن پول را برای من تامین کرد و هیچ وقت هم حاضر نشد آن را پس بگیرد. با آن وضع اسفناک مالی در سال 64 استارت زدم و کم کم پیمانکار خوبی شدم، با توسل به همان سه دارایی که گفتم.

سپس پیمانکار اتوبان ساز شدیم و کمی بعد خواستند یک تعداد از پیمانکاران را به پاکستان بفرستند و ما هم به مصداق شعر معروف: عاقل به کنار دجله تا پل می‌جست / دیوانه پابرهنه از آب گذشت، ما شدیم اولین پیمانکار خارجی جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور! یک پروژه مهندسی را گرفتیم و شروع کردیم و به رغم همه مشکلات و گرفتاری‌ها در داخل و خارج کشور خدا کمک کرد و آن پروژه خوب از آب درآمد و ما هم کمی نونوار شدیم و خود را باور کردیم. او بعدها وارد کارها و فعالیت های اقتصادی نیز می‌شود: کار تاسیس یک هلدینگ متشکل از حدود 60 شرکت را آغاز کردیم و از این مسیر به بحث بانکداری هدایت شدم. با خودم گفتم درحوزه بنگاهداری یکی از وظایف مهم این است که یک بانک را تاسیس کنیم و در آن بانک روش‌ها و عملکردهای نوین را بیاوریم و به این ترتیب اولین بانک خصوصی کشور را تاسیس کردیم. از سوی دیگر هلدینگ ما در بازار سرمایه هم وارد شد و رنج‌ها و سختی‌های ما هم شروع شد. واقعا الان که نگاه می‌کنم از سخت هم بیشتر بود. سختی‌اش از نوع رنج بود. کارهای عادی پیمانکاری ما سختی فیزیکی یا مالی داشت. مثلا ماشین‌آلات نداشتیم یا بنیه مالی؛ اما وقتی به سراغ کاری می‌روی که جدید است و فضا برای آن مساعد نیست و به رسمیت شناخته نمی‌شود، رنج به دنبال دارد؛ اما باز آن سه سرمایه را داشتیم. هنگام ورود هلدینگ من به بازار سرمایه و بانکداری، چون این حوزه حوزه از ما بهتران بود، با مشکل مواجه شدیم. دولتی‌ها در این حوزه جولان می‌دادند. چه شرکت‌های دولتی و چه شرکت‌های شبه‌دولتی. از هر طرف تیرها به سوی ما پرتاب شد و این بسیار رنج‌آور بود. رنج‌های روحی، عصبی و جسمی. بریدن و ناامید شدن در حد اعلا وجود داشت. احساس می‌کردم در این مملکت تک و تنها دست به کاری زده‌ام که نباید می‌زدم؛ اما دیدم حالا که کار از کار گذشته باید با توسل به همان سرمایه‌ها دست روی سرم بگذارم و رنج بکنم تا هزار تیر بیاید و اگر بعد از آن زنده ماندم، چشمانم را باز می‌کنم و به کارم ادامه می‌دهم. اگر هم مرده بودم که هیچ! خدا خواست و زنده ماندم و بابت آنچه گذشت و ما از این ماجراها عبور کردیم، خدا را شکر می‌کنم؛ ولی الان که به پشت سر نگاه می‌کنم، می‌بینم ای کاش کار بزرگ از اول خبر می‌کرد که بزرگ است، اگر خبر می‌کرد اصلا سراغش نمی‌رفتم! آنچه باعث شد من دنبال کارهای بزرگ بروم این بود که احساس می‌کردم برای ارضای خودم و روح خودم پول کافی نیست. باید به عنوان یک کارآفرین کارهایی انجام بدهی که قشر بیشتری از مردم در آن مشارکت داشته باشند. من نوعی سرمایه‌داری عمومی را در این کشور تعریف و اجرا کردم. نقش من این است که سرمایه زیاد و مشارکت عمومی متمرکز ایجاد کنم تا اتفاق بزرگی مثل تاسیس یک بانک و هلدینگ با هر مجموعه دیگری که تاسیس آن از حد و مرز و توان فردی یک انسان فراتر است، به وقوع بپیوندد و دیدن ثمره آن تلاش یعنی ارضای روح. من حدود 60 شرکت را زیر پوشش و مدیریت مستقیم و غیرمستقیم خودم دارم و 10 هزار نفر برایم کار می‌کنند. اگر یک انسان بدون پشتکار باشد و در ابتدای یک داستان قرار بگیرد، سختی‌ها را تحمل نمی‌کند و از آن فرار می‌کند؛ اما اگر مثل من با این فرمول‌ها و سماجت وارد ماجرا شود و به وسط موضوع برسد، می‌بیند که راهی نیست یا باید برگردد یا باید جلو برود.

من همیشه مسیر روبه جلو را انتخاب کرده‌ام. با خودم می‌گفتم با برگشتن من که چیزی درست نمی‌شود. فقط خسارت وارد می‌شود و 10 هزار نفر بیکار می‌شوند. پس بگذار به جلو بروم تا اگر به ساحل رسیدم، 10 هزار نفر هم پشت سرم نجات پیدا کرده باشند. او یک یک بنیاد برای گسترش آموزش و پرورش در کشور تاسیس کرده است. خود او در این ارتباط می‌گوید: فکر می‌کنم اصلی‌ترین نیاز ما در کشور آموزش و پرورش بویژه در مناطق محروم است تا استعدادهای ناب و خالص و پاکیزه و زیبا را کشف کند. هدفم را روی این کار متمرکز کرده‌ام. من خیلی پروژه‌های بزرگی را در این کشور اجرا کردم. راه‌آهن اصفهان - شیراز، سد تالوار، سد ارسباران، اتوبان قم - کاشان، پروژه 7000 واحدی خانه‌سازی در ونزوئلا و... اما این کار آموزش و پرورش را بزرگترین کار خودم می‌دانم و حساس‌ترین آن. من روزهای سختی را پشت سر گذاشتم تا به اینجا رسیدم.

داناترین آدم روی زمین که عقلش عالی است، اگر در حد حرف باقی بماند و ایستادگی و ایستادگی را یاد نگیرد، هیچ کاری از پیش نمی‌رود. توجه کنید تمام انسان‌های موفق اشتباهات فراوانی کرده‌اند و در تدریج و ستیز زمان آموزش دیده‌اند. لذا توصیه‌ام این است که آن فرمول جادویی من را همیشه به کار ببریم و بدانید معجزه می‌کند، در زندگی من که معجزه کرد... آنچه باعث شد من دنبال کارهای بزرگ بروم این بود که احساس می‌کردم برای ارضای خودم و روح خودم پول کافی نیست. باید به عنوان یک کارآفرین کارهایی انجام بدهی که قشر بیشتری از مردم در آن مشارکت داشته باشند. من نوعی سرمایه‌داری عمومی را در این کشور تعریف و اجرا کردم.

اخبار انتخابات و دولت جدید عراق

گزارش «الاخبار» از آخرین مذاکرات برای تشکیل دولت جدید عراق؛

تصمیم نوری مالکی و ایاد علاوی چیست؟ / پیوستن به ائتلاف مقتدی صدر با حمایت تهران، یا تشکیل ائتلاف مخالفان؟

در خط تشکیل یک تشکل پارلمانی بزرگ، مقتدی صدر به استقبال از روسای تشکلهای پیروز در انتخابات ادامه می دهد و این اقدام با نظارت ایران، با هدف حفظ نقش تهران در ترتیب خاندان شیعه در عراق، انجام می شود. حیدر العبادی پس از هادی العامری و عمار الحکیم، آخرین مهمان صدر شد تا رکن تازه ای در ائتلاف او باشد؛ ائتلافی که احتمال پیوستن نوری مالکی به آن نیز وجود دارد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



الاخبار چاپ بیروت نوشت: در خط تشکیل یک تشکل پارلمانی بزرگ، مقتدی صدر به استقبال از روسای تشکلهای پیروز در انتخابات ادامه می دهد و این اقدام با نظارت ایران، با هدف حفظ نقش تهران در ترتیب خاندان شیعه در عراق، انجام می شود. حیدر العبادی پس از هادی العامری و عمار الحکیم، آخرین مهمان صدر شد تا رکن تازه ای در ائتلاف او باشد؛ ائتلافی که احتمال پیوستن نوری مالکی به آن نیز وجود دارد.

به گزارش «انتخاب»، این رسانه عرب زبان ادامه داد: در همین رابطه، مستشار سیاسی صدر، جعفر الموسوی تاکید کرد که به زودی تشکل بزرگ تری اعلام خواهد شد و ائتلاف با «النصر» می تواند مکمل ائتلافهای سابق با الفتح باشد؛ یعنی یک پیمان چهار جانبه ایجاد شده است که منتظر تصمیم قطعی نوری المالکی برای پیوستن به آن یا تشکیل یک ائتلاف مخالف به همراه رهبر ائتلاف ملی، ایاد علاوی است؛ کسی که هنوز موضع وی در مورد ائتلاف با صدر در هاله ای از ابهام است و به صورت قاطع پیوستن به ائتلافی که دربردارنده نشانه ایران باشد را رد می کند.

اما مالکی هنوز در مورد پیوستن به ائتلاف چهار جانبه تصمیمی نگرفته و دو گزینه در برابر خود دارد: یا پیوستن به ائتلاف صدر با شروطی، و یا تشکیل یک جبهه معارض در کنار تعدادی از مخالفان صدر که مهمترین آنها علاوی است. شرط مالکی برای پیوستن به ائتلاف با صدر آن است که ائتلاف پنج گانه ای در سیاق یک فضای ملی در پایتخت عراق تشکیل شود، و هدف از تشکیل آن، راضی کردن طرفهای مختلف نباشد.

از سوی دیگر، تحلیلگران بر این عقیده اند که نخست وزیر کنونی عراق فعلاً در منصب خود باقی می ماند، به دو دلیل: اول، عجله نداشتن تهران و واشنگتن برای اعلام اسم رئیس جمهور آینده و مخالفت آنها با فشار بر نیروهای سیاسی عراق در این راستا، و دوم، تقویت شانس های عبادی برای ماندن در ریاست جمهوری، بویژه پس از ائتلاف او با صدر و موافقت مبدئی ایران با تمدید ریاست او.

مترجم: مریم نصرالهی

توضیحات مسؤول سابق شنود (صالحی منش) در مورد تاریخچه شنود و تخلفات شرعی و قانونی



شفقنا- صالحی منش گفت: به نظر من شنود ابزاری است که می توانیم از آن بهره برداری صحیح کنیم. اما در اینکه شنود جزو مسایلی که باید خوب پرداخته و دقت شود این است که چرا در کشور ما شنود باعث این همه ناامنی شده است؟ به نظر من ما می توانیم بگوییم قصوری یا تقصیری از نواحی و مجاری مختلف در کارهاست که باعث ناامنی حتی در رده های بالا صورت گرفته است.

او افزود: همیشه درگیری هایی بوده و همیشه هم حاج احمد آقا دخالت می کردند و خود مرحوم امام بعضا دخالت و جلوگیری می کردند. لذا بعضی از پرونده ها که چه بسا از راه شنود غیر قانونی و غیر شرعی مطرح می شد امام آنها را توبیخ می کردند و دستور می دادند که اصلا این پرونده اعتبار ندارد.

صالحی منش گفت: خوب است در اینجا از فرصت استفاده و به نکته ای اشاره کنم و آن این که این روزها و ماهها متأسفانه ما می بینیم حمله های زیادی به شخص امام وارد می شود؛ نسبت به اعدام های سال ۶۷ و گورهای دسته جمعی که الان ادعا می کنند. لذا از مسئولین ارشد قضایی قبل، از هر جناحی که هستند، توقع داریم که هر کدام مواضع و مسائل آن روز را تبیین کنند؛ تا حدی که انجام این کار ممکن باشد.

او معتقد است: اگر بخواهیم مجموعه مسائل امنیتی کشور را ارزیابی کنیم می توانیم بگوییم نمره قابل قبولی دارد. به هر حال کشور امنی داریم؛ کشوری داریم که دشمنان نمی توانند در آن نفوذ، تخریب و یا انفجار کنند. غیر از حادثه مجلس و حرم امام حوادث کمی داریم. در حالی که هر روز ما نفوذ داریم و هر روز دارند از مرزهای ما وارد می شوند و مشکل تراشی می کنند. اما اگر سیر اطلاعات را بخواهیم بررسی کنیم از مسائل قتل های زنجیره ای ضربه هولناکی به تشکیلات اطلاعاتی کشور خورد.

صالحی منش همچنین گفت: کسانی که آقای احمدی نژاد را می شناختند از اول خیلی خون دل خوردند که ایشان برای ریاست جمهوری نیاید. ولی متأسفانه با تأیید شورای نگهبان و پیگیری شورای نگهبان

ایشان هر دو دوره آمدند و رئیس جمهور هم شدند و تبعات کارهای ایشان را امروز هم در بخش اقتصادی و هم در بخش مسائل سیاسی و اجتماعی داریم می بینیم. یعنی بزرگترین مشکلی که آقای احمدی نژاد در کشور ما ایجاد کرد حرمت شکنی نسبت به بزرگان نظام و عدم اعتماد به مسئولین نظام از آن موقع شروع شد و هنوز هم ادامه دارد.

برگزیده مشروح گفت و گوی صالحی منش با جماران در ادامه می آید:

آقای صالحی منش! یکی از مسائلی که در کشور ما چند وقت یک بار مطرح می شود مسأله «شنود» است. با توجه به اینکه قرار است در جمهوری اسلامی بر اساس موازین فقه و شرع عمل شود و فلسفه قرار دادن یک مجتهد در رأس وزارت اطلاعات هم همین موضوع است، از ابتدای انقلاب تا کنون چه سیاست ها و رویکردهایی برای مسأله شنود قرار داده شده و امروز این موازین چطور اجرا می شود؟

در ابتدا من باید به عنوان مقدمه مطلبی را در مورد کلیت امور قضائی بگویم تا به مسأله شنود برسیم. شاید روز دوم یا سوم بعد از پیروزی انقلاب اولین احکامی که از امام بزرگوارمان صادر شد راجع به قوه قضائیه و مسئولین قضایی کشور بود. آیت الله بهشتی، آیت الله موسوی اردبیلی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله مؤمن و آیت الله ربانی املشی هسته های اولیه قوه قضائیه کشور بودند. انصافاً هر کدام از اینها مؤمن، متعهد و از بزرگان و فضلاء حوزه بودند که وارد دستگاه قضایی شدند و کار قضایی کشور به آنها سپرده شد.

ولی هنوز چند ماهی از کار قوه قضائیه نگذشته بود که امام چندین حکم به چندین نفر در رابطه با مسائل قضاء مجدداً صادر کردند. در زمان امام پس از شهادت آیت الله بهشتی، بیشترین تصدی قوه قضائیه را آقای اردبیلی داشتند و بیشترین نامه هایی که در ارتباط با امور قضایی کشور بین امام و بقیه رد و بدل شده با شورای عالی قضایی و یا شخص آقای اردبیلی است. در این نامه ها می بینیم حساسیت امام بر این بوده که چون حکم الهی عمل نمی شود من دارم پیگیری می کنم.

این نامه ها به وضوح در صحیفه امام هست و زیاد هم هست. از اوایل انقلاب تا اواخر سال ۶۷ که نزدیک رحلت امام بود می بینیم که امام نامه های بسیار زیادی در رابطه با مسائل قضایی دارند و خودشان می فرمایند علت این است که می خواهند حکم خدا در کشور اجرا شود.

به هر حال امام راحل در جایگاه و مقام رهبری احکامی را صادر کردند که دقیقاً بر اساس اجتهاد ایشان و مطابق قرآن و سنت بوده و ممکن است که این احکام، خوب اجرا نشده باشد و یا خوب اجرا شده ولی اکنون دشمن وارونه جلوه می دهد و یا اگر قصوری خدای نکرده بوده، توضیح دهند؛ امروز روزی است که همه کسانی که یک روز در قوه قضائیه از مقامات عالی رتبه بوده اند مواضع و کارهای خودشان را تبیین کنند. مثلاً جناب آقای مجید انصاری با توجه به ارتباطی که با بیت امام داشته اند و با توجه به اینکه خودشان سال ها رئیس سازمان زندان های کشور و تقریباً از اعضای اصلی قوه قضائیه و تشکیلات قضایی کشور بوده اند، مسائل را توضیح دهند. یکی از مهمترین مسائلی که امام با حساسیت روی آن برخورد کردند مسأله «شنود» است.

آقای صالحی منش! ما می بینیم که حضرت امام(س) دقیقاً در اوج مبارزه با گروه ها و گروهک ها حضرت امام فرمان هشت ماده ای را صادر می کنند که از بندهای مهم آن بحث نشود و تجسس است. اگر بخواهیم از نظر تاریخی روایت کنیم، به چه دلیل امام این فرمان را صادر کردند؟

اگر دقیقاً بخواهم به دلیل صادر کردن فرمان هشت ماده ای بپردازم می توانم ادعا کرد که امام واقعا یک شهامت بسیار بی نظیری را از خودشان نشان دادند. وقتی امام(س) این پیام را صادر کردند که اوج جریان های تند منافقین بود و مدام منافقین مسئولین و حتی مردم عادی را ترور می کردند، ده ها ترور انجام شده بود، چندین امام جمعه ما را به شهادت رسانده بودند، شاید در تهران روزی دویست یا

سیصد ترور انجام می شد و واقعا یکی از بهترین ابزارهای کشف برای بحث اطلاعاتی و قضایی کشور «شنود» بود و شنود کارآیی بسیار زیادی داشت. اما ناگهان پیام هشت ماده ای صادر شد. اگر ما بخواهیم «شنود» را معنا کنیم، شنود یا استراق سمع یک عمل مخفیانه است که بدون رضایت افراد ما به مکالمات خصوصی آنها گوش می دهیم. اگر بدون اجازه یا بدون قانون و حکم قضایی این کار انجام شود جرم است. قانون اساسی در اصل ۲۵ به صراحت می گوید هرگونه تجسس یا استراق سمع ممنوع و جرم است و در قرآن در آیه «ولا تجسسوا» تحریم شده است. در قانون مجازات اسلامی هم مواد ۵۸۲ و ۵۷۰ می گوید که شنود غیر از موارد قانونی جرم و مجازات حبس و انفصال از خدمت را دارد. به موجب تبصره ماده قانونی آیین نامه دادرسی کیفری هم گوش دادن تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است یا برای احقاق حق و آنچه را که قاضی نظر می دهد و ضروری تشخیص داده می شود، ممنوع است. لذا شنود را لازم داریم؛ ولی از روند قانونی و قضایی. شنود آن موقع از نظر فناوری و تکنولوژی چقدر پیشرفته بود؟

مسائل فنی شنود سرّی است و نمی توان به آن پرداخت، ولی آنچه علنی است آن است که بعد از انقلاب تشکیلات شنود ساواک به دست مبارزین و انقلابیون افتاد و شنود از همان راه ادامه داشت ولی جزو مسائل سرّی است و قابل تبیین نیست.

اما در مورد پیام مهم هشت ماده ای امام(س)، اگر شما در تیتراژ نامه امام دقت کنید اصلا نامه خطاب به شخص و یا قوه خاصی نیست و خطاب به همه است؛ هم خطاب به سران سه قوه و هم مبارزین و انقلابیون است. برای اینکه آن موقع عمده منافقین در تهران، بخشی در مشهد، شیراز و کرمانشاه متمرکز شده بودند و خیلی جایگاهی در بقیه ایران نداشتند. اما داستان هایی پیش آمد که چند گروه در برخورد با منافقین دخالت داشتند؛ سپاه و کمیته انقلاب و دادستانی علاوه بر اینکه کار قضایی می کرد گروه ضربت داشت و خودش رأسا وارد می شد. اطلاعات نخست وزیری هم بود. هرکدام از اینها هم خودشان را صاحب اختیار می دانستند و هرکدام هم از همه ابزارهای اطلاعاتی و امنیتی استفاده می کردند.

تشکیلات اطلاعات نخست وزیری که خیلی مفصل نبود...

بله، خیلی مفصل نبود ولی به هر بخشی از حال اطلاعات بودند و مخصوصا فرودگاه و مرزها کامل در اختیار آنها بود و می توانستند آمد و رفت ها را بررسی و کنترل کنند؛ که آن هم یک راه مهم کشف محسوب می شد.

اما علت این که امام حکم صادر کردند فقط تشکیلات قضایی نبود؛ بلکه همه گروه هایی بود که رأسا داشتند خودشان کار می کردند. مثلا کودتای نوژه را سپاه کشف کرده بود. قبل از اینکه آن را کشف کنند قطعا شنودگذاری و جمع آوری اطلاعات کرده بودند؛ یا اینکه مثلا مسائلی در خصوص خلق مسلمان اتفاق افتاده بود که از ابزارهای اطلاعاتی استفاده می شد. اینها همه مسائلی بود که پیش آمده بود و از سراسر کشور تقریبا اجحاف هایی به متهمین شده بود؛ در رابطه با مسائل ساواکی ها، ملاکین، خان ها، رؤسای ادارات، رؤسای شهربانی ها و رؤسای ساواک. هر کسی هم که دسترسی به امام پیدا می کرد خبرش را به امام می رساند. یعنی واقعا من مانده ام که چطور این همه اطلاعات به روز به امام می رسید و این همه سریع تصمیم گیری می کردند و عکس العمل نشان می دادند؟! می شود نمونه هایی از آنها را بگویید؟

مواردی من خبر دارم که فوری به امام خبر می دادند که در فلان شهر به فلانی ظلم شد و یا فلان کس به فلانی ظلم کرد. نمی خواهم اسم بیاورم. ولی از خود دفتر امام بپرسید به شما می گویند. آقایان انصاری، صانعی، توسلی و رسولی خبرها را می بردند و خود حاج احمد آقا تقریبا هم بیشترین ارتباط

را برقرار می کرد و هم خبرها را می برد و طبعاً موجب عکس العمل سریع و فوری حضرت امام(س) می شد.

به نظر من یکی از عوامل مهمی که باعث صدور پیام هشت ماده ای امام شد این بود که امام فکر می کردند رأساً هرکس هرکاری می خواهد می کند و این از روند قانونی و قضایی خارج شده است. لذا خطاب اصلی امام در پیام هشت ماده ای هم آقای اردبیلی و هم آقای موسوی، به عنوان نخست وزیر، است؛ در حالی که نخست وزیر اصلاً ربطی به این حرف ها ندارد. چرا امام اسم مهندس موسوی را آوردند و بعداً این دو را به عنوان رئیس ستاد پیگیری فرمان هشت ماده ای منصوب کردند؟ برای اینکه قضایا از همه طرف گره خورده و مشکل ایجاد شده بود.

یکی از مسائلی که در پیام هشت ماده ای برجسته شده مسأله «شنود» است. واقع این است که ما نمی توانیم بگوییم بی نیاز از شنود هستیم. شنود امری لازم و اجتناب ناپذیر و ابزاری در خدمت دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی است و از اول تاریخ هم این مسائل بوده است؛ زمان خود رسول الله (ص) ما می بینیم که در جنگ خندق یا جنگ احزاب پیامبر(ص) آخرین شبی که در جنگ بود در جمع دوستان می نشینند و می فرمایند «آیا کسی هست که بخواهد رفیق من در بهشت باشد؟» اصحاب خیلی اظهار تمایل می کنند. بعد می فرمایند اگر کسی بلند شود و آخرین اطلاعات جنگی دشمن را بیاورد او رفیق من در بهشت است. حذیفه بن یمان بلند می شود و می گوید من می روم. می خواهم بگویم این کار شنود است؛ خود حضرت به آن طرف جبهه نیرو می فرستند و می خواهند از مسائلی که آنجا اتفاق افتاده مطلع شوند.

سوژه شنود باید چه کسانی باشند؟

طبعاً سازمان های اطلاعاتی-امنیتی- انتظامی نسبت به سرقت ها؛ نسبت به کیس های اقتصادی، آدم ربایی، خروج میراث فرهنگی-تاریخی از کشور، خروج سرمایه از کشور، کشف باندهای مسلحانه، کشف ارتشاء و اختلاس شنود لازم دارند. ما می بینیم علاوه بر کشف اینها مهمترین بخش مسائل امنیتی کشور است. لذا سوژه شنود خیلی می تواند زیاد باشد.

اما آیا ما می توانیم به هر دلیلی برای هر فردی شنود بگذاریم و هر کاری دلمان می خواهد انجام دهیم؟ این مسأله بسیار مهم است. آقای علی مطهری بعد از اینکه وسایل شنود در اتاقشان کشف شد مقاله ای منتشر کردند و تیتیرش این بود که آیا برای حفظ نظام شما می توانید دست به هر کاری بزنید؟ بعد ایشان کار شنود در کشور را تقبیح می کند.

به نظر من شنود ابزاری است که می توانیم از آن بهره برداری صحیح کنیم. اما در اینکه شنود جزو مسایلی که باید خوب پرداخته و دقت شود این است که چرا در کشور ما شنود باعث این همه ناامنی شده است؟ به نظر من ما می توانیم بگوییم قصوری یا تقصیری از نواحی و مجاری مختلف در کارهاست که باعث ناامنی حتی در رده های بالا صورت گرفته است.

یعنی در اختیار قرار دادن فناوری شنود یا در بقیه موارد؟

در بقیه موارد؛ فناوری شنود باید طوری باشد که هم کسانی که دسترسی به این کار دارند آدم های قابل اعتمادی باشند و هم کسانی که حکم می دهند دقت و مراقبت لازم را داشته باشند. حتی امام عزیزمان پیام هشت ماده ای صادر می کنند می فرمایند که اگر شما در رابطه با مسائل امنیتی شنود می کنید و به مرکز فساد، گناه و یا گناه شخصی پی بردید را حق ندارید پیگیری و حتی مطرح کنید و حتی به دادگاه گزارش دهید.

متأسفانه الآن در بعضی از احکام، وقتی که مثلاً می خواهند جرم متعدد را برای شخص بیاورند مسائل اخلاقی را هم می آورند. در حالی که مسائل اخلاقی را نباید تجسس و کشف کرد؛ نباید مدام ورود پیدا کرد که آبروی افراد مورد لطمه واقع شود.

لذا امام عزیزمان، طبعا مقام معظم رهبری هم همین حالت را نسبت به آبروی افراد، حقوق شهروندی و مردم دارند. ولی متأسفانه در رابطه با شنود همیشه یک حالت سهوی برخورد شده که اخیرا حاد شده است.

به بحث مجوز اشاره کردید. آقای مجید انصاری چند ماه پیش در مصاحبه با خود ما گفتند که الان مسئولین کشور از ترس شنود می ترسند در جلسات بلند صحبت کنند. این نشان می دهد دست کم تصویری بین مسئولین وجود دارد که هر جایی ممکن است شنود باشد. این تصور از کجا ناشی می شود و آیا ناشی از این نیست که در بخش هایی شنود تبدیل به ابزاری برای رقابت های سیاسی و جناحی شده است؟

تمام هم و غم پیام هشت ماده ای همین است که شنود باید در رابطه با حکم قاضی باشد و قاضی هم طبعا باید بر اساس عدالت و اتهامی که متوجه طرف هست شنود گذاری کند. باید باند ارتشاء، اختلاس، آدم ربایی، مسائل امنیت کشور، گروه های مسلحانه و یا باند مواد مخدر باشد تا شنود بگذارند. اگر بنا باشد به خاطر ابزار قدرت و یا اینکه افراد را شنود کنیم تا بتوانیم قدرت سیاسی را از آنها سلب کنیم یا بخواهیم بر کفه قدرتی افزایش دهیم، **طبعا این کار حرام و باعث بی اعتمادی است و واقعا هم من می خواهم بگویم آیا کسی که دستور به شنود می دهد و یا کسی که شنود گذاری می کند، که مخصوصا یک وقت در منزل شخص هست که هم دوربین و هم شنود می توان گذاشت ...**

مثل قضیه ای که برای برخی شخصیت های سیاسی پیش آمده بود.

مثل خیلی ها که اصلا نمی خواهیم مصداق های آن را بیان کنیم.

چون آقای علی مطهری رسانه ای شده من به ایشان اشاره می کنم و الا اصلا از آقای علی مطهری هم اسم نمی بردم. آقای مطهر بارها در مصاحبه های خود بیان و تظلم کردند، واقعا هم جای تظلم دارد. انسان باید در حریم شخصی خود واقعا احساس امنیت و آرامش کند. حریم شخصی واقعا شخصی است آیا ما حق داریم هر جایی را شنود بگذاریم و هر جایی را دوربین بگذاریم و باعث هتک حیثیت افراد شویم؟

به هر حال اینها فیلم، شنود و صدا است و می ماند و یک وقت ممکن است آدم یادش برود!!! و جایی بگذارد و یک وقت دست افراد غیر می افتد!!! و واقعا تبعات بسیار بدی پیدا می کند. لذا هم مسئولین قوه قضائیه، هم مسئولین اطلاعاتی و هم مسئولین امنیتی کشور باید طوری عمل کنند که همه احساس آرامش و امنیت داشته باشند؛ اینکه احساس کنیم خانه و زندگی و دفتر کار ما ناامن است به نظر یک روحیه بسیار ناامید کننده و بدی در افراد جامعه حتی مسئولینش به وجود می آورد.

با توجه به اینکه شما نماینده دادستان در بحث شنود بوده اید، چطور می توان این قضیه را پیگیری کرد؟

من دادیار جانشین دادستان تهران بودم. چندین بار آقای صانعی ما را خواستند و فرمودند که مثلا چرا منزل فلانی شنود شده؟ چرا بعضی جاهایی که نباید، شنود شده؟

از افراد داخل نظام بودند؟

بله. به هر حال حکم شنود هم در تهران دو سه نفر می دادند.

روال صدور شنود چطور بود؟

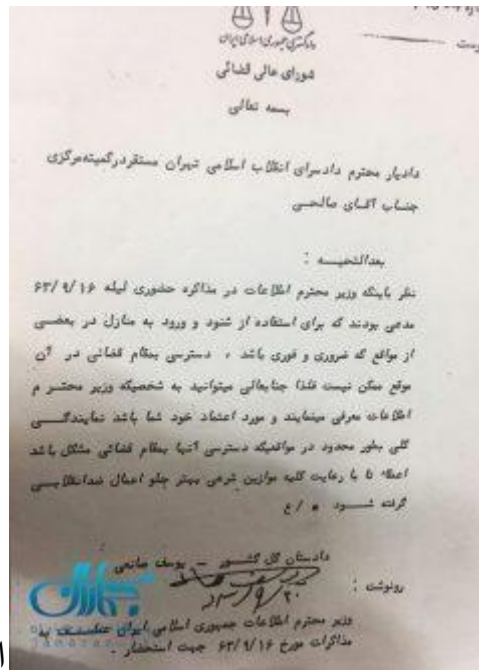
روال صدور این بود که مثلا دستگاه اطلاعاتی درخواست می کرد که با توجه به پرونده ای که در ارتباط با این شخص وجود دارد ما می خواهیم منزل ایشان را برای یک ماه «تعمیر» کنیم. اصلاح «تعمیر» هم برای شنود کردن است. پرونده طرف را بررسی می کردیم و یا اجازه می دادیم و یا اجازه نمی دادیم. اگر می دیدند مثلا مورد مهمی است و قابل این است که شنود بگذارند می گفتند شنود بگذارید و اگر می دیدند قابل شنود گذاری نیست می گفتند شنود نگذارید. تا اینکه دیدند موارد زیادی

مطرح شد که اینجا و آنجا را شنود گذاشته اند؛ می گفتند به ما ربطی ندارد و از اوین هم می گفتند به ما ربطی ندارد.

به هر حال مشکلی پیش آمده بود.

شما ابزار کنترلی داشتید؟

ما ابزار کنترلی نداشتیم که بدانیم چه کار می کنند و چه کار نمی کنند. بعد از آن آقای صانعی حکمی به دو نفر، یعنی بنده و آقای مهدوی دادند.



احکام آیت الله صانعی به حجت الاسلام و المسلمین صالحی منش



احکام آیت الله صانعی به حجت الاسلام و المسلمین صالحی منش

کدام آقای مهدوی؟

آقای مهدوی هشت سال معاون آقای شاهرودی در قوه قضائیه بودند و الآن هم وکیل شرکت نفت در رابطه با پرونده بابک زنجانی هستند. ایشان جزء بهترین قضات کشور بوده و هستند.

من و آقای مهدوی را حکم دادند که تشکیلات فنی را بررسی کنیم که آیا آنها تخلف می کنند یا نه. خود ما هم اولین بار بود که تجهیزات شنود را از نزدیک می دیدیم.

چه سالی بود؟

سال ۶۱ یا ۶۲ بود.

من و آقای مهدوی وقتی که از نزدیک تشکیلات فنی شنود را بررسی کردیم همان موقع اطلاعاتی به دست ما رسید که برخی خانه های تیمی هم تخلیه می شود. ما شک کردیم که چه اتفاقی می افتد و چه کسی می تواند به این خانه تیمی اطلاع رسانی کند؟ مثلا خانه ای که ما یک ماه یا یک ماه و نیم ردش را داشتیم یک مرتبه می بینیم خانه خالی شد. می گوییم نوارهای ضبط شده را بیاورید و تا آخرین مکالمات را گوش دهیم که چه شده است. مثلا می بینیم که بعضی جاها شنود قطع و یکی دو روز دیگر وصل می شود. فهمیدیم که در تشکیلات فنی ما اشکالات و نفوذی وجود دارد. بعدا بچه های اطلاعات همان جا را هم شروع به کار کردند و حدود بیست نفر از مراکز شنود و حتی کسانی که کار اطلاعاتی می کردند و حتی بعضی از افراد مورد شک قرار گرفته بودند که بعد از این کار از آنها رفع اتهام شد.

نفوذی بودند؟

بله. آن موقع بی سیم نبود و باید مخابرات به ما خط می داد.

این قضیه در فیلم ماجرای نیمروز هم هست.

دقیقا همین؛ لذا وقتی بررسی کردیم من یادم می آید که حدود بیست نفر از آن مراکز و بخش فنی خودمان اخراج کردیم. بعد از اینکه بچه های اطلاعات کار کردند فهمیدیم که عده ای در درون تشکیلات خود شنود نفوذ کرده اند.

بحث مجوزها را می فرمودید. گفتید یک سری بی مبالاتی در شنوهای بی رویه بود و شما منصوب شدید. بعد از آن چه اتفاقی افتاد؟

بخش های مختلفی که شنود می کردند خیلی کار به قاضی هم نداشتند؛ خودشان وقتی ردی از کسی پیدا می کردند سریع خودشان هم شنود گذاری می کردند. اینها خبر به امام رسید و بی نظمی شدیدی بود. سال ۶۱ که اوج مسائل منافقین بود هر کس هم داشت کار خودش را می کرد. مثلا سپاه، کمیته، شهربانی و ژاندارمری هر کس کار خودش را می کرد. آخر الامر جلسه ای را آقای موسوی تبریزی به عنوان دادستان کل کشور گذاشتند و بنا شد جایی برای هماهنگی همه اینها باشد که من آن موقع دبیر این تشکیلات شدم. آقای سیف اللهی بودند، آقای فلاحیان هم رئیس کمیته ها و هم قاضی بودند، آقای لاجوردی بودند. دیگر نمی خواهم اسم بیاورم از دو سه نفر نیروهایی که دادستانی اوین بودند و الان از بزرگان کشور هستند. تمام اینها و رئیس شهربانی ماهیانه یک بار جلسه تشکیل می شد ولی مدیریت کار دست این شورا بود.

سران قوه قضائیه کشور و مسئولین ارشد نظام مثل آقای سیف اللهی که رئیس اطلاعات سپاه بودند و حتی خود آقای محسن رضایی، گرچه جنگ خیلی وقتشان را گرفته بود ولی مسأله منافقین برای آقا محسن مسأله اصلی کشور بود. مسائل را از نزدیک و دقیق پیگیری می کردند و همین اتحاد در عملکرد مسبب اصلی سقوط منافقین شد.

این قبل از فرمان هشت ماده ای است؟

بعد از فرمان هشت ماده ای بود؛ اصلا به خاطر فرمان هشت ماده بود.

تشکیل شورای اطلاعاتی و دستور آقای صانعی بعد از فرمان هشت ماده ای است؟

همه اینها بعد فرمان هشت ماده ای است. علتش هم این بود که آقای صانعی مرتب می فرمودند که امام از ما می خواهند که مسأله شنود چه شد؟ مسأله حریم شخصی افراد چه شد؟ مسأله دستگیری ها چه شد؟ لذا آقای صانعی روی این مسأله خیلی حساسیت به خرج می دادند و معلوم بود امام دارد از ایشان مرتب بارخواست می کند که خود آقای اردبیلی هم بسیار جدی، دقیق و پیگیر مسائل بودند و واقعا

هرجایی احساس می کردند نسبت به حریم شخصی کسی دارد اجحاف می شود برخورد و مقابله می کردند.

در سال های بعد چطور بود؟ تا آخر حیات حضرت امام بحث شنود و تمام مسائل مربوط به فرمان هشت ماده ای در دستگاه های اطلاعاتی و قضایی چطور اجرا می شد؟

پنج شش ماه ستادی مشغول به کار شد؛ جناب آقای مهندس موسوی و آقای اردبیلی رئیس ستاد بودند و اعضای آن از بازرسی کل کشور و نهادهای مختلف قضایی و امنیتی بودند و با جدیت و قاطعیت تخلفات را پیگیری می فرمودند.

محمدصادق صالحی منش

ستاد پیگیری فرمان هشت ماده ای؟

بله. بنده هم چهار پنج بار برای توضیح بعضی مسائل آنجا رفتم. حدود شش ماه که از این ستاد گذشت خیلی از قضات و رؤسای کمیته ها برکنار شدند و با جاهای دیگر برخورد شد. بعد از آن آقای موسوی اردبیلی و آقای مهندس موسوی نامه ای به امام نوشتند که ما احساس می کنیم دیگر جایی برای این ستاد وجود ندارد؛ الآن دستگاه ها دارند کارهای خودشان را خوب انجام می دهند و هماهنگی های لازم انجام شده است. امام اجازه دادند که این ستاد منحل شود و هر دستگاهی نظارت جدی تری نسبت به کارهای خودشان داشته باشد.

البته امر شنود هم بسیار فروکش کرد. برای اینکه طبعا قضیه منافقین حل و تمام شد. البته همیشه مسائلی بود. من نمی خواهم اینها را توضیح دهم که بعضی افراد شنود شدند، درگیری های شدیدی پیش آمد و مسائل مهمی در کشور مطرح شد.

بدون اشاره به اسم می شود کلی بفرمایید؟

همیشه درگیری هایی بوده و همیشه هم حاج احمد آقا دخالت می کردند و خود مرحوم امام بعضا دخالت و جلوگیری می کردند. لذا بعضی از پرونده ها که چه بسا از راه شنود غیر قانونی و غیر شرعی مطرح می شد امام آنها را توبیخ می کردند و دستور می دادند که اصلا این پرونده اعتبار ندارد.

شما صحیفه امام را مطالعه کنید، مخصوصا سال ۶۷ که آخرین سال عمر امام بوده، امام بارها مثلا قاضی به شهرستان های مختلف می فرستند. چرا امام قاضی می فرستند؟ طوری که آیت الله اردبیلی ناراحت می شوند و به امام نامه می نویسند که اگر اجازه می دهید ما در قوه قضائیه نباشیم؛ برای اینکه ما احساس می کنیم شما از ما ناراحتید و نگرانی دارید و خودتان راسا دستوراتی را به بعضی از قضات دارید.

بیشتر بر سر چه مواردی بود؟

لذا در موارد تخلفات و جرائم مختلف که یا به آنها ظلم شده بود یا رسیدگی نشده بود امام راسا به شهرستان ها قاضی می فرستادند و آنها حکم می کردند و کاری هم به دادستانی و قاضی محلی نداشتند.

پرونده های سیاسی؟

نه؛ پرونده های سیاسی نبوده و پرونده قضائی بوده است. به امام خبر می دادند که در فلان جایی و خود شورای عالی قضائی پرونده زیاد مانده است. امام راسا مثلا به آقای مقتدایی حکم دادند که فلان پرونده را رسیدگی کن. امام به آقای نیّری و ریّسی حکم دادند؛ در حالی که آقای نیّری آن زمان مثلا رده سه و دو قوه قضائیه بوده امام شخصا به ایشان حکم دادند. شورای عالی قضایی ناراحت می شوند که چرا امام این کار را می کنند. امام در جواب آقای اردبیلی می نویسند برای اینکه من نمی توانم تحمل کنم حکم خدا تعطیل شود. یعنی معلوم است امام روی مسأله «حکم خدا» خیلی حساسیت داشتند.

ولی بعدا وقتی که شورای عالی قضایی به امام اعتراض می کند امام به آقای اردبیلی می نویسند که چون شما به من گفتید اول به شما بگویم حالا می گویم، این پرونده در فلان جا مسأله ساز شده و بررسی کنید و سریعا خودتان قاضی اعزام کنید.

در قضیه ای که گفتید قضات بعد از فرمان هشت ماده ای اخراج شدند، تعدادشان چقدر بود و مشخصا بر سر چه مواردی بود؟

اشخاص بسیار محترم هستند. طبعا قصورهایی زمان هایی انجام شده، بعضا خود امام با بعضی از افراد برخورد کردند و بعد هم شاید بیش از صدها پرونده در ستاد پیگیری فرمان هشت ماده ای تشکیل شد و بعد از شش ماه که نامه به امام نوشتند این بود که کل مسائل کشور را بررسی کردیم. می دانید که ستاد پیگیری فرمان هشت ماده ای امام در کل کشور تشکیل شد و همه جای شروع به بررسی و برخورد کردند و با مسئولین اطلاعاتی نیز برخوردهای جدی و شدیدی کردند.

یعنی امام شخصا دادستان را عزل کردند؟

بله. ستاد پیگیری قضایا را پیگیری کردند و خبر به امام رسید و ایشان عزل شد. به هر حال امام خیلی دوست داشتند که بر مجرای قانون، حکم الهی و مسائل فقهی کارهای قضاء پیش رود. ولی قصورهایی در کار بود.

حجت الاسلام و المسلمین حاج سید حسن خمینی چند وقت پیش اشاره داشتند که یک قاضی پیش امام آمده بود و حاج احمد آقا در خاطراتشان نوشته اند که این اصلا آمده بود امام را بکشد. این موضوع را کمی باز کنید.

خود حاج حسن آقا خیلی توضیح ندادند و علت توضیح ندادنشان این بود که آن قاضی الآن هم قاضی و از بزرگان دستگاه قضایی هست و ما باز هم از ایشان اسم نمی آوریم. ولی علتش این بود که تقریبا صد در صد قضات کشور برای خودشان استقلال رأی قائل بودند؛ ولو اینکه امام هرچه می خواهند بفرمایند. می گفتند ما قاضی این پرونده هستیم و جزئیات آن را می دانیم.

لذا ظاهرا دو نفر از قضات خدمت امام می روند. وقتی که ایشان می فرمایند این قضیه را پیگیری نکنید تعبیر تندی به کار می برند که مثلا قوه قضائیه مستقل و قاضی مستقل چه می شود؟ استنادشان به شنود بود؟

بله. امام خیلی عصبانی و ناراحت می شوند. به طوری که حاج احمد آقا می گویند انگار آمده بودند امام را بکشند؛ از بس امام ناراحت بود. اولاً چرا شنود گذاشته اید؟ ثانيا وقتی من می گویم پیگیری نکنید چرا اصرار دارید که حتما باید پیگیری شود؟

بحثی اخيرا در مورد ضرورت هماهنگی دستگاه های اطلاعاتی کشور مطرح شده است. صحبت آقای مطهری باعث شد رسانه ها خیلی به این موضوع بپردازند. مکانیزم هماهنگی دستگاه های اطلاعاتی کشور چطور است؟

اجازه بدهید وارد این مسأله نشوم. علتش این است که هم مسأله تخصصی اطلاعاتی کشور است که من الآن در این تشکیلات نیستم و اگر حرفی بزنم شاید باعث ناراحتی و نگرانی آنها شود. ولی به هر حال یک شورای هماهنگی و یک مسئول دارند و همه باید از آن مسئول تبعیت کنند که متأسفانه این روزها

...

این شورا همان شورایی است که شما اولین رئیسش بودید؟

نه. این شورا شورای هماهنگی اطلاعات کشور است؛ که وزیر اطلاعات در رأس آن است. حفاظت اطلاعات قوه قضائیه، اطلاعات ارتش، اطلاعات سپاه، اطلاعات ناجا و همه اطلاعات ها عضو این ستاد هستند.

آنچه که شما فرمودید شورای اطلاعات نبود؟

نه؛ آن شورای هماهنگی دستگاه های امنیتی و قضایی بود.

آقای صالحی منش! در چهل سالگی انقلاب ارزیابی شما از دستگاه های اطلاعاتی چیست؟

جواب بسیار سخت و مشکل است. اگر بخواهیم مجموعه مسائل امنیتی کشور را ارزیابی کنیم می توانیم بگوییم نمره قابل قبولی دارد. به هر حال کشور امنی داریم؛ کشوری داریم که دشمنان نمی توانند در آن نفوذ، تخریب و یا انفجار کنند. غیر از حادثه مجلس و حرم امام حوادث کمی داریم. در حالی که هر روز ما نفوذ داریم و هر روز دارند از مرزهای ما وارد می شوند و مشکل تراشی می کنند. اما اگر سیر اطلاعات را بخواهیم بررسی کنیم از مسائل قتل های زنجیره ای ضربه هولناکی به تشکیلات اطلاعاتی کشور خورد.

به اعتبارش یا عملکردش؟

به اعتبار، عملکرد و خودش. بعد از دولت اصلاحات که مقداری اطلاعات جان گرفت و توانست روی پای خودش بایستد، مجدداً زمان آقای احمدی نژاد ضربه نهایی به پیکر اطلاعات وارد شد که این ضربه ها ادامه دارد و آقای علوی توانسته اند مقداری مسائل را جمع و جور کنند.

یکی از شاخصه های امنیت کار اطلاعاتی است. امام خطاب به رئیس شهربانی می گویند «اینطور نباشد که مردم وقتی اسم کلانتری را بشنوند بلرزند به خودشان! وقتی بخواهند بروند طرف کلانتری مثل اینکه طرف حبس دارند می روند یا طرف کشتارگاه می روند! خیال کنند دارند طرف منزلشان می روند، یا طرف جایی می روند که عدالت توی آن هست، جایی می روند که ظلم در آن نیست، جایی می روند که با مردم دوست هست، نه دشمن، اگر اینطور شد، دل های مردم متوجه می شود. مردم زود راضی می شوند، مردم نفوسشان اینطور است که زود راضی می شوند. یک نوازش از یک نفر صاحب منصب برای مردم کافی است که تا مدتها اینها دلشان راضی باشد از او». (صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۱۱) واقعا تشکیلات اطلاعاتی، امنیتی و قضایی ما باید ابهت، شجاعت و رسیدگی قاطع خود را داشته باشند ولی مردم نباید احساس ترس و وحشت کنند. یعنی جایی که حق و عدالت اجرا شود طبعاً آدم احساس ترس ندارد. مجرم باید بترسد اما کسی که مجرم نیست چرا باید بترسد؟ اگر بی گناه بترسد معنایش این است که تشکیلات اطلاعاتی ظالمانه عمل می کند.

پس دو برهه زمانی قتل های زنجیره ای و زمان آقای احمدی نژاد باعث ضربه به وزارت اطلاعات شد؟

بله، مخصوصاً زمان احمدی نژاد با بازنشست نمودن صدها نیرو و مدیران متدیت، کارا و با تجربه.

به وجهه وزارت یا عملکرد آن؟

به هر حال عملکرد باعث می شود که وجهه ضربه بخورد.

کلام آخر!

ان شاء الله خداوند کمک کند و مسئولین اطلاعاتی و امنیتی طوری عمل کنند که مردم همیشه نسبت به آنها اعتماد داشته باشند؛ مخصوصاً اعتماد خود مسئولین به آنها. این خیلی مهم است که هر مسئولی احساس امنیت و آرامش داشته باشد و خانواده های آنها احساس آرامش و امنیت داشته باشند. به قول آقای انصاری این طور نباشد که هرکس می خواهد حرف بزند در گوشی یا یواش حرف بزند یا کسی جرأت نکند در خانه با خانم و بچه های خودش صحبت کند. این واقعا می تواند بدترین تأثیر را بر روحیه مسئولین نظام و مردم داشته باشد.

شما اگر از نظر اطلاعاتی و تخصصی بخواهید بررسی کنید، کاری که مسئولان دولت نهم و دهم با راه انداختن دعوای در کشور کردند، ولو اینکه الآن ژست اپوزیسیون بگیرد، را چطور ارزیابی می کنید؟

کسانی که آقای احمدی نژاد را می شناختند از اول خیلی خون دل خوردند که ایشان برای ریاست جمهوری نیاید. ولی متأسفانه با تأیید شورای نگهبان و پیگیری شورای نگهبان ایشان هر دو دوره آمدند و رئیس جمهور هم شدند و تبعات کارهای ایشان را امروز هم در بخش اقتصادی و هم در بخش مسائل سیاسی و اجتماعی داریم می بینیم. یعنی بزرگترین مشکلی که آقای احمدی نژاد در کشور ما ایجاد کرد حرمت شکنی نسبت به بزرگان نظام و عدم اعتماد به مسئولین نظام از آن موقع شروع شد و هنوز هم ادامه دارد.

به هر حال بررسی وضعیت دولت نهم و دهم از جهات مختلف و همچنین تبعات کارهای شخص رییس جمهور، اعضای کابینه، برنامه هائی کاری، ارتباط دولت با بقیه قوا ... لازم است.

جنجال هواداران عربستان در لبنان بر سر مهر نکردن گذرنامه شهروندان ایرانی در فرودگاه بیروت

دبی-العربیه نت فارسی

خبرگزاری رویترز به نقل از یک منبع که خواسته نامش فاش نشود گزارش داد وزرای دولت لبنان تصمیم مدیر سازمان امنیت عمومی این کشور درباره مهر نزدن گذرنامه‌های شهروندان ایرانی هنگام ورود به فرودگاه بیروت را بررسی خواهند کرد.

تصمیم مدیر سازمان امنیت عمومی لبنان، خشم بسیاری از سیاستمداران لبنانی را برانگیخت. آن‌ها این تصمیم را نشان از نفوذ رو به رشد گروه حزب‌الله پشتیبانی شده از سوی ایران دانستند که قدرت سیاسی‌اش پس از انتخابات پارلمانی اخیر لبنان افزایش یافت.

حزب مسیحی نیروهای لبنانی، تصمیم مدیر سازمان امنیت عمومی را تلاشی برای کمک به ایران در ارسال شمار بیشتری از نیروها به سوریه از راه بیروت یا انتقال پول برای حزب‌الله با وجود تحریم‌های آمریکا دانست.

مدیریت امنیت عمومی لبنان که اداره امنیتی فرودگاه را در دست دارد، از تصمیم خود دفاع کرده و اعلام کرد به جای گذرنامه، کارت‌های ورود مسافران ایرانی مهر خواهد شد. خبرگزاری رسمی ایران در هفته جاری از تصمیم مدیریت امنیت عمومی لبنان خبر داد و نوشت که پیشتر برخی از ایرانی‌ها که به لبنان سفر کرده بودند، در اخذ روادید سفر به اروپا با مشکل مواجه شدند.

ایالات متحده آمریکا حزب‌الله لبنان را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده است و هر شخص یا طرفی که اقدام به همکاری با این حزب در هر زمینه‌ای کند را تحریم می‌کند. ایران و حزب‌الله از نظام حاکم بر سوریه در نبرد علیه مخالفانش پشتیبانی می‌کنند.

خبرگزاری رویترز به نقل از منبع آگاه گزارش داده است که نهاد المشنوق وزیر کشور لبنان که از سفری خارجی بازگشته، با سعد الحریری نخست‌وزیر و شماری دیگر از مسئولان دیدار خواهد کرد تا بر سر مساله مهر نزدن گذرنامه‌های شهروندان ایرانی، تصمیم‌گیری شود.

المشنوق دوشنبه مقاله‌ای در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی توئیتر منتشر کرد که در آن نوشته شده وزارت کشور به تصمیم مدیر سازمان امنیت عمومی اعتراض خواهد کرد. سرلشکر عباس ابراهیم مدیر سازمان امنیت عمومی لبنانی با دفاع از تصمیم خود آن را

«طبیعی» توصیف کرد.

ابراهیم در مصاحبه با روزنامه لبنانی «الجمهوریه» گفت: «متأسفانه برخی خیالاتی هستند». ابراهیم که نسبت به گروه شیعه امل متحد حزب‌الله به شمار می‌آید افزود: «در سیستم یارانه‌ای ورود و خروج همه شهروندان ایرانی ثبت می‌شود».

او ادامه داد: «بسیاری از شهروندان اروپایی و خلیجی از مهر کردن گذرنامه شهروندان خود امتناع می‌کنند. سیستمی یارانه‌ای هم در فرودگاه بیروت کار گذاشته خواهد شد که نیاز به مهر کردن گذرنامه را به طور کلی از میان می‌برد».



عکسی از شوت شدن (رامین رضاییان ملی پوش فوتبال) ایران در دیدار مقابل پرتغال!!

نتیجه جام جهانی روسیه ۲۰۱۸

امتیاز	گل خورده	گل زده	بخت	مساوی	برد	بازیها	تیم
4	2	2	1	1	1	3	ایران

برای موفقیت در بردن يك مسابقه 4 میلیارد تومان جایزه داده می شود، آیا چنین جوایزی برای سایر موفقین مملکت هم در نظر گرفته می شود؟ دانشمندان؟ مخترعان؟ بیروزی آفرینان جبهه مقاومت؟ وووو؟

600 هزار دلار یا پنج میلیارد تومان پاداش تیم ایران برای يك كل زدن و پیروزی مقابل يك تیم آن هم مراکش در جام جهانی آن هم بهد از 40 سال / قبل از بازی با اسپانیا پرداخت می شود

بنا بر اخبار رسیده مبلغ پاداش ملی پوشان بابت پیروزی برابر مراکش ۶۰۰ هزار دلار است. این پاداش پیش از بازی با اسپانیا به شاگردان کی روش پرداخت می شود.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



خبرآنلاین: بنا بر اخبار رسیده مبلغ پاداش ملی پوشان بابت پیروزی برابر مراکش ۶۰۰ هزار دلار یا 4 میلیارد تومان است. طبق قول وزیر ورزش این پاداش پیش از بازی با اسپانیا به شاگردان کی روش پرداخت می‌شود.

برجام کروی

رهبر کره شمالی: خلع سلاح هسته‌ای، منوط به توقف اقدامات خصمانه واشنگتن است

خبرگزاری کره شمالی بامداد چهارشنبه به نقل از 'کیم جونگ اون' رهبر این کشور اعلام کرد، خلع سلاح هسته‌ای کشورش منوط به آن است که واشنگتن و پیونگ یانگ فعالیت‌های خصمانه شان را نسبت به یکدیگر کنار بگذارند. کیم تصریح کرد: رهبر کره شمالی از دونالد ترامپ 'خواسته است که به پیونگ یانگ سفر کند. او همچنین دعوت رئیس جمهوری آمریکا برای سفر به واشنگتن را پذیرفته است.



خبرگزاری کره شمالی بامداد چهارشنبه به نقل از 'کیم جونگ اون' رهبر این کشور اعلام کرد، خلع سلاح هسته‌ای کشورش منوط به آن است که واشنگتن و پیونگ یانگ فعالیت‌های خصمانه شان را نسبت به یکدیگر کنار بگذارند. کیم تصریح کرد: رهبر کره شمالی از دونالد ترامپ 'خواسته است که به پیونگ یانگ سفر کند. او همچنین دعوت رئیس جمهوری آمریکا برای سفر به واشنگتن را پذیرفته است.

به گزارش **تیک**؛ خبرگزاری کره شمالی بامداد چهارشنبه به نقل از 'کیم جونگ اون' رهبر این کشور اعلام کرد، خلع سلاح هسته‌ای کشورش منوط به آن است که واشنگتن و پیونگ یانگ فعالیت‌های خصمانه شان را نسبت به یکدیگر کنار بگذارند.

به گزارش خبرگزاری رسمی کره شمالی، کیم تصریح کرد: رهبر کره شمالی از دونالد ترامپ 'خواسته است که به پیونگ یانگ سفر کند.

او همچنین دعوت رئیس جمهوری آمریکا برای سفر به واشنگتن را پذیرفته است.

این خبرگزاری اعلام کرد، ترامپ با لغو تحریم‌های تحمیل شده بر پیونگ یانگ و ضمانت امنیتی به این کشور در جریان دیدارش با رهبر کره شمالی در سنگاپور موافقت کرده است.

خبرگزاری کره شمالی اعلام کرد: ترامپ موضوع رفع تحریم‌ها را پس از تعهد وی به پایان مانورهای نظامی مشترک واشنگتن با سنول، مطرح کرده است.

تاکنون مقام‌های کاخ سفید به این گزارش مقام‌های کره شمالی واکنش نشان نداده اند.

خبرگزاری کره شمالی در ادامه با اعلام این که روابط خصمانه واشنگتن و پیونگ یانگ برای مدت بسیار طولانی جریان داشت، ابراز امیدواری کرد، دیدار سران دو کشور در سنگاپور بتواند موجب تحول بنیادین در روابط خصمانه کره شمالی و آمریکا شود.

رئیس جمهوری آمریکا روز سه شنبه در مصاحبه اختصاصی با شبکه تلویزیونی‌ای بی سی نیوز این کشور از احتمال دیدار بعدی خود با رهبر کره شمالی خبر داد و درباره میزبانی از وی در کاخ سفید ابراز تمایل و علاقه مندی کرد.

ترامپ روابط تازه شکل گرفته بین آمریکا و کره شمالی را متفاوت از روابطی برشمرد که رئیس‌ان جمهوری پیشین وی با وابستگان به کیم برقرار کرده اند.

کره شمالی و آمریکا پس از جنگ کره در دهه ۱۹۵۰ دو دشمن اصلی یکدیگر بوده و روابط خصمانه‌ای داشته اند.

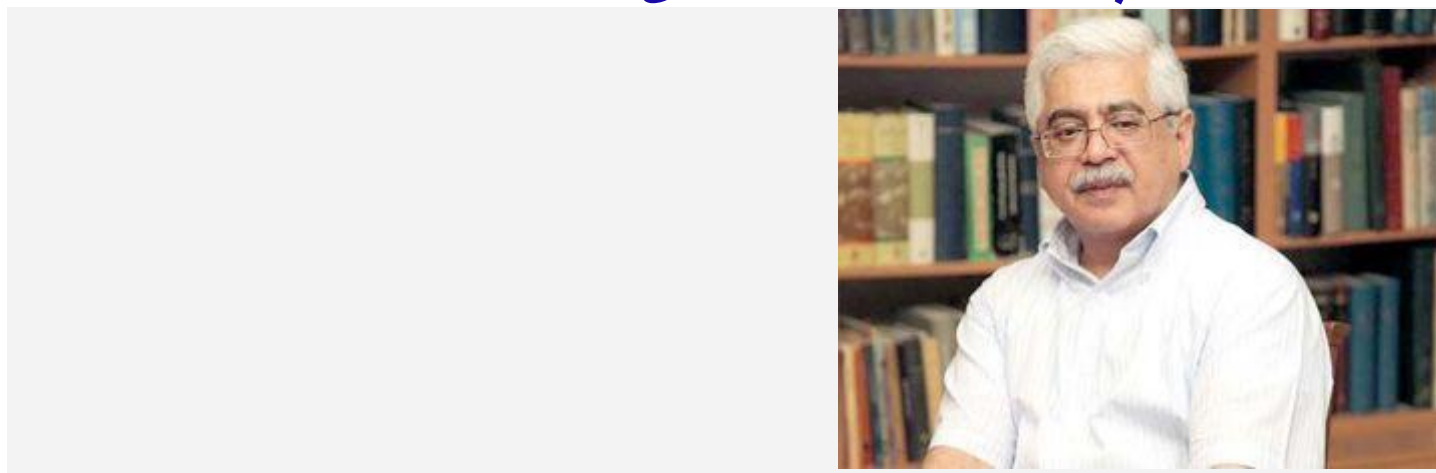
این روابط از زمان به قدرت رسیدن ترامپ متشنج‌تر از همیشه شد. پیونگ یانگ پس از آزمایش یک بمب هسته‌ای هیدروژنی و چند موشک بالستیک قاره پیمای، اعلام کرد خاک ایالات متحده در تیررس این کشور است.

لفاظی‌های شدید میان رهبران دو کشور و اعمال تحریم‌های گسترده و تهدید نظامی از سوی آمریکا، نگرانی وقوع مجدد جنگ در شرق آسیا و شبه جزیره کره را تا یک ماه پیش به بالاترین حد در دهه‌های گذشته رسانده بود.

کیم اوایل در پی برگزاری المپیک زمستانی، پس از دیدار با 'مون جائه این' رئیس جمهوری کره جنوبی اعلام کرد، برای کاهش تنش در شبه جزیره کره، با رئیس جمهوری آمریکا گفت: وگو می‌کند.

پس از آن که ۱۲ ژوئن (۲۲ خرداد) زمان دیدار سران دو کشور در سنگاپور تعیین شد، دو هفته پیش ترامپ دیدار برنامه ریزی شده اش با رهبر کره شمالی را به بهانه خصومت ورزی پیونگ یانگ لغو کرد، اما بلافاصله برنامه این دیدار دوباره چیده شد و روز سه شنبه وی رو در رو با کیم در سنگاپور دیدار کرد.

چرا مسئله کره شمالی متفاوت است؟



آینده‌ای که برای کره شمالی متصور است نه بی‌ثباتی و در نهایت فروپاشی بلکه در پیش گرفتن راه چین است.

به گزارش مشرق؛ عبدالله شهبازی تاریخ‌دان و پژوهشگر در کانال خود نوشت:

در میان کشورهای کمونیستی شرق آسیا، پیش از همه چین، از زمان دن شیائوپین، در دهه ۱۹۸۰ «اصلاحات» خود را آغاز کرد. ولی بویژه پس از بازگشت حاکمیت هنگ‌کنگ از بریتانیا به چین (اول ژوئیه ۱۹۹۷) بود که، با واسطه پلوتوکرات‌های بسیار متنفذ بریتانیایی- هنگ‌کنگی (که بانک HSBC مهم‌ترین نهاد مالی آنان است)، چین با کانون‌های قدرتمند مالی غرب شراکت و پیوندی عمیق و استوار یافت.

بدینسان، چین از طریق تأمین نیروی کار انسانی برای صنایع غرب توانست در «تقسیم کار جهانی» جایگاهی منحصربفرد یابد. نیروی کار ارزان و منضبط ۷۰۰-۸۰۰ میلیونی مزیت بلامنازع چین است که اکنون بخش مهمی از اقتصاد جهان بدان وابسته شده. آنچه «پیشرفت» چین خوانده می‌شود درواقع حاصل این وصلت «سرمایه-تکنولوژی» و «نیروی کار انسانی» است.

ویتنام از سال ۱۹۸۶ سیاست «نوسازی» خود را با نام «دائی‌موئی» (دئی‌مای) آغاز کرد. این سیاست هم متضمن کاستن از سهم اقتصاد متمرکز دولتی بود، از طریق ایجاد تعاونی‌های کشاورزی بیشتر خانوادگی، و هم اعزام وسیع نیروی کار انسانی و دانشجو به خارج با هدایت دولت. سیاست «نوسازی» ویتنام، بویژه به دلیل سلامت نسبی و خرد و نظم دیوان‌سالاری این کشور، تا

حدودی موفقیت‌آمیز بود بنحوی که **ویتنام** را از رده فقیرترین کشور جهان به رده پنجمین تولیدکننده و صادرکننده برنج دنیا (پس از چین و هند و اندونزی و بنگلادش) ارتقا داد.

کره شمالی تا تحولات اخیر بعنوان «بسته‌ترین» کشور جهان شناخته می‌شد و عمده پیوندهای آن با همسایه بزرگش، چین، بود. دیدار **ترامپ و کیم جونگ اون** در سنگاپور (۱۲ ژوئن ۲۰۱۸) پیامد سفر کیم به چین (۲۶ مارس ۲۰۱۸) و دیدار محرمانه‌اش با «شی»، رهبر چین، بود. در همان زمان رسانه‌های غربی این سفر را «مرموز» توصیف کردند. سفر فوق اولین سفر رهبر **کره شمالی** به خارج از کشور بود. بنظر می‌رسد در این سفر نقشه دیدار ترامپ و کیم، با واسطه شی، و نقش آینده کره شمالی طراحی شده است.

مسئله کره شمالی را نمی‌توان جدا از جایگاه چین در اقتصاد جهانی و در آینده جهان تبیین کرد. توجه کنیم که هم‌اکنون چین بزرگترین طلبکار خارجی دولت آمریکا است. در مارس ۲۰۱۸ بدهی دولت فدرال آمریکا به چین ۱,۱۹ تریلیون دلار گزارش شده است.

نظام سیاسی چین تا آینده قابل پیش‌بینی باثبات است زیرا فروپاشی نظم سیاسی در کشوری با قریب به ۱,۵ میلیارد جمعیت بر وضع جهان تأثیرات شگرف خواهد گذارد و هرج‌ومرج ناشی از آن می‌تواند تمدن بشری را بکلی دگرگون کند؛ پدیده‌ای که سابقه تاریخی دارد: تهاجم «نژاد زرد» به غرب در نیمه اول سده سیزدهم میلادی که با چنگیز خان آغاز شد و بر تمدن بشری تأثیرات عمیق گذارد.

چنانکه گفتیم، در «تقسیم کار جهانی» چین دارای جایگاه تعریف‌شده و تثبیت‌شده است بعنوان بزرگترین منبع تأمین‌کننده نیروی کار برای اقتصاد جهانی. این «تقسیم کار» ثبات نظام سیاسی چین را حتی بیش از ثبات داخلی ایالات متحده آمریکا برای کانون‌های مالی-سیاسی قدرتمند جهان بااهمیت می‌کند.

کره شمالی در جوار چین و در شرق آسیا قرار دارد نه در خاورمیانه و شمال آفریقا، و به این دلیل مقایسه کره شمالی با لیبی بکلی بی‌مبنا است.

آینده‌ای که برای کره شمالی متصور است نه بی‌ثباتی و نه نهایت فروپاشی بلکه در پیش گرفتن راه چین است. این راه تداوم نظم سیاسی کره شمالی را، چون چین، به کانون‌های مالی-سیاسی غرب دیکته می‌کند.

کره شمالی در خفا تکنولوژی های پیشرفته به کشورهای جهان اول (کشورهای پیشرفته غربی) می فروشد

کره شمالی را معمولاً کشوری منزوی می خوانند. در حالی که گزارش های جدید خبر از ارائه خدمات مبتنی بر فناوری این کشور به سایر نقاط دنیا می دهند. موضوعی که می تواند خطری جدی تلقی شود.

کره شمالی را معمولاً کشوری منزوی می خوانند. در حالی که گزارش های جدید خبر از ارائه خدمات مبتنی بر فناوری این کشور به سایر نقاط دنیا می دهند. موضوعی که می تواند خطری جدی تلقی شود.

به گزارش تیک ؛ اخیراً اعلام شده که کره شمالی شبکه ای از شرکت های ارائه دهنده خدمات را تشکیل داده که در خفا به فروش تکنولوژی های رمزگذاری و نرم افزاری برای اسکن اثر انگشت یا تشخیص چهره می پردازند.

کره شمالی شبکه شرکت های فناوری اطلاعات تشکیل داده به نظر می رسد فروش محصولات پیشرفته توسط این کشور در راستای هدف دستیابی به درآمدهای خارجی باشد تا به این ترتیب بر تحریم های اعمال شده بر این کشور غلبه شود. با این حال این موضوع برخی از نگرانی های امنیتی را برانگیخته است. سازمان غیر دولتی «مرکز جیمز مارتین» که به مبارزه با سلاح های کشتار جمعی می پردازد، در گزارشی به این موضوع پرداخته که چگونه شرکت های کره شمالی با استفاده از تسهیل کننده های خارجی به خوبی در زمینه مخفی کردن فعالیت هایشان ماهر شده اند و توانسته اند خود را به جای روس ها، چینی ها یا کشورهای جنوب آسیا جا زده و مشتری های از همه جا بی خبر را فریب دهند. به گفته «آندریا برگر» محقق، کمپانی های مرتبط با کره شمالی بسته های مرتبط با فناوری اطلاعات جامعی را برای شرکت ها ارائه می دهند و اپلیکیشن ها یا وب سایت ها را برای شرکت های کوچک اروپایی تا مدارس آمریکا توسعه می دهند.

کمپانی های کره شمالی خود را به جای شرکت های چینی، روسی و ... جا می زنند به عنوان نمونه به شرکت منحل شده مالزیایی «آدیت اینترنشنال» اشاره شده که خدمات خود را به 14 کشور از جمله انگلستان ارائه می کرده است. این کمپانی از شرکت های تابعه «Glocom» بوده که شرکتی دفاعی است. در سال 2017 سازمان ملل فاش کرده بود که Glocom توسط آژانس اطلاعاتی کره شمالی کنترل می شود.

در حالی که به نظر می رسد Glocom تجهیزات سفارشی را به سازمان های نظامی و شبه نظامی می فروشد، ولی کمپانی ادنت مجموعه ای از محصولات و خدمات مبتنی بر فناوری اطلاعات شامل وی پی ان، سرویس های رمزگذاری، اپلیکیشن ها، طراحی وبسایت و کلید های امنیتی USB را تبلیغ می کرده است.

این وبسایت که اکنون اطلاعات آرشیو شده آن به جا مانده ادعا کرده بود که فناوری های پایه ای از جمله روش های احراز هویت بیومتریک مبتنی بر اثر انگشت، اثر کف دست یا تشخیص چهره و راهکارهای مبتنی بر هوش مصنوعی را ارائه می دهد. همچنین چین، روسیه، فرانسه کانادا و آلمان در لیست دریافت کنندگان محصولات آن به چشم می خورند.

شرکت تابعه دیگر «WCW Resources» است که عمده سهام داران آن از شهروندان کره شمالی هستند. این کمپانی اکنون در حال فعالیت است و خدمات مشاوره کامپیوتری ارائه می دهد.

گزارش اخیر همچنین به «Aprkgang Technology Company» اشاره کرده که شرکتی مطرح در حوزه فناوری اطلاعات کره شمالی است و محصولاتش در زمینه فناوری اطلاعات در حوزه بیومتریک به کشورهایی از جمله روسیه، چین، جنوب شرق آسیا و آفریقا

کره شمالی تحت تحریم، از حوزه خدمات فناوری اطلاعات درآمد کسب می کند

گزارش مورد بحث در نهایت این گونه نتیجه گیری می کند که فعالیت های کره شمالی در زمینه فناوری اطلاعات یک تهدید امنیتی است که [به اشتباه] کم اهمیت در نظر گرفته شده. این موضوع پتانسیل کره شمالی در زمینه بهره برداری از آن برای فعالیت های سایبری را نشان می دهد. آن طور که برگرد گزارش خود اشاره کرده می توانید این گونه تصور کنید که در ترکیه در حال رانندگی هستید و پلاک خودروی شما توسط نرم افزاری توسعه داده شده توسط کره شمالی خوانده می شود، یا حتی شاید الگوریتم های کره شمالی می توانند با زنجیره تأمین تولید کنندگان بزرگ محصولات حسگر اثر انگشت در آسیا یکپارچه شوند.

با این حال روشی که حکومت این کشور در پیش گرفته می تواند درآمدهای غیر مستقیمی را در شرایط تحریم برایش حاصل کند.

یکی از خواص مذاکرات برجام کروی؛ سبک شدن فضای رسانه ای و انتشار اخبار فعالیت های کره شمالی است از جمله گزارش فوق هرچند که با نابوری بیشرفتهای کره شمالی در ایام تحریم را اعتراف می کند در عین حال انرا به عنوان کار خلاف جلوه داده و روش های دور زدن تحریمها؛ ضمن اینکه گزارش توسط سازمانی برای مبارزه با سلاح های کشتار جمعی منتشر شده است!!!! = نمونه ای از فضای قبل برجامی!!!



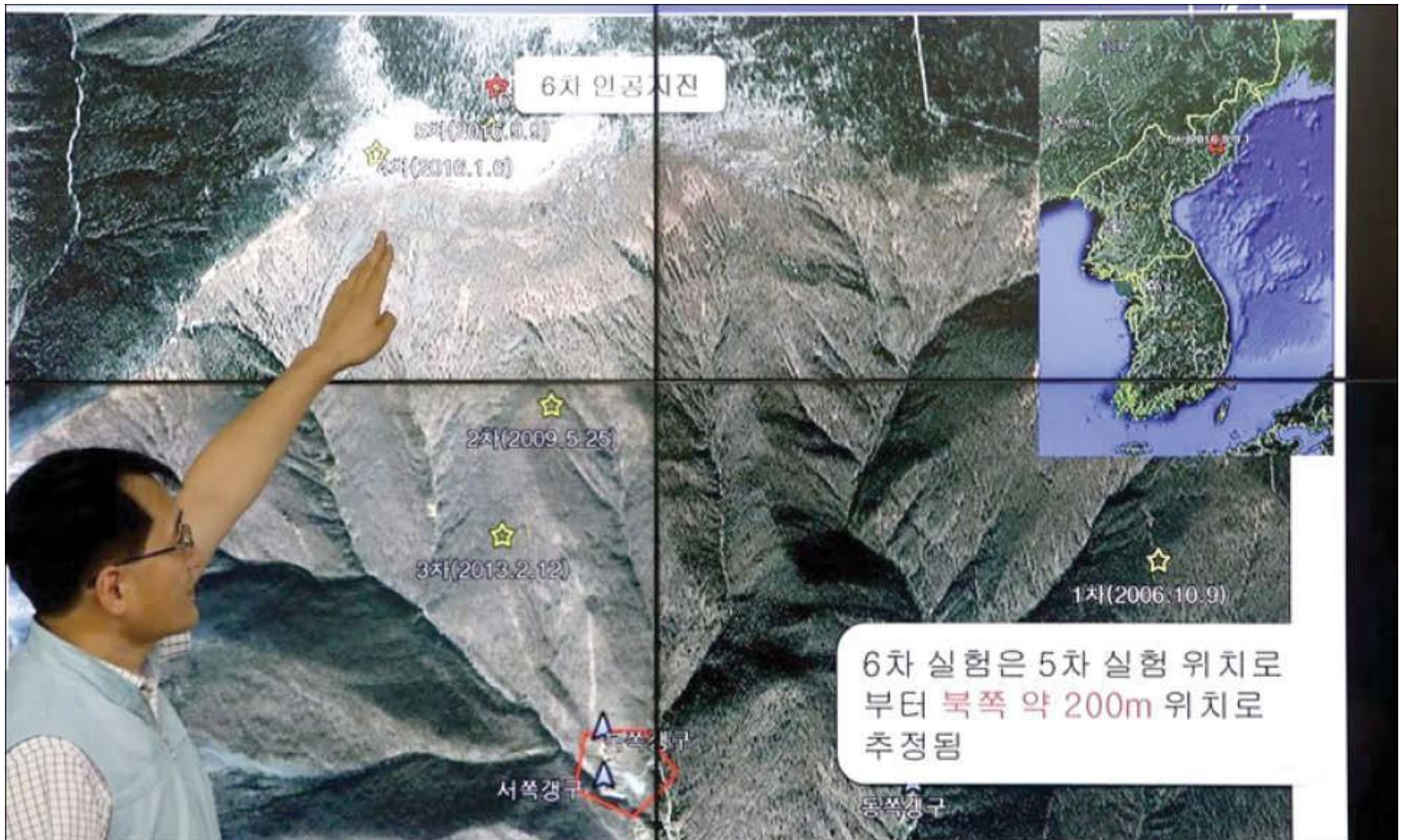
تحت تاثیر قرار گرفتن و سلام نظامی ترامب به افسر همراه رهبر کره شمالی

**این حرکت شتابزده ترامب سوزه رسانه ها کردیده و نشان می دهد
جقدر تا کنون امریکائیها از کره شمالی واهمه داشته و برای مذاکره
ترامب جقدر ذوق زده است، بعد از مذاکره هم ترامب اعلام کرد
امشب امریکائیها می توانند راحت بخوابند!!!!**

✿ گزارش «گاردین» و «هیل» از به روز رسانی راکتور هسته ای کره شمالی

دست «اون» دوباره روی دکمه هسته ای

نشنال اینترست: آمریکا با حفظ موجودیت کره شمالی هسته ای به دنبال مهار چین است



کامیار-با وجود این که ترامپ پس از دیدار با کیم جونگ اون در سنگاپور بارها از توافق با رهبر کره شمالی مبنی بر خلع تسلیحات هسته‌ای در این کشور خبر داده بود، تصاویر ماهواره‌ای اخیر نشان می‌دهد که این کشور در حال به‌روزرسانی تنها راکتور هسته‌ای خود که از آن برای تولید پلوتونیم و استفاده در سلاح هسته‌ای استفاده می‌کند، است. به نوشته نشریه کنگره آمریکا موسوم به "هیل" و روزنامه "گاردین" وب سایت «شمال 38» که بر فعالیت‌های هسته‌ای کره شمالی نظارت می‌کند با انتشار تصاویر ماهواره‌ای 21 ژوئن اعلام کرد: توسعه زیرساخت‌های سایت هسته‌ای یونگ بیون با سرعت زیادی در حال انجام است. به نظر می‌رسد سیستم خنک‌کننده راکتور تولیدکننده پلوتونیم به‌روزرسانی شده است و دو ساختمان جدید که غیرصنعتی هستند احتمالا برای بازدید مقامات در سایت یونگ بیون ساخته شده‌اند. همچنین یک ساختمان مهندسی تکمیل شده است. این در حالی است که اون در دیدار با دونالد ترامپ و مون جائه این، رئیس‌جمهور کره جنوبی متعهد به خلع تسلیحات کامل شبه جزیره کره شد و قبل از آن نیز تنها سایت آزمایش هسته‌ای خود را تعطیل کرده بود اما روزنامه مونهوا ایلبو کره جنوبی به تازگی گزارش داد که کره شمالی دارای نزدیک به ۳۰۰۰ سایت مرتبط با برنامه موشکی و هسته‌ای است که نشان می‌دهد انجام بازرسی‌ها و مذاکرات برای خلع تسلیحات هسته‌ای و پیونگ یانگ زمان قابل توجهی را نیاز دارد. به هر روی، ظاهرا بی اعتمادی آمریکا و کره شمالی به یکدیگر سبب شده است صاحب نظران و سیاستمداران آمریکایی به «کره شمالی برخوردار از سلاح هسته‌ای اما در چارچوب منافع آمریکا» بیندیشند. نشنال اینترست با بیان این که آمریکا برای مهار چین به کره شمالی مجهز

به سلاح هسته‌ای نیاز دارد، نوشت: "بسیاری امیدوار بودند نشست دوازدهم ژوئن دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و کیم جونگ اون رهبر کره شمالی در سنگاپور بتواند به خلع سلاح هسته‌ای و برقراری صلح در شبه جزیره کره بینجامد اما سابقه تاریخی چنین نشست‌ها و تحولاتی باعث می‌شود چنین امیدهایی بیش از حد خوشبینانه به نظر بیایند." نشنال اینترست به همین علت نیز این پرسش را مطرح می‌کند که "آیا ممکن است اجازه دادن به کره شمالی برای حفظ زرادخانه هسته‌ای خود بتواند هم به برقراری صلح در شبه جزیره کره کمک کند و هم این که منافع امنیتی بلندمدت آمریکا را در این منطقه تضمین کند؟" بر اساس این گزارش "دو دلیل عمده برای طرح چنین سؤالی وجود دارد. نخست، برخورداری از سلاح هسته‌ای بهترین راه برای آرام کردن کره شمالی و محدود کردن تجاوزطلبی‌های آن است. دوم، وجود یک کره شمالی امن و مستقل (بدون حضور نیروهای آمریکایی یا چینی) می‌تواند یک حایل در برابر تنش‌های قدرت‌های بزرگ ایجاد کند. هدف بلندمدت راهبرد آمریکا در آسیای شرقی باید مهار یک چین در حال ظهور باشد. آمریکا به منظور دست‌یابی به چنین هدفی باید نفوذ و تاثیرگذاری چین را در کشورهای که در همسایگی آن قرار دارند - صرف نظر از این که این کشورها متحد آمریکا هستند یا خیر - به حداقل برساند. برخورداری کره شمالی از یک زرادخانه محدود هسته‌ای بهترین شیوه برای اطمینان از محقق شدن چنین هدفی است. در نتیجه آمریکا باید روابط دیپلماتیک خود با کره شمالی را گسترش دهد و حتی برخی تحریم‌ها را علیه پیونگ یانگ با هدف تضمین ثبات بلندمدت آن بردارد. برخلاف تصور و خرد عمومی، وجود یک کره شمالی هسته‌ای و برقراری موازنه در شبه جزیره کره می‌تواند به بهترین خروجی برای این منطقه و همه جهان منتهی شود." شاید توافق کره شمالی و آمریکا پیش از نشست سنگاپور در این زمینه سبب شد رهبر کره شمالی این گونه از خلع سلاح شبه جزیره کره حمایت کند و با دیدار با ترامپ موافقت کند. نباید از یاد ببریم که توسعه فعالیت‌ها و آزمایش‌های هسته‌ای کره شمالی پیش از این یکی از مهم‌ترین چالش‌ها برای عزم ترامپ برای فروپاشی برجام بود و پس از همگرایی‌های اخیر بین واشنگتن و پیونگ یانگ - در پی تشدید فشار آمریکا - این گمانه تقویت شد که می‌توان با تقویت اهرم‌های فشار تهران را نیز وادار به عقب‌نشینی کرد. اما خبر «گاردین» و «هیل» نشان می‌دهد برخلاف ادعای ترامپ مناقشه هسته‌ای مربوط به کره شمالی همچنان به صورت جدی ادامه دارد. مطلب مهم‌تر این که آمریکایی‌ها می‌دانند که اگر چه امیدی برای مصالحه ایدئولوژیک بین واشنگتن و پیونگ یانگ و بهره‌برداری از «کره شمالی برخوردار از توانایی هسته‌ای» برای تامین منافع آمریکا در شرق آسیا وجود دارد ولی امکان چنین مصالحه‌ای با تهران به هیچ وجه وجود ندارد.

قدمت ایران در فنون هوافضا به دوران قاجار بر می گردد

تصویری از هوا کردن بالون در دوره قاجاریه

تصویری دیده نشده از هوا کردن بالون در اواسط دوره قاجاریه



زبان عربی دومین زبان مادری پر گویش‌ور در سوئد شد

بررسی‌های جدید نشان داد که زبان عربی با کنار زدن زبان فنلاندی، توانست عنوان دومین زبان مادری در کشور سوئد از نظر تعداد گویش‌وران را به خود اختصاص دهد و زبان فنلاندی را که صدها سال زبان دوم در سوئد بود، در جایگاه سوم قرار دهد.

وبگاه رادیو سوئد به نقل از میکایل پارکوال، استاد ادبیات و زبان‌شناس دانشگاه استکهلم گزارش کرد که زبان عربی به دومین زبان پرگویش‌ور در سوئد تبدیل شده است.

پارکوال سه سال پیش کوشید آماری از زبان‌هایی که در سوئد به آنها سخن گفته می‌شود، تهیه کند. او در این بررسی‌های خود روش‌ها و معیارهای آماری پیچیده‌ای را به کار برد.

بر این اساس بیش از 200 هزار نفر در سوئد وجود دارند که زبان عربی را زبان مادری خود می‌دانند و این عدد می‌تواند به 300 هزار نفر نیز برسد. لازم به ذکر است که بخش

اعظم ساکنان سوئد به زبان انگلیسی سخن می‌گویند، با این حال انگلیسی را نمی‌توان زبان همه آنها تلقی کرد.

میکایل پارکوال کوشید تعداد افرادی را که به زبانی غیر از زبان سوئدی سخن می‌گویند، مشخص کند. او اقوام دیگری، مانند کردها، سریانی‌ها و آشوری‌های را که به زبان عربی

مسلط هستند را نیز در نظر گرفت. به اعتقاد او این امری طبیعی است که افراد دوزبانه باشند و برای نمونه زبان مادری آنها عربی و کردی باشد.

در پایتخت سوئد 34 هزار دانش‌آموز وجود دارد که زبان مادری آنها سوئدی نیست. به همین دلیل زبانکده یا مرکز زبان Språkcentrum در استکهلم وجود دارد که زمینه آموزش

132 زبان را سوئد فراهم می‌آورد. این امکان براساس حق دانش‌آموزان برای #تحصیل به زبان مادری فراهم شده است. قانون آموزش سوئد این امر را در نظام

آموزشی این کشور لحاظ کرده است.

کتابخانه بین‌المللی استکهلم Internationella biblioteket نیز در حال حاضر مشغول ارائه خدمات به زبان‌های خارجی متعدد، علاوه بر زبان اقلیت‌های موجود در این کشور

است. تا کنون بیش از 200 هزار جلد کتاب به زبان‌های خارجی مختلف نیز در سرتاسر سوئد توزیع شده است.

اخبار اقتصاد مقاومتی

پیشروی بحران ارز به سوی دلار ۱۰ هزار تومانی

سخنگوی دولت می‌گوید بانک مرکزی آن قدر ارز ندارد که مردم همه ریال‌هایشان را بدهند و دلار و سکه بخرند. یک اقتصاددان می‌گوید قیمت دلار به بالای ۱۰ هزار تومان خواهد رسید و پس از تشدید تحریم‌ها شاهد نوسانات بیشتر خواهد بود.

محمد باقر نوبخت، سخنگوی دولت

سخنگوی دولت حسن روحانی گفته است که دولت قطعا این مقدار دلار ندارد که مردم همه ریال‌هایشان را به ارز و سکه تبدیل کنند.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، محمدباقر نوبخت گفته است با اینکه ایران درآمدهای ارزی به قدر کافی دارد، اما نمی‌تواند پاسخگوی "اشتیاق مردم" به خرید ارز باشد. او افزود که ایران حدود ۵۳ - ۵۲ میلیارد دلار از منابع فروش نفت و حدود ۴۵ میلیارد دلار از صادرات غیرنفتی درآمد دارد.

به گفته‌ی سخنگوی دولت: «ما از بخش صادرات نفتی و غیرنفتی در مجموع حدود ۹۵ میلیارد دلار درآمدها یا دریافت‌های ارزی داریم، در حالی که مصارف ما که عمدتاً در بخش واردات است از ۷۵ تا ۷۶ میلیارد دلار بیشتر نیست.

اشتیاق مردم به خرید ارز و سکه

نوبخت یادآور شد: واردات کالا هیچ وقت فراتر از ۴۷ تا ۵۰ میلیارد دلار نرفته است، اگر حدود ۲۰ میلیارد دلار واردات خدمات را هم اضافه کنیم، واردات ما از ۷۵ تا ۷۶ میلیارد دلار بیشتر نیست.

سخنگوی دولت درباره کمبود ارز در بازار گفت با اینکه منابع ارزی ایران از مصارف بیشتر است، "اما مشکلی که وجود دارد و در ۵ تا ۶ هفته گذشته شدت گرفت، یک اشتیاق و گرایش برای تبدیل موجودی ریال به ارز بوده است".

با توجه به اینکه بسیاری به دلیل وضعیت شکننده اقتصادی و پیامدهای ناشی از تحریم‌های آمریکا تلاش می‌کنند سرمایه‌های خود را به ارز تبدیل کرده و از کشور خارج کنند، نوبخت اذعان کرد: «ما برای خدمات و کالاها ارز داریم، اما اینکه بتوانیم نوعی سرمایه خارج از کشور را تأمین کنیم ارز نداریم، و باید واقعیت را به مردم بگوییم این مقدار در توانایی ما نیست».

چهار عامل نوسانات ارزی

بر اساس پیش‌بینی یک اقتصاددان، قیمت دلار به احتمال بسیار به بالای ۱۰ هزار تومان خواهد رسید. او می‌گوید در صورت تشدید تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی، قیمت ارز دچار نوسانات بیشتری نیز خواهد شد.

قاسم نوروزی، اقتصاددان و استاد دانشگاه قائمشهر معتقد است که چهار عامل دولت، رفتار بازار، رفتار روانی مردم و تراز تجاری کشور از علل این نوسانات ارزی است.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، نوروزی با اشاره به اینکه دولت‌ها برای کاهش کسری بودجه دست به افزایش قیمت دلار زده تا با فروش ذخایر ارزی خود در بازار بتوانند بخشی از کمبود بودجه را جبران کنند.

او افزود: رفتار بازار به شکل سوداگری، بورس بازی و سفته بازی دلیل دوم افزایش قیمت ارز است.

عامل سوم اینکه: وقتی بازاری پر رونق شود بازاریان، تجار و مردم نقدینگی خود را به آن سمت برده و در آن بازار تزریق می‌کنند و زمانی که نقدینگی به آن بازار وارد شود قیمت آن کالا بالا رفته و این عامل سبب کمبود دلار می‌شود که نهایتاً باعث برهم زدن تناسب عرضه و تقاضا و بالارفتن قیمت دلار خواهد شد.

این اقتصاددان رفتار روانی مردم متأثر از تورم و افزایش قیمت‌ها را به عنوان سومین عامل و تاثیرگذارترین آن نام برده می‌گوید: «مردم و سرمایه‌گذاران با پیش‌بینی این‌که اگر کالایی را که دچار افزایش قیمت شده، نخرند قیمت آن بالاتر می‌رود به آن هجوم برده و برای کسب سود بیشتر یا جلوگیری از ضرر حاصله باعث افزایش قیمت آن کالا می‌شوند؛ نمونه بارز آن در مورد خودرو و بازار روانی و هجوم مردم برای خرید آن به عینه وجود دارد.»

نوروزی درباره عامل چهارم افزایش قیمت ارز را تراز تجاری کشور می‌داند و می‌گوید: «تراز تجاری یعنی هزینه‌های وارداتی و درآمدهای صادراتی که هرچه هزینه بیشتر از درآمد باشد منجر به کاهش ذخایر ارزی کشور شده و در نتیجه قدرت کنترل بازار ارز از دست خواهد رفت که این موضوع منتج به بی ارزش شدن پول ملی می‌شود.»

بسیاری از کارشناسان فراتر از عوامل فوق، بحران در مناسبات بین‌المللی ایران را یک عامل عمده در تنش‌ها در بازار اقتصادی ایران، از جمله بازار ارز می‌دانند.

به‌ویژه خروج آمریکا از برجام و اثرات روانی تحریم‌هایی که در راه هستند، بخش‌های بزرگی از جامعه ایران را نسبت به چشم‌اندازهای اقتصادی نگران کرده و نقدینگی آنها را به سوی بازار ارز و سکه سوق داده است. خروج فزاینده‌ی سرمایه از کشور نیز از دیگر پیامدهای این نگرانی است.

ترفندهای جدید در معاملات قاچاقی

معاملات قاچاقی ارز بسیار بالاتر از قیمت ارز رسمی است. تعداد زیادی از دلال‌ها این روزها از طریق معاملات تلفنی، دلار و یورو را با قیمت فضایی و به صورت قاچاقی خرید و فروش می‌کنند. به گزارش تسنیم، تعداد زیادی از این دلال‌ها دلار را از مردم با قیمتی کمتر می‌خرند و همان لحظه با قیمت بالاتر و به‌صورت تلفنی می‌فروشند؛ ارز را هم البته با پیک موتوری به دست خریدار می‌رسانند. تسنیم می‌افزاید، این تمام کارهای دلال‌های خیابان فردوسی نیست؛ دلال‌ها می‌گویند این روزها کاسبی‌شان فقط از طریق تبدیل کردن ارز مسافران خارجی به ریال می‌چرخد.

یکی از آنها که در نزدیکی ساختمان بانک مرکزی در خیابان فردوسی ایستاده گفته است: "مسافران خارجی برای بازدید موزه ملی حاضرند یورو را با قیمت ۹۵۰۰ تومان تبدیل کنند."

اعتراض به گرانی در تهران و چند شهر دیگر

منتشر شده در: ۴ تیر، ۱۳۹۷.

در پی تجمع و اعتراض گروهی از بازاریان تهران به افزایش بهای ارزهای خارجی، قیمت کالا و کمبود مشتری، ماموران امنیتی با معترضان درگیر شدند.

براساس گزارش‌های رسیده از بازار تهران، به سوی معترضان گاز اشک آور پرتاب شده و تعدادی از معترضان نیز مورد ضرب و جرح قرار گرفته‌اند.

یکی از شاهدان عینی که در حال فیلم برداری بوده به بی‌بی‌سی گفت: "به همراه خواهرم مشغول فیلم گرفتن بودیم که به من حمله کردند و خواستند گوشی من را بگیرند و اجازه ندادم و به همین دلیل با باطوم مرا زدند." این اعتراضات از دیروز آغاز و موجب شده گروهی از بازاریان تهران مغازه‌های خود را ببندند و دست از کار بکشند.

براساس گزارش‌های رسیده به غیر از تهران در شهریار، کرج، قشم، بندرعباس و مشهد نیز معترضان به گرانی به خیابان آمده و مغازمداران اعتصاب کرده‌اند.

در ویدئوهایی که بی‌بی‌سی دریافت کرده، کسبه بازار با تجمع و راهپیمایی همکاران خود را به بستن مغازه‌هایشان تشویق می‌کنند. در این ویدئوها شنیده می‌شود که جمعی از بازاریان با سردادن شعار به گرانی‌های اخیر اعتراض دارند.

به گزارش خبرگزاری فارس ابتدا پارچه‌فروشان و بازاریان راسته بازار بزرگ و چارسوق و سرای قیصریه اقدام به بستن مغازه‌های خود کردند و پس از آن سایر بازاریان نیز با بستن مغازه‌ها دست از کار کشیدند.

بنا بر گزارش‌ها، پلیس در بازار تهران حاضر شده و با بازاریان درگیر شده است.

احمد کریمی اصفهانی، دبیرکل جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف و بازار به خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا گفته است که کسبه خواهان حفظ امنیت فضای بازار و بازگشت آرامش و ثبات اقتصادی هستند.

او گفت: “شرایط فعلی بازار را پیش‌بینی کرده بودیم و بارها تذکرات لازم را به مسئولین دادیم و گفتیم نمی‌شود با سیاست فعلی وضعیت بازار را کنترل کرد.”

در همین حال علی فاضلی، رئیس اتاق اصناف ایران به خبرگزاری تسنیم گفته است که در حال حاضر بازار بزرگ تهران “در حال فعالیت است و روال معمول خود را طی می‌کند”.

او گفت: “جمع محدودی که روز گذشته هم در بین معترضان بازار موبایل علاءالدین بودند و با سرو صدا کردن به دنبال تعطیل کردن مغازه‌ها بودند امروز به صورت سازمان یافته وارد بازار بزرگ تهران شده‌اند و به دنبال تکرار رویداد روز گذشته بودند که خود بازاریان در حال مقابله با آنها هستند.”

اشاره آقای فاضلی به اعتراض مغازه‌داران پاساژ علاءالدین و چارسو در خیابان حافظ تهران به افزایش نرخ ارز در بازار غیررسمی ایران است.

روز گذشته تعدادی از مغازه‌داران بازار موبایل چارسو و پاساژ علاءالدین در تهران در اعتراض به افزایش نرخ دلار مغازه‌های خود را تعطیل کردند.

در پی افزایش قیمت ارز، موبایل و وسایل جانبی آن به شدت بالا رفته است. این در حالی است که محمد جواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری گفته است که به تعدادی از شرکت‌ها برای واردات موبایل دلار ۴۲۰۰ تومانی تخصیص داده شده بود.

دلار بالا رفت، مسکن کساد شد

منتشر شده در: ۳ تیر، ۱۳۹۷.

خبر التهاب مجدد دلار در اولین روز هفته در حالی به گوش رسید که سیگنال‌هایی از قرار گرفتن بازار مسکن در مسیر رکود دریافت شد.

به گزارش ایسنا، هیجانات بازار ارز هنوز فروکش نکرده است. بعد از آن‌که نرخ دلار قاچاق در هفته‌ی گذشته در محدوده ۷۴۰۰ تومان بود، امروز طبق گزارشات میدانی، ابتدا مرز ۸۰۰۰ تومان را شکست و سپس به ۷۸۰۰ تومان برگشت. اما اولین نشانه‌ها از بازار مسکن که در سومین ماه از سال ۱۳۹۷ حاکی از افت ۶۶ درصد معاملات دارد؛ چرا که توان مردم به قیمت‌های فعلی مسکن نمی‌رسد و عمده خرید و فروش‌ها در اردیبهشت ماه از سوی سرمایه‌گذارانی بوده که حالا مجدداً به سمت بازار ارز رفته‌اند.

چشم بازار ارز روشن!

امروز دلار مرز ۸۰۰۰ تومان را شکست و برگشت. از هفته گذشته نوسان قیمت ارز در هر دو بازار رسمی و غیررسمی چشمگیر بود؛ به طوری که قیمت‌های اعلام شده از سوی بانک مرکزی به عنوان نرخ مرجع خرید و فروش، رشد داشت و دلاری که حدود دو ماه پیش ۴۲۰۰ تومان قیمت‌گذاری و قرار نبود به این زودی‌ها تغییر کند، تا ۴۲۵۰ تومان برای امروز (شنبه) پیش رفته است. نرخ مرجع دلار در حدود دو ماه گذشته ۵۰ تومان افزایش داشته و این ارز برای فروش در بانک‌ها و برای متقاضیان تا بیش از ۴۲۷۰ تومان محاسبه می‌شود. به دنبال رشد قیمت‌ها در بازار رسمی، بازار غیررسمی هم ساکت نمانده و نوسان تندتری داشته است؛ به طوری که دلار در هفته گذشته از حدود ۷۲۰۰ تومان به ۷۴۰۰ تومان رسید و امروز در آخرین قیمت‌گذاری‌ها فروشندگان که عمدتاً صرافان و دلالان هستند، آن را تا ۸۰۰۰ تومان قیمت‌گذاری کردند. صرافان دلیل نوسان اخیر بازار را عدم عرضه ارز طی روزهای اخیر از سوی بانک مرکزی عنوان کرده و می‌گویند هر چند که در بخشنامه جدید ارزی، توزیع ارز از سوی بانک مرکزی در بازار ممنوع شده بود ولی این بانک برای کنترل بازار به طرق مختلف دست به عرضه می‌زد اما طی یک هفته گذشته این اتفاق نیفتاده که عامل تحریک بازار شده است.

سکه آتی بیش از ۳ میلیون تومان

با افزایش قیمت سکه در بازار نقد بازار آتی سکه نیز با افزایش قیمت مواجه شده به طوری که هر سکه آتی تحویل دی ماه به قیمت بیش از سه میلیون تومان رسیده است. همچنین در حال حاضر قیمت تسویه روزانه قرارداد آتی سکه تحویل آبان ماه ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان را پشت سر گذاشته است و

قیمت سکه تحویل شهریور ماه کمی بیش از ۳ میلیون تومان است. لازم به ذکر است در هفته‌های گذشته با افزایش نوسانات صعودی در بازار طلا قیمت سکه به طور کم سابقه‌ای رشد کرد و در حال حاضر قیمت سکه تمام بهار آزادی طرح جدید در بازار نقد حدود ۲ میلیون و ۶۵۰ هزار تومان است. عده‌ای معتقدند یکی از عوامل گرانی طلا نوسانات نرخ ارز است، چرا که قیمت طلا و سکه وابستگی نزدیکی به قیمت دلار دارد. از طرفی در این روزها قیمت دلار در بازار غیر رسمی با افزایش رو به رو شده و این موضوع در افزایش قیمت سکه در بازارهای مختلف از جمله بازار آتی بورس کالا تاثیر داشته است.

افت معاملات مسکن در خردادماه

هرچه قیمت دلار و سکه بالا می‌رود به همان نسبت بازارهای رقیب، حداقل در کوتاه مدت دچار افت می‌شوند. گزارش ایسنا از جدیدترین وضعیت بازار مسکن نشان می‌دهد این بازار تحت تاثیر یک انحراف از مسیر متداول با سقوط معاملاتی مواجه شد. پس از آن‌که حوزه‌ی معاملات مسکن شهر تهران در اردیبهشت ماه و یک ماه زودتر از سال‌های قبل وارد فاز رونق خرید و فروش شد که با رشد بازارهای موازی و متعاقبا جهش ۳۵ درصدی قیمت مسکن همراه بود، در خردادماه شاهد افت شدید معاملات بودیم. بر اساس اطلاعات سامانه‌های معاملاتی در خردادماه ۱۳۹۷ بالغ بر ۹۶۹۷ خرید و فروش مسکن در شهر تهران انجام شده که نسبت به اردیبهشت ماه ۶۶ درصد کاهش نشان می‌دهد. بعضی دفاتر املاک عنوان می‌کنند در دو هفته‌ی اخیر تعداد قراردادهای خرید و فروش کاهش محسوسی داشته است.

سوداگران سکه، ارز و مسکن در تور مالیات؟

تشکیل کارگروهی برای برخورد با دلالتان ارز، سکه، خودرو و مسکن یکی از اخباری بود که امروز رئیس سازمان امور مالیاتی اعلام کرد. طبق گفته‌ی سید کامل تقوی نژاد، پیر و صحبت‌های رئیس جمهوری و دستور ویژه وزیر امور اقتصادی و دارایی مبنی بر برخورد قاطع مالیاتی با سوداگران اقتصادی، کارگروه تخصصی با هدف رصد مالیاتی بازار ارز، سکه، خودرو و مسکن در سازمان امور مالیاتی کشور تشکیل شده است.

واردات بیش از ۱۴۰۰ قلم کالا ممنوع شد+اسامی

براساس ابلاغیه وزیر صنعت، معدن و تجارت به سازمان توسعه تجارت، ثبت سفارش و واردات ۱۳۳۹ ردیف تعرفه‌ای کالا که شامل بیش از ۱۴۰۰ قلم کالا است ممنوع شد. خودرو نیز جزو کالاهای ممنوعه واردات قرار دارد. در این شرایط ثبت سفارش و واردات کالاهای قرار گرفته در گروه چهارم کالایی که شامل ۱۳۳۹ ردیف تعرفه گمرکی کالا است ممنوع اعلام شده و متوقف خواهد شد و همچنین ثبت سفارش‌های پیشین انجام شده برای واردات این کالاها نیز ابطال می‌شود مگر برای آن دسته از کالاهای ثبت سفارش شده‌ای که ارز آن‌ها از طریق شبکه بانکی تامین شده یا واردات آنها در شرایط بدون انتقال ارز باشد.

موج گرانی گوشت قرمز فروکش کرد+قیمت‌ها

از بازار مواد غذایی هم خبر می‌رسد قیمت انواع گوشت قرمز که در هفته‌های اخیر با افزایش قیمت محسوسی روبرو شده بود به طور نسبی با کاهش قیمت همراه شده اما هنوز قیمت‌های پیش از موج گرانی بازنگشته است. البته مدیرکل دفتر تامین، توزیع، تنظیم بازار و ذخایر راهبردی وزارت جهاد کشاورزی در این باره گفت که ممنوعیت صادرات دام زنده که از سوی وزارت صنعت معدن و تجارت اعلام شده، سبب شد قیمت دام زنده از حدود ۲۴ هزار تومان به حدود ۲۲ هزار تومان کاهش یابد که البته عوامل دیگری نیز در کاهش قیمت دام زنده دخیل بوده است. گزارش ایسنا از وضعیت گوشت قرمز و جدول قیمت‌ها را در این لینک بخوانید.

زنگنه: راه‌های زیادی برای دور زدن تحریم‌ها داریم

زمانی که ترامپ ماه میلادی گذشته تصمیم گرفت تحریم‌ها علیه ایران را بازگرداند دولت وی به خریداران ۱۸۰ روز برای محدود کردن خریدشان فرصت داد. درخواست برای توقف واردات ژاپن موضع شدیدتر از سال ۲۰۱۲ در قبال ایران را نشان می‌دهد. در آن زمان کشورها اجازه یافتند در قبال دریافت معافیت از محدودیت‌های مالی آمریکا، به خرید نفت از ایران در سطح پایین‌تری ادامه دهند. وزیر نفت ایران در این خصوص به بلومبرگ گفته است: اکثر مشتریان همچنان نفت ایران را خریداری می‌کنند و راه‌های بسیاری برای ایران به منظور حفظ تولید خود وجود دارد. من نمی‌توانم به راه‌های دیگر اشاره کنم. اگر دولت آمریکا بداند ما چه کاری انجام خواهیم داد مانع ما خواهد شد. به گفته‌ی بیژن زنگنه، صادرات نفت ایران ماه جاری به حدود ۲.۵ میلیون بشکه در روز رسید.

تورم خردادماه ۸.۲ درصد

امروز، مرکز آمار نرخ تورم خرداد ماه ۱۳۹۷ را اعلام کرد. بر اساس این گزارش، شاخص قیمت کل برای خانوارهای شهری در خرداد ماه ۱۳۹۷ به عدد ۱۱۶.۱ رسیده است که نسبت به ماه قبل ۱.۷ درصد افزایش را نشان می‌دهد. نرخ تورم دوازده ماهه منتهی به ماه جاری برای این دسته از خانوارها هم ۸.۲ درصد اعلام شده است.



اعتراض به گرانی در تهران و چند شهر دیگر

منتشر شده در: ۴ تیر، ۱۳۹۷

در پی تجمع و اعتراض گروهی از بازاریان تهران به افزایش بهای ارزهای خارجی، قیمت کالا و کمبود مشتری، ماموران امنیتی با معترضان درگیر شدند.

براساس گزارش‌های رسیده از بازار تهران، به سوی معترضان گاز اشک آور پرتاب شده و تعدادی از معترضان نیز مورد ضرب و جرح قرار گرفته‌اند.

یکی از شاهدان عینی که در حال فیلم برداری بوده به بی‌بی‌سی گفت: “به همراه خواهرم مشغول فیلم گرفتن بودم که به من حمله کردند و خواستند گوشی من را بگیرند و اجازه ندادم و به همین دلیل با باطوم مرا زدند.” این اعتراضات از دیروز آغاز و موجب شده گروهی از بازاریان تهران مغازه‌های خود را ببندند و دست از کار بکشند.

براساس گزارش‌های رسیده به غیر از تهران در شهریار، کرج، قشم، بندرعباس و مشهد نیز معترضان به گرانی به خیابان آمده و مغازمداران اعتصاب کرده‌اند.

در ویدئوهایی که بی‌بی‌سی دریافت کرده، کسبه بازار با تجمع و راهپیمایی همکاران خود را به بستن مغازه‌هایشان تشویق می‌کنند. در این ویدئوها شنیده می‌شود که جمعی از بازاریان با سردادن شعار به گرانی‌های اخیر اعتراض دارند.

به گزارش خبرگزاری فارس ابتدا پارچه‌فروشان و بازاریان راسته بازار بزرگ و چارسوق و سرای قیصریه اقدام به بستن مغازه‌های خود کردند و پس از آن سایر بازاریان نیز با بستن مغازه‌ها دست از کار کشیدند. بنا بر گزارش‌ها، پلیس در بازار تهران حاضر شده و با بازاریان درگیر شده است. احمد کریمی اصفهانی، دبیرکل جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف و بازار به خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا گفته است که کسبه خواهان حفظ امنیت فضای بازار و بازگشت آرامش و ثبات اقتصادی هستند. او گفت: “شرایط فعلی بازار را پیش‌بینی کرده بودیم و بارها تذکرات لازم را به مسئولین دادیم و گفتیم نمی‌شود با سیاست فعلی وضعیت بازار را کنترل کرد.”

در همین حال علی فاضلی، رئیس اتاق اصناف ایران به خبرگزاری تسنیم گفته است که در حال حاضر بازار بزرگ تهران “در حال فعالیت است و روال معمول خود را طی می‌کند.”

او گفت: “جمع محدودی که روز گذشته هم در بین معترضان بازار موبایل علاءالدین بودند و با سرو صدا کردن به دنبال تعطیل کردن مغازه‌ها بودند امروز به صورت سازمان یافته وارد بازار بزرگ تهران شده‌اند و به دنبال تکرار رویداد روز گذشته بودند که خود بازاریان در حال مقابله با آنها هستند.” اشاره آقای فاضلی به اعتراض مغازمداران پاساژ علاءالدین و چارسو در خیابان حافظ تهران به افزایش نرخ ارز در بازار غیررسمی ایران است.

روز گذشته تعدادی از مغازمداران بازار موبایل چارسو و پاساژ علاءالدین در تهران در اعتراض به افزایش نرخ دلار مغازه‌های خود را تعطیل کردند.

در پی افزایش قیمت ارز، موبایل و وسایل جانبی آن به شدت بالا رفته است. این در حالی است که محمد جواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری گفته است که به تعدادی از شرکت‌ها برای واردات موبایل دلار ۴۲۰۰ تومانی تخصیص داده شده بود.

واکنش نماینده مجلس به حوادث دیروز: عده‌ای با چوب و چماق به جان بازاری‌های تهران افتادند

منتشر شده در: ۵ تیر، ۱۳۹۷.

نادر قاضی‌پور نماینده ارومیه در مجلس در تذکری شفاهی با اشاره به اعتراضات دیروز بازاریان تهران گفت: دیروز عده‌ای با چوب و چماق به جان بعضی از بازاری‌های تهران افتادند و آن‌ها را کتک زدند. امروز باید نیروی انتظامی و وزیر اطلاعات به مجلس می‌آمدند و در این‌باره به مجلس توضیح می‌دادند که این افراد از کجا خط گرفته‌اند. به گزارش اعتمادآنلاین، علی مطهری هم که ریاست مجلس را بر عهده داشت خطاب به قاضی‌پور گفت: حرفتان حرف درستی است. در همان ابتدا باید این موضوع در نطفه خفه می‌شد. به نظر می‌آید وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی باید بیایند و به مجلس گزارش بدهند.

رئیس اتحادیه طلا:

با محدودیت خروج ارز، سرمایه مردم به سمت طلای خام هجوم آورده/ اگر دولت کاری نکند رکود بازار و افزایش قیمت، مردم را با مشکل جدی مواجه خواهد کرد

ابراهیم محمدولی گفت: ۹۸ درصد مردمی که طلا خریده‌اند نه زرگر بوده و نه برای مصرف شخصی و زینتی بوده است. حباب سکه در حال حاضر 400 هزار تومان است، اما طلا به دلیل این‌که به اونس جهانی نزدیک می‌شود، حدوداً در قیمت واقعی خود قرار دارد.



پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران با اشاره به دلایل گرانی طلا در این روزها اظهار کرد: با توجه به این که خروج منابع ارزی و ریالی از کشور با محدودیت مواجه شده، مردم سرمایه های خود را به سمت طلای آب شده و خام آورده اند. ابراهیم محمودلی در گفت و گو با اقتصادآنلاین با بیان این که طلا در حال حاضر به قیمت اونس جهانی نزدیک شده است، تصریح کرد: 98 درصد مردمی که طلا خریده اند نه زرگر بوده و نه برای مصرف شخصی و زینتی بوده است. او همچنین درباره علت گرانی سکه توضیح داد: نسبت تقاضا به عرضه به شدت افزایش یافته و اگر دولت راهکاری در نظر نگیرد رکود بازار و افزایش قیمت، مردم را با مشکل جدی مواجه خواهد کرد. محمد ولی با اشاره به وعده دولت مبنی بر انتشار اوراق سکه در بازار بورس، خاطرنشان کرد: با توجه به کارایی نامناسب سیاست های پیشین دولت، امیدواریم این تصمیم بتواند تا حدودی بازار را کنترل کند. رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران درباره میزان حباب موجود در سکه بیان کرد: حباب سکه در حال حاضر 400 هزار تومان است، اما طلا به دلیل این که به اونس جهانی نزدیک می شود، حدودا در قیمت واقعی خود قرار دارد. وی در خصوص چشم انداز این بازار بیان کرد: با توجه به روند صعودی که طلا و سکه ابتدای هفته در پیش گرفته است، حداقل تا پایان هفته نمی توان انتظار کاهش قیمت آن را داشت.

آبرسانی به خرمشهر و آبادان با تانکر و توزیع آب بسته بندی

منتشر شده در: ۳ تیر، ۱۳۹۷

سرپرست معاونت بهره برداری آبفای خوزستان گفت: در حال حاضر آب بسته بندی و به صورت بطری و همچنین تانکرها در دسترس مردم قرار می گیرد و سعی می کنیم تعداد تانکرهای آبرسان را افزایش دهیم تا مردم کمترین مسیر را برای برداشت آب طی کنند. مهرداد قنواتی در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی ایلنا، درباره شوری آب خرمشهر و آبادان اظهار داشت: آب شرب مصرفی آبادان و خرمشهر از رود کارون، بهمن شیر و اروند بوسیله سه تصفیه خانه در آبادان و یک تصفیه خانه در خرمشهر تامین می شود اما تصفیه خانه ها فقط اجسام جامد مثل گل و لای، کدورت آب، میکروارگانیسم ها را خارج کرده و تصفیه فیزیکی آب را انجام می دهند بنابراین شوری آب خروجی، تابعی از منابع آب رودها است.

وی افزود: امسال به دلیل خشکسالی و کم شدن حجم ذخیره، دبی دز و کارون کاهش یافته که باعث شده غلظت املاح و شوری آب رودها بیشتر شود ضمن اینکه بالا آمدن آب دریا به سمت رودخانه‌ها باعث شوری آب خام برداشتی آبادان و خرمشهر شده است.

سرپرست معاونت بهره برداری آبفای خوزستان یادآور شد: تصفیه خانه‌ها تجزیه فیزیکی را انجام می‌دهد و قابلیت حذف املاح را ندارند.

وی تصریح کرد: با توجه به شرایط مشابه سال‌های گذشته دولت‌های مختلف پروژه‌های بزرگی برای رفع این معضل انجام داده‌اند که از جمله آنها انتقال آب از مناطق بالادست و آب حیات و آب غدیر است که باعث شده شوری آب به ۲۰ هزار میکروموس برسد. این تاسیسات باعث شده مشکل تاحدی کنترل شود و اقدام دیگر نیز استقرار یک آب شیرین کن در آبادان و ۲ آب شیرین کن در خرمشهر است که بخشی از مشکل را برطرف کرده است.

قنواتی با بیان اینکه در این مقطع به دلیل خشکسالی‌ها مشکل بیشتر شده و مردم به زحمت افتاده‌اند زیرا حجم دبی کارون به پایین‌ترین حد رسیده است، گفت: شهر آبادان ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارد که نیاز آبی این شهر ۱۵۰ هزار متر مکعب است که بر اساس مصرف سالانه آب شرب توزیع می‌شود و خرمشهر با ۱۸۰ هزار نفر جمعیت ۹۵ هزار متر مکعب نیاز آبی دارد.

وی ادامه داد: ما با همکاری استاندار، مسئولین وزارت نیرو و نمایندگان اقداماتی را برای حل موضوع در کوتاه مدت در نظر گرفته‌ایم که بخشی از نیاز مردم و پخت و پز از تاسیسات آب حیات و آب شیرین کن‌ها و همچنین استقرار تانکرهای آبرسانی حل شود.

این مقام مسئول بیان کرد: در سطح استان برنامه‌های خوبی انجام شده که مهمترین آن این است که ظرف دو روز گذشته رهاسازی آب از گتوند انجام شده، افزایش ظرفیت تاسیسات غدیر که آب با کیفیت را می‌رساند، اکنون فاز اول آن به بهره برداری رسیده و پیگیر هستیم که تا اواسط تیر ماه فاز دوم وارد مدار شود و آب با ظرفیت و کیفیت بالا به شهرها برسد و مشکل کاهش یابد.



وی ادامه داد: یک بند خاکی در رود کارون و مارد در حال احداث است و قرار است اواسط تیر ماه به مدار بیاید و در این صورت آب خام تصفیه و مشکل مرتفع می‌شود. قنواتی تاکید کرد: در حال حاضر آب بسته بندی و به صورت بطری و همچنین تانکرها در دسترس مردم قرار می‌گیرد و سعی می‌کنیم تعداد تانکرهای آبرسان را افزایش دهیم تا مردم کمترین مسیر را برای برداشت آب طی کنند.

رئیس اتاق بازرگانی آبادان: مهاجرت از آبادان آغاز شده

منتشر شده در: ۴ تیر، ۱۳۹۷

رئیس اتاق بازرگانی آبادان گفت: اکنون بحث مهاجرت حتی در بین مردم بومی و عادی در شهر مطرح شده به طوری که این اتفاق در بین افراد غیر بومی که دارای شغل آزاد بودند اکنون اتفاق افتاده و ما شاهد موج مهاجرت به استان‌های همجوار همچون بوشهر و بندرعباس هستیم. رئیس اتاق بازرگانی آبادان در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایلنا در خصوص تاثیر شور شدن آب در این شهر بر فعالیت‌های اقتصادی گفت: آب مایه حیات است و به طور حتم بر تمام فعالیت‌های انسان اعم از اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی تاثیر گذار است. مسعود خیاط زاده ادامه داد: مهمترین بخشی که در اقتصاد تا بدین لحظه تحت تاثیر قرار گرفته بخش کشاورزی است که کلیه فعالیت‌های این بخش اکنون تعطیل شده است این در حالی است که تا پیش از این اتفاقات، گندم اصلی‌ترین فعالیت کشاورزان این شهرستان بود. وی ادامه داد: این اتفاق مختص به یکی دو هفته اخیر نبوده و از سال‌های قبل مردم شهر این مشکل را داشته‌اند و از همان سال‌ها این مشکل همچنان باقی است اما در یک ماه اخیر وضعیت به حدی شده که مستقیماً بر روی فعالیت‌های تجاری تاثیر گذاشته است. بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در این شهرستان از خارج و استان‌های همجوار است که این مشکلات به سبب روانی باعث شده این افراد به فکر توقف فعالیت‌های خود باشند. حتی کارمندان مراکز دولتی درخواست انتقال داده‌اند. عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران ادامه داد: اکنون بحث مهاجرت حتی در بین مردم بومی و عادی در شهر مطرح شده به طوری که این اتفاق در بین افراد غیر بومی که دارای شغل آزاد بودند اکنون اتفاق افتاده و ما شاهد موج مهاجرت به استان‌های همجوار همچون بوشهر و بندرعباس هستیم. وی گفت: در بخش صنعت و تجارت تقریباً بحث‌های توسعه‌ای متوقف شده است زیرا کارخانه‌هایی که مشغول به کار بودند به سبب شور بودن آب دیگر نمی‌توانند فعالیت کنند و تصفیه آب به دلیل بالا بودن میزان شوری که به اندازه دریا است متوقف شده است. وی در خصوص انتقال آب و اجرایی شدن آن از ۱۵ تیر ماه گفت: این حرف را از سال ۹۰ می‌زنند اما تا به امروز اجرایی نشده است برای همین مردم آمیدی به حرف‌های مسئولین ندارند در این ۱۵ روز مقامات مختلف سعی در آرامش و عادی کردن وضعیت داشتند اما نتوانستند. خیاط‌زاده در خصوص وضعیت پتروشیمی آبادان گفت: برخی از بخش‌های این پتروشیمی که برای خنک‌کنندگی نیاز به آب شیرین داشت مجبور به تعطیلی شدند زیرا توربین‌های این واحد بدون آب شیرین نمی‌توانند فعالیت کنند.



تجمع بازاریان تهران در خیابان 15 خرداد

شفقتا- بازار تهران چند روزی است نیمه تعطیل و تقریباً ملتهب است. برخی از کسبه در پی بالا رفتن قیمت ارز و طلا و در اعتراض به ترخیص نشدن کالاهایشان دست به اعتصاب و اعتراض زده اند. در پی این موضوع در برخی نقاط تهران نیز تجمع های پراکنده ای شکل گرفته است که به نظر چندان شفاف و روشن نیست که این اعتراضات چرا در قالب های قانونی پی گیری نمی شود. چرا از طریق سندیکاها و روسای اصناف به گوش مسولان نمی رسد. حتی بعضی از معترضان کسبه، دیگر مغازه داران را نیز تهدید و ترغیب به حضور در اعتصابات می کنند و اجازه فعالیت افرادی هم که خواهان پی گیری مسالمت آمیز و به دور از جنجال هستند را نمی دهند.

به گزارش شفقتا، در این میان طرح هایی همچون عدم کفایت رییس جمهوری، برگزاری انتخابات زود هنگام و .. هم به نظر می رسد منشاء مبهم و نامعلومی دارد و بر التهاب فضای موجود خواهد افزود. برخی بر این باورند که انتظار می رود رییس جمهور محترم اولاً شفاف با مردم سخن بگوید همانگونه که در زمان تحلیف ریاست جمهوری قسم خورده است که مدافع و حافظ حقوق مردم باشد در برابر اشکالات و ایرادات و نقصان های به وجود آمده در وضعیت اقتصادی شفاف عمل کند جاهایی که قصور شده مشخص شود و در تلاش برای ترمیم باشد و اگر احیاناً دست های پنهان اجازه کاهش تنش های اقتصادی را نمی دهند برملا کند. اگر تیم اقتصادی دولت ضعیف عمل کرده آنان را جایگزین تیم قوی تری کند. همانگونه که برخی از نمایندگان مجلس و کارشناسان اقتصادی نیز تاکید بر این امر داشته اند. در هر صورت به نظر می رسد سکوت و سکون طولانی مدت دولت مشکلی را حل نمی کند و به شدت نیازمند اصلاحات در سیاست های اقتصادی و تیم اقتصادی دولت هستیم و از طرف دیگر همه باید بدانیم ناآرامی مشکلی را حل نمی کند و زمینه را برای اغیار فراهم کرده و آب به آسیاب بدخواهان دین و میهن خواهد انداخت.

روحانی: هیچ کمبودی نداریم چرا سیاه نمایی از آینده می شود؟

اگر چه حسن روحانی، رییس جمهور امروز در همایشی با مسولان قوه قضاییه تاکید کرد که هیچ کمبود ملموس فیزیکی در زمینه کالاها یا ارز و ریال نداریم، پس چرا نگرانی وجود دارد؟ او افزود: چرا امروز بعضی از مردم نسبت به آینده نگرانی دارند و ناامید هستند، آیا جنس در بازار کم شده است؟ آیا درآمدهای ارزی و ریالی ما کم شده است؟ درآمد امسال ما در سه ماهه نخست نسبت به مدت مشابه پارسال ۵۰ درصد افزایش یافته و در برابر آن مخارج ما تنها ۴۴ درصد افزایش یافته و مجموع درآمد ارزی که امسال به خزانه واریز شده بیشتر از سال گذشته است. هیچ کمبود ملموس فیزیکی در زمینه کالاها یا ارز و ریال نداریم، پس چرا نگرانی وجود دارد؟ این همان چیزی است که اقتصاددانان آن را انتظارات تورمی توصیف می کنند و بنده به زبان ساده تر آن را سیاه نمایی آینده و ترساندن و نگران کردن مردم حتی بیش از واقعیت نسبت به آینده می نامم.

نوبخت: امیدوارم به نظرات امام و رهبری در مورد حضور نظامیان در سیاست عمل شود

سخنگوی دولت با یادآوری اینکه دولت تلاش کرد که پول ملی را تقویت کند، تصریح کرد: دولت قصوری نداشته است و عامل بی ثباتی نیست. به گزارش ایسنا محمد باقر نوبخت در نشست خبری هفتگی خود به اوضاع اقتصادی کشور پرداخت و افزود: پول ملی برای ما ایرانیان اهمیت دارد، زیرا قدرت خرید ایرانیان و قدرت رقابت ما به پول ملی وابسته است. روزهای خوبی برای پول ملی ما نمی‌گذرد و دولت تلاش دارد پول ملی را تقویت کند. این تلاش‌ها با انجام مذاکرات برای رفع تحریم‌ها و اتهامات علیه کشورمان آغاز شد. دولت مسیر درستی را پیمود و پول ملی تقویت شد، رشد اقتصادی ما خوب بود اما ترامپ و آمریکا علیه جهان جنگ اقتصادی راه انداخت که چین و اتحادیه اروپا با او مقابله کردند. وی ادامه داد: ما باید چه کار کنیم؟ من وجدان عمومی را به قضاوت می‌طلبم که آیا دولت در این وضعیت قصوری داشته است؟ دولت عامل بی‌ثباتی نیست این شرایط ناشی از زیاده‌خواهی آمریکا است. وی با بیان اینکه از اول سال تا سه خرداد دولت بیش از ۱۱ میلیارد دلار ارز با نرخ ۳۸۰۰ تومان و ۴۲۰۰ تومانی پرداخت کرده است گفت: ۲۱ درصد عرضه ارز ما بیشتر شده است یعنی در توازن عرضه مشکل نداریم در سه ماهه اول امسال ۵۹.۸ درصد درآمدهای ما بیشتر شده است ۷۴ درصد درآمدهای نفتی ما بیشتر شده است. بودجه عمرانی ما ۱۱۰۰ درصد بیشتر شده و دولت ۲۲ هزار و ۸۳۰ میلیارد تومان پرداخت کرده است و هزینه‌های جاری هم ۸ درصد بیشتر شده است. وی ادامه داد: ما از واردات کالاهایی که در داخل تولید می‌شود جلوگیری کردیم دولت در شورای هماهنگی سه قوه برنامه‌های خود را برای حتی شرایط بدبینانه پیش بینی کرده است. می‌گویند دولت برنامه ندارد در حالی که ما برای همه شرایط برنامه داریم، ما آنها را ارائه نمی‌کنیم تا دشمن دست ما را نخواند در حال حاضر آمریکا شرکت‌ها را برای قطع رابطه با ما تشویق و از شرکت‌هایی که قطع رابطه کرده اند تشکر می‌کند. وی گفت: ما از مردم می‌خواهیم ارز خود را به بازار وارد کنند. آیا نیاز خانواده‌ها ۷ میلیون سکه است مردم باید کمک کنند. ترامپ خیرخواه ما نیست ما باید خودمان خیر خواه خودمان باشیم، انتظار از دولت به جاست ولی دولت هیچ کاری را نمی‌تواند بدون حمایت مردم پیش ببرد. سخنگوی دولت در پاسخ به این پرسش که عده‌ای به دنبال طرح عدم کفایت رئیس‌جمهوری هستند و واکنش دولت نسبت به این موضوع چیست، اظهار کرد: اینکه عده‌ای اصرار دارند دولت را ناکارآمد نشان دهند به دوره اخیر محدود نمی‌شود و در دوره قبلی هم همه تلاش آنان بر همین بود اما مردم در انتخابات نه دیدگاه جناح مقابل دولت، بلکه دیدگاه خود دولت را تایید کردند اما باید گفت که هنوز برای عده‌ای انتخابات تمام نشده و برخی تلاش دارند که ناامنی در کشور ایجاد شود و انتظارات تورمی در مردم به وجود آید. وی در واکنش به انتشار عکسی از رئیس‌جمهوری در تله‌کابین توچال، اظهار کرد: شما دیدید که از یک حضور کوتاه رئیس‌جمهور در یک جمعی آن هم در یک روز تعطیل چه استفاده‌هایی کردند، اما به هر حال باید گفت که در نهایت دولت فضای نقد و انتقاد را به رسمیت می‌شناسد و می‌خواهد که آنان بیایند و حرف‌هایشان را بزنند و انتقادات‌شان را بیان کنند؛ چرا که ما این موضوع را لازمه دموکراسی می‌دانیم و قضاوت را در این زمینه به مردم واگذار می‌کنیم.

سخنگوی دولت در ادامه تاکید کرد: کالاهایی که با ارز ۴۲۰۰ تومان وارد کشور شده، اما با قیمت دلار غیرواقعی فروخته می‌شود قیمت‌ش باید حتما پایین بیاید و بر آن نظارت صورت گیرد. در حال حاضر مقاومت‌هایی در برابر نظارت انجام می‌شود که معلوم می‌شود ریگی در کفش این افراد است. بانک مرکزی ارز برای واردات تامین کرده است، بنابراین بخش نظارتی هم باید وظیفه را اجرا کند. قوه مقننه از طریق سازمان تعزیرات، سازمان حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده باید به طور جدی وارد شوند. وی ادامه داد: وظیفه اتحادیه‌های صنفی، کنترل قیمت‌هاست، آنها الان کجایند؟ ما باید از

مردم حمایت کنیم. انتظار ما از کسبه و دستگاه‌های نظارتی این است که اقدام دولت در تامین ارز را تکمیل کنند. از دستگاه‌های اطلاعاتی هم انتظار داریم کمک کنند تا بررسی شود چه کسانی ارز را با قیمت غیرواقعی مبادله می‌کنند، چه کسانی قیمت ارز را غیرواقعی افزایش می‌دهند، همه باید با کمک هم مشکل را حل کنیم. وی در پاسخ به اظهار نظر سردار رحیم صفوی درباره اینکه کشور بدون دولت بهتر اداره می‌شود، گفت: دیروز جلسه شورای عالی امنیت ملی با حضور فرماندهان نیروهای مسلح برگزار شد، من در آن جلسه هماهنگی، همدلی و هم راستایی در میان فرماندهان نظامی دیدم. اگر کسی حرف متفاوتی می‌زند نظر شخصی اوست. صحبت‌های رییس ستادکل و سپاه مشخص است. کسی که درجه نظامی بالایی دارد و حرفی می‌زند، نظر شخصی می‌دهد نه نظر ارگان و سپاه و این اظهار نظر هم نشانه آزادی سیاسی و آزادی بیان در کشور است. به هر حال نظرات حضرت امام و رهبری در مورد حضور نظامیان در سیاست مشخص است و من هم امیدوارم همه به این توصیه‌ها عمل کنند.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا لازم نیست رییس‌جمهور با توجه به اتفاقاتی که دیروز در بازار رخ داد با مردم شفاف و مستقیماً به گفت‌وگو بنشیند، اظهار کرد: فراموش نکنید که رییس‌جمهوری همیشه در اظهارات‌شان صرفاً به دنبال شخص خود و شخصیت خویش نیستند، بلکه منافع ملی را هم در نظر می‌گیرند و به آن می‌اندیشند پس اگر اظهارنظری را نافی این منافع بدانند بر زبان نمی‌آورند اما در شرایطی که فضا مهیا باشد قطعاً موضوعاتی را مطرح می‌کنند. وی در پاسخ به این پرسش که آیا دولت برنامه‌ای برای برگزاری جلسه با بازاریان دارد، گفت: جلساتی با روسای صنوف و اتحادیه در بالاترین سطح با حضور رییس‌جمهور برگزار می‌کنیم تا حرف‌های آنها را بشنویم. ما علاقه‌مند هستیم نظرات دیگران را بشنویم و جواب خود را هم بدهیم که گفت‌وگوهای مستقیم بهترین راه است. ما استدلال و برنامه داریم و به سوالات مطرح شده حتماً جواب می‌دهیم. در سازمان برنامه و بودجه هم همیشه معترضان در داخل سالن جمع کرده و حرف‌های آنها را شنیده و پاسخ می‌دهیم البته محل‌هایی برای تجمع مشخص شده که باید سازوکار آن طراحی شود تا تجمعات در آن مکان‌ها برگزار شود. وی در پاسخ به این پرسش که آیا دولت تصمیم دارد سوخت را دو نرخی کند، خاطرنشان کرد: هنوز تصمیمی در این زمینه گرفته نشده و بحث‌ها درباره نحوه مدیریت مصرف سوخت که در حال افزایش است در سطح کارشناسی دنبال می‌شود. اگر در این زمینه به جمع‌بندی قطعی برسیم حتماً اطلاع‌رسانی می‌کنیم.

اعتراضات ایران؛ بازاریان تهران، اصفهان، اراک و کرمانشاه مغازه‌های خود را بستند

اعتصاب و اعتراض کسبه در تهران برای روز دوم ادامه یافته و دامنه آن به بعضی شهرستان‌ها نظیر اصفهان، اراک و کرمانشاه گسترش پیدا کرده است.

ویدیوهایی که به دست بی‌بی‌سی فارسی رسیده نشان می‌دهد که روز سه‌شنبه در خیابان لاله زار تهران تجمعات و اعتراضاتی برگزار شد و سطل‌های بزرگ زباله در وسط خیابان آتش زده شدند. برخی معترضان می‌گویند که مأموران انتظامی با باتوم‌های خود به موتورهای ماشین‌های پارک شده در محل ضربه زدند و خسارت وارد کردند. اکثر مغازه‌های خیابان لاله‌زار روز سه‌شنبه بسته بود؛ بازار عباس‌آباد -بازاری در بازار بزرگ- هم تعطیل شد. بسیاری از شعارهای مردم معترض سیاسی و علیه حکومت جمهوری اسلامی یا مداخله نظامی ایران در منطقه بود، از جمله این که "سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن" یا "بی‌غیرت‌ها حیا کنید، مملکت را رها کنید".

هم‌زمان، صادق لاریجانی، رئیس‌قوه قضائیه ایران، در واکنش "برهم‌زنندگان ثبات اقتصادی" را به مجازات اعدام تهدید کرده است. آقای لاریجانی که به مناسبت هفته قوه قضائیه سخنرانی می‌کرد گفت: "عده‌ای با سرمایه‌های کلان‌شان قصد برهم‌زدن ثبات اقتصادی را دارند. این افراد با ریختن پولشان در بازار و جمع کردن دلار و سکه می‌خواهند بازار را ملتهب کنند و نیروهای اطلاعاتی باید تلاش کنند این افراد را شناسایی کنند".

رئیس قوه قضائیه ایران این اقدامات را "خیانت به مردم و نظام" توصیف کرد و گفت "ما به هیچ عنوان کوتاه نمی‌آییم و با این افراد برخورد می‌کنیم و هشدار می‌دهیم که این کار به عنوان اخلال در نظام اقتصادی کشور مجازات سنگینی دارد و اگر مصداق افساد فی الارض باشد طبق قانون اعدام برایشان در نظر می‌گیریم".

از طرف دیگر، حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران، وعده "عبور از مشکلات" را داده است و خواهان آن شده که "همه ما به آینده امیدوار باشیم".

رئیس جمهور ایران همچنین خواهان برخورد با کسانی شد که دولت و حکومت را تضعیف می‌کنند. او گفت: "نباید بگذاریم در فضای کشور هیچ کس و هیچ تریبونی برای تخریب و تهمت و افترا و دروغ، حاشیه امن داشته باشد. اگر می‌خواهیم نظام را حفظ کنیم این وظیفه ما است".

آقای روحانی از قضات خواست به آنچه او "سیاه‌نمایی" خواند توجه نشان دهند: "رسیدگی به تخلفات کسانی که آشکارا درباره آینده سیاه‌نمایی کرده و تلاش می‌کنند امید مردم را از بین ببرند و در این راستا به دشمن کمک می‌کنند، نیازی به شکایت خصوصی ندارد". یکی از کسبه بازار سنتی کرمانشاه به بی‌بی‌سی فارسی گفته است: "امروز تمامی صرافی‌ها موبایل فروشی‌ها و تمامی مغازه‌های دیگر میدان آزادی و میدان مصدق و پاساژ ارگ (در کرمانشاه) اعتصاب کرده‌اند و کاسی خود را متوقف کرده‌اند". در تهران درگیری‌هایی بین پلیس با معترضان گزارش شده است و تصاویری از اعتراضات در محدوده خیابان ملت و اکباتان به بی‌بی‌سی فارسی رسیده است.

بر اساس این تصاویر درگیری‌ها در منطقه بین بهارستان و لاله زار است شدید بوده است.

در درگیری‌های منطقه لاله زار، دستکم دو نفر در جریان حمله ماموران از ناحیه سر زخمی شده‌اند.

ایستگاه متروی ملت هم که پیشتر به دلیل تجمعات بسته شده بود هم اکنون باز شده است.

این ایستگاه بین خیابان‌های "امام خمینی" و بهارستان قرار دارد.

گفته شده ایستگاه متروی ملت در خط ۲ "به دنبال تجمع‌های اخیر در محدوده بازار تا اطلاع ثانوی خدمات رسانی نمی‌کند".

همچنین گزارش شده در کرمانشاه، اصفهان و اراک هم بازار تعطیل بوده است.

خبرگزاری فارس در گزارشی میدانی از تجمع در خیابان پانزده خرداد تهران و سر دادن شعار خبر داده است.

بر اساس این گزارش، اکثریت مغازه‌های بازار بسته است و برخی از راه‌های ورودی هم در حال بسته شدن است.

خبرگزاری تسنیم هم در گزارشی از تعطیلی راسته طلافروشان خبر داده و خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضائیه هم بسته بودن راسته پارچه فروشان را تأیید کرده است.

این کسبه بالا رفتن اخیر نرخ ارز در بازار غیررسمی و رکود بازار اعتراض داشته‌اند.

دو روز پیش نرخ دلار در بازار آزاد تا ۹ هزار تومان هم پیش رفت.

گروهی از بازاریان معترض به افزایش بهای ارزهای خارجی، دیروز (دوشنبه ۴ تیر) مغازه‌های خود را تعطیل کردند و تجمع اعتراضی آنها به درگیری‌های با پلیس منجر شد.

به غیر از تهران در شهریار، کرج، قشم، بندرعباس و مشهد نیز معترضان به گرانی به خیابان آمده و کسبه مغازه‌های خود را تعطیل کردند. یک شهروند مشهدی که در بازار لوازم خانگی این شهر دو مغازه داشته به بی‌بی‌سی فارسی گفته است: "من خودم مغازه لوازم خانگی داشتم و بدلیل خرابی بازار و نوسانات از مجبور به تعطیلی مغازه شدم".

دو روز پیش هم (یکشنبه ۳ تیر) تعدادی از مغازه‌داران بازار موبایل چارسو و پاساژ علاءالدین در تهران در اعتراض به افزایش نرخ دلار مغازه‌های خود را تعطیل کرده بودند.

همزمان دادستان تهران از دستگیری "مسببان اصلی" حادثه روز گذشته بازار تهران خبر داده است.

عباس جعفری دولت آبادی گفته است: "محركين اصلی حادثه که با برنامه ریزی در نقاط مختلف تهران به تهدید بازاری‌ها اقدام کردند که اگر بازار را نبندید فلان کار را انجام می‌دهیم، توسط پلیس و دستگاه امنیتی شناسایی شدند و امروز تحویل دادستانی می‌شوند".

همزمان مجلس برای بررسی اعتراضات اخیر جلسه امروز غیرعلنی برگزار کرده است.

● اعتراض‌ها به گرانی و بی‌ثباتی اقتصادی در برخی شهرهای ایران امروز وارد سومین روز خود شد و طبیعتاً مسئولان به آن واکنش نشان دادند.

● معاون استاندار تهران گفت با برخی از افراد که قصد سوءاستفاده از شرایط موجود را دارند برخورد می‌شود. صادق

لاریجانی رئیس قوه قضائیه ایران هم "برهم زندگان ثبات اقتصادی" را به مجازات اعدام تهدید کرد.

● در همین حال محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت ایران، در پی اعتراضات از مردم خواست، کنار دولت باشند، از دولت حمایت کنند و ارز و طلای خود را به بازار بیاورند و از ایرانیان خارج از کشور هم درخواست کرد ارزشان را به داخل کشور بیاورند. آقای نوبخت گفت: "اگر همه بخواهند این همه بار روی طلا، سکه و ارز بگذارند نمی‌شود، هیچ کشوری قادر به چنین کاری نیست".

● سخنگوی دولت: ایرانیان ارز و طلای خود را به بازار بیاورند

● درخواست آقای نوبخت از مردم، در شبکه‌های اجتماعی واکنش‌های زیادی ایجاد کرد؛ مانند همیشه برخی مخالفت و اعتراض خود را به اشکال مختلف اعلام کردند؛ گروهی هم بر لزوم حمایت از دولت تأکید کردند.

● بُعد دیگر این ماجرا را کاربرانی شکل دادند که با انتشار عکس‌هایی از ازدحام مردم کره جنوبی نوشتند: اینجا صف خرید دلار و سکه و خودروهای لوکس نیست، اینجا مردم کره جنوبی هستند که وقتی فهمیدند اقتصادشان با بحران مواجه شده، آمدند تا طلاهایشان را به دولت بدهند تا با آن بدهی میلیاردی به صندوق بین‌المللی پول را پرداخت کند.

- این مضمون در تلگرام و سایر شبکه‌های اجتماعی هم تکرار شد و در کنار سخنان آقای نوبخت موجب شد هشتگ "طلای_خود را_به_دولت_میدهیم" راه بیفتد.
- #طلای_خود را_به_دولت_میدهیم تا آغازده ها با خیال راحت به عشق و حالشان برسند. #نوبخت
- بحث جدی‌تری که در این میان مطرح شد بحث میزان اعتماد مردم به مسئولان و کفایت تصمیم‌گیرندگان بود و همچنین به اختلاس و کارکرد "الکن" رسانه‌ها، عملکرد غیر شفاف قوه قضاییه و لزوم وحدت رویه دستگاه‌ها مطرح شد.
- کاربری در توئیتر نوشت:
- "خیلی کار لازمه تا مردمی که برای ضریح امام النگو میدان برای پیشرفت مملکت هم اعتماد کنند و النگو بدن"
- بگذر از پست توئیتر شماره 2 از @ghazaliat
- حمایت‌های ایران از حماس و نقش ایران در سوریه و عراق و یمن
- هزینه کردن برای گشت‌های ارشاد
- رکود و بی‌ثباتی اقتصادی
- اینکه دولت در شرایط سخت یاد مردم می‌افتد
- برخورد با معترضان گرانی، بازاری‌ها و کسبه
- ناکارآمدی سیستم قضایی
- توزیع ناعادلانه ثروت
- تو به ما آزادی اجتماعی، حق برابر زنان، حق پوشش آزاد برای زنان و مردان، برگزاری بی دردسر کنسرت، عدم سانسورهای احمقانه، آزادی مطبوعات، آزادی رسانه، آزادی سیاسی، آزادی مشروب، و ... رو بده
- چشم ما هم #طلای_خود را_به_دولت_میدهیم
- تعداد زیادی از کاربران هم به تفاوت‌های ایران و کره جنوبی اشاره کردند گفتند مقایسه این دو کشور اشتباه است. عده دیگری فارغ از این اختلافات و اعتراضات گلایه کردند که درخواست کمک دولت از مردم، یادآور مرام رفقای است که فقط وقتی دچار مشکل می‌شوند یاد آدم می‌افتند و به وقت خوشی نه یادی از رفیقشان می‌کنند نه خودشان را موظف می‌دانند به او کمک کنند.
- هشتگ #طلای_خود را_به_دولت_میدهیم شوخی غم انگیزیه.
- ۳۰ دهه پیش، مردم جوانهاشون رو میفرستادن جنگ برای حفظ انقلاب. الان یه پتو رو برای زلزله زده ها خودشون میبرن.
- ۱۶ نفر دارند درباره این صحبت می‌کنند
- موضوع دیگر کمک‌های جمهوری اسلامی به حزب الله لبنان، حوثی‌های یمن، فلسطین، عراق و سوریه بود. برخی کاربران گفتند حاضر نیستند طلاهایشان را به دولت بدهند وقتی می‌دانند در نهایت سر از کجا در می‌آورد و برای چه کارهایی هزینه می‌شود.
- اینها همه در حالیست که سخنان امروز، سه‌شنبه پنجم تیرماه حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران در این‌باره، در شبکه‌های اجتماعی بازتاب فراوان داشت و با انتقادهای زیادی مواجه شد.
- چشم ارباب . ولی آقای روحانی گفته بودن که یه عالمه ارز داریم نگران نباشید که
- قیمت روز ارز و طلا
- نوبخت: ایرانی‌هایی که در خارج از کشور هستند ارزشان را به داخل بیاورند و مردم هم ارز و طلای خود را به بازار بیاورند، مردم باید کمک کنند.
- آقای روحانی گفته مشکل آب در ایران وجود دارد اما مشکل ارز نه. او همچنین گفته در کالاهای اساسی مورد نیاز مردم هیچ‌گونه نگرانی نباید وجود داشته باشد و از قوه قضاییه خواسته با "سیاه‌نمایان" برخورد کند.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی: اگر دلار ۴۲۰۰ تومان است پس چرا بازار را پر نمی‌کنند! / حق نداریم مردم را مواخذه کنیم وقتی دولت بدون محدودیت و رسمی به آنها سکه فروخته است



شفقنا - درحالی که رییس جمهور خواستار در نظر گرفتن تنها یک نرخ و آن هم ۴۲۰۰ تومان به ازای هر دلار شده بود روز گذشته تیم اقتصادی دولت بالاخره توانست رییس جمهور را قانع کند که نرخ معاملاتی دلار برای صادر کنندگانی که ارز حاصل از صادرات آنها از شمول خرید و فروش در سامانه نیما خارج است همان ۴۲۰۰ تومان باشد و در مقابل، اظهارنامه صادراتی ارزش پیدا کند. در این خصوص عضو کمیسیون اقتصاد مجلس با انتقاد از عملکرد دولت در اعلام نرخ ارز گفت: دلار یا ۴۲۰۰ هست یا نیست! اگر هست چرا بازار را پُر نمی‌کنند و اگر نیست چرا اصرار داریم که آن را ۴۲۰۰ اعلام کنیم!

محمد حسن نژاد عضو در گفت و گو با خبرنگار شفقنا با انتقاد از نوع عرضه سکه در بازار گفت: دولت اجازه داده که مردم سکه بخرند و مردم هم این کار را کردند. پس اگر کار اشتباهی رخ داده باید با کسی که این مجوز را داده برخورد و او را تنبیه کرد نه کسی که سکه را خریداری کرده است.

او در ادامه افزود: بانک مرکزی گفته من می‌خواهم سکه بفروشم و همه هم خریدند پس حق نداریم مردم را مواخذه کنیم. اگر خرید ۹ هزار سکه و یا بیشتر توسط یک نفر خلاف است پس باید سقف تعیین می‌کردید و اگر سقفی نداشت پس مشکلی وجود ندارد.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه عرضه این نوع سکه در بازار بسیار غلط بود تصریح کرد: این نوع عرضه بسیار اشتباه بود اما آبی که به جوی رفته باز نمی‌گردد چون اعتبار نظام خیلی بالاتر از این حرف‌ها هست که بخواهیم حرفمان را پس بگیریم پس سکه‌ها را فروختیم و باید سر موقع آنها را تحویل دهیم. اما آقای رییس جمهور باید لطف کند و کسانی که این طرح احمقانه را ارایه دادند اخراج کند.

نماینده مردم جلفا و مرند در مجلس در خصوص قیمت دلار و سکه گفت: اقتصاد، علم است وقتی دلار ۸۲۵۰ تومان است قیمت سکه هم طبیعتاً ۳ میلیون تومان می‌شود زمانی که دلار ۶ هزار تومان بود سکه هم ۲ میلیون و ۱۰۰ بود؛ خیلی رابطه منطقی با هم دارد. اعضای کابینه

اقتصادی ما یا در توهم هستند یا واقعا نمی فهمند و یا نمی خواهند کاری کنند؛ زیرا دلار یا ۴۲۰۰ هست یا نیست! اگر هست چرا بازار را پُر نمی کنند و اگر نیست چرا اصرار داریم که آن را ۴۲۰۰ اعلام کنیم؟

یک شهروند ۳۱ ساله ایرانی 'بیش از ۳۸ هزار سکه طلا خریده است'

ناصر سراج، رئیس سازمان بازرسی حدود ده روز پیش گفته بود که در طرح پیش فروش سکه بانک مرکزی پنجاه نفر در مجموع ۳۸۰ هزار سکه طلا خریده اند

بنا بر اعلام رییس سازمان بازرسی ایران یک شهروند ۳۱ ساله ایرانی در طرح پیش فروش سکه طلا، ۳۸ هزار و ۲۵۰ سکه خریده است.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، ناصر سراج، رئیس سازمان بازرسی امروز چهارشنبه (۶ تیر ماه) گفته این فرد برای خرید این سکه ها بیش از ۵۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان پول پرداخت کرده است.

بر این اساس این بالاترین تعداد خرید سکه توسط یک نفر بوده؛ نام این فرد اعلام نشده است.

تعداد کل سکه های ثبت نام شده در طرح پیش فروش بانک مرکزی حدود ۷ میلیون و ۶۰۰ هزار قطعه اعلام شده است.

رئیس سازمان بازرسی با انتقاد از نادیده گرفتن محدودیت های خرید در سیاست های عرضه سکه گفته است: "ما در رابطه با فروش و عرضه باید تدبیری اتخاذ کنیم و سختی هایی را در نظر بگیریم که هرکسی پول دارد نتواند وارد بازار شود و هرکاری خواست در ارتباط با اقتصاد کشور انجام دهد."

سازمان بازرسی ایران حدود ده روز پیش اعلام کرد که در طرح پیش فروش سکه بانک مرکزی پنجاه نفر در مجموع ۳۸۰ هزار سکه طلا خریده اند. بر این اساس سود هر سکه برای خریدار یک میلیون تومان اعلام شد.

این اظهارات در حالی است که بانک مرکزی محدودیتی برای سقف خرید در طرح پیش فروش سکه در نظر نگرفته بود و بر همین اساس خرید تعداد بالای سکه "غیرقانونی" نبوده است.

بانک مرکزی اعلام کرده که به زودی اوراق گواهی سکه طلا صادر می کند. این اوراق قبل از موعد سررسید هم در بازار بورس قابل معامله است

بانک مرکزی در مقاطع مختلف برای کنترل بازار ارز و جمع آوری سرمایه های سرگردان اقدام به پیش فروش سکه با سررسیدهای مختلف کرده است.

پیش از عید فطر با افزایش تقاضا قیمت هر تمام سکه (طرح جدید) در صرافی های تهران به بالای دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسید. عده ای از فعالان بازار این افزایش تقاضا را به عید فطر نسبت دادند.

در آن زمان ولی الله سیف عامل افزایش قیمت در بازار سکه را بیشتر "روانی" خواند اما پس از وقفه ای کوتاه، قیمت سکه باز هم افزایش یافت و در ابتدای این هفته به بالای ۳ میلیون تومان هم رسید. این قیمت بعدا کمی فروکش کرد.

در پی اعتراضات اخیر کسبه در تهران و شهرهای دیگر، صادق لاریجانی رییس قوه قضائیه ایران "برهم زندگان ثبات اقتصادی" را به مجازات اعدام تهدید کرده است.

آقای لاریجانی دیروز سه‌شنبه (۵ تیر) گفت: "عده‌ای با سرمایه‌های کلان‌شان قصد بر هم زدن ثبات اقتصادی را دارند. این افراد با ریختن پولشان در بازار و جمع کردن دلار و سکه می‌خواهند بازار را ملتهب کنند و نیروهای اطلاعاتی باید تلاش کنند این افراد را شناسایی کنند". او هشدار داد که "این کار به عنوان اخلاف در نظام اقتصادی کشور مجازات سنگینی دارد و اگر مصداق افساد فی الارض باشد طبق قانون اعدام برایشان در نظر می‌گیریم". پس از اعلام سیاست عرضه دلار "۴۲۰۰ تومانی" در فروردین ماه امسال (۱۳۹۷) دسترسی به بازار ارز محدود شد که این باعث ورود بخشی از سرمایه‌های سرگردان به بازار طلا و سکه شد و تقاضا را بالا برد.

بررسی طرح دو فوریتی ممنوعیت واگذاری سکه به صورت نامحدود در مجلس!!!!

شفقتا- نماینده مردم گلپایگان در مجلس شورای اسلامی گفت: طرح دو فوریتی ممنوعیت واگذاری سکه به صورت نامحدود تقدیم هیات رییس مجلس شده که قرار است در جلسه یکشنبه آینده مجلس بررسی شود.

علی بختیار روز چهارشنبه با اشاره به این که این طرح دو فوریتی به امضای ۳۰ نماینده رسیده است ، گفت: بر اساس این طرح باید عرضه و تقاضای سکه در بازار مدیریت شود . با تصویب و اجرای این طرح از تصاحب مقدار هنگفت سرمایه در یک شب توسط یک فرد جلوگیری می‌شود. وی ادامه داد: ما اخیرا مشاهده کردیم افرادی ۳۰ هزار تا ۴۰ هزار سکه پیش خرید کرده‌اند، بر اساس این طرح ما در واگذاری سکه‌ها محدودیت در نظر گرفتیم. به گزارش ایلنا، عضو کمیسیون انرژی مجلس گفت: بر اساس این طرح اگر افراد سکه پیش خرید کرده باشند جلوی واگذاری آن گرفته می‌شود، برای مثال اگر کسی هزاران پیش خرید کرده باشد ۱۰ سکه به وی تحویل داده می‌شود و مابقی پول به آنان داده می‌شود. بختیار تاکید کرد: این طرح دو فوریتی را تقدیم هیات رییس مجلس کردیم که قرار است جلسه روز یکشنبه مجلس شورای اسلامی بررسی شود.

این تغییرات سریع و ضد و نقیض نشانه عدم صلاحیت و نداشتن دانش لازم متصدیان است

خرید ۱۳ میلیون یورو موبایل توسط یک نفر

سخنگوی سازمان تعزیرات حکومتی با اعلام اینکه این سازمان از دو روز پیش رسیدگی به بازار ارائه محصولات وارداتی از جمله موبایل را آغاز کرده، خبر داد: شرکتی ۱۳ میلیون یورو با ارز دولتی موبایل وارد کرده و همه گوشی‌های تلفن همراه را به یک نفر فروخته است. رایگانی گفت: این شرکت ۲۲ میلیون یورو ارز دولتی برای واردات موبایل دریافت کرده بود، اما از این رقم فقط ۱۳ میلیون یورو گوشی تلفن همراه وارد و ۹ میلیون یورو آن بلا تکلیف است. سخنگوی سازمان تعزیرات حکومتی با بیان اینکه تعداد شرکت‌های واردکننده گوشی همراه از ۴۰ به ۲۲ شرکت کاهش یافته است، افزود: پنجشنبه و جمعه مدارک همه شرکت‌هایی که با ارز دولتی موبایل وارد می‌کنند، بررسی می‌شود.

سال جاری هنوز به نیمه نرسیده که ارزش پول ملی ایران برای چندمین بار در سالهای اخیر به نصف کاهش یافته است. خاتمی دلار ۴۷۸ تومانی را تحویل گرفت و دلار ۹۰۲ تومانی را تحویل دولت احمدی نژاد داد. او نیز دلار ۹۰۲ تومانی را تحویل گرفت و دلار ۳۵۴۳ تومانی را تحویل دولت حسن روحانی داد. دولت حسن روحانی نیز تاکنون موفق شده است دلار ۹۱۵۰ تومانی را به ثبت برساند.

به گفته رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان طلا و جواهر بیشتر از ۱۰۰ تن طلا در خانه‌های مردم ایران انبار شده است. معصومه آقاپور علیشاهی گفته است طبق آمارهای غیررسمی ۲۰ میلیارد دلار ارز خانگی در کشور وجود دارد.

مثل هر شکست و معضل دیگری انگشت اشاره کارشناسان و دولت به سمت مردم است اما عضو ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی می‌گوید: «در ماه‌های اخیر فردی بیش از ۳۹ هزار سکه و فرد دیگری بیش از ۲۰ هزار سکه خریداری کرده است.»

از در "دلار" نشد از پنجره "موبایل" وارد شدند

آنها که بحران دلار و ارز در ایران بوجود آوردند و با اعلام دلار 4200 تومانی چند روز و هفته ای دست و پایشان را گم کرده بودند، حالا به خود آمده و از در دیگری وارد شده اند. با دلار 4200 تومانی جنس وارد می کنند اما به قیمت دلار بالای 8 هزار تومان می فروشند! ریشه تحسن و اعتراض و بسته شدن مغازه های فروش موبایل در دو مجتمع علاء الدین و چارسو در تهران که روز گذشته شکل گرفت، همینجاست. این فصل تازه ای از تشدید گرانی و فلج کردن دولت و فراهم ساختن زمینه سقوط دولت و بدست گرفتن قوه مجریه است.

تنش در بازار تهران؛ اعتراض فرمایشی که از کنترل خارج شد؟

آیا کلید اعتراض بازار در شهرهای مختلف توسط جناح تندرو زده شده است؟ تندشدن شعارها در این اعتراض‌ها نشانه چیست؟ آیا خامنه‌ای ریسک تضعیف روحانی را به جان می‌خرد؟ عکس‌ها و ویدیوهای اعتراض در بازار تهران با کیفیت بالا در شبکه‌های اجتماعی می‌چرخند. اخبار دیگری حاکی است که بازاریان در چند شهر دیگر مانند مشهد، کرج، قشم، بندرعباس و شهریار نیز دست به اعتصاب و تظاهرات زده‌اند. یکی از فعال‌ترین رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی پیرامون تظاهرات بازار و گسترش آن خبرگزاری‌های نزدیک به سپاه و جناح تندرو مانند تسنیم و فارس هستند.

برخی تحلیلگران نسبت به بسته شدن بازار و پیوستن بازاریان به موج ناراضیاتی از سیاست‌های دولت این سوال را طرح می‌کنند که «کلید این اعتراض‌ها از کجا زده شده است؟» تردیدی که با شروع اعتراض‌ها در دیماه گذشته نیز وجود داشت. چرا که حرکت از مشهد شروع شد و بر اساس برخی شواهد احتمالاً آغاز آن در دست مخالفان سرسخت دولت مانند علم‌الهدی و رئیسی بود. اعتراضات دیماه به سرعت فراگیر شدند و اگر هم جناح تندرو آن‌ها را کلید زده بود، خود این جناح اولین آماج شعارهای ناراضیان قرار گرفت. بخش عمده اپوزیسیون در داخل و خارج و نیز برخی مسئولان دولتی نیز گفتند که بستر اعتراضات ناراضیاتی شدید مردم از سیاست و اقتصاد چهار دهه اخیر جمهوری اسلامی است.

این بار قضیه از چه قرار است؟ بسته شدن بازار چه معنایی دارد؟ آیا کشیده شدن اعتراضات به خیابان و طرح شعارهایی که کل حکومت را نشانه رفته است، شباهت‌هایی با ناآرامی‌های دیماه و عمومی شدن

اعتراضات ندارد؟ آیا هسته اصلی قدرت ترجیح می‌دهد بدون دولت روحانی و تیم اقتصادی او از بحران اقتصادی و اجتماعی عبور کند؟ کارشناسان معتقدند در شرایط فعلی این کار هزینه سنگینی برای نظام خواهد داشت.

آیا هدف تسلیم شدن هرچه بیشتر روحانی به سیاست‌های جناح مقابل است؟ ولی مگر دولت روحانی بویژه در دور دوم یک دولت بی‌یال و دم نشده است؟

مرتضی کاظمیان، تحلیلگر مسائل سیاسی ایران مقیم پاریس

بسیاری از مسئولان دولتی، از مشاوران حسن روحانی گرفته تا وزرای او مانند محمدجواد ظریف هشدار می‌دهند که وضع بسیار خطرناک است. کارشناسان اقتصادی و دانشگاهیان بیش از هر زمان نگران آینده‌اند. برخی اصلاح‌طلبان می‌گویند «راه چاره ابر چالش اقتصادی این است که تمام حاکمیت دست به انتخابی سخت و دردناک بزنند که انجام نخواهد شد.»

چهره‌هایی مانند فائزه هاشمی معتقدند «اگر راه حل‌هایی پیدا نشود، کشور می‌تواند به سمت فروپاشی برود.» او در گفت‌وگو با فاینشال تایمز گفته است: «بحران در همه جنبه‌ها به اوج رسیده و نظام وانمود می‌کند همه چیز عادی است. حس می‌شود روحانی مسائل کشور را رها کرده است.»

مرتضی کاظمیان، تحلیلگر سیاسی در گفت‌وگو با دویچه‌وله به برخی نشانه‌ها اشاره می‌کند که به عقیده او می‌توانند حاکی از آن باشند که اعتراض بازار شاید از سوی تندروها کلید خورده باشد. از جمله سخنان احمد کریمی، دبیرکل جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف و بازار که گفته است «چهل سال بود این نوع حرکت را که بازار را ببندند، نداشتیم اما امروز این اتفاق افتاد و به نظرمان می‌رسد که دلیل آن فقط و فقط سوء مدیریت در درون کشور است.»

با این همه مرتضی کاظمیان معتقد است حتی اگر بخشی از درون نظام رویای سقوط دولت روحانی را در سر پیروانند، هسته اصلی قدرت چاره‌ای جز حفظ روحانی ندارد و تنها هدفش وادار کردن دولت به عقب‌نشینی و ایجاد برخی تغییرات به نفع تندروهاست.

اما عقب‌نشینی بیشتر روحانی تا کجا و به چه معناست؟ هسته اصلی قدرت بدون تن دادن به سیاست تعاملی روحانی چه امکانی برای بقای خود دارد؟ اگر اعتراض‌ها چارچوب‌های محافظه‌کارانه را بشکنند و بیش از پیش کل حکومت را نشانه روند چه پیامدهایی خواهند داشت؟ گفت‌وگو با مرتضی کاظمیان را بشنوید.

نرخ سکه از سال 57 تا کنون + جدول

به گزارش «جماران» در روزهای گذشته شاهد افزایش قیمت در این کالای پرتعداد بوده‌ایم.

بر این اساس قیمت هر سکه تمام بهار آزادی طرح جدید 2700000 تومان معامله شد.

همچنین قیمت نیم و ربع سکه به ترتیب 1.300.000 هزار تومان و 710.000 تومان در بازار عرضه شد.

سکه گرمی هم به قیمت 342 هزار تومان به دست خریداران می‌رسد.

هر گرم طلا 230.000 تومان است.

البته قیمت طلا در بازار قیمت خام آن است و مزد ساخت آن از 30 تا 60 هزار تومان در هر گرم متفاوت است.

جدول قیمت سکه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بدین شرح است

:

قیمت سکه تمام از سال 57 تا آذرماه سال 96

سال	قیمت (تومان)
1357	420
1358	1300
1359	2400

3500	1360
3500	1361
3500	1362
3900	1363
4418	1364
6500	1365
11257	1366
9939	1367
10922	1368
12707	1369
12447	1370
12409	1371
16488	1372
30352	1373
44169	1374
41273	1375
38833	1376
45092	1377
58741	1378
60512	1379
60820	1380
69960	1381
86150	1382
104537	1383
122890	1384
167967	1385
190678	1386
231649	1387
288000	1388
435000	1389
630000	1390
910000	1391
	1392تیر
1050000	1393
946000	1394
936000	-
1171000	1395
1795000	-
	1396
2700000	-
	خرداد 97
؟؟؟؟؟؟؟؟	

آیا با ورود 'ارز توافقی' بازار به آرامش می‌رسد؟

آرمان آرامش

در روزهای اخیر تعدادی از کسبه و بازاریان تهران و چند شهر دیگر ایران، مغازه‌های خود را تعطیل کردند؛ که یکی از دلایل اصلی این اقدام، اعتراض آنها به بالا رفتن قیمت ارز در بازار غیر رسمی بوده است.

اواسط زمستان سال گذشته (۱۳۹۶) قیمت دلار حدود ۴۴۰۰ تومان بود که این هفته در اوج تلاطم ارزی، قیمت آن در بازار تا ۹ هزار تومان هم پیش رفته بود.

این روند نشان می‌دهد ظرف کمتر شش ماه ارزش دلار در برابر ریال دو برابر شده؛ این در حالی است که در اواخر فروردین ماه بانک مرکزی بطور دستوری، ارز را "تک‌نرخ" اعلام کرد و برچسب ۴۲۰۰ تومانی بر روی دلار زد.

دولت ایران با معامله توافقی ارز موافقت کرد

دولت ایران تعیین نرخ سوم ارز را تکذیب کرد

احتمال معرفی نرخ سوم ارز

حالا با گذشت کمتر از سه ماه از اجرای این سیاست، دولت ایران بالاخره مجبور به عقب‌نشینی شده و بازار جدیدی را برای ارز معرفی کرده است.

در هفته جاری هیات دولت ایران تصمیم گرفت با فعال شدن "بازار دوم" ارز بر اساس "نرخ توافقی" به طور رسمی موافقت کند.

این تصمیم پس از آن بود که بعضی اولویت‌ها برای تخصیص دلار ۴۲۰۰ تومانی حذف شدند و واردات حدود ۱۴۰۰ قلم کالا به ایران ممنوع اعلام شد.

عمده فروشندگان ارز توافقی صادرکنندگان "خرد" کالاهای غیرنفتی هستند

معامله در بازار توافقی ارز چگونه صورت می‌گیرد؟

در این بازار، صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی و واردکنندگان کالای مصرفی عادی ارز را با "نرخ توافقی" معامله می‌کنند.

بر این اساس، اظهارنامه صادرکنندگان مواد غیرنفتی بهادار می‌شود و در بازار سرمایه قابل معامله است.

با اجرای این طرح، ارز دولتی سه نرخ خواهد شد؛ دلار ۳۸۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی، دلار ۴۲۰۰ تومانی و نرخ توافقی (بازار دوم) که هنوز اعلام نشده است.

ارز در بازار دوم قرار است از محل ۲۰ درصد صادرات غیرنفتی که عمدتاً از طریق بخش خصوصی انجام می‌شود برای واردات برخی کالاهای "غیراساسی" تامین شود.

این صادرکنندگان کسانی هستند که ملزم به ارایه ارز در سامانه نیما (نظام یکپارچه معاملات ارزی) نیستند.

عمده فروشندگان ارز توافقی صادرکنندگان "خرد کالاهای غیرنفتی" هستند که مشتریان آنها یا موفق به دریافت دلار ۴۲۰۰ تومانی نشده‌اند یا اولویت آنها برای تخصیص ارز ارزان پس از مدتی حذف شده است.

خبرگزاری ایسنا قیمت توافقی دلار در بازار دوم را بر اساس "شنیده‌ها" بین ۶۰۰۰ تا ۶۵۰۰ تومان اعلام کرده ولی هنوز قیمت ارز در این بازار بطور رسمی تعیین نشده است.

به گفته رییس انجمن واردکنندگان لوازم آرایشی تاکنون کسی از واردکنندگان این صنف دلار ۴۲۰۰ تومانی نگرفته است

بنابر اعلام مسعود کرباسیان، وزیر اقتصاد ایران، در این طرح "صادرکنندگان ملزم نیستند که ارز خود را به بانک‌ها بفروشند بلکه می‌توانند اظهارنامه صادراتی خود را در بورس تهران عرضه کنند."

دولت ایران می‌گوید میزان عرضه و تقاضا تعیین کننده نرخ توافقی ارز است؛ روند مشابهی که در بازار غیررسمی و سایر بازارها عمومیت دارد.

بنابر اعلام بانک مرکزی بازار توافقی ارز طی هفته آینده تشکیل خواهد شد.

یکی از مشکلاتی که بعضی کسبه در ماههای اخیر با آن روبرو بوده‌اند بلاتکلیفی آنها در اولویت بندی دولت و ناکامی در دریافت دلار ۴۲۰۰ تومانی بوده است.

بانک مرکزی ایران اخیرا در بازنگری سیاست ارزی خود لیست کالاهای وارداتی که تماما مشمول دلار ۴۲۰۰ تومانی می‌شدند را تغییر داده است.

گروه اول کالاهای "اساسی و حیاتی" مانند ارزاق عمومی و داروست که ارز مورد نیاز آنها از محل فروش نفت با دلار ۴۲۰۰ تومانی تامین می‌شود (با احتساب ۴۰۰ تومان یارانه نرخ هر دلار برای این گروه کالاهای ۳۸۰۰ تومان است).

گروه دوم کالاهای "ضروری" هستند که ارز مورد نیاز آنها از محل ۸۰ درصد صادرات غیرنفتی - شرکت های پتروشیمی فولاد و معدنی تامین می‌شود. بانک مرکزی نیاز ارزی این گروه کالاهای ۲۴ میلیارد دلار برآورد کرده است

اولویت سوم، کالاهایی هستند که از محل ۲۰ درصد صادرات کالاهای غیرنفتی تامین می‌شوند؛ در این گروه عموما صادرکنندگان خرد و بخش خصوصی قرار دارند. ارز توافقی برای این گروه تعریف شده است. بانک مرکزی نیاز ارزی این گروه را ۵.۶ میلیارد دلار برآورد کرده است.

گروه چهارم، کالاهای ممنوع ورود هستند که ارزی به آنها تعلق نمی‌گیرد یکی از دلایل اعتراض اخیر بازاریان در ایران، بالا رفتن قیمت ارز در بازار غیر رسمی بوده است

آیا ارز توافقی می‌تواند جای ارز آزاد را بگیرد؟

دولت ایران امیدوار است با راه اندازی بازار توافقی بتواند بازار آزاد را کنار بزند. با اینکه هنوز جزئیات این بازار مشخص نیست و نرخ ارز توافقی تعیین نشده ولی بعضی از کارشناسان هشدار داده‌اند "تعیین دستوری" نرخ ارز در بازار دوم هم تجربه مشابهی مانند دلار ۴۲۰۰ تومانی خواهد داشت.

برای تعیین نرخ ارز در بازار توافقی سناریوهای مختلفی ارائه شده است.

عده‌ای گفته‌اند برای ارائه ارز در بورس؛ آزادسازی قیمت یکی از اصول اساسی موفقیت این طرح است تا انگیزه صادرکنندگان برای عرضه دلار در بورس پابرجا بماند.

به کلام ساده ارز توافقی باید نزدیکی قیمتی خود را با بازار آزاد حفظ کند.

ارز حاصل از صادرات این دسته از کالاها الزامی درباره تزریق به سامانه نیما را ندارند.

بعضی دیگر می‌گویند دولت می‌تواند با تعیین "کف و سقف" قیمت ارز در این بازار هم قیمت و هم میزان نوسان را کنترل کند و بر اساس حجم عرضه و تقاضا قیمت تعیین خواهد شد؛ میزان اختیار فروشنده برای تعیین قیمت البته در طرح دولت مشخص نیست.

افزایش حدود دو برابری قیمت ارز در شش ماه گذشته باعث شد مقام‌های ایرانی لب به انتقاد از کسانی بگشایند که دلار ارزان را روانه بازار داخلی کرده‌اند.

حدود ده روز پیش بود که حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران از "سوءاستفاده" عده‌ای از تخصیص دلار ۴۲۰۰ تومانی انتقاد کرده بود.

او گفته بود: "پذیرفتنی نیست که افرادی، از دولت ارز ۴۲۰۰ تومانی بگیرند و با سودجویی در بازار با قیمت بالا و اجحاف به مردم بفروشند."

وزارت ارتباطات هم چهار روز پیش بعد از اعتراضات کسبه پاساژ علاءالدین و چارسو فهرستی از واردکنندگان گوشی تلفن همراه با ارز دولتی را منتشر کرد.

این فهرست ۴۰ شرکت را شامل می‌شود که ۳۰ شرکت از آنها فقط با بخشی از ارز دولتی تخصیص داده شده اقدام به واردات موبایل کرده‌اند.

ورود سازمان تعزیرات استان تهران به موضوع ارز دولتی در واردات موبایل هر چند اعلام تشکیل بازار توافقی توانست کمی از تلاطم اخیر بازار بکاهد اما عده‌ای بازار آزاد را کماکان را رقیب جدید برای ارز توافقی می‌دانند.

بخش‌خصوصی امیدوار است دولت اجازه دهد واردکنندگان و صادرکنندگان تعیین‌کننده نرخ توافقی ارز باشند و دولت بار دیگر قیمت آن را بصورت دستوری تعیین نکند.

دکتر یوسفی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی در گفتگو با «انتخاب» پاسخ داد؛

چه شد که چند سال باثباتی اقتصادی در چند روز دود شد، به هوا رفت و اقتصاد ایران به اینجا رسید؟

محمّدقلی یوسفی، اقتصاددان و استاد دانشگاه درباره تأثیر استعفای مسئولان اقتصادی بر اوضاع کشور مانند رئیس بانک مرکزی می‌گوید: اوضاع خراب تر از آنی است که با رفتن یکی دو نفر درست شود. افرادی نظیر سیف یا نیلی اتفاقاً برای دولت بهترین هستند ولی برای ملت خوب نیستند. اینها به ضرر مردم کار کردند، بحران ایجاد کردند، ناتوانند و افراد شایسته‌ای نیستند اما همین افراد برای سیاستمداران بهترین هستند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

محمّدقلی یوسفی، اقتصاددان و استاد دانشگاه درباره تأثیر استعفای مسئولان اقتصادی بر اوضاع کشور مانند رئیس بانک مرکزی می‌گوید: اوضاع خراب تر از آنی است که با رفتن یکی دو نفر درست شود. افرادی نظیر سیف یا نیلی اتفاقاً برای دولت بهترین هستند ولی برای ملت خوب نیستند. اینها به ضرر مردم کار کردند، بحران ایجاد کردند، ناتوانند و افراد شایسته‌ای نیستند اما همین افراد برای سیاستمداران بهترین هستند.

یوسفی در گفت و گو با خبرنگار «انتخاب»، درباره اینکه آیا کشور در هفته‌های آتی ثبات اقتصادی را خواهد دید یا خیر، گفت: ثبات در جایی هست که یک کشور هم در سطح بین‌المللی بتواند تعامل سازنده داشته باشد و هم در سطح داخلی شرایطی ایجاد کرده باشد که اقتصاد، خودش بدون اتکا به دولت و بدون دخالت دولت بچرخد و مردم خودشان کارهای خود را انجام می‌دهند و داوطلبانه دادوستد می‌کنند، بدون اینکه نیاز به گرفتن مجوز از دولت یا امر و نهی دولت داشته باشند. یا حتی در صورتی کالایی مانند ارز هم کمیاب شود، امنیتی نمی‌شود و از طریق مکانیسم عرضه و تقاضا خودش توازن را به دست می‌آورد.

این استاد دانشگاه ادامه داد: آنچه در اقتصاد ایران شاهد آن هستیم، نتیجه چند دهه سیاست‌های نادرست است و اکنون اقتصاد را در وضعیت فلج قرار داده. مسئله‌ای که وجود دارد این است که چرا مسئولین سیاست‌هایی اتخاذ کردند که کار به اینجا کشیده شد؟ اگر سیاست‌های درستی دنبال می‌شد کار به اینجا نمی‌کشید که شاهد بحران در اقتصاد باشیم و فقر و بیکاری و رکود و تورم، بی‌ثباتی سیاست‌های پولی و بانکی، از دست رفتن اعتماد مردم، جو روحی و روانی نامناسب، از بین رفتن

انگیزه کار و تلاش در کشور رونق یافتن فعالیت های دلالی، واسطه گری های پولی و فعالیت هایی که ربطی به تولید ندارد، فراگیر شود.

یوسفی درباره عوامل وضعیت کنونی اقتصاد کشور گفت: چند عامل دست به دست هم داده که این اتفاق رخ داده است. یکی سیاست های نادرست تیم اقتصادی و ناکارآمدی مسئولین و یکی گروه های ذینفع که می خواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند. این گروه ها در همه تشکیلات سیاسی وجود دارند. در ایران برخی از کسانی که به اسم سیاست فعالیت می کنند، رانت جو هستند. در کشورهای دیگر سیاستمداران کسانی هستند که در هر طیفی به یک سری اصول پایبندند مثلاً نکوهش کردن فساد، رانت، تبعیض، بی قانونی و پایبندی به اصول اخلاقی.

او ادامه داد: برخی به اسم سیاستمدار ارکان مختلف اقتصاد را در اختیار خود گرفته و از رانت های زیادی بهره مند هستند. اینها نه تنها مراکز تصمیم گیری بلکه رسانه ها را هم در کنترل خود گرفته اند. یعنی نوعی رقابت برای سهم بزرگتر. متأسفانه در اینجا بحث بر سر این نیست که چه کسی بهتر برای مردم کار کند.

او ادامه داد: این موضوع دردناک است و همه مسئولند که به هشدارهای کارشناسان توجه نکردند. متأسفانه بیماری به قدری پیچیده شده که یک دلیل یا علت وجود ندارد که بگوییم یک قسمت آن نیاز به جراحی دارد. ثبات و اصلاحات باید توسط کسانی صورت بگیرد که خودشان مشکل ساز نباشند. به عبارت دیگر، کسانی که خودشان بخشی از مشکل هستند نمی توانند بخشی از راه حل باشند.



او درباره تاثیر استعفای مسئولان اقتصادی بر اوضاع کشور مانند رییس بانک مرکزی اظهار داشت: اوضاع خراب تر از آنی است که با رفتن یکی دو نفر درست شود. افرادی نظیر سیف یا نیلی اتفاقاً برای دولت بهترین هستند ولی برای ملت خوب نیستند. اینها به ضرر مردم کار کردند، بحران ایجاد کردند، ناتوانند و افراد شایسته ای نیستند اما همین افراد برای سیاستمداران بهترین هستند. اینها همواره با سیاستمداران ساخته اند. از موقعیتی برخوردار شده اند که در یک رقابت آزاد جایگاهی ندارند. نه صلاحیت، نه لیاقت و نه علم لازم را دارند. منتها کرسی ها را گرفته اند و اوضاع را به این شکل درآورده اند.

این استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی افزود: الان هم اینکه آقای سیف یا نیلی یا تیم اقتصادی تغییر کند، تغییر عمده ای صورت نخواهد گرفت. به هر حال اینها روزی کنار خواهند رفت ولی مشکل را به جایی رسانده اند که دیگر قابل علاج نیست.

این اقتصاددان درباره تاثیر افزایش سود بانکی و ایجاد بازار ثانویه ارزی بر اوضاع کنونی اقتصاد کشور گفت: متأسفانه در کشور ما انواع آزمایش ها نه یک بار بلکه چندین بار تکرار شده و با شکست مواجه شده است. مگر قبلاً این کار را نکرده اند و نرخ سود را افزایش نداده اند؟ الان مردم فهمیده اند که هیچ چیز جایگزین ارز و طلا نیست و بنابراین همه سعی می کنند به این سمت بروند و این هم چیزی نیست که بشود با سیاست های دیگر جبران کرد.

او درباره راهکار علاج این مشکلات گفت: در حال حاضر هیچ راهکاری سراغ ندارم. تیم اقتصادی دولت، اقتصاد کشور را تبدیل به باتلاق کرده. اگر هم کسی بخواهد در این شرایط صحبتی کند، فقط و فقط تیری در تاریکی انداخته است. تجربه نشان داده اوضاع از این بدتر خواهد شد اما در مورد راهکار، آنچه مسلم است اینکه کسانی که خودشان این مشکل را ایجاد کرده

اند نمی توانند بخشی از راه حل باشند. تورم و تغییرات پولی باعث شده دارایی مردم پایین بیاید. دولت اگر بخواهد نرخ سود بانکی را افزایش دهد، هیچ کمکی نخواهد کرد. چون باید پرسید هدف چیست؟ آیا هدف این است که تولید ایجاد شود؟ یوسفی در توضیح این موضوع افزود: کسانی که پول دارند، و به طریقی به منابع دست یافته اند، تعدادشان 20 درصد کل مردم هم نیست. 80 درصد مردم فشار را تحمل می کنند. آن 20 درصد کسانی نیستند که پول خود را در بانک بگذارند. در نتیجه پول خود را به ارز یا طلا تبدیل کنند، چون می دانند شرایط بین المللی هم شرایط مناسبی نیست. گزارش «انتخاب» از علل و چرایی از دست رفتن «کنترل اقتصاد»، از دستان دولت دوم روحانی

از اوست که بر اوست! حذف ژنرالهای اقتصادی که فضای آرام دولت یازدهم را مدیون آنهایم! / آقای رییس جمهور! چه سود از حذف و به حاشیه راندن کسانی که می توانند ناجی اقتصاد بحرانی باشند؟! / چرا همتی تا مرز ریاست بانک مرکزی پیش رفت و بازگشت؟! / طیب نیا؛ عامل اصلی اقتصاد آرام دولت یازدهم بود / نجات اقتصاد مهمتر است یا تبعیت از نظریات سوخته لیدر اقتصادی دولت؟! / تبعیت از این نظرات، به چه قیمت؟! / اعتماد به این افراد، تا کجا؟

وقتی دفتر روحانی هم شایسته سالاری را ترجیح نمی دهد / پیشنهاد طیب نیا در جلسه خصوصی که روحانی آن را رد کرد / ارتباط تحریم رییس بانک مرکزی با یک تغییر رای؛ چرا همتی جایگزین سیف نشد؟ / دولت دوازدهم نه تنها توفیق اقتصادی دولت یازدهم را تکرار نکرده بلکه دستاوردهای آن دولت را نیز تا حدی مخدوش کرده است. یکی از عوامل این اتفاق شاید مخالفت برخی از نزدیکان رییس جمهور با حضور چهره هایی در دولت است که می توانستند اوضاع را به گونه ای دیگر رقم بزنند. یکی از آنها علی طیب نیا بود که از دولت حذف شد و دیگری، عبدالناصر همتی که بارها نامش برای جانشینی سیف در بانک مرکزی مطرح شد اما هر بار رای رییس جمهور را زدند. درواقع، همان ها که مانع تداوم حضور طیب نیا در دولت شدند، حالا برای همتی مانع تراشی کردند و نگذاشتند فردی چون او به صحنه بیاید که به اذعان بسیاری از تحلیلگران، قدرت حل بحران اقتصادی را دارد و اتفاقاً هر بار که حضور او در بانک مرکزی جدی شد، همان حلقه ی موثر و هسته مرکزی تیم اقتصادی دولت، ضمن تلاش برای مخدوش سازی ذهن رییس جمهور، تلاش کردند رای او را برای انتخاب همتی بزنند. اما کاش بدانند این اعمال سلیقه شخصی، بحرانی بزرگ را برای اقتصاد ایران به ارمغان آورده و سؤال این است که تا کی و کجا چنین پی خواهند رفت؟

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



نماگرهای اقتصادی و اوضاع متلاطم بازار نشان می‌دهد یک جای کار تیم اقتصادی دولت دوم حسن روحانی در همین ۱۰ ماه سپری شده از عمر آن می‌لنگد.

به گزارش سرویس اقتصادی «انتخاب»، این در حالی است که در طول دولت اول روحانی، آرامش و ثبات اقتصادی قابل قبولی در کشور حاکم شده بود. کافی است نگاهی به وضعیت بازار ارز، سکه و خودرو ببندازیم تا صحت این مدعا اثبات شود.

هر دلار آمریکا، که در سال ۹۲ یعنی در ابتدای روی کار آمدن دولت روحانی، حدود ۳۲۰۰ تومان بود به ۳۷۴۰ تومان در سال ۹۵ یعنی اواخر دولت یازدهم رسید، اما در طول سال ۹۶ و ابتدای ۹۷ با انفجار ناگهانی به صورت غیررسمی از مرز ۷ هزار تومان نیز عبور کرد. دولت در ۲۰ فروردین ماه قیمت اجباری ۴۲۰۰ تومان را برای آن تعیین کرد، اما عدم تخصیص ارز کافی به حوزه‌هایی که نیاز مبرمی به آن دارند، باعث شده است تا این سیاست به صورت تمام و کمال جواب ندهد. قیمت سکه نیز که در سال ۹۲ در آغاز دولت یازدهم ۱.۱ میلیون تومان بود و تا سال ۹۵ نیز با رشدی اندک به ۱.۲ میلیون تومان رسیده بود تا ابتدای سال ۹۷ با رشدی حیرت انگیز و باورنکردنی از مرز ۲.۴ میلیون تومان نیز عبور کرده است. بازار خودروهای خارجی نیز از کنترل خارج شده و پس از یک جهش ناگهانی از اواسط سال ۹۶، حتی افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت را هم تجربه کرده است. قیمت کالاهای اساسی هم در همین یک سالی که از عمر دولت دوازدهم گذشته تعریفی ندارد. بر اساس گزارش بانک مرکزی، در یکسال منتهی به اردیبهشت ماه ۹۷، تخم مرغ ۵۱ درصد، گروه لبنیات ۸.۵ درصد، گوشت قرمز ۲۳.۳ درصد و چای ۲۰.۷ درصد رشد کرده اند. البته بسیاری از مردم آمار اعلام شده در مورد افزایش قیمت‌ها را باور ندارند و معتقدند رشد قیمت‌ها بیش از آنی است که در گزارش‌های اینچینی اعلام می‌شود.

حسن روحانی در دولت دوم خود، چند تغییر در تیم اقتصادی به وجود آورد. او محمدرضا نعمت زاده را که پرسن و سال ترین وزیر کابینه به شمار می‌رفت و پیشتر نیز در دهه ۷۰، سابقه وزات داشت، از وزارت صنعت کنار گذاشت و به جای او محمد شریعتمداری را پس از ۱۲ سال به این وزارتخانه بازگرداند. شریعتمداری نیز خود در نیمه دوم دهه ۷۰ و نیمه اول ۸۰ در همین وزارت خانه، البته قبل از ادغام، وزیر بود؛ وزیری که اشراف تخصصی نعمت زاده را نداشت؛ اما در یک چیز شبیه وزیر قبلی بود. او انگیزه ی چندانی برای کار کردن در وزارتخانه ای ۱۲ سال قبل آنجا بود نداشت ؛ امروز نیز مشخص است که او چنان وزیری سالخورده، در این وزارتخانه فعالیت می کند.

همه دوستان و اعضای تیم اقتصادی ماندند و ارتقا یافتند، جز همان معدود خبره !

روحانی همچنین محمد نهاوندیان را که گفته می‌شد با وجود ریاست دفتر رییس جمهور، نقشی اساسی در تعیین سیاست های اقتصادی دولت دارد، رسماً وارد تیم اقتصادی دولت کرد و با تشکیل معاونت اقتصادی، این معاونت را به او سپرد. معاونتی که تنها یکبار در دوران ریاست جمهوری مرحوم آیت الله هاشمی ایجاد شده بود تا با سپردن این صندلی به «نوربخش»، شرایط را آرام آرام برای سپردن سمت ریاست کل بانک مرکزی به او مهیا کنند.

ربیبی که انتقادات زیادی از او در دوره اول دولت روحانی شده بود در وزارت کار ابقا شد و مطابق پیش بینی، محمداقربار نوبخت هم که تخصص چندانی در اقتصاد نداشت و بیشتر طرح های او با شکست مواجه شده بود، صرفاً بخاطر نزدیکی قدیمی با مقامات ارشد دولتی، نقش سابق خود در کابینه را حفظ کرد. وزرای نفت و کشاورزی نیز ابقا شدند. در این بین، مسعود نیلی هم مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور شد.

اما مهمترین اتفاق در تیم اقتصادی دولت، کنار رفتن علی طیب نیا بود. طیب نیا که اولویت اقتصادی دولت یازدهم را مهار تورم تعریف کرده بود، موفق شد آمار ۴۰ و چند درصدی تورم در دولت احمدی نژاد را در ۴ سال یک رقمی کند. اتفاقی که توفیق بزرگی برای دولت به شمار می‌رفت. در این میان، مخالفان دولت دست روی رکود حاکم بر کشور گذاشته و نتیجه سیاست‌های دولت را قابل قبول نمی‌دانستند. با این وجود طیب نیا بارها و بارها با این موضوع جنگید. او که بیشترین رای اعتماد تاریخ جمهوری اسلامی را، آن هم از یک مجلس اصولگرا گرفته بود، دو بار از همان مجلس کارت زرد گرفت و تا مرز استیضاح و حتی شایعه استعفا هم پیش رفت.

به گفته آگاهان، طیب نیا، با جمع بندی شرایط اقتصادی کشور، در مجموع ترجیح داده بود تورم حتی به قیمت یک رکود نسبی مهار شود. ایده او که در محافل اقتصادی به «آقای ضدتورم» شهره است، این بود که فشار تورم بیش از هر قشری، به قشر فرودست جامعه وارد می‌شود. چراکه با فرض وجود تورم بالا و در عین حال، رواج معاملات در بازارهای مختلف، قشر بالادستی جامعه نه تنها هیچ اعتراضی نداشتند، بلکه حامی این روند نیز بودند. زیرا اگرچه تورم روزبروز بالاتر می‌رفت، اما سرمایه‌های این قشر با سرعت بیشتری از آن، رشد می‌کرد. طبیعتاً چنین امکانی برای قشر فرودست مهیا نبود و آن‌ها صرفاً شاهد افزایش هزینه زندگی خود می‌بودند. این موضوع، اساس سیاست طیب نیا برای ۴ سال اول را تشکیل می‌داد. به بیان دیگر، او اعتقاد داشت ضروری‌ترین موضوع در آن زمان، مهار تورم و سپس خروج کشور از رکورد نسبی بود. همین موضوع بود که باعث می‌شد با وجود سود بالای بانکی در آن زمان، وزیر اقتصاد وقت، اصراری به پایین آوردن ناگهانی آن نداشته باشد. چراکه این کار، ناگهان سرمایه‌ها را از بانک خارج کرده و نقدینگی بالایی را به جامعه تحمیل می‌کرد. اتفاقی که برخی کارشناسان اقتصادی معتقدند با تصمیم دولت دوازدهم در شهریورماه ۹۶، رخ داد و ورود نقدینگی به جامعه، یکی از علل گرانی ناگهانی در حوزه‌هایی مانند سکه و خودرو بوده است.

مبارزه طیب نیا با مخالفان سیاست‌های اقتصادی او، صرفاً به مخالفان دولت در مجلس و خارج از مجلس محدود نمی‌شد، او که بحران‌های کم سابقه‌ای مانند فیش‌های غیرمعارف برخی مدیران، اجرای برکناری برخی مدیران بانک‌ها و نیز استعفای رییس کل بیمه مرکزی را پشت سر گذاشته بود، مجبور بود با برخی اعضای کابینه نیز بر سر سیاست‌های اقتصادی در پیش گرفته شده، بحث و جدل کند. بر اساس شنیده‌ها، طیب نیا بارها و بارها بر سر تصمیمات دیگر اعضای کابینه که می‌توانست اساس حرکت اقتصادی دولت را منحرف کند، مجادله کرده بود. اتفاقی که در نهایت باعث خروج او از کابینه نیز شد. شنیده‌ها حاکی از آن است که طیب نیا، که در دوران تبلیغات انتخاباتی در زمره «پاشنه ورکشیده»‌های فعال بود و بارها و بارها در مبارزات انتخاباتی با دفاع از سیاست‌های اقتصادی دولت به کمک روحانی آمد و حتی طرح‌های غیرکارشناسی رقبای او را به چالش کشید، وقتی برای بحث جهت حضور یا عدم حضورش در دولت دوم روحانی، نزد رییس جمهور رفت، پیشنهادی را مطرح کرد که در نهایت به کنار رفتن او از کابینه منجر شد.

شرط طیب نیا و مخالفت نزدیکان رییس جمهور!

بر این اساس، ظاهراً طیب نیا از روحانی خواسته بود چه او وزیر اقتصاد باشد و چه نباشد، تیم اقتصادی دولت باید از یک مرکز فرماندهی واحد هدایت شود که بهترین فرد برای این کار به زعم او، وزیر اقتصاد بود. دلیل او برای این کار، ناهماهنگی‌های میان اعضای تیم اقتصادی بود. مثلاً یک سیاست کلی وزارت اقتصاد می‌توانست با یک تصمیم ناهماهنگ در بانک مرکزی یا وزارت صنعت کاملاً ناپود شود. پیشنهاد او منطقی به نظر می‌رسید. با این وجود، حسن روحانی کار راحت‌تر را انتخاب کرد. او ترجیح داد به جای این اصلاحات در تیم اقتصادی، درست همان فردی را که مصرانه خواهان اصلاح ساختار بود، و به همین دلیل سایر اعضای تیم اقتصادی نیز روی خوشی به تصمیم او نشان نمی‌دادند، از دولت کنار بگذارد؛ آنهم به خاطر مخالفت (احتمالاً شخصی!) نزدیکان با این فرد!



به این ترتیب طیب نیا از دولت رفت و چندی بعد، در حالی که تیم اقتصادی دولت روحانی با بحث‌هایی مانند افزایش ناگهانی نرخ ارز، گرانی سکه و خودروهای وارداتی دست و پنجه نرم می‌کرد، یکی از مهم‌ترین و معتبرترین جوایز اقتصادی دنیا را دریافت کرد. طیب نیا به سنگاپور رفت و جایزه جهانی بنیاد لی کوان یو را گرفت؛ جایزه‌ای که برای اولین بار به یک ایرانی تعلق می‌گرفت. «فعالیت‌های موثر در توسعه کشور» و «بهبود شرایط اقتصادی ایران و کاهش چشمگیر تورم در زمان تصدی وزارت امور اقتصاد و دارایی» از دلایل اعطای این جایزه به طیب نیا محسوب می‌شد.

کرباسیان؛ چهره مسلط صنعتی که به وزارت اقتصاد رفت

مسعود کرباسیان موافقان زیادی برای ورود به هیات دولت داشت، اما نه به عنوان وزیر اقتصاد. او که پیشتر در کابینه حضور نداشته، همواره به عنوان یک نیروی اجرایی فعال و موثر در کشور شناخته می‌شد. از همین رو بود که بسیاری از فعالان اقتصادی انتظار داشتند او به حوزه اجرایی تری مانند وزارت صنعت برود نه وزارت اقتصاد. وزارت صنعت، اما اکنون در اختیار فردی گذاشته شده که پیشتر نیز سابقه همین سمت را داشت و از نگاه انگیزشی، نمی‌توانست انگیزه کرباسیان برای ایجاد تحول در این وزارتخانه را بپذیرد.

استدلال جدید برای عدم برکناری سیف؛ تحریم آمریکا!

این ماجرا در مورد، ولی الله سیف نیز به گونه‌ای دیگر وجود دارد. در طول دوران فعالیت او، بارها و بارها حرف از برکناری اش از ریاست بانک مرکزی به میان آمده. اما از آنجا که مورد حمایت هسته اصلی تیم اقتصادی دولت بود، هر بار رییس جمهور را از این کار منصرف کردند. در همین اواخر، در دولت دوازدهم، چند روز قبل از آنکه نام سیف در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار بگیرد، انتخاب عبدالناصر همتی به جای او از نظر بسیاری از کارشناسان، قطعی به نظر می‌رسید.

اما این بار، همان هسته مرکزی تیم اقتصادی دولت که ایدئولوژی آنان در برابر تحریم ها مشخص است، با این بهانه کم یاب نه چندان قابل باور، که «کنار رفتن سیف در این شرایط، معنای بدی خواهد داشت و می‌تواند عقب نشینی در مقابل آمریکا توصیف شود»، رای رییس جمهور را زدند!

همتی که چون طیب نیا، باور دارد که تیم اقتصادی نیاز به یک فرماندهی واحد و نه حلقه های متعدد تصمیم گیر و موثر دارد، پیشتر ۱۲ سال پیایی از سال ۷۳ تا ۸۵ رئیس بیمه مرکزی بود. او که به پدر بیمه خصوصی ایران شهرت دارد، ۷ سال نیز مدیرعامل بانک سینا بود. طیب نیا او را در سال ۹۲، به ریاست بانک ملی برگزید، اما پس از بحرانی که بر سر حقوق های غیرمتعارف دامن بیمه مرکزی را گرفت، همتی را به بیمه مرکزی منتقل کرد. او دکترای اقتصاد دارد و برای پنج سال پیایی مدیریت بیمه اتکایی آسیا را نیز بر عهده داشته است. سوابق کاری و کارنامه مدیریتی او باعث شده بود، هر بار که اوضاع اقتصاد کشور بحرانی و عملکرد بانک مرکزی کشور با مشکل مواجه می‌شد، نام او در میان اصلی ترین گزینه های ریاست بانک مرکزی برای سر و سامان دادن به امور بر سر زبان های می افتاد. چند باری هم تا مرز ریاست پیش رفت، اما هر بار به دلیل همان مخالفت ها، این موضوع به نتیجه نمی رسید.

همتی تقریباً هیچ گاه درمورد شایعات اینچنینی و احتمال حضورش در بانک مرکزی صحبتی نکرده است. او به طور کلی مقامی است که علاقه ای به جار و جنجال در رسانه ها ندارد. با این وجود، در محافل اقتصادی نگاه دیگری به همتی وجود دارد. بسیاری از کارشناسان اقتصادی و فعالان بازار، و افرادی که با او در دوره های پیشین کار کرده بودند، به جد اعتقاد داشته و دارند که او از معدود چهره هایی است که می تواند در وضعیت فعلی، اوضاع بانک مرکزی را سر و سامان دهد و ورق را برگرداند.

تازه ترین دلیل موافقان او هم اوضاع بیمه مرکزی است؛ مجموعه ای که در اوایل سال 95 می رفت تا با بحران حقوق های نامتعارف و دامن زدن به آن توسط منتقدان دولت و از یک سو از دیگر سو، شریط بحرانی بیمه ها، به پاشنه آشیل دولت روحانی تبدیل شود اما اندکی پس از روی کار آمدن همتی رنگ آرامش را به خود دید و امروز با وجود گذشت تنها دو سال از آن بحران، کمتر کسی به یاد می آورد که ماجرای مذکور از بیمه مرکزی آغاز شده بود.

یکی از علل توفیق همتی را فارغ از تخصص و رفتار و مشاوره های فنی، نوع رفتار او در مواجهه با مشکلات می دانند. همتی به اذعان بسیاری از کارشناسان، تحلیلگران و همراهان او، هیچ گاه برخورد نامتعارف رسانه ای با قضایا ندارد. او همواره تلاش می کند تا با پیشبرد امور به صورت تخصصی مشکل را رفع کند نه اینکه با اظهارنظرهای نامعقول گاه و بیگاه رسانه ای، شرایط روانی جامعه را بدتر کند. به دیگر سخن، بر خلاف بسیاری از مدیران تیم اقتصادی دولت، همتی سود و زیان اظهارات یک «مقام مسئول» برای کشور و مردم را می داند.

اقتصاددان خبره ای که ماشین امضای بقیه نبود!

بی تعارف او مانند برخی مدیران بی اختیار، چشم بسته عمل نمی کرد و به تیم علمی و مشاوره های تخصصی خود بیشتر اعتماد داشت تا اینکه مثلاً چشم و گوش بسته، حرفی را صرفاً به اعتبار اینکه نظر رییس جمهور نیز همین است، پیاده کند. او جزء تیم معتمدان حلقه اقتصادی دولت نبود؛ همان حلقه ای که طیب نیا را نیز برنتافت. این حلقه از همان دفتر رییس جمهور شروع می شد. به بیان ساده تر، یکی از علل عدم شایسته سالاری در تیم اقتصادی دولت از همین نقطه بود. چه بسا بتوان این جمله مشهور را در مورد اوضاع کنونی اقتصادی و عملکرد برخی اطرافیان موثر دفتر رییس جمهور که افرادی را صرفاً به دلیل عداوت ها و منافع شخصی از دولت دور کردند، به کار برد که «از ماست که بر ماست!»

تا دیر نشده بجنبید!

کمتر از یک سال از دولت دوازدهم می گذرد و در حالی که برای این دولت وعده توسعه اقتصادی داده می شد، اکنون بیش از هر موضوع دیگری، ترس از تکرار شرایط سال ۹۱ و بحران اقتصادی عمیق آن سال، سراغ فعالان اقتصادی رفته است. افزایش ناگهانی قیمت ها و سقوط ارزش پول ملی، تماماً به خاطر فشار خارجی به اقتصاد ایران نیست. کونه فکری است اگر قبول نکنیم که سوءمدیریت ها نیز در این موضوع تاثیرگذار بوده اند. یک سال پس از پیشنهاد طیب نیا به حسن روحانی برای داشتن فرمانده واحد اقتصادی، نه تنها این موضوع که می توانست در شرایط کنونی موثر باشد، محقق نشده، بلکه تعداد فرماندهان نیز افزایش یافته است؛ از وزیر اقتصاد و رییس بانک مرکزی و معاون برنامه ریزی دولت گرفته تا معاون اقتصادی و مشاور ویژه رییس جمهور در امور اقتصادی.

شرایط به گونه ای است که حتی بازگشت به نقطه ابتدایی سال ۹۶ یعنی پایان دولت یازدهم هم، دیگر کار ساده ای نیست. چه رسد به وعده های دهان پرکن و پرطمطراق انتخاباتی در همان ایام. تا دیر نشده بجنبید!

زبرتي هاي کابینه باید بروند طیب نیا رئیس بانک مرکزی می شود؟

اعتماد در گزارشی با عنوان در انتظار «بله» طیب نیا از تلاش برای تغییر رئیس‌بانک مرکزی خبر داد و نوشت: شنیده می‌شود حسن روحانی، رئیس دولت دوازدهم در حال مذاکره با علی طیب‌نیا، وزیر اقتصاد دولت یازدهم برای جانشینی ولی‌الله سیف در بانک مرکزی است. این در حالی است که روز گذشته رمضانعلی سبحانی‌فر، نماینده مجلس شورای اسلامی از آغاز تغییرات تیم اقتصادی دولت خبر داده بود. بر اساس این شنیده علی طیب‌نیا در وهله اول این پیشنهاد رئیس‌جمهور را رد کرده است، اما رئیس دولت همچنان بر این تصمیم پافشاری می‌کند. در روزهایی که وضعیت اقتصادی به ویژه بازار ارز ملتهب است، رئیس‌جمهور تصمیم دارد تا با ترمیم تیم اقتصادی خود وضعیت را کنترل کند.

احتمالا نخستین گزینه ولی‌الله سیف، رئیس بانک مرکزی است که باید قطار دولت دوازدهم را ترک کند. عملکردی که طیب‌نیا در وزارت اقتصاد دولت یازدهم داشت آنچنان موفق بود که بسیاری از منتقدین و حتی مخالفین دولت از غیبت او در دولت دوازدهم گله‌مند بودند. اما چرا طیب‌نیا گزینه مناسبی برای ریاست بانک مرکزی است؟

در سال ۹۲ که حسن روحانی، طیب‌نیا را به عنوان وزیر اقتصاد معرفی کرد، اقتصاد کشور در لبه پرتگاه قرار داشت. وضعیت نابسامانی که از دولت قبلی به ارث رسیده بود و همگان معتقد بودند که مأموریت طیب‌نیا برای نجات اقتصاد کشور مأموریتی غیرممکن است. در نخستین روزهای فعالیت دولت یازدهم وزارت امور اقتصادی و دارایی اصلی‌ترین برنامه خود را بر مقابله با این شرایط پیچیده گذاشت. پیچیده از این نظر که در شرایط رکود تورمی اگر سیاست‌ها بر مبنای مهار تورم بود، رکود عمیق‌تر می‌شد و در صورتی که دولت به مقابله با رکود می‌پرداخت، نرخ تورم افزایش پیدا می‌کرد.

اما این مشکلات با یک برنامه منسجم از سوی وزارت اقتصاد هر دوی این مشکلات به طور همزمان در دستورکار قرار گرفت که نتیجه آن نرخ تورم کمتر از ۱۵ درصد و رشد اقتصادی بالای ۳ درصد بود. در واقع وزارت اقتصاد برای از بین بردن رکود اقتصادی به سراغ تورم رفت تا از این طریق نوسانات قیمتی را به حداقل برساند؛ نوساناتی که برای مردم در دوران دولت دهم عادی شده بود تا جایی که هر ساعت قیمت‌ها تغییر می‌کرد. براساس برنامه‌هایی که در دستور کار وزارت اقتصاد دولت یازدهم قرار گرفت، ضمن آنکه تورم سرسام آور مهار شد، با بهبود نرخ رشد اقتصادی رکود نیز از بین رفت. برپایه گزارش‌های رسمی مرکز آمار ایران درحالی که در مناطق شهری در خرداد ۱۳۹۲ یعنی برگزاری انتخابات یازدهمین دوره ریاست‌جمهوری، نرخ تورم نقطه

به نقطه ۲/۴۱ درصد اعلام شده بود این شاخص در سال ۹۴ به ۸/۱۲ درصد کاهش یافت که بیانگر بهبود ۴/۲۸ درصدی این شاخص بود. از دیگر برنامه‌های طیب‌نیا در وزارت اقتصاد، خروج اقتصاد از رکود بود بدین‌ترتیب در حالی که نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱ به منفی ۸/۶ درصد سقوط کرده بود، با اجرای برنامه‌های دقیق اقتصادی این رشد در سال ۹۳ به مثبت ۳ درصد صعود کرده که گویای بهبود ۸/۹ درصدی اقتصاد ایران در سال نخست مدیریت طیب‌نیا است. از زمستان سال ۹۲ تاکنون نرخ رشد اقتصادی تمام فصل‌ها مثبت شده است که نشان‌دهنده خروج اقتصاد ایران از رکود و پی‌ریزی دقیق طیب‌نیا است. علی طیب‌نیا همواره یکی از منتقدین جدی اقتصاد دولتی و نفتی است. او در خرداد ۹۶ یکی از جدی‌ترین انتقادات خود را نسبت به اقتصاد دولتی مطرح کرد و گفت: «دو بیماری دولتی بودن و نفتی بودن، عامل اصلی رشد اقتصادی ناچیز در ایران است؛ این دو مشکل ساختاری، زمینه‌ساز رکود اقتصادی و تورم در اقتصاد ایران بوده و باید به دنبال درمان آن باشیم.» طیب‌نیا یک مدیر برنامه‌محور است. روزی که طیب‌نیا از ساختمان خیابان صوراسرافیل رفت، بخش اعظمی از برنامه‌های او که در سال ۹۲ رایج شده بود، اجرایی شد، اما به دلیل برخی اختلافات نتوانست به همکاری خود با دولت دوازدهم ادامه دهد، اما امروز پس از یک سال از آغاز به کار دولت دوازدهم، حسن روحانی بار دیگر سراغ او رفته و خواسته است تا سکان هدایت بانک مرکزی را در دست گیرد. عملکرد قابل قبول طیب‌نیا در بزرگراه‌های حساس و درست در شرایطی که حال اقتصاد بازهم خوب نیست نوید روزهای خوب برای بانک مرکزی را می‌دهد. مدیری که در دوران وزارت توانست تورم را کنترل کرده و ثبات را به بازار برگرداند، این‌بار نیز در صورت قبول مسئولیت، شرایط و ماموریتی مشابه خواهد داشت و این‌بار باید ثبات را به بازار ارز و بانک‌ها بازگرداند. ماموریتی که بر اساس تجربه، آمار، اعداد و ارقام شاید تنها از عهده طیب‌نیا برآید

حقوق ۲ هزار سال یک کارگر، سود یک روز واردکننده متخلف

شرق در گزارشی به تخلفات روی داده در شرکت‌های واردکننده تلفن همراه که از ارز دولتی استفاده کرده اند پرداخت و نوشت: پرداخت ۲۲۰ میلیون یورو ارز یارانه‌ای و فقط ۷۵ میلیون دلار واردات تلفن همراه که بخش اعظم آن با قیمت‌هایی فراتر از انتظار فروخته می‌شوند. این خلاصه آن چیزی است که در بازار تلفن همراه رخ داده و مثالی است از پولپاشی‌هایی که به نام مردم و به کام گروه کوچکی از صاحبان سرمایه و رانت انجام می‌شود. هنگامی که بانک مرکزی متعهد شد دلار و یورو لازم برای واردات کالاها را با قیمت رسمی (و بسیار ارزان‌تر از نرخ ارز در بازار آزاد) در اختیار واردکنندگان قرار دهد تا تغییری در قیمت‌ها رخ ندهد، سخن دولت این بود که افزایش نرخ ارز فقط به دلیل افزایش تقاضای کاذب و سوداگری دلالتان روی داده و اجازه نخواهد داد این نرخ‌های غیرقابل قبول بر قیمت تمام‌شده کالاهای وارداتی اثر بگذارند و زندگی را برای مردم سخت کنند؛ اما در عمل مثال بازار تلفن همراه نشان می‌دهد که چگونه عده‌ای یک‌شبه به سودهای کلان رسیده‌اند و خروجی این فرایند نیز به نفع مردم تمام نشده است، آن‌چنان که دلالتان و واردکنندگان، دست‌وپای خود را در فاصله بین سوبسید دولت و جیب مردم دراز کرده‌اند و به نظر می‌رسد چندان هم نگران برخوردهای قهریه نبوده‌اند.



دیدار
با مقامات

حقوق
کار
و

رسد
و آرد

خود
از ق
اح

با
د

در صدر شرکت‌هایی که ارز مبادله‌ای دریافت کرده‌اند تا قیمت تلفن همراه برای مصرف‌کننده پایین بماند، شرکت نودیس‌پرداز قرار دارد که ۲۶ میلیون و ۶۵۷ هزار یورو ارز دریافت کرده و از این مقدار فقط ۱۰ میلیون یورو را در سه‌ماهه گذشته صرف واردات تلفن همراه کرده که معادل ۳۹ درصد ارز دریافتی از سوی این شرکت است. سؤال اولی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که در شرایطی که فشار اقتصادی بر لایه‌های مختلف جامعه بیشتر از گذشته شده، چه دلیلی وجود دارد که بیشترین ارز مبادله‌ای به شرکتی اختصاص پیدا کند که واردکننده برند اپل است، برندی که مشتری محصولاتش طبقه مرفه یا نهایتاً متوسط روبه‌بالا هستند و فقط چند دهک برخوردار جامعه از خدماتش استفاده می‌کنند و آیا دولت نمی‌توانست این یارانه را در محل مناسب‌تری هزینه کند؟ به‌ویژه آنکه پس از مدتی مشخص شود حتی همین یارانه ارزی هم به مصرف‌کننده نرسیده و جایی در این بین به جیب زده شده است. آخرین گزارش در این رابطه را محمدجواد آذری‌جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، ارائه داده است. جهرمی می‌گوید: «اولین بازرسی تعزیراتی از شرکت نودیس‌پرداز نشان می‌دهد این شرکت حدود ۲۰ هزار گوشی آیفون وارد کرده که ۱۵ هزار تای آن را یکجا و با قیمت دو میلیون تومان گران‌تر از معمول به یک شرکت واگذار کرده و پنج هزار گوشی را در انبار موجود داشته است». نکته اول اینکه این شرکت در حالی پنج هزار تلفن همراه در انبار ذخیره کرده است که این محصولات در فروشگاه اینترنتی این شرکت «ناموجود» هستند. نکته دوم سود بالاتر از معمول دو میلیون تومانی برای هر تلفن همراه است که این شرکت از شرکت دوم دریافت کرده و با یک حساب سرانگشتی مشخص می‌کند این معامله برای شرکت نودیس‌پرداز ۳۰ میلیارد تومان سود مضاعف داشته است. به عبارت ساده‌تر دولت میلیون‌ها یورو ارز یارانه‌ای در اختیار شرکتی قرار داده و نه‌تنها نیمی از این ارز هنوز به کالا تبدیل نشده، بلکه قسمتی از آن نیز که منجر به واردات شده یا در انبار شرکت ذخیره شده یا با سودی نجومی به شرکت دیگری فروخته شده و از آن طریق وارد بازار شده تا مصرف‌کنندگان نگویند این محصولات را با قیمتی غیرقابل مقایسه با قیمت تمام‌شده آن خریداری کنند. سود مضاعف این معامله با یک حساب سرانگشتی به اندازه حقوق دو هزار سال یک کارگر ایرانی است. به گفته سخنگوی سازمان تعزیرات حکومتی، یک شرکت ۲۲ میلیون یورو ارز دولتی برای واردات تلفن همراه دریافت کرده و از این رقم فقط ۱۳ میلیون یورو تلفن همراه وارد کرده و ۹ میلیون یورو آن بلامتکلیف است.

نگاهی به مالکان شرکت‌های واردکننده تلفن همراه که ارز یارانه‌ای دریافت کرده‌اند نشان می‌دهد برخی از این افراد در شرکت‌های دیگر نیز سهامدار یا مدیر هستند و برخی از شرکت‌ها نیز به‌عنوان عضو حقوقی شرکت دیگر فعالیت می‌کنند؛ برای مثال شرکت ایماهمراه که ۲۰ میلیون یورو ارز مبادله‌ای دریافت کرده و بیش از ۱۱ میلیون یورو آن هنوز بلا تکلیف است، به‌عنوان شخصیت حقوقی، رئیس هیئت‌مدیره شرکت کاریان‌همراه است که ۱۳ میلیون یورو ارز مبادله‌ای دریافت کرده و فقط هفت میلیون یورو آن را صرف واردات کرده است! **مهندس عظیمی** فرمانده قرارگاه کربلاي جهاد سازندگی در گفت‌وگوی تفضیلی فارس:

انحلال جهاد سازندگی با تبدیل به وزارتخانه شروع شد/ خدمت‌رسانی به روستائیان و مناطق محروم بدون متولی شد



جهادگر پیش‌کسوت معتقد است، جهاد سازندگی از وقتی به وزارتخانه تبدیل شد، در اصل منحل شد، چرا که دیگر کار مردم و روستائیان وارد بروکرسی‌های اداری شد و دیگر مستقیم زیر نظر رهبر نبود.

خبرگزاری فارس - گروه اقتصادی - **فاطمه بیات**، حسینعلی عظیمی در بدو ورود آنچه که در مقابل دیدم با آنچه که در ذهنم تصور می‌کردم، کاملاً تفاوت داشت. مردی تکیده با چهره‌ای زردرنگ و عرقچینی خاکی رنگ بر سرش که هنوز نقاهت مجروحیت دوران جنگ را با خود حمل می‌کرد، اگرچه تمایل نداشت تا کلامی از رنج‌هایش به زبان بیاورد، اما نفس به‌شماره افتاده‌اش این را به من فهماند که او هم جزو جانبازان شیمیایی دوران دفاع مقدس است. با تمام تلخی‌های این روزگار هنوز حال و هوای دهه اول انقلاب اسلامی را دارد و تأکید می‌کند که در قاب چهارگوش عکس حتماً عکس امام هم در مصاحبه باشد.

حسینعلی عظیمی اکنون 70 ساله شده است. او فوق لیسانس رشته عمران از دانشگاه شیراز در سال 1352 است که در تمام سال‌های دفاع مقدس دانش و توان خود را در کارهای جهادی از خاکریز جنگ گرفته تا عمران و آبادی در اقصای نقاط روستایی کشور به کار گرفته است.

مصاحبه یک ساعت و نیمه ما را با این **اسطوره جهادی** که شاید این روزها کمتر در رسانه‌ها دیده شود، می‌خوانید: **فارس:** شما یکی از پیش‌کسوتان حوزه جهاد سازندگی هستید. از چه زمانی فعالیت جهادگری را آغاز کردید؟ در عین حال با توجه به مشکلاتی که این‌روزها در عرصه اقتصادی کشور و فعالیت وجود دارد، این ذهنیت هست که ای کاش وزارت جهاد در وزارت کشاورزی ادغام نمی‌شد تا بتواند به فعالیت‌های جهادی خود به سرعت ادامه دهد و شاید این روزها آن‌طور که باید کارهای جهادی اتفاق نمی‌افتد.

عظیمی: این حرف را بارها گفته‌ام. نسل شما انحلال جهاد سازندگی را در سال 1379 (سال ادغام وزارتین جهاد سازندگی و کشاورزی و تشکیل وزارت جهاد کشاورزی) تصور می‌کند، در صورتی که تصور درستی نیست. جهاد سازندگی که به صورت یک نهاد و بازوی اقتصادی امام خمینی (ره) بود، از موقعی که به وزارتخانه (1362) تغییر یافت، ماهیتش هم تغییر کرد.

فارس: یعنی تا زمانی که وزارتخانه نبود، فعالیت‌هایش را بهتر انجام می‌داد؟

عظیمی: بله، از وقتی که تبدیل به وزارتخانه شد، با مقرراتی که برایش گذاشتند، اختیارش گرفته شد که کم‌کم مانند سمی در این سازمان نفوذ کرد و منجمد شد.

فارس: یعنی می‌خواهید بگویید از وظیفه جهادی خود دور شد؟

عظیمی: بله، از جهادی بودنش دور شد و یک وظیفه‌ای دادند که لایروبی قنات با وزارت جهاد باشد.

فارس: البته آن چیزی که بنده تحقیق کردم، وظایف وزارت جهاد طبق مصوبات مجلس در سال 62 فعالیت در امور دام را دادند، سال 66 تأمین شیلات و آبزیان را دادند...

عظیمی: این را شما بدانید که از زمانی که نهاد انقلابی جهاد سازندگی تبدیل به وزارت جهاد سازندگی شد، دیگر فعالیتش سازندگی نبود؛ چراکه در ابتدا یک تشکیلات شورایی داشت که نماینده امام خمینی در آن حضور داشت. حق رأی و حق وتو در مسائل شرعی داشت، بعد که وزارتخانه شد، مسئول آن وزیری شد که باید به مجلس پاسخ می‌داد نه به رهبر. از سال 63 تا 69 دیگر التماس می‌کردند که کاری به وزارت جهاد بدهید، انجام دهد و وزارتخانه‌ای بود که هیچ وظیفه‌ای جز لایروبی قنات نداشت.

فارس: مگر مسائل عمرانی روستاها و کارهای ترویجی و آموزش در حوزه کشاورزی و بهداشت بر عهده جهاد نبود؟

عظیمی: نه! پس از وزارتخانه شدن همه را گرفتند. گفتند آبرسانی را بدهید به وزارت بهداشت و شما بروید پیمانکار او شوید؛ یا راهسازی با وزارت راه است، شما پیمانکار وزارت راه شوید. مدرسه‌سازی با آموزش و پرورش، شما پیمانکار آموزش و پرورش شوید، همین‌طور در مورد کشاورزی. مضاف بر این زمانی که جهاد سازندگی یک نهاد بود، مردم به جهاد سازندگی کمک می‌کردند.

فارس: یعنی می‌خواهید بگویید آن فعالیت‌های جهادی که قبل از وزارتخانه شدن این نهاد انجام می‌شد، کمرنگ شد؟

عظیمی: در همان سال 63 یک عده شورای مرکزی جهاد را که همان مسئولان اصلی جهاد بودند، رها کردند تا رده‌های پایین؛ چراکه برای کارمند شدن به جهاد نیامده بودند. جهادی بودند و به مرور پای مردم از جهاد و فعالیت‌های جهادی قطع شد. مردم روحیات خاصی نسبت به تشکیلات دولتی دارند، مثلاً آیا الان به اداره ثبت کمک می‌کنند؟ یا به وزارت جهاد کشاورزی پول می‌دهند، نه، نمی‌دهند، مردم روحیات خاصی نسبت به تشکیلات دولتی دارند.

قبل از آن جهاد سازندگی در کنار دولت بود، مثلاً دولت می‌گفت مشکل ما اکنون ذخیره‌سازی گندم است، بلافاصله جهاد سیلو می‌ساخت. بزرگترین مشکلی که در کشور پیش آمد جنگ تحمیلی بود. جهاد سازندگی در زمان جنگ مشکلاتی مانند سنگ‌سازی، پل سازی و احداث راه و امثالهم را انجام می‌داد. **عمده نیروهای جهاد بعد از 15 ماه که جهاد تشکیل شده بود، به جنگ رفتند و در کوران جنگ هم دیگر کسی حواسش نبود که جهاد سازندگی را جمع کرده و تبدیل به وزارتخانه کرده‌اند، ولی تا سال دهم انقلاب و پایان جنگ، موسسه‌ای بنام سازمان پ.م.ج.ج (پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد) وجود داشت که نیروهای فنی و مهندسی از استان‌های مختلف به عنوان نیروی جهادی به جبهه می‌آمدند.**

در کنار آن سال امام دید جهادگران در وزارت جهاد بیکارند، امور شیلات را به وزارت جهاد سازندگی سپرد. شیلات یک سازمان سنتی و قدیمی بود که به صورت سنتی اداره می‌شد و شاه یکی از تیمسارها را به عنوان مسئول آن می‌گذاشت. از موقعی که شیلات را به جهاد سازندگی دادند، انفجار توسعه در این بخش رخ داد.

فارس: مثلاً آن انفجار توسعه‌ای که می‌گویید، چه بود؟

عظیمی: سرانه مصرف ماهی از دو تا سه کیلوگرم در کشور به 9 تا 11 کیلوگرم رسید و شیلات ایران حدود 16 درصد رشد کرد. در تاریخ توسعه هیچ بخشی این‌گونه رشد نکرده است. پرورش میگو را جهادگران از کشورهای خارجی وارد ایران کردند و اصلاً کسی نمی‌دانست میگوی پرورشی چیست. کسی ماهی قزل‌آلا نمی‌خورد. مصرف ماهی محدود شده بود به صید طبیعی ماهی از دریا یا رودخانه و می‌گفتند، ماهی خوراک اشراف است و آبزی‌پروری را بچه‌های جهاد سازندگی سامان دادند و شیلات زیر و رو شد. سال 69 هم یکسری فعالیت‌های آبخیزداری را به جهاد سازندگی سپردند، اما باز باید گفت، مگر یک سازمان دولتی چه کار می‌تواند بکند و این سرنوشت محتوم بود که بالاخره باید بخش جهاد و کشاورزی با هم ادغام می‌شدند که این ادغام در سال 1379 اتفاق افتاد.

فارس: شما در ابتدای صحبت‌هایتان فرمودید کمرنگ شدن فعالیت‌های جهادی با تشکیل وزارت جهاد سازندگی اتفاق افتاد. حالا سؤال من این است؛ از زمانی که وزارت جهاد باز با وزارت کشاورزی ادغام شد، دوباره افتی در این حوزه نداشتیم؟

عظیمی: به نظر من یکسری از جهادگران قدیمی که هنوز روحیه جهادی داشتند، در این وزارتخانه حضور داشتند و بویی از تلاش برای استقلال و خودکفایی که وظیفه جهاد بود، هنوز به مشام می‌رسید، ولی ساختار اداری‌ای که حاکم بود، برای جهاد نبود، اگرچه دو قسمت جهاد و کشاورزی یک متصدی داشت و هماهنگی‌ها بیشتر بود.

فارس: می‌خواهیم کمی برگردیم به عقب؛ به زمانی که جهاد سازندگی با همان ماهیت مردمی تازه تشکیل شده، همان 27 خرداد سال 58. لطفاً توضیحاتی در مورد نحوه عملکرد جهادگران در همان زمان در روستاها بفرمایید؛ اینکه پروژه‌های عمرانی جهادی در روستاها چگونه پیش می‌رفت یا کارهای ترویجی.

عظیمی: امام خمینی، جهاد سازندگی را در بخش اقتصادی انقلاب تشکیل دادند و سپاه را در بخش امنیتی انقلاب اسلامی؛ تفاوت یک نهاد انقلابی با اداره در این است که اولویت کارهایش همیشه اولویتی است که انقلاب اسلامی دارد. اینکه می‌بینید وقتی جنگ تحمیلی روی داد، بچه‌های جهاد به جنگ رفتند و زمانی که جهاد شروع به کار کرد، اولویت اولش محرومیت‌زدایی از روستاها بود. از 80 هزار روستایی که آن زمان بود و اکنون خیلی از آنها تخلیه شده است، تنها روستاهایی راه داشتند که کنار جاده‌های اصلی قرار داشتند. بسیاری از روستاها قاطر رو بودند، یا فقط با موتورسیکلت رفت‌وآمد می‌کردند؛ یا آب لوله‌کشی، بهداشت و حمام بهداشتی اصلاً در روستاها وجود نداشت. البته اولویت‌های دیگری بود که جهاد به سراغ آنها رفت. مثلاً تمام گندم مصرفی کشور از خارج وارد می‌شد و کشتی‌ها طی سال برای تخلیه گندم در نوبت بودند.

فارس: پس کشاورزی ما در آن زمان در چه حد بود و چه چیزی کشت می‌شد؟

عظیمی: با ورود امام خمینی به کشور، ایشان در همان سال اول فرمان دادند گندم در کشور بکارید که مردم در سال 58 در کشت بهار گندم کاشتند. بعد احتیاج به سیلو داشتیم تا بتوانیم مازاد بر نیاز را ذخیره کنیم. بچه‌های جهاد سازندگی سیلوسازی را شروع کردند.

فارس: یعنی هیچ سیلویی در کشور نداشتیم؟

عظیمی: فقط چند سیلوی کوچک بود که در طی سال از آنها استفاده می‌شد، والسلام. ولی جهادگران خیلی زود متوجه شدند که کشاورزی ما خیلی عقب‌افتاده است و باید کارهای زیادی انجام شود. باید از فنون، تکنولوژی و ماشین‌آلات جدید در بخش کشاورزی استفاده شود. نخستین ماشین‌های بوجاری را جهادی‌ها ساختند؛ دستگاهی را ساختند که پشت تراکتورهای قدیمی رومانیایی بسته می‌شد و جای گاواهن را گرفت.

فارس: ادعای شاه این بود که تکنولوژی روز را به کشور آورده است، پس چگونه ما حتی یک ماشین کشاورزی جایگزین گاواهن نداشتیم.

عظیمی: در واردات از خارج باز بود و نگرش خوبی روی کشاورز و روستایی وجود نداشت و کشاورزان احترامی نداشتند و در برنامه‌های تلویزیونی کشاورز روستایی را در قالب جوک و به عنوان یک فرد احمق، نادان و بی‌اطلاع نشان می‌دادند. تا جایی که جوان‌ها خجالت می‌کشیدند، بگویند ما روستایی هستیم. با تشکیل جهاد سازندگی و احترامی که به روستائیان گذاشته شد، جو غالب جامعه برگشت و با فعالیت جهاد در روستاها، مهاجرت معکوس آغاز شد و روستائیان اگرچه تمام مسائلشان حل نشد، اما امیدوار شدند. چون شاهد تلاش جهادگران بودند که جاده فلان روستا کشیده شد و پایگاه روستائیان در شهرها، اداره جهاد شد. جهاد با مردم قاطی بود و مردم جهاد را از خودشان می‌دانستند. الان وقتی می‌خواهند یک مدرسه بسازند، پیمانکار پس از اتمام کارهای مهندسی هزینه‌ها را برآورد می‌کند و بابت تمام کارها از دولت پول می‌گیرد، اما جهاد مثلاً برای انجام یک لوله‌کشی اقلام موردنیاز را تأمین می‌کرد و کارهای مهندسی را انجام می‌داد، کارهای ساده‌تر مانند حفاری زمین و استفاده از نیروی کارگری توسط خود مردم انجام می‌شد و کار با سرعت بیشتر و هزینه کمتر پیش می‌رفت.

فارس: به تعبیر دیگر می‌توان گفت در آن زمان بودجه‌های عمرانی دولت کمتر مصرف می‌شد.

عظیمی: بله، با یک بودجه اندک، سه برابر کار انجام می‌گرفت و کار در تمام اقصی نقاط کشور پیش می‌رفت، چون نیروها داوطلب فعالیت می‌کردند و مثل پیمانکاران کنونی بهانه نمی‌گرفتند.

فارس: نیروهای هسته اولیه جهاد سازندگی چگونه و از کجا شکل گرفتند؟

عظیمی: بیشتر دانشجویان بودند، دانشجویان پیرو خط امام و از قبل به دنبال این بودند که دین خود را به شهدای انقلاب ادا کنند. این افراد احساس بدهکاری می‌کردند و با توجه به پیامی که امام صادر کردند «که این مخروطه را باید بسازیم»، کار جهادی با اولویت روستاها آغاز شد. جهادگران شروع به آموزش و راهنمایی روستائیان برای استفاده از ابزار جدید در حوزه کشاورزی کردند، معرفی کشت‌های جدید و مسائلی همچون لوله‌کشی آب آشامیدنی و آموزش‌های بهداشتی تا جایی که یک هزار روستا در مدت کوتاهی صاحب آب آشامیدنی شدند و در 3-4 سال اول انقلاب اسلامی، زحمت‌های فراوانی کشیده شد و حتی زمانی که جهاد سازندگی تبدیل به وزارتخانه شد، مدت یکی، دو سال طول کشید تا موج قوانین وزارتخانه شدن به روستاها برسد.

زمانی دام‌ها گرفتار بیماری بودند که واکسیناسیون دام و طیور در همان زمان در روستاها آغاز شد. چون زمانی یکسری مرغ پرورشی از خارج وارد شده بود که به بیماری نیوکاسل مبتلا بودند و حجم زیادی از مرغ‌های بومی هم بر اثر این

بیماری از بین رفته بود که جهادگران واکسیناسیون گسترده علیه این بیماری را در روستاها آغاز کردند. جهادگران حمام و حوض‌های ضدکنه ساختند که دام‌ها ضدعفونی شوند.

فارس: فکر می‌کنم ریشه‌کنی سراسری فلج اطفال و توزیع قطره بین کودکان هم توسط جهادگران انجام شد.

عظیمی: بله، این یکی از خدمات جهادگران در حوزه بهداشت بود. مهمترین کاری که جهادگران انجام دادند این بود که روستا مدیریت درستی نداشت و از هم پاشیده شده بود. جهاد برای مدیریت روستا شورای اسلامی تشکیل داد که بعد از آن در سال‌های بعد قوانین شوراها هم مصوب شد. تمام نهادهای کشاورزی در روستاها بستر مناسبی نداشت و خاکی بود که جهادگران این نهرا را کانال‌کشی و سیمانی کردند تا از هدررفت آب جلوگیری شود. در نتیجه آب روستاها افزایش یافت و کشاورزی رونق بیشتری گرفت.

فارس: چند سال این اتفاقات ادامه داشت؟

عظیمی: تقریباً تا یکی، دو سال بعد از آن که جهاد به وزارتخانه تبدیل شد. پس از آن کم‌کم مشکلات روستائیان گرفتار دستور این رئیس و آن رئیس و بروکراسی اداری شد، در صورتی که پیش از آن هنگامی که جهاد یک نهاد مردمی بود، مسئول مستقیم برای اجرای یک کار دستور می‌داد.

فارس: حالا می‌خواهیم در مورد نقش جهادگران در جنگ بپرسیم. بچه‌های جهاد چه نقش ویژه‌ای در جنگ داشتند؟

عظیمی: اصلاً اگر جهاد نبود، پیروزی‌ها در جنگ به این شکل به دست نمی‌آمد. پس از آنکه جنگ آغاز شد مردم دسته دسته و هزاران هزاران نفر از ساکنان شهرهایی که جنگ در آنها شدت گرفته بود، مانند آبادان، خرمشهر، سوسنگرد، تبدیل به مهاجر جنگی شدند که به شهرهای بزرگ پناه آوردند. حتی شهر اهواز به آن بزرگی تخلیه شده بود، چون دشمن به نزدیکی اهواز رسیده بود. چه کسی باید مشکلات اینها را حل می‌کرد، بهترین گزینه جهادگران بودند. باید این خانواده‌ها اسکان می‌یافتند، غذای آنها تأمین می‌شد، انگار که زلزله بسیار بزرگی آمده باشد.

از آن طرف بچه‌های جهاد سازندگی دیدند رزمندگان ما در خط مقدم با مشکلی به عنوان خاکریز مواجه‌اند، برخی جهادگران از محل خدمتشان از روستاها مستقیم عازم جبهه شدند. نداشتن سنگر یکی از دلایلی بود که در ابتدای جنگ آمار تلفات را بالا می‌برد. دلاورانی باید پشت لودر نشسته و خاکریز می‌زدند.

فارس: پس ما شهیدها داده‌ایم برای زدن خاکریز!

عظیمی: بله، خیلی. به مرور با همت جهادگران در ایجاد خاکریز و سنگرسازی مهارت پیدا کردیم و ایران تبدیل شدیم به یکی از با تجربه‌ترین کشورها در سنگرسازی و هنوز عملیاتی‌تر از سنگرهای 5 ضلعی ما نه ناتو دارد، نه آمریکایی‌ها و نه اسرائیلی‌ها و 7-8 سال نیروهای رزمنده در همین سنگرهایی که جهادگران ساخته بودند زیر گلوله و بمب و آتش زندگی کردند. ده‌ها نوع پل در مناطق جنگی توسط بچه‌های جهاد ابداع شد. موقعی که آبادان در محاصره بود، در یک سال اول جهادی‌ها روی رودخانه بهمن‌شیر جاده کشیدند و پل زدند، منتها چون آن زمان جنگ بود، حرفی از این راه و مسیر زده نشد، تا ناامن نشود و از آن پل تردد انجام می‌شد، آذوقه می‌رفت، آمبولانس می‌رفت و در طول یک سال و اندی که آبادان در حصر بود، بچه‌های جهادی روزانه مشغول کار بودند و هر روز 50 متر خاکریزها را به جلو می‌بردند. داستان‌ها از این دست زیاد است و اما در سال پایان جنگ، مأموریت امداد و بازسازی زلزله رودبار را به جهادی‌ها محول کردند. آن آخرین مأموریت بچه‌های جنگ جهاد بود، اما در دوران سازندگی بزرگترین نیروی سازندگی کشور که در زیر آتش فعالیت می‌کرد، منحل شد و خلاصه سرش را بریدند و این خیلی عجیب بود و اگر جهاد سازندگی برمی‌گشت، سازمان مهندسی و اجرایی ما الان نباید در این حد می‌بود؛ چراکه سیستم مشاور، کارفرما و پیمانکار یک سیستم قدیمی و کند است و هنوز دستگاه‌های مدیریتی کشور درک نمی‌کنند که EPC چیست و برای چه چیزی درست شده است و متأسفانه این سیستم عقب‌افتاده قدیمی وارد سیستم اجرایی کشور شد و شد ضرب‌المثل آفتابه لگن صد دست... هزینه زیاد، اضافی و گران و در نتیجه کار کند.

بچه‌های جهاد سازندگی پل خیبر را ساختند، اگر شرح آن را شنیده باشید، 14 کیلومتر پل از ایران تا جزیره مجنون شمالی زده شد. پل شناوری که حتی یک ستون هم نداشت که مهندسی فوق‌العاده‌ای داشت و حتی مدیریت کشور هم تکان خورد. هدایت این موضوع در دستان جهادگران بود و جوان 24 ساله‌ای مدیر پروژه بود.

فارس: با حداقل هزینه؟

عظیمی: بله، حتی همه روزنامه‌های خارجی نوشتند که ایران 14 کیلومتر پل به جزیره مجنون زده است. 30 کیلومتر پل ساخته شد و جالب اینجاست که هر جا دشمن این پل‌ها را بمباران می‌کرد، ساخت پل به‌گونه‌ای بود که در مدت کوتاهی مانند پازل قسمت‌های تخریب‌شده دوباره چیده شده و ترمیم می‌شد و اصلاً باورشان نمی‌شد که ایران به جزایر پل زده است، چون عراق اصرار داشت جزایر را پس بگیرد و از زمانی که نیروهای نظامی به جهاد ابلاغ کردند که پل خیبر باید ساخته شود، در عرض دو ماه انجام شد. قطعات این پل بدون آنکه کسی بداند به چه مصرفی برسد در تمام کارخانه‌های کشور ساخته شد.

فارس: شما تا آخرین روزهای جنگ به عنوان جهادگر در جبهه حضور داشتید؟

عظیمی: بله.

فارس: 40 سال از عمر انقلاب اسلامی می‌گذارد، اما جالب است؛ از ابتدای شروع مصاحبه با شما احساس کردم، شما همچنان روحیه همان دهه اول انقلاب اسلامی را دارید. الان دولت به دلیل کمبود بودجه بسیاری از کارهای عمرانی را نمی‌تواند انجام دهد و پروژه‌های عمرانی کشور با مشکل روبه‌رو شده است و اگر جهاد با همان روحیه مردمی گذشته بود، می‌توانست مشکلی را حل کند؟

عظیمی: تاریخ به عقب برنمی‌گردد. الان شرایط خود را دارد و آن زمان هم شرایط خاص خود را داشت، ما باید از این تجربه برای امروز استفاده کنیم، جهاد یک نهاد انقلابی بود که اولویت اولش اولویت انقلاب اسلامی بود و الان باید دید اولویت انقلاب چیست. در آن زمان یکی می‌آمد می‌گفت من نقشه‌برداری بلد، یکی می‌گفت تراشکاری. بسته به توانمندی افراد و نیاز جبهه و جنگ و روستاها از افراد استفاده می‌کردیم.

*** الان بت تکنولوژی که کشورهای غربی صاحب آن هستند چشم‌ها را پر کرده است**

ما در 17 رشته آموزشی در آن زمان به افراد جهادی آموزش داده و آنها را به کار می‌گرفتیم. امروز مقام معظم رهبری بر اقتصاد مقاومتی تأکید دارند. هدف از اقتصاد مقاومتی استقلال است، یعنی ما وابسته به خارج نباشیم. **الان بت تکنولوژی که کشورهای غربی صاحب آن هستند چشم‌ها را پر کرده است.** اولویت اقتصادی پیروی از کاپیتالیسم و ساختن تعداد زیادی فروشگاه زنجیره‌ای نیست. الان بانک‌ها تمام پول مردم، چنصد هزار میلیارد را گرفته‌اند، تبدیل به ساختمان، برج و پاساژ و مرکز خرید کرده‌اند. مگر ما چقدر فروشنده نیاز داریم، از داخل اینها یک دانه گندم هم در نمی‌آید یا یک فناوری جدید، یک آی‌سی یا یک دستگاه موبایل از توی آن در نمی‌آید.

*** اقتصاد کاپیتالیستی فاسد است**

این اقتصاد فاسد و خراب است، این اقتصاد کاپیتالیستی است که اکنون حاکم است. اگر جهاد الان بود به سراغ علت می‌رفت و راه استقلال و جلوگیری از وابستگی. ما الان در فناوری پیشرفته وابسته‌ایم، محتاج هواپیما، موبایل و انواع مواد اولیه هستیم. چند روز پیش در مجلس، آقای جهانگیری جلسه محرمانه برای تأمین ارز تولیدکنندگان داشت. سؤال اینجاست که **چرا تولیدکننده داخلی باید نیاز به ارز داشته باشد، این به مفهوم این است که به تمام مواد اولیه و قطعات وابسته‌ایم.** ما می‌گوییم در حوزه‌های مختلف، معادن مختلفی داریم، اما مواد اولیه محصول فناوری پیشرفته است. مواد خام ما به خارج می‌رود، با فناوری غربی‌ها تبدیل به مواد پلیمری، الکترونیکی، ورق فولاد، کاغذ یا امثالهم می‌شود، حتی ظروف بسته‌بندی لبنیات ما، مواد اولیه‌اش خارجی است. حتی ماشین‌آلات قالب این ظروف هم خارجی است و حتی ماشین چاپ، رنگ و کاغذ بسته‌بندی ما خارجی است.

وقتی نگاه می‌کنید، می‌بینید حتی بسته‌بندی آب خوردن ما مونتاژ و وارداتی است و همه‌اش محتاجیم. یک فرد روستایی که تمام دارایی‌اش 5 میلیون تومان هم نمی‌شود، گرفتار بیماری می‌شود یا درچه قلب آمریکایی بخرند 12 میلیون تومان. اینجا دیگر کسی نمی‌گوید ما با آمریکا در جنگیم، بحث حیات مطرح است. یا در تکنولوژی ساخت ماشین، کیسه‌های هوا را باید به قیمت خون پدرشان از خارج بخریم و وارد کنیم و تکنولوژی ساخت کیسه هوا (ایربگ) نداریم.

*** خدشه در استقلال با وابستگی در همه چیز**

ما وابسته‌ایم و این وابستگی الان استقلال ما را خدشه‌دار و گرفتارمان کرده است و حتی استقلال سیاسی‌مان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین اگر جهادی‌ها بودند، الان به سراغ تکنولوژی پیشرفته می‌رفتند. یعنی ظرف مدت 10 سال می‌توانستیم به فناوری اول دنیا برسیم. کشورهای اسلامی 400 سال گذشته در فناوری دنیا اول بودند. باید الان تاریخ برگردد و نسل جوان جهادی مأموریتش اکنون کارهای فناوری پیشرفته است.

*** شرکت جهادی کارتر از شرکت دانش بنیان کاسب**

شرکت دانش بنیان اگرچه خوب است، اما جهادی نیست، یک فناوری را به دست می‌آورد و برای گذران معیشت، آن فناوری را می‌فروشد، درحالی‌که هر جهادی دستاوردی که داشت را برای مردم و با مردم خرج می‌کرد.

فارس: خیلی جالب است. با تمام اتفاقاتی که در این 4 دهه افتاده، روحیه شما قابل تحسین است. انگار که اکنون در سال 64 نشسته‌ایم و مصاحبه می‌کنیم. در روحیه جهادی شما تأثیر نداشته است.

عظیمی: الان هم اتفاقی که در کشور می‌افتد، مرهون زحمات همان جهادی‌هاست. اگرچه بعد از پایان جنگ سازمان مدیریت جنگ جهاد سازندگی جمع شد، اما تاریخ را نباید فراموش کرد که گاهی در آن شکست‌هایی هم داشته‌ایم.

*** تبدیل جهاد سازندگی به وزارتخانه یک شکست بود**

در حوزه جهاد یک شکست این بود که جهاد از نهاد مردمی به وزارتخانه تبدیل شد، شکست دوم این بود که سازمان مهندسی جنگ جهاد (پ.م.ج.ج) که نیروی سوم جنگ بود، منحل شد. اینها اتفاقات بسیار بزرگی است که نسل جوان اصلاً از آن خبر ندارد. یک زمانی برای آموزش و انتقال تجربیات جهادی به فرزندان حزب‌الله لبنان رفته بودم. خیلی جالب بود، یکی از نخبگان همین افراد می‌گفت، همین‌طور که ولی امر مسلمین و رهبر انقلاب باید بازوی مستقیم نظامی داشته باشد که در مسائل امنیتی هم و غم رهبر را داشته باشد و منعطف باشد، همان‌طور ولی امر مسلمین در یک کشور اسلامی باید یک بازویی می‌داشت که در مسائل اقتصادی فقط منویات ولی امر را پیگیری کند.

فارس: اما ظاهراً ما در مسائل سیاسی این‌گونه عمل کرده‌ایم.

عظیمی: آنها معتقدند که امام خمینی سپاه را برای مسائل امنیتی تشکیل داد و برای مسائل اقتصادی، جهاد را و امام قبل از رحلتشان هم پیام مستقیمی به جهادی‌ها داشتند، اما دولت مردان نفهمیدند که جهاد می‌تواند چه اثرگذاری داشته باشد و آن را منحل کردند و بعد به همین دلیل ایران در اقتصاد شکست خورد.

*** ایران در سیاست و امنیت موفق و در اقتصاد ناموفق**

این فرد حزب‌الله لبنان می‌گفت اکنون که به کشورهای مسلمان می‌رویم، همه می‌گویند ایران در سیاست و امنیت بسیار موفق عمل کرده است، اما وقتی بحث اقتصاد می‌کنیم، می‌گویند انقلاب ایران در اقتصاد موفق نبوده است و الگوی مالزی و ترکیه را مدنظر قرار می‌دهند، درحالی‌که جهاد سازندگی می‌توانست الگوی همه باشد.

غالب کارهای بزرگی که در اقتصاد و فناری کشور اتفاق افتاده، توسط فرزندان جنگ جهاد اتفاق افتاده است.

فارس: بله! همین احیای اراضی خوزستان هم توسط جهادگران در حال انجام است.

عظیمی: این یکی از همه آنهاست. شما اگر برگردید، متوجه می‌شوید که فرزندان جهاد کار ساخت نیروگاه را آغاز کرده‌اند و مپنا یکی از آنهاست که اکنون یکی از 10 استعداد بزرگ دنیا در نیروگاه‌سازی است که با زیمنس آلمان، آلستوم فرانسه و شرکت‌های آمریکایی رقابت دارد و در مناقصه‌های بین‌المللی برنده می‌شود. این استعداد بزرگ از صفر و بعد از جنگ توسط بچه‌های جهاد آغاز شد. توربین‌های گاز همین‌طور و اکنون توربین‌های گاز را هم دارند می‌سازند. سدسازی را هم جهادی‌ها شروع کردند و نیروگاه‌های آبی بزرگ مانند کارون 3 که جزو بزرگترین نیروگاه‌های آبی دنیا است، همه را بچه‌های جهاد ساختند. کارخانه‌های تصفیه نمک و شیرخشک هم توسط بچه‌های جهاد ساخته شد و اکنون شیر خشک صادر می‌کنیم. اکنون کشتارگاه‌های صنعتی در دنیا می‌سازیم که همه اینها را فرزندان جهاد سازندگی طراحی کرده و ساخته‌اند.

فارس: یعنی هر کجا که به جهادگران میدان دادند، نتیجه‌اش شکل‌گیری یک کار بزرگ بود.

عظیمی: بله! اگر سازمان پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد باقی می‌ماند و به فعالیت خود ادامه می‌داد و الگوی ساختن در کشور می‌شد، مطمئنم که اکنون مجبور بودیم برای تأمین نیرو از کشورهای دیگر نیروی کار وارد کنیم و نیرو کم می‌آوردیم، ولی الان اقتصاد ما به این شکل فاسد شده است و کلام آخر اینکه باید مدیریت جهادی که مردم در آن دخیل باشند، دوباره احیا شود، نه آنکه یک کارمند دولتی پشت میز بنشیند، حقوقش را بگیرد و دغدغه‌ای نداشته باشد.

!ترامپ می خواهد گلوی نفتی ایران را بگیرد

راشیا تودی ترجمه رضا نافعى

واشنگتن از توکیو خواست تا خرید نفت خام از ایران را متوقف سازد و مصرانه خواستار آن شد که از هر نوع معامله با ایران خودداری کند. پالایشگاهها جایگزینی نفت ایران را ممکن می دانند.

گویا این تقاضا در هفته گذشته در جلسه ای با حضور نمایندگان امریکا و توکیو مطرح شده است. ولی تصمیم نهائی در این باره اتخاذ نشده، قرار است گفتگو ها ادامه یابد.

مواضعی سخت تر از آغاز مذاکرات در باره مسئله اتمی ایران. این ابتکار نشانگر آنست که واشنگتن در برابر ایران مواضعی سخت تر از سال 2012 اتخاذ خواهد کرد. شش سال پیش، قبل از انعقاد قرارداد، واشنگتن از همپیمانهای خود می خواست که خرید نفت از ایران را فقط تقلیل دهند و آن را بکلی متوقف نسازند.

ژاپن در آسیا چهارمین خریدار بزرگ نفت خام ایران است. ژاپن 3،5 در صد از نفت مورد نیاز خود را که تقریباً بالغ بر 172 هزار بشکه در روز است، از ایران تامین می کند.

پالایشگاههای ژاپن قبلاً اعلام کرده بودند که می توانند نفت خام دیگر کشورها را جانشین نفت ایران سازند، هرچند که دستگاههای آنها برای تصفیه نفت ایران تنظیم شده است.

بعضی تحلیلگران خواست های آمریکا را تاکتیکی می دانند که عمداً قبل از مذاکرات تجاری . میان دو متحد به کار گرفته شده.

این تکتیک می تواند چنین باشد که امریکا نخست خواست بزرگی را مطرح می کند تا بعداً در طی مذاکرات راه حل ملایم تری را به کرسی بنشاند.

ساترو یوشیدا یک کارگزار خرید و فروش اوراق بهادار به بلومبرگ گفت حتی اگر امریکا از ژاپن بخواهد از خرید نفت خام ایران بکلی صرفنظر کند – که یک مانع بزرگ محسوب می شود- می تواند بعداً سطح توقع خود را کاهش دهد.

همزمان با انتشار مطلب بالا، اشپیگل آنلاین آلمان نیز نوشت: « ترامپ با گرفتن گلوله نفتی ایران استراتژی سرنگونی نظام را پی می گیرد »!

از مضمون این دو مطلب چنین استنباط می شود که ترامپ حداقل در شرایط کنونی قصد حمله نظامی به ایران را ندارد و به همان فشردن گلوله نفتی ایران قانع است زیرا بر این یقین است که فشار اقتصادی موجب به خیابان آمدن مردم و سقوط نظام حاکم بر ایران می شود. و عجیب است که بازار سنتی ایران که رهبری آن را جناح راست حکومت در اختیار دارد، جلوجلو به استقبال استراتژی ترامپ رفته است. اشپیگل آنلاین در ادامه می نویسد:

یک مقام امریکائی می گوید: مردم ایران خسته شده اند از بس که باید برای عواقب سیاست «آخوندها هزینه بپردازند».

سخنرانی روحانی در جمع مدیران ارشد

در برابر ترامپ سه گزینه اصلی، بیشتر نداریم

حسن روحانی عصر چهارشنبه در نشست مدیران ارشد دولت گفت:

آمریکایی‌ها هرگز تصور نمی‌کردند که از برجام خارج شوند و جمهوری اسلامی ایران نیز چند ساعت بعد اعلام نکند که از این توافق خارج شده است؛ این را با سند و مدرک اعلام می‌کنم که حتی سیستم اطلاعاتی آمریکایی‌ها، صهیونیست‌ها و بدخواهان جمهوری اسلامی در منطقه نیز تصور می‌کردند که با اعلام خروج آمریکا از برجام، ایران نیز به فاصله چند ساعت از این توافق خارج خواهد شد.

زمانی که جمهوری اسلامی اعلام کرد به درخواست دوستان، کشورهای اروپایی، روسیه و چین فرصتی برای حفظ برجام به این کشورها می‌دهد، آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها و بدخواهان منطقه‌ای خشکشان زد. تصور نمی‌کردند جمهوری اسلامی عصبانی نشده و احساساتی و از روی عجله تصمیم نگیرد و با تأمل مسأله را مورد بازبینی قرار می‌دهد.

امروز سه راه پیش پای ملت ایران قرار دارد، گفت: دولت و رئیس‌جمهور به عنوان نماینده مردمی تا دیروز خود را متکی به رأی ۲۴ میلیون نفر می‌دانستند اما امروز خود را متکی به رأی و حمایت ۸۱ میلیون نفر می‌دانند و اعلام می‌کنیم که با اتکا بر ایستادگی ملت ایران و بهرهمندی از ارشادات رهبری معظم و با هماهنگی و همراهی قوای دیگر در خط حفظ و تأمین منافع و مصالح ملی حرکت خواهیم کرد.

راهکار اول این است که در برابر آمریکا تسلیم شویم و به ترامپ بگوییم که بیا بنشینیم تا ببینیم از نظر شما چه چیزهایی باید از این توافق کم شده و چه چیزهایی به آن اضافه شود. این راه مورد تأیید و قبول هیچ انسان عاقل، وطن دوست و وطن پرستی نیست.

راهکار دوم این است که در برابر آمریکا بایستیم، اما اختلافات درونی ما نیز به قوت خود باقی باشد و یکی علیه برجام سخن گوید و یکی صرفاً در دفاع از برجام و هیچ‌کدام به وضعیت موجود توجه نداشته باشند. می‌شود هر روز مطالبات مردم را بالاتر برد و دعوای را با قوت بیشتر از گذشته ادامه داد؛ نتیجه این رویه این خواهد بود که ما در برابر آمریکا ایستادگی می‌کنیم، اما بالاترین هزینه را به مردم کشور و به ویژه فقرا و افراد کم درآمد تحمیل خواهیم کرد. انتخاب این راه یعنی ایستادگی با بالاترین هزینه که وضعیت کشور را در عرصه اقتصادی و فرهنگی بدتر کرده، وحدت را شکننده‌تر کرده و شکاف و افتراق را بیشتر خواهد کرد.

راهکار سوم راهکار مقاومت و ایستادگی با کمترین هزینه است. به این شکل که واقعیت را مدنظر قرار دهیم، توقعات را مدیریت کنیم و همه با هم همکاری کنیم.

امروز دولت و من به عنوان رئیس‌جمهور و نماینده ملت، دست همه را می‌بوسم و در برابر همه آحاد ملت و جناح‌ها، حتی آنها که بدترین اهانت‌ها را به دولت کردند، خم می‌شوم و دست همه آنها را می‌بوسم، و می‌گویم امروز روز اهتزاز پرچم عزت و عظمت ملت ایران است و باید به دنیا نشان دهیم که می‌توانیم سختی‌ها و مشکلات را پشت سر بگذاریم، اما عزت، آزادی، استقلال، مردم‌سالاری، جمهوریت، اسلامیت، دین و فرهنگمان را معامله نخواهیم کرد. در این مبارزه دولت در خط مقدم قرار دارد و همه مدیران دولت باید این احساس را داشته باشند که در خط مقدم مبارزه قرار دارند. اگر مردم بدانند که چه می‌کنیم و درست عمل کنیم، قطعاً از ما حمایت خواهند کرد.

باید در این مقطع حساس حداقل در چهار بخش اشتغال، مبارزه با فقر، تنظیم بازار و تولید، برنامه‌های ویژه‌ای را تدوین و ارایه کنیم. اگر این چهار بخش اصلاح و درست شود، موفق خواهیم شد.

در شرایط سخت و دشوار فشار دشمنان، گسترش بیکاری در جامعه فشاری مضاعف را ایجاد می‌کند، باید با تلاش و توان بیشتر مشکل اشتغال و بیکاری در جامعه را حل کنیم و وزارت کار باید با همه قدرت در این راستا به صحنه بیاید تا بتوانیم، اشتغال روان و آسان ایجاد کنیم.

باید از هزینه‌های مربوط به تأمین اجتماعی برای ۶ ماه و یکسال گذشت کنیم و اشتغال روستایی را با سبک جدید و در نظر گرفتن شرایط ساماندهی کنیم.

ما می‌توانیم در صنعت ساختمان اشتغال و امید ایجاد کنیم و در این راستا هیچ‌دستگاه و شرکت دولتی حق ندارد زمینی را که نیاز ندارد در اختیار وزارت راه و شهرسازی قرار ندهد و این یک الزام است و آن را دنبال می‌کنم که اگر دستگاهی زمینی را در سال ۹۷ استفاده نکرده و آن را واگذار هم نکرده آن زمین را از آن دستگاه بگیرند.

اگر می‌خواهیم، نقدینگی سرگردان در کشور سامان داده شود و به درستی هدایت شود، باید وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی، سهام خود را در بورس فعال کرده تا کارخانه‌ها و بنگاه‌های سودده آنان در اختیار مردم قرار گیرد. دولت تعهد می‌کند که در راستای ایجاد تحرک در تولید، برای واردات مواد اولیه کارخانه‌هایی که باید از خارج از کشور وارد شود، ارز رسمی در اختیار واردکنندگان قرار دهد. مقام معظم رهبری در جلسه‌ای که با ایشان داشتیم فرمودند که مصوبات جلسه سران قوا را همان لحظه ابلاغ کنید. باید تلاش کنیم تا قیمت‌گذاری‌ها با مرکزیت انجام شود و این اولین وظیفه دولتی‌ها است تا قیمت محصولاتی که در اختیار مردم قرار می‌گیرد را به طور دقیق مورد نظارت قرار دهند تا اجناس گران عرضه نشود. نباید به دنبال حاشیه‌ها و پاسخگویی به برخی رفتارها در فضای مجازی باشیم. بانک مرکزی موظف است به مردم توضیح دهد که برای چه کارهایی ارز رسمی و به چه میزان پرداخت شده است. این حق آنهاست که بدانند چه کسی و به چه میزان و برای چه کاری ارز دریافت کرده و قیمت جهانی محصولی که با آن ارز وارد شده چقدر است. باید از فضای مجازی استفاده کرد و به مردم بگوییم در این 51 روز، به چه کسی و به چه قیمتی و برای چه جنسی ارز دادیم.

راغفر: به نام بخش خصوصی غارت‌گری می‌کنند »

چکیده : ارز تخصیص داده شده نباید در اختیار بخش خصوصی باشد که ترتیب دهنده فساد در کشور است و به نام بخش خصوصی غارت‌گری می‌کنند و کسانی که در درون ساختار قدرت و ثروت هستند به نوعی برنده این غارت‌گری هستند و حساب این بخش را باید جدا از بخش خصوصی مولد دانست

حسین راغفر استاد دانشگاه در مورد اعتراضات اخیر بازاریان تهران گفت: زمانی که به تاریخچه اعتصابات در کشورهای مشابه که دارای شرایط امروز ایران بودند، نگاه می‌کنیم، شاهد دخالت دولت امریکا و ایجاد بستر اعتصابات در صنوف مختلف برای تضعیف اقتصاد هدف و براندازی آن هستیم.

به گزارش ایلنا؛ وی ادامه داد: این‌گونه سیاست‌ها در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی توسط امریکا در کشورهای امریکای لاتین با سامان‌دهی اعتصابات کامیون‌داران و صنوف مختلف در راستای براندازی صورت می‌گرفت که البته عناصر نفوذی نیز زمینه‌های بی‌ثباتی سیاسی را فراهم می‌کردند.

اعتصاب بازاریان واکنشی به نوسانات شدید در اقتصاد ایران بود

وی تصریح کرد: البته منظور بنده از بیان این تجربه‌ها این نیست که اعتصابات امروز بازاریان را در آن مسیر تعریف کنیم، اعتصابات امروز کاملاً قابل درک است و واکنشی به نوسانات شدید در اقتصاد ایران است.

راغفر یادآور شد: در سال گذشته از کل تولید ناخالص داخلی نزدیک به ۲۵ درصد آن به مصرف بخش خصوصی و ۱۵ درصد آن توسط دولت مصرف شد و جالب آنکه ۶۰ درصد آن به دلیل پایین بودن قدرت خرید مردم در انبارها ذخیره شد.

در شرایط تورم همه متضرر می‌شوند

این کارشناس اقتصادی با اشاره به افزایش قیمت‌ها در ماه‌های اخیر گفت: متأسفانه ادامه این شرایط و افزایش قیمت طلا و ارز موجب ایجاد اضطراب و هراس در بین آحاد مردم و فعالان اقتصادی شده و زمینه انتقال پس‌اندازها به بازارهای دیگر را فراهم کرده است و از سویی این نوسانات باعث شده تا تولیدکننده از فروش تولیدات خود نیز خودداری کرده و موجب افزایش قیمت شود.

وی اضافه کرد: باید توجه داشت که در تورم‌های لجام‌گسیخته مانند آنچه در دو ماه اخیر شاهد آن هستیم تقریباً همه اعم از تولیدکننده، فروشنده و مصرف‌کننده متضرر می‌شوند و در بلند مدت آسیب‌های جدی به ساختار سیاسی کشور وارد خواهد شد.

تضعیف رییس جمهور امنیت ملی را قربانی می‌کند

راغفر در مورد دست‌های پشت‌پرده دراعتصابات اخیر گفت: من تردید دارم که دست‌های ناپیدای داخلی در اعتراضات و اعتصابات اخیر زمینه‌ساز این نابسامانی‌ها باشند و اگر این‌گونه باشد یک ناهمسویی ناخواسته با منافع دولت ترامپ و اسرائیل است.

وی ادامه داد: در این گونه موارد دستگاه‌های امنیتی باید نسبت به این اقدامات و پیامدهای شکننده آن حساس باشند و اخطارهای لازم به این گروه‌ها داده شود که این اقدامات به زیان منافع ملی است.

این استاد دانشگاه تصریح کرد: از سویی اگر رییس جمهور از اقدامات این گروه اطلاعاتی در اختیار دارد، ابتدا باید با شخص رهبری و سران قوای دیگر و سپس با مردم در جریان بگذارد، وگرنه این‌گونه اقدامات آسیب‌های جدی برای دولت دارد.

وی افزود: ازسویی دیگر ناتوانی دولت در مواجهه با بحران‌ها و سیاست‌های ناقص می‌تواند امنیت ملی را قربانی کند که این هدف با تضعیف بیشتر رییس جمهور دنبال می‌شود.

انتخابات زودرس ریشه در خارج دارد

راغفر پیشنهاد برگزاری انتخابات زودرس ریاست جمهوری را موجب بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی دانست و افزود: شاهد هستیم که برخی گروه‌ها به دنبال القای اندیشه تغییر رییس‌جمهور و انتخابات زودرس هستند که این اندیشه ریشه در خارج از کشور و همسو با تلاش‌های امریکا و اسرائیل برای ایجاد بی‌ثباتی‌های زنجیره‌ای است.

وی در مورد راهکار مقابله با این شرایط گفت: با توجه با اینکه تهران و شهرستان‌های دیگر و حتی دوردست، ظرفیت بالقوه‌ای در شکل‌گیری این اعتراضات دارند، دولت باید تصمیمات عاجل را اتخاذ کند.

در شرایط جنگی باید سیاست های اقتصادی جنگی اتخاذ شود

وی ادامه داد: با توجه به شرایط اضطرار و شرایط جنگی کشور، باید سیاست های اقتصادی دوران جنگ اتخاذ شود و تمرکز دولت در تخصیص منابع ارزی برای فعالیت‌های حیاتی باشد همانطور که در دوران جنگ شاهد آن بوده ایم.

وی یادآورشد: در سال ۵۶ کل درآمدهای ارزی کشور ۶ میلیارد دلار بود که ۳ میلیارد دلار آن برای کالاهای اساسی تخصیص داده می‌شد تا جامعه دچار مشکلات مانند قحطی و بیماری‌های اپیدمی نشود و این کالاهای اساسی هم باید به صورت کالابریک در اختیار آحاد جامعه قرار بگیرد.

به نام بخش خصوصی غارت‌گری می‌کنند

این استاد دانشگاه اظهار داشت: از سویی ارز تخصیص داده شده نباید در اختیار بخش خصوصی باشد که ترتیب دهنده فساد در کشور است و به نام بخش خصوصی غارت‌گری می‌کنند و کسانی که در درون ساختار قدرت و ثروت هستند به نوعی برنده این غارت‌گری هستند و حساب این بخش را باید جدا از بخش خصوصی، مولد دانست.

وی ادامه داد: این گروه‌ها بخش اعظم منابع را به خارج انتقال داده و طیفی بزرگی را در داخل به فساد کشیده‌اند که می‌تواند آسیب‌های جدی را به نظام تصمیم‌گیری کشور وارد کند.

نابرابری‌ها منشأ خشونت‌های ویرانگر هستند

وی در پاسخ به این سوال که تاثیر این نابرابری‌ها در شرایط امروز کشور چه می‌تواند باشد، اظهار داشت: نابرابری‌هایی که به موجب این مشکلات ایجاد می‌شوند، می‌تواند منشأ خشونت‌های ویرانگر در جامعه باشند و از پیامدهای اجتماعی این نابرابری‌ها نمی‌توان به سهولت گذشت، البته تجربه کشورهای دیگر گویای آن است.

راغفر ادامه داد: باید توجه داشت که عناصری با هدف براندازی ساختار سیاسی کشور در ساختار اقتصادی نفوذ کرده‌اند و با عناوین مختلف به ائتلاف منابع کشور همت گماشته‌اند و شواهد بسیاری در این مورد در اختیار داریم.

سید مصطفی تاجزاده: استعفای دولت و استقرار دولت نظامی» گره‌ای از مشکلات کنونی نمی‌گشاید

چکیده : نه استعفای دولت و نه استقرار دولت نظامی گرهی از مشکلات کنونی نمی‌گشاید. دیپلماسی فعال و تجدید نظر و اصلاح سیاست‌های نادرست اقتصادی و گشایش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی حلال مشکلات است. به جای افراد باید سیاست‌ها و روش‌ها تغییر کند

مصطفی تاجزاده در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا درباره اعتراض بازاریان تهران به وضعیت اقتصادی گفت: تردیدی نیست که آقای ترامپ و همفکرانش خواب‌های شومی علیه کشور ما دیده‌اند. آنچنان که خودشان به صراحت می‌گویند قصد دارند سخت‌ترین تحریم‌ها را علیه جمهوری اسلامی اعمال کنند. بنابراین پیش‌بینی اینکه کشور و اقتصادش دچار مشکلاتی می‌شود کار دشواری نیست.

وی یادآور شد: ما این تجربه را یکبار در سال‌های ۹۰ و ۹۱ داشتیم. به محض اینکه زمزمه تحریم‌های نفتی و بانکی ایران جدی شد، شاهد افزایش بی‌رویه قیمت ارز و طلا بودیم و به تبع آنها بهای بسیاری از کالاها نیز بالا رفت.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب ادامه داد: در آن دوره ارز سه برابر شد و از حدود هزار تومان به بیش از سه هزار تومان رسید. این بار هم به محض جدی شدن تحریم‌های بانکی و نفتی کشور تاکنون ارز به دو برابر قیمت خود افزایش پیدا کرده است.

وی خاطرنشان کرد: این اتفاق جدید نیست اما عدم تلاش برای جلوگیری از تحریم‌ها و نحوه مقابله صحیح با آنها انتقادهایی است که به مخالفان برجام وارد است.

تاجزاده با بیان اینکه اکنون وقت آن رسیده که دولتمردان با مردم سخن بگویند، افزود: باید با مردم صادقانه سخن گفت و واقعیت‌ها را با آنها درمیان گذاشت و با توجه به شرایط، تصمیمات مناسب اتخاذ کرد. باید دولت و همه ارکان حاکمیت صادقانه به مردم بگویند در چه شرایطی قرار داریم و از آنها کمک بطلبیم.

وی با بیان اینکه باید سیاست‌هایی که تاکنون اتخاذ شده را اصلاح کنیم، گفت: ما البته برای اصلاح سیاست خارجی فرصت داریم ولی در تحلیل نهایی هیچ راهی جز بازگشت به مردم و احترام به رای و خواست و مطالبات آنان نداریم. سکوت مشکلی را حل نمی‌کند جز اینکه نارضایتی‌ها و حتی بدگمانی‌ها را افزایش می‌دهد.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب تاکید کرد: اعلام اینکه بگوئیم شرایط کشور گل و بلبل است و ارز هم داریم و مشکلی نیست چیزی را حل نمی‌کند بلکه شاید نتیجه عکس دهد. منطق و روش برخورد نیز شکست‌خورده است و موجب تشدید نارضایتی‌ها و بروز خشونت می‌شود. پس راهی جز یک دیپلماسی تحریم شکن در جهان و بازگشت به مردم خود و جلب اعتماد و مشارکت آنها نداریم.

وی تاکید کرد: نه استعفای دولت و نه استقرار دولت نظامی گرهی از مشکلات کنونی نمی‌گشاید. دیپلماسی فعال و تجدید نظر و اصلاح سیاست‌های نادرست اقتصادی و گشایش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی حلال مشکلات است. به جای افراد باید سیاست‌ها و روش‌ها تغییر کند.

در 51 روز گذشته چه کسانی ارز 4200 تومانی گرفتند!

پس از 5 روز تنش‌زا در بازار تهران که سر نخ آن در دست تجار بزرگ بازار و مافیای موقوفه اسلامی بود و هدف تحمیل کناره‌گیری به حسن روحانی، روحانی در جمع مدیران اجرایی کشور اعلام کرد: من اهل کنار رفتن نیستم و با این فشارها نیز جا نمی‌زنم. روحانی نگفت که ستاد رهبری اعتصاب بازار در مسجد شاه تهران بود و چماق‌داران وابسته به همین ستاد با راه افتادن در بازار تهران کسبه را تهدید کرده بودند که مغازه‌ها را ببندند و به دستور هیات امنای بازار به اعتصاب بپیوندند، اما او به مدیران اجرایی کشور گفت که به مردم بگویند چه کسانی دلار 4200 تومانی گرفتند و قرار بود چه کالاهایی را وارد کنند و چه چیز وارد کردند. روحانی گفت (منتظر صدا و سیما و مطبوعات نشوید) از فضای مجازی استفاده کنید و مردم را در جریان بگذارید. (او نگفت که تلگرام را با هدف بی‌خبر نگهداشتن مردم فیلتر کردند) اما گفت: به مردم بگویند در این 51 روز گذشته چه کسانی ارز گرفتند و با آن ارز دولتی چه کردند؟

صادق زیباکلام: روحانی که تمام شد، با ترامپ

چه می‌کنید؟ سوال من از تندروها این است که بعد از این چه می‌کنید؟ زیرا مشکل شما الان روحانی نیست. «روحانی که تمام شد. نه روحانی مانده است و نه دولت تدبیر و امید». شما نشان دادید که 24 میلیون رای عملاً ذره‌ای ارزش و اهمیت ندارد و همه را در سطل زباله ریختید، اما حالا با ترامپ چه می‌خواهید کرد؟» زیرا واقعاً آقای روحانی تمام شده هستند. یعنی چه استعفا بدهند و چه به کار خود ادامه بدهند هیچ نقش خاصی در مدیریت کشور ندارند و هیچ‌کاره هستند. آقای روحانی هرکاری که می‌توانست انجام دهند را انجام داده و هر برگی که داشت را رو کرده است تاریخ انتشار: ۱۲:۴۴ - ۰۵ تیر ۱۳۹۷ پ فرارو- یک تحلیلگر مسائل سیاسی گفت: «آنچه که موجب بروز مشکلات اخیر و این وضع فلج شده اقتصاد کشور شده، این است که بخش انتصابی نمی‌تواند تحمل کند که بخشی از حاکمیت و قدرت در اختیارش باشد. یعنی نمی‌تواند قبول کند که مثلاً شورای شهر تهران، دولت، شهرداری پایتخت و... در اختیار جریان رقیب باشد واقعیت این است قدرت مثل علاقه به ثروت و شهوت است و انتها ندارد. زیرا ذات قدرت، تمامیت‌خواهی است و جریان تندرو به چیزی کمتر از همه قدرت رضایت نمی‌دهد.» صادق زیباکلام تحلیلگر مسائل سیاسی در گفتگو با فرارو اظهار کرد: «در خصوص مسائل پیش آمده در کشور باید به دو مسئله توجه داشت. اول اینکه مجموعه نهادهای انتخابی در کشور چقدر در ایجاد وضعیت فعلی موثر است؟ زیرا به عقیده من نظام جمهوری اسلامی به دو بخش انتخابی و انتصابی تقسیم می‌شود و الان تمام انگشت اتهام در خصوص اینکه وضع مملکت تا این حد بحرانی شده و اقتصاد قفل شده و... به سمت دولت یا نهادهای انتخابی نشانه رفته است.» وی تصریح کرد: «ببینید من قبول دارم که دولت آقای روحانی طی یک سال گذشته بدون اشکال نبوده و قطعاً در بعضی جاها تصمیمات اشتباه گرفته یا اقداماتی که باید انجام می‌داد را انجام نداده یا وزیرانش آنطور که انتظار می‌رفت انتخاب نشدند. اما باور دارم که دعوا و مشکل اصلی امروز کشور به واسطه این اتفاقات نبوده. مثلاً به خاطر اینکه شورای شهر تهران کم‌کاری کرده مردم با مشکل مواجه نشده‌اند یا اینکه دولت وزارتایش را خوب انتخاب نکرده زمینه ساز این مسائل نشده است. آنچه که موجب بروز مشکلات اخیر و این وضع فلج‌کننده اقتصاد کشور شده، این است که بخش انتصابی نمی‌تواند تحمل کند که بخشی از حاکمیت و قدرت در اختیارش باشد.» او ادامه داد: «یعنی نمی‌تواند قبول کند که مثلاً شورای شهر تهران، دولت، شهرداری پایتخت و... در اختیار جریان رقیب باشد. اینکه بخشی از دولت را در اختیار دارند برای آن‌ها قابل قبول نیست. واقعیت این است قدرت مثل علاقه به ثروت است. مثل شهوت است. یعنی اینگونه نیست که بگویند اگر چهار وزیر در دولت داشته باشند، برایشان کافی است و با آقای روحانی همکاری می‌کنند. یا اگر هفتاد نماینده در مجلس داشته باشند، با دیگر نماینده‌ها همکاری می‌کنند. نه آن‌ها همه نهادهای حاکمیت را می‌خواهند. زیرا ذات قدرت، تمامیت‌خواهی است و جریان تندرو به چیزی کمتر از همه قدرت رضایت نمی‌دهد.»

این استاد دانشگاه افزود: «بنابراین اگر قرار باشد تندروها به این سوال که می‌خواهند با دولت آقای روحانی چه کنند، حقیقت را بگویند، می‌گویند که حتی نمی‌خواهند سر به تن دولت آقای روحانی باشد. به همین دلیل است که طی یک سال گذشته خودشان را به زمین و زمان زده‌اند که بتوانند دولت را فلج کنند و به بن‌بست بکشانند. البته حساب و کتابشان هم کاملاً درست است. زیرا اگر دولت آقای روحانی به طور کامل فلج شود و آقای روحانی استعفا دهند، با توجه به نارضایتی گسترده‌ای که بین آن ۲۴ میلیون نفری که به ایشان رای داده به وجود آمده، در انتخابات زودرسی که برگزار می‌شود، هرکسی کاندید جریان تندرو باشد، آن ۱۶ میلیون رای آقای رئیسی را به دست می‌آورد و علاوه بر آن چند میلیون هم آرای سرگردان در کشور است که الان از رای به آقای روحانی هم پشیمان هستند و احتمالاً آن‌ها را هم جذب می‌کند و به احتمال زیاد با رای ۲۰ میلیونی رئیس جمهور می‌شود. یعنی اگر همین فردا انتخابات برگزار شود، نامزد جریان تندرو با ۲۰ میلیون رای پیروز میدان خواهد شد و اما کسر قابل توجهی که از واجدین شرایط رای دادن هستند، حاضر به حضور در انتخابات نخواهند شد و رای نخواهند داد.» وی افزود: «به این ترتیب جریان تندرو مجدداً دولت را در اختیار می‌گیرد و آرام آرام سنگرهایی که طی پنج سال گذشته از دست داده بود را دوباره از آن خود می‌کنند. در چنین شرایطی شک نکنید که بلافاصله دلار به پنج هزار تومان برمی‌گردد، قیمت سکه سیر نزولی به خود می‌گیرد و این حالت التهاب و تشنج در بازار که این روزها شاهدش هستیم، از بین می‌رود. اما در این میان سوال من از تندروها این است که بعد از این چه می‌کنید؟ زیرا مشکل شما الان روحانی نیست. «روحانی که تمام شد. نه روحانی مانده است و نه دولت تدبیر و امید. شما نشان دادید که ۲۴ میلیون رای عملاً ذره‌ای ارزش و اهمیت ندارد و همه را در سطل زباله ریختید، اما حالا با ترامپ چه می‌خواهید کرد؟»، زیرا واقعاً آقای روحانی تمام شده هستند. یعنی چه استعفا بدهند و چه به کار خود ادامه بدهند هیچ نقش خاصی در مدیریت کشور ندارند و هیچ‌کاره هستند. آقای روحانی هرکاری که می‌توانست انجام دهد را انجام داده و هر برگی که داشت را رو کرده است.» این تحلیلگر مسائل سیاسی تصریح کرد: «تنها راهی که او می‌توانست انجام دهد این بود که فرمانبر و گماشته طیف تندرو می‌شد. یعنی گوش به دستور آن‌ها می‌ماند تا همه وزرایش را انتخاب کنند. صبر می‌کرد ببیند آن‌ها چه کسی را برای استانداری کهگیلویه و بویراحمد می‌خواهند، همان را انتخاب کنند. آن‌ها برای سفارت بورکینافاسو چه گزینه‌ای معرفی می‌کنند و روحانی هم به آقای ظریف بگوید که او را سفیر کند. در غیر این‌صورت جریان تندرو اجازه نمی‌دادند دولت آقای روحانی به سرانجام برسد. منتها همانطور که عرض کردم الان مشکل روحانی نیست. مشکل ما الان ترامپ است و باید این آقایان تندرو پاسخ دهند که با او می‌خواهند چه کنند؟ این سرنوشت همه دولت‌های غیرهمسو با تندروها خواهد بود و چاره‌ای هم نداریم و باید با آن کنار بیاییم. مگر اینکه تحولی در درون این جریان رخ بدهد یا مشکلات آن‌ها در اداره کشور به حدی زیاد شود که قبول کند به تنهایی نمی‌تواند کشور را هدایت کند.» وی در پاسخ به این سوال که چرا مشابه این شرایط برای دولت اصلاحات رخ نداد؟ گفت: در دوران اصلاحات برای نخستین بار بود که طیف تندرو قدرت را از دست داده بود و نه تنها نتوانسته بود در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شود بلکه انتخاب مجلس ششم هم از دست داده بود. اما این نخستین باری بود که چنین اتفاقی رخ داد؛ بنابراین یک مقدار زمان نیاز بود تا طیف تندرو دوباره خود را پیدا کند و متوجه شود که همه چیز را از دست نداده است. زیرا درست است که مجلس و ریاست جمهوری را از دست دادند، اما خیلی از نهادهای قدرت را در اختیار دارند.» او افزود: «بنابراین خیلی تمایل به این نداشتند که دولت آقای خاتمی را فلج کند، اما کاری انجام می‌دادند این بود که اجازه پیشرفت به دولت اصلاحات نمی‌دادند. اما شرایط امروز متفاوت است. جریان تندروی کشور طی هشت سال ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد و فعالیت مجالس هفتم تا نهم به حدی قدرتمند شدند که الان معتقدند چرا باید اجازه دهند بخشی از نهادهای دیگر مانند قوه مجریه در اختیار رقیب قرار بگیرد.»

خلاصه و جمع بندی:

1- شکی نیست که باید در مقابل امریکا و دشمن ایستاد

2- و نه در اتمی و نه فضایی و نه موشکی و نه امداد به محور مقاومت و محرومین عراق و لبنان و فلسطین و مصر و نیجریه و یمن و عربستان و بحرین و افغانستان و پاکستان و ازبایجان و میانمار و و کوتاهی نکرد

3- ضمن اینکه اقدام هوشمندانه کرد نه روکردن دست و دشمن مسلط کردن و هزینه درست کردن

4- با کمک افراد و متخصصین اصیل مثل دکتر طیب نیا به وضع اقتصاد سامان داد نه افراد توخالی و مثل اکیب فعلی اقتصادی دولت

5- ساماندهی هم به ارائه امار و سخنرانی و جلسه منتهی و اکتفا نشود، به توزیع بجای ارزکشور و نظارت بر مصرف بکارگیری صحیحش

6- اگر بخواهید اقتصاد کشور رونق پیدا کند باید سرمایه ها جذب شود نه اینکه تا حضور سرمایه ای شود حرفها و برخوردهایی شود که ناامنی احساس شده و سرمایه فرار کند

7- دولت باید امین سرمایه مردم باشد و نه جیب بر و جبوکن اموال مردم، اسکناس به معنای قبض رسید دولت است در مقابل سرمایه ای یا خدماتی که ملت به دولت تحویل داده و انرا گرفته باید دولت ضامن اعتبار و ارزش ان باشد نه بی مسؤولیت

8- بسیار طبیعی است که مردم وقتی ببینند ارزش اسکناسی که دستشان است بر باد است و کم می شود بروند انرا تبدیل کنند به چیزی که معتبر باشد نه اینکه زیر سؤال باشند مردم

9- دولت باید ضمانت معتبری برای اسکناس ارائه کند که کسی در اشفتهی اقتصادی وحشت نکند و برود اسکناس ایرانی را ولو به ثمن بخش تبدیل کند

10- ضمانت با طلا و فروش سکه یا فروش دلار آرام بخش است اما دولت این قدر مابه ازای اسکناس ایرانی را از دلار و طلا ندارد که بدهد و بگیرد؛ و اگر هم داشته باشد مصلحت نیست خزانه اش را خالی کند و بجایش اسکناسی که خودش جاب کرده بگیرد بگذارد در خزانه = انوقت یعنی سرمایه دولت هیچ و بوج؛ چون این اسکناس به بشتوانه ان طلا جاب شده است

11- تنها راه آرامش واقعی نه شعاری دادن به مردم؛ تعویض اسکناسها با جنسی که هم دولت زیاد دارد هم فروشش به مردم خزانه را خالی نمی کند و هم مردم در مقابل سرمایه و خدماتی که با اسکناس فروخته و اسکناس گرفته اند؛ یک ذخیره واقعی و معتبر را دریافت می کنند؛ و آن فروش نفت خام و گاز به صورت دیجیتالی است، الان دولت بقدر صدسال ذخیره نفت و گاز دارد و دنبال فروشش هست؛ و تمام تلاش دشمن بر منع فروش ان است، دولت می تواند طبق همین نرخ دلاری که اعلام کرده چهارهزار تومان و به قیمت روز فروش نفت جهانی (مثلا بنجاه دلار؛ در مقابل دریافت دویست هزار تومان حدودا یک بشکه نفت یا قیمت گاز فروش جهانی را لاز مردم بگیرد و برایشان کوین مالکیت یک بشکه نفت یا مترمکعب گاز صادر کند، با این اعتبار که هر وقت بخواهد مالک این کوین نفت یا گازش را از دولت تحویل بگیرد یا به شرکتی واگذارد؛ دولت انرا تضمین کند، مالک که مردم عادی هستند مثل همه خریداران نفت و

کاز ایران با اسکناشان نفت و کاز می خردند و کوبن دیجیتال و سندش را دریافت می کنند و هر وقت نیاز به مصرف معادلش داشتند توسط شرکت نفت و یا دولت و یا شرکت نفتی دیگر موجودی نفت و کازشان تحویل گرفته شده و اگر بخواهند بجای هر ارز معتبری را برحسب قیمت روز جهانی دریافت کنند؛ اینطوری می بیند که دارائیش تبدیل به یک جنس ارزشمند واقعی شده و هر وقت بخواهد هست و قابل فروش و تبدیل است؛ و نفت و کاز هم بجز نوسانات موسمی در سیر تاریخ روبه افزایش است و شخص می گذارد در وقتی که قیمتش بقدر روز خرید یا بیشتر بود ذخیره یا کوبن خود را می فروشد اینطوری هم فروش نفت منهای کنترل حسابها و تحریمهای امریکا مستدام است هم آرامش برای مردم می آورد هم خزان هخالی نشده، و می تواند این روش ملاک پرداخت دولت در سایر موارد هم باشد که دیگر تاخیر پرداخت دولت به کارمندان یا بیمانکاران سبب نارضایتی نشده بلکه کمتر هم سعی می کنند به اسکناس تحویل بگیرند و مشکل افزایش نقدینگی مردم هم بیش نیم اید.

12- مصارف مردم هم یا در مسکن است یا سفر یا خرید اجناس خارجی و داخلی که می تواند این کوبن دیجیتال نفت و کاز که نوعی ذخیره مالی است هم محور مبادلات در معاملات باشد و با معاملات اینترنتی با سایتهای معتبر هزینه های مزبور را تامین کنند، ازین رو؛ هم سرمایه ها حفظ شده هم تورم نقدینگی بیش نیامده هم اموال مردم در اختیار دولت است برای سرمایه گذاری و بصورت معتبره و مطمئن که نکرانی فقدان ارزشش نیستند.

مشاور ولیعهد ابوظبی: السیسی زیر پای رهبران خلیج فارس گدایی می‌کند



شفقنا- مشاور ولیعهد پایتخت امارات تاکید کرد که رئیس جمهوری مصر پیشتر به کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس توهین می کرد در حالی که هم اکنون به گدای زیر پای رهبران آنها تبدیل شده است.

به گزارش سرویس ترجمه شفقنا به نقل از پایگاه خبری تحلیلی «عربی ۲۱»، «عبدالخالق عبدالله»، استاد علوم سیاسی دانشگاه امارات و از افراد نزدیک به «محمد بن زاید آل نهیان»، ولیعهد امارات ابوظبی، پایتخت این کشور، در مصاحبه با روزنامه «اکنومیست» مدعی شد که جهان عرب آن چه «لحظه خلیج» خواند را تجربه می کند جایی که کشورهای پادشاهی نفت خیز حاشیه خلیج فارس به کانون جهان عرب منتقل شده اند.

بر اساس این گزارش، عبدالله که بسیاری وی را مشاور ولیعهد ابوظبی به عنوان حاکم عملی امارات می دانند، با اشاره به فایل صوتی منتشر شده در سال ۲۰۱۵ میلادی که در آن «عبدالفتاح السیسی»، رئیس جمهوری مصر و مشاوران وی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس را «نیمه کشور» نامیدند که پول برای آنها همانند دانه های برنج است، تاکید کرد که وی با وجود توهین به کشورهای مذکور هم اکنون زیر پای رهبران این کشورها گدایی می کند.

استاد علوم سیاسی دانشگاه امارات با بیان این که پیش از این سابقه نداشته کشورهای عرب خلیج فارس چنین قدرتی داشته باشند، در این باره اظهار داشت: کوچک ترین کشور خلیج (فارس) تاثیر بیشتری از بزرگ ترین کشور عربی دارد.

اکنومیست در این رابطه نوشته که بسیاری از پایگاه های قدیمی قدرت در جهان عرب از بین رفته اند جایی که قاهره پس از قیام مردمی سال ۲۰۱۱ میلادی و برکناری «حسنی مبارک»، رئیس

جمهوری پیشین مصر و همچنین کودتای سال ۲۰۱۳ که السیسی را به قدرت رساند، در حالت رکود به سر می برد؛ دمشق با جنگ داخلی هولناک سوریه دست و پنجه نرم می کند؛ بغداد تنها در دوره نقاهت از درگیری های متوالی در عراق به سر می برد و بیروت نیز پس از جنگ داخلی لبنان طی سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ میلادی نتوانسته جایگاه خود را پس بگیرد.

لازم به ذکر است که دو سال پیش شبکه تلویزیونی «مکملین» یک فایل صوتی از گفت و گوی السیسی با «عباس کامل»، مدیر دفتر خود و «محمود حجازی» عضو شورای نظامی مصر تنها چند روز پیش از نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری این کشور منتشر کرد که در آن کشورهای حاشیه خلیج فارس «نیمه کشورهای دارای مبالغ هنگفت» توصیف شدند.

تخلف ۴۰ هزارمتری دانشگاه علوم پزشکی ایران در مجاورت برج میلاد/تعیین تکلیف گود برج تا ۲ ماه آینده



شفقتا- رییس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر تهران از بررسی دقیق برج میلاد، گود کنار آن، طرح جامع و ... خبر داد.

محمد سالاری در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به برگزاری جلسه مشترک کمیسیون شهرسازی و معماری و کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران درباره وضعیت برج میلاد، گفت: دستور اول این نشست مشترک، بررسی وضعیت نگهداری از مجموعه ساختمان اصلی برج میلاد اعم از سازه بتونی، زهکشی زیر فوندانسیون، سیستم تاسیسات و ایمنی تجهیزات نصب شده در آن و نیز پایش مستمر کلیه اتصالات و پیچ و مهره هایی که در محل اتصال دکل فوقانی به سازه بتونی انتهای برج تعبیه شده اند با استفاده از شتاب نگار ها، سنسورها، لرزه نگارها و بازدیدهای مستمر و دائمی بود.

رییس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر تهران گفت: شرکت بلندپایه که سازنده برج بوده در جلسه گزارشی در این خصوص ارائه داد و معتقد است که مجموعه اتصالات پیچ و مهره‌ای در سازه برج میلاد به ویژه در محل اتصال دکل فوقانی با شفت اصلی، به مرور زمان و بر اثر وزش باد و لرزش و تکان های طبیعی و غیرطبیعی ممکن است سایش پیدا کند و یا باز شوند که می بایست بصورت دائم مورد چکاپ قرار گیرند.

وی با بیان این که موضوع نگهداری از تاسیسات متنوع و پیچیده و منحصر به فرد برج میلاد نیز در این جلسه مورد بررسی قرار گرفت، اظهار کرد: برج میلاد یک مگاپروژه و از المان های شاخص عمرانی کشور است که تاسیسات و سیستم ایمنی و آتش نشانی آن به لحاظ پیچیدگی، منحصر به فرد بوده و نیاز به نگهداری مستمر دارد.

رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر تهران با بیان این‌که مساله مهم این است که در ساختار مدیریت شهری تهران، سازوکار منسجم و واحدی برای نگهداشت اصولی و اساسی از پروژه‌ها در نظر گرفته نشده است، ادامه داد: این در حالی است که شهر تهران پروژه‌های زیادی از جمله پل، تونل، برج میلاد، شهر آفتاب و ... دارد که از لحاظ فنی و اصولی نگهداری نمی‌شوند و وضعیت آنها به صورت روزانه و آنالین رصد نمی‌شود.

وی گفت: باید سازوکاری اندیشیده شود و زیر نظر معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، ساختاری تعبیه شود تا نسبت به نگهداری از این پروژه‌های شهر بخصوص مگاپروژه‌ها اقدام شود و در واقع حلقه مفقود جدی در ساختار شهرداری در مورد نگهداشت و تعمیر سازه‌های بزرگ مقیاس اعم از پل، تونل و ... که با سرمایه شهروندان احداث شده است، می‌باشد.

سالاری با بیان این‌که در این جلسه مقرر شد لایحه‌ای توسط معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران به شورای شهر ارائه شود که براساس آن برای نگهداری و نگهداشت پروژه‌های بزرگ در سطح کلی تصمیم‌گیری شود، گفت: با تعیین متولی مشخص می‌توانیم با نگهداشت درست، نسبت به طولانی‌کردن عمر سازه‌ها، عدم افزایش بار مالی و عدم آسیب‌رساندن جدی به سازه اقدام و از بروز حوادث جبران‌ناپذیر جلوگیری کنیم.

وی با بیان این‌که در ادامه جلسه به موضوع سند جامع برج میلاد پرداخته شد، افزود: برج میلاد یک مجموعه دارای عرصه ۱۲۰ هکتاری است که متأسفانه علی‌رغم این‌که قرار بوده همزمان با طراحی فاز اول برج میلاد که شامل ساختمان یادمان و سالن همایش‌ها است، طرح جامع برج میلاد تدوین شود و در مراجع ذیصلاح به تصویب برسد، تاکنون علی‌رغم پیگیری‌های مستمر کمیسیون شهرسازی و معماری این کار انجام نشده است.

وی اظهارکرد: اساساً اهتمامی در مدیریت شهری قبلی برای تدوین سند طرح جامع برج میلاد وجود نداشت و این در حالی بود که ما معتقدیم عرصه‌های عمومی همچون برج میلاد، اراضی عباس‌آباد، بوستان ولایت و ... که کارکردشان ارائه خدمات در حوزه‌های مختلف است و جاذب سفر هستند می‌بایست طرح و سند بالادستی داشته باشند که حتی فعالیت‌های معمول همچون گسترش فضای سبز یا هرگونه بارگذاری و کاربری جدید مبتنی بر سند فرادستی باشد.

سالاری افزود: بر همین اساس در این جلسه قرار شد معاونت شهرسازی ظرف مدت سه ماه مطالعه، تدوین و تصویب طرح جامع برج میلاد که شامل بارگذاری فاز دوم برج نیز می‌شود را از طریق کمیسیون ماده ۵ در صورت نیاز شورای عالی شهرسازی و معماری به سرانجام برساند.

وی در ادامه با بیان این‌که در مورد سرانجام فاز دوم برج میلاد و گود رهاشده آن نیز در این جلسه صحبت شد، اظهار کرد: فاز دوم برج میلاد براساس تصمیم کمیسیون ماده پنج در سال ۱۳۷۸ که در مورد مجموعه برج میلاد بود، تصمیم‌گیری شد.

رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر تهران با بیان این‌که قرار بود ۴۲۴ هزار مترمربع بنا بر مصوبه کمیسیون ماده ۵ در سال ۷۸ در کل عرصه و اراضی برج میلاد احداث شود که شامل مرکز تجارت جهانی، هتل پنج ستاره، مجموعه برج میلاد و ... می‌شد، ادامه داد: اشکال کار این بود که اساساً طرحی که برای فاز دو برج میلاد توسط “زها حدید” ارائه شد در حد ایده و کانسپت اولیه بود و در حد نقشه‌های فاز صفر هم نبود که براساس آن در فاز دو، دو برج دوقلو در کنار برج میلاد بارگذاری می‌شد که توسط شورای شهر به علت ارتفاع و همچنین معماری آن که مبتنی بر معماری ایرانی – اسلامی نبود، این طرح رد شد. البته شهرداری تهران همان زمان توسط سازمان سرمایه‌گذاری شهرداری با بنیاد تعاون ناجا توافق کرد که بصورت مشارکتی فاز دو برج میلاد ساخته شود و این در حالی بود که طرح هنوز نهایی نشده و تایید پلان‌ها و پروانه اصلی صادر نشده بود و

متأسفانه برای آن مجوز گودبرداری صادر شد که با توجه به اختلافات، پروژه متوقف شد و حالا با گودی مواجه هستیم که چهار – پنج سال است که رها شده و مقاوم‌سازی نیلینگ آن انجام شده اما عمر مفید مقاوم سازی آن به اتمام رسیده است.

مهلت شورا به شهرداری و ناجا برای تعیین تکلیف گود برج میلاد تا دو ماه آینده سالاری با بیان این که با توجه به مجاورت این گود با مرکز همایش‌ها، احتمال ریزش و آسیب جدی وجود دارد، گفت: در این جلسه قرار شد ظرف دو ماه، معاونت مالی و اقتصادی شهرداری مأموریت یابد که با محوریت شهرداری تهران با مدیران ارشد ناجا و بنیاد تعاون جلسه بگذارند و سرانجام این گود تعیین تکلیف شود، چرا که بنابر گزارش سازمان سرمایه‌گذاری شهرداری، بنیاد تعاون ناجا به تعهدات خود عمل نکرده و ادله قانونی برای فسخ قرارداد وجود دارد.

شهرداری در صورت عدم تعیین تکلیف گود برج میلاد تا دو ماه آینده آن را پر می‌کند وی با بیان این‌که رویکرد مدیریت شهری جدید تعامل دوسویه و احترام به تعهدات است، اظهار کرد: بر همین اساس قرار شد که جلسه‌ای با حضور مسئولان ارشد از جمله شهردار تهران و مقامات ارشد نیروی انتظامی و بنیاد تعاون ناجا برگزار شود تا ضمن بررسی ابعاد مختلف این پروژه، تصمیمی در این خصوص گرفته شود و اگر ظرف دو ماه آینده در مورد این گود به توافق نرسند، شهرداری تهران می‌بایست نسبت به پرکردن این گود اقدام کند، چرا که بیش از این صلاح نیست که این گود خطرناک رها شود.

رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر تهران افزود: اگر چشم‌انداز مناسبی برای ادامه همکاری یا فسخ قرارداد باشد، نیازی به پرکردن گود نیست.

سالاری همچنین در مورد قیمت‌گذاری این زمین، اظهار کرد: جالب است که بدانید که در فرآیند انعقاد قرارداد به شهرداری برای این پروژه متأسفانه این ۴۳ هزار متر زمین که در اصل از لحاظ موقعیت مکانی منحصر به فرد است و جزو سرمایه‌های ارزشمند و کم نظیر شهرداری تهران می‌باشد به قیمت متری چهار میلیون تومان به مشارکت گذاشته شده که به هیچ عنوان با ارزیابی‌های مشابه آن زمان تطابق ندارد و لذا معاونت مالی در رایزنی با مسئولان ناجا باید به صرفه و صلاح شهر و عدم اجحاف حقوق شهروندان در این پروژه توجه جدی داشته باشد.

وی افزود: دغدغه ما در حوزه مقاوم‌سازی جداره گود و مقاوم‌سازی خود گود این است که شرکت‌هایی که توسط بنیاد تعاون ناجا برای حفاری گود معرفی شده و مسئولیت داشتند نیز طی مکاتباتی رسمی اعلام کردند که با توجه به توقف پروژه، مسئولیتی در قبال رفتار گود ندارند که بر همین اساس باید هرچه سریع‌تر این گود تعیین تکلیف شوند.

رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر تهران با بیان این‌که در ادامه جلسه در مورد تخلفات ساختمان دانشگاه علوم پزشکی ایران نیز صحبت شد، گفت: متأسفانه علی‌رغم این‌که در محدوده ۱۲۰ هکتاری فضای برج میلاد می‌بایست تمامی ساخت‌وسازها، تغییر کاربری و ... مبتنی بر اصول شهرسازی و طرح‌های موضعی و موضوعی مصوب باشد اما متأسفانه شاهدیم در مدیریت شهری قبلی و فعلی، ۴۰ هزار مترمربع تخلف ساختمانی توسط علوم پزشکی ایران انجام گرفته است و علی‌رغم آنکه در دوره چهارم و پنجم شورای شهر مکاتبه و تذکرات زیادی با شهردار وقت شد؛ اما شهرداران مناطق قصور جدی در این تخلف داشتند و بدون طی فرآیند قانونی و عدم ارسال پرونده به کمیسیون ماده ۱۰۰ در توافقی دستی کل ۴۰ هزار مترمربع تخلف را تثبیت کرده و حدود چهار میلیارد تومان بابت عوارض دریافت کردند که این فرایند کاملاً تخلف است.

سالاری با انتقاد از این‌که چطور ممکن است که برای مردم عادی تخلفات زیرپله‌ای و در حد انباری مردم را شناسایی و با آن برخورد می‌کنند اما ۴۰ هزار متر تخلف در کنار اتوبان همت که کاملاً

مشهود است را ندیده‌اند، اظهار کرد: وزارت بهداشت و درمان و شهرداری تهران با یک تصمیم مدیریتی مداخلات کرده و برخلاف مقررات معماری و شهرسازی و حقوق شهروندی برای این ۴۰ هزار متر تخلف به توافق رسیده اند که این روند بر خلاف اصول و ضوابط شهرسازی است. وی با بیان این‌که باید با متخلفان برخورد شود، ادامه داد: از شهرداری می‌خواهیم تمام عوامل این تخلف از جمله عوامل شهرداری، مهندس ناظر و ... که در فرآیند تخلف چشمپوشی کرده‌اند را شناسایی و به کمیته انضباطی، سازمان بازرسی و حتی قوه قضاییه معرفی کنند. وی اضافه کرد: شهرداری تهران بجای اقدام قانونی در جلوگیری از انجام تخلفات، نهایتاً بجای برخورد با تخلفات صورت گرفته و اقدام برای قلع بنا و اخذ جرائم متناسب و قابل توجه در کمیسیون ماده ۱۰۰، با رویکرد تشویقی با این تخلفات برخورد کرده و تخفیف قابل توجهی هم داده اند. به گزارش ایسنا، جلسه مشترک کمیسیون شهرسازی و معماری و کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران روز پنجشنبه با حضور محمد سالاری، محمد علیخانی، شهربانو امانی و افشین حبیب زاده اعضای شورای شهر تهران و پیروز حناچی، معزی و شجاع پوریان معاونین شهردار تهران، کشت پور شهردار منطقه ۲ و همچنین مدیرعامل برج میلاد و مشاورین طرح های مربوط به برج و جمعی از کارشناسان برگزار شد و این جلسه به منظور بررسی گزارش معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران در خصوص تهیه طرح جامع برج میلاد و همچنین بررسی مشکلات این برج و پایش و نگهداری آن و بررسی گود فاز ۲ برج میلاد و ساخت و سازهای محدوده دانشگاه علوم پزشکی و برج میلاد در محل برج تشکیل شد و پس از جلسه نیز بازدیدی از گود کنار برج میلاد و ساختمان در حال احداث دانشگاه علوم پزشکی صورت گرفت.

در چه کشورهایی زنان بیشتر از مردان حساب بانکی دارند؟ بیشتر این کشورها آسیایی هستند!! امریکا و اروپا جزو این کشورها نیستند!!!

سوتیک بیسواس بی‌بی‌سی

در شش کشور جهان، تعداد زنانی که دارای حساب بانکی هستند، بیشتر از مردان است. تنها در شش کشور جهان، تعداد زنانی که دارای حساب بانکی هستند، بیشتر از مردان است. این کشورها عبارتند از آرژانتین، گرجستان، اندونزی، لائوس، مغولستان و فیلیپین. اخیراً بانک جهانی در ۱۴۰ کشور جهان بررسی‌هایی در باره چگونگی دسترسی بزرگسالان به حساب بانکی، نحوه پرداخت پول، اخذ وام، پس انداز و مدیریت ریسک انجام داد. نتیجه بررسی‌ها این بود که بیش از ۵۰۰ میلیون فرد بالغ یعنی ۶۹ درصد بزرگسالان (در سال ۲۰۱۱ این رقم ۵۱ درصد بود) در یک بانک حساب بانکی دارند و یا از طریق موبایل به نقل و انتقال پول مبادرت می‌ورزند. ولی طبق این گزارش، از نظر فعالیت‌های بانکی، مردان هنوز به مراتب از زنان جلوترند. به این معنی که در حالی که ۷۲ درصد مردان حساب بانکی دارند، تنها ۶۵ درصد زنان دارای حساب بانکی هستند. این اختلاف ۷ درصدی از سال ۲۰۱۱ تا کنون تغییری نکرده است.

چنین پدیده‌ای به رغم کم شدن شکاف جنسیتی در بسیاری کشورهاست. به طور مثال در هند ۸۳ درصد مردان و ۷۷ درصد زنان حساب بانکی دارند. در حالی که شکاف جنسیتی در هند که در سال ۲۰۱۴ حدود ۲۰ درصد بود، اکنون به ۶ درصد رسیده است.

ولی چطور ۶ کشور در اروپا، آمریکای جنوبی و آسیا توانسته‌اند این شکاف جنسیتی را به نفع زنان تغییر دهند؟ لورا کلپر، از اقتصاددانان برجسته بانک جهانی، در مورد فیلیپین می‌گوید تعداد زنان فیلیپینی که در خارج از کشور کار می‌کنند از مردان بیشتر است و این زنان برای این بتوانند جهت امرار معاش خانواده شان پول به فیلیپین بفرستند ناچارند حساب بانکی داشته باشند.

در تمام این ۶ کشور (به استثنای لائوس) تعداد زنانی که به موجب بخشی از برنامه کمک نقدی دولت، پول به حسابشان واریز می‌شود، بیشتر از مردان است. به طور مثال در مغولستان ۴۳ درصد زنان چنین پولی دریافت می‌کنند در حالی که تعداد مردانی که کمک نقدی دولتی دریافت می‌کنند، ۲۴ درصد است.

در اندونزی در حساب‌های بانکی "فعال" مردان و زنان یا حساب‌هایی که دست کم یک بار در سال گذشته به آن پول واریز شده و یا از آن پول برداشت شده، اختلاف زیادی از لحاظ شکاف جنسیتی دیده نمی‌شود.

اما اگر چه احتمال دارد تعداد زنانی که به عنوان کمک نقدی دولت، پول به حساب بانکی‌شان ریخته می‌شود بیشتر از مردان باشد، زنان معمولاً از این حساب برای سایر مصارف خود استفاده نمی‌کنند.

ولی یک نکته قابل توجه وجود دارد. به استثنای فیلیپین در هیچ کشور دیگری حساب بانکی زنان بیشتر از حساب بانکی مردان فعال نیست.

برای مثال، هند توانسته در مورد باز کردن حساب بانکی شکاف جنسیتی را کم کند ولی بیش از نیمی از حساب‌های متعلق به زنان فعال نیست و نقل و انتقالی در این حساب‌ها صورت نمی‌گیرد.

دکتر کلاپر می‌گوید: "به همین جهت چالش دشوار برای هند اکنون این است که نوعی ابزار مالی را وارد بازار کند که زنان مایل به استفاده از آن باشند."

سرکوب در اویش

منتشر شده در: ۳۰ خرداد، ۱۳۹۷.

زمانی که دروایش گنابادی تحت فشار تندروها بودند آیت الله منتظری و مهدی کروبی با صراحت تخریب امکان مذهبی دروایش را محکوم کردند.

آیت الله منتظری منتقد صریح اللهجه حاکمیت در بیانیه ای تخریب حسینی در اویش گنابادی در قم را محکوم کرد: “تخریب منزل شخصی افراد و حسینی و ضرب و شتم بندگان خدا به ویژه خواهران هیچ توجیه شرعی ندارد.”

فقیه عالیقدر تاکید کرد “اسلام دین رحمت است و در آن حقوق همه مردم حتی اقلیت های دینی و اهل ذمه محترم است چه رسد به حقوق مسلمانان و شیعیان.”

آیت الله منتظری مخالفت با یک عقیده و مشی را دلیلی برای اذیت و آزار صاحبان آن عقیده ندانست و تاکید کرد: “باطل دانستن برخی افکار و نظریات آنان مجوز هتک و ضرب آنان و تخریب و تصرف غاصبانه در اموال آنان نیست.”

مهدی کروبی هم تنها صدای درویش ها در ساختار حاکمیت در روزهای فشار و ارباب بود. دفاع از حقوق درویش تنها به روزهای انتخابات محدود نشده بود بلکه مدتها پیش کروبی نامه های متعددی را به مقامات عالی نظام در اعتراض به اعمال فشار و محدودیت علیه درویش نوشته بود. کروبی علاوه بر نامه به وزرای اطلاعات و کشور در بهمن و اسفند ۸۴ دو نامه به مراجع قم نوشت و نسبت به خطر نفی آزادی های دینی در کشور هشدار داد.

او دفاع از حقوق همه انسان ها “حتی کسانی که عقاید ایشان را نمی پسندیم”، از وظایف اصلی مراجع روحانی دانست و تصریح کرد: “در شرایطی که مسلمانان در اسپانیا زیر فشار شکنجه و تفتیش عقیده جان می باختند در پناه تمدن اسلامی، عوام و علمای یهود و نصاری به آسودگی و در پناه رواداری دینی زندگی می کردند. ایرانیان چه پیش از اسلام و چه پس از اسلام همواره حامی رواداری و تساهل دینی و پذیرش عقاید مختلف بوده اند. بر این اساس، اقدام اخیر پس از عاشورای حسینی در شهر مقدس قم و درگیری وسیع تعداد زیادی از متصوفه و مضروب و مجروح و محبوس شدن حدود هزار تن از آنان و تخریب مکانی متعلق به ایشان موجب تعجب این جانب شد.”

کروبی در این نامه ها با ابراز نگرانی از سرکوب درویش نوشت: “ما در مکتب امام صادق آموخته ایم که حتی با دهریون در مسجد مباحثه کنیم و در صدر انقلاب اسلامی بر این باور بودیم که در جدلی احسن می توانیم به ملحدین پاسخ دهیم. اما متأسفانه هم اکنون نه درباره دهریون و ملحدین که درباره فرقه ای از فرق اسلامی و شیعی به بدترین شکل جدل بلکه جدال روی آورده ایم.”

کروبی با نگرانی از انفعال مرجعیت در دفاع از حقوق اقلیت ها تاکید کرد: “نقش مراجع معظم تقلید در طرد روش های ناپسند و دشمنی های پنهان با حقیقت ایمان و آزادی دینی، خدمت بزرگی به اسلام عزیز در شرایط هجوم بیگانگان است. هیچ کسی به جز مراجع تقلید نمی تواند از تمامیت اسلام که ایمان و اختیار در آن مستور است، دفاع کند؛ رد شایعات دوستان ناآگاهی که می خواهند نهاد مرجعیت را خرج بی تدبیری و نابرداری خود کنند؛ طرد افرادی که در لباس دوست با دفاع بد، تصویری دشمن شادکن از اسلام نشان می دهند؛ دفاع از حقوق همه انسان ها حتی کسانی که عقاید ایشان را نمی پسندیم و حفظ حریم حکومت اسلامی که نماینده ی همه شهروندان و مومنان است، اکنون منظومه ای از رفتارهایی را تشکیل می دهد که عمل به آن تنها براننده ی نهاد مرجعیت است.”

این نامه ها در شرایطی نوشته شد که به استثنای آیت الله منتظری اکثر مراجع در برابر تخریب حسینی های درویش سکوت کردند. همین سکوت است که باعث شد مسئله حقوق درویش در کشور به بحران تبدیل شود. امروز مراجع قم نمی توانند مدعی شوند که از سرکوب درویش خبر نداشته اند. هم نامه های کروبی و هم انتشار اخبار مربوط به ظلم آشکار به درویش جای هیچ توجیهی را برای مراجع باقی نمی گذارد، همچنانکه سکوت بسیاری از آنها در قبال نقض حقوق انسان ها نه تنها کشور را در وضعیت بحرانی قرار داده و شکاف بین ملت و حاکمیت را افزایش داده بلکه نهاد مرجعیت را به عنوان نهادی سابقه دار و مردمی با چالش مشروعیت مواجهه کرده است.

مسئله به درآویش محدود نمی شود. سرکوب همه منتقدان در دستور کار تندروهایی است که به نام دین آزادی مردم را محدود کرده اند و کشور را در سرآشویی سقوط قرار داده اند. مراجع قم گمان نکنند با سکوت و چشم پوشی از بحران ها افکار عمومی عملکردشان در باره نقض حقوق مردم را فراموش می کند. در دنیایی که همه مواضع ثبت، ضبط و تصویربردای می شوند، سکوت درباره نقض حقوق افرادی که تحت ظلم قرار گرفته اند نابخشودنی است. مرجعیت شیعه حتی اگر به فکر ظلمی که به مردم می شود نیست به فکر بحران مشروعیت خود باشد. سکوت آنها در قبال فشار حاکمیت و تن دادن به خواسته های نهاد قدرت خودکشی سیاسی این نهاد سابقه دار است.

مراجع قم تا چه زمانی می خواهند در برابر ظلم به نام دین بر مردم چشم پوشی کنند؟ آیا این همه سرکوب منافق سنت و سیره پیامبر و امام علی نیست؟ آیا فلسفه قیام امام حسین، علیه ظلم نبود؟ حالا چرا همه در برابر سرکوب عیان یک گرایش مذهبی متفاوت از اسلام فقه مدار لب به سکوت گشوده اند؟ آیا مراجع خبر ندارند در زندان قرچک چه برخورد ناشایستی با زنان درآویش می شود؟ آیا از شکنجه، اذیت و آزار درآویش بازداشتی حادثه گلستان هفتم اطلاع ندارند؟ آیا درباره کشته شدن محمد راجی سئوالی پرسیدند؟ آیا جویای وضعیت دادرسی محمد ثلاث اعدامی شدند؟ آیا پرسیده اند چرا محمد ثلاث باید در عرض چند ماه اعدام شود اما پرونده باند قتل زنان کرمانی به بهانه امر به معروف، ۱۶ سال طول بکشد تا رضایت اولیای دم ستانده شود؟ آیا از وضعیت اسفناک قوه قضاییه بی اطلاع هستند؟ بی اطلاعی در دنیای تصویر و فیلم توجیهی ندارد. آنچه که در زندان های جمهوری اسلامی رخ می دهد و هن انسانیت و خدشه به تصویر تشیعی است که در تاریخ خود را علیه ظلم و ستم معرفی کرده است. مراجعی که از ترس یا بنا بر مصلحت در برابر این ظلم آشکار سکوت کرده اند به همان میزان مرتکبان خشونت سهم دارند.

دفاع خامنه‌ای از سرکوب درآویش

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران، چهارشنبه 27 ژوئیه، بدون ذکر نام با دفاع از محمد ثلاث درویش گنابادی، از انتقادهای وارد شده بر دستگاه قضایی ایران به دلیل صدور حکم اعدام او، ابراز ناخرسندی کرد.

به گزارش خبرگزاری های ایران، خامنه‌ای در دیدار با مسئولان قضایی، ضمن تمجید از عملکرد این قوه قضائیه ایران، «تبلیغات رسانه‌ای» علیه این دستگاه را، کار کسانی بر شمرد که آن‌ها را «دشمنان خارجی و غافلین داخلی» توصیف کرد.

او با اشاره به اعدام محمد ثلاث و انتقادهایی که از دستگاه قضایی ایران در این زمینه شد گفت: «امروز قوه قضاییه از جانب دشمنان خارجی و غافلین داخلی، آماج شدیدترین فشارهای تبلیغی و رسانه ای است به گونه‌ای که در این تبلیغات، یک قاتل بی رحم که چند جوان حافظ امنیت را به قتل رسانده و در یک فرآیند قانونی و منصفانه چند ماهه به جرم وی رسیدگی و محکوم شده است، مظلوم جلوه داده می شود و قوه قضاییه‌ی دلسوز و پیگیر حقوق مظلومین، ظالم و متجاوز معرفی می‌شود».

محمد ثلاث درویش گنابادی روز دوشنبه 18 ژوئن اعدام شد. پس از آن و در روز 19 ژوئن، زینب طاهری وکیل مدافع محمد ثلاث بازداشت شد.

بنا بر اعلام وبسایت مجذوبان نور که اخبار درآویش گنابادی را منتشر می‌کند، بازداشت این وکیل مدافع توسط شعبه دوم دادسرای فرهنگ و رسانه صورت گرفته است.

بنا بر این گزارش، بازداشت طاهری با نوشته‌های او در شبکه‌های اجتماعی درباره پرونده محمد ثلاث ارتباط دارد. او گفته بود که به خاطر فشارهای امنیتی روی خانواده محمد ثلاث و شخص خودش، از انتشار «اسناد بیگانه‌ی» موکلش خودداری می‌کند اما شاید منبع دیگری این مستندات را منتشر کند.

صدور حکم اعدام محمد ثلاث به اتهام راندن اتوبوسی صادر شد که در جریان درگیری میان نیروهای امنیتی و درویش گنابادی، شماری از نیروهای انتظامی را زیر گرفت و 3 تن از آنها را کشت.

زینب طاهری برای موکلش درخواست اعاده دادرسی داده بود اما محمد ثلاث سحرگاه دوشنبه اعدام و جسدش به سرعت در بروجرد دفن شد. خانواده و وکیل آقای ثلاث خواستار آن بودند که جسد برای بررسی آثار شکنجه در پزشکی قانونی معاینه شود.

زینب طاهری اعلام کرده بود شواهدی دارد که ثابت می‌کند محمد ثلاث راننده اتوبوسی نبود که ماموران انتظامی و بسیجی را زیر گرفت.

پیشتر فایلی صوتی منتسب به محمد ثلاث منتشر شده بود که می‌گوید زیر شکنجه اقرار کرده و گرنه در زمان حرکت «اتوبوس مرگ» در بازداشت بوده است.

زینب طاهری قبل از اعدام محمد ثلاث، در نامه‌ای سرگشاده نوشته بود موکلش به شدت شکنجه شده و قاتل فرد دیگری است.

در واکنش به این اظهارات غلامحسین اسماعیلی رئیس دادگستری استان طهران سه‌شنبه در نشست خبری با روزنامه‌نگاران از «تلاش دشمن برای عوض کردن جای شهید و جلاد» در پرونده درگیری‌ها میان درویش گنابادی و نیروهای امنیتی در خیابان گلستان هفتم منطقه پاسداران سخن گفته و افزوده بود: «متأسفانه برخی افراد که ادعای حقوقدانی و وکالت داشتند، با مصاحبه با رسانه‌های خارجی و بهره‌گیری از فضای مجازی، اذهان عمومی را نسبت به اجرای این حکم قدری مشوش کردند».

وزیر خارجه آمریکا خواستار محکومیت جهانی اعدام محمد ثلاث توسط رژیم ایران شد

مایک پومپئو وزیر امور خارجه آمریکا سه‌شنبه 19 ژوئن، اعدام «محمد ثلاث» درویش گنابادی را «بی‌رحمانه» و «ناعادلانه» توصیف کرد و خواستار محکومیت جهانی حکومت ایران به خاطر این اعدام شد.

پومپئو در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی توییتر نوشت: «ما اعدام محمد ثلاث -عضو جامعه درویش گنابادی که مدت‌هاست تحت آزار و اذیت هستند- توسط رژیم ایران را محکوم می‌کنیم و از شرکا و متحدانمان دعوت می‌کنیم تا در محکوم کردن اعدام ناعادلانه و بی‌رحمانه او به ما بپیوندند. مردم ایران سزاوار احترام به حقوق بشر و آزادی‌اند».

منابع خبری ایران روز دوشنبه 18 ژوئن 2018 از اعدام محمد ثلاث درویش گنابادی خبر دادند. محمد ثلاث که متهم شده بود در جریان درگیری‌های روی داده میان نیروهای امنیتی و درویش گنابادی در منطقه «گلستان هفتم» تهران، تعدماً با راندن اتوبوس به میان ماموران نیروی انتظامی 3 تن از آنان را به قتل رسانده است. او با همین اتهام به سه بار اعدام محکوم شد. علیرغم اعتراضات گسترده سحرگاه دوشنبه حکم اعدام «محمد ثلاث» درویش گنابادی تحت تدابیر شدید امنیتی در زندان رجایی شهر کرج به اجرا در آمد.

به گزارش خبرگزاری «هرانا» ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، وکلای ثلاث، نهادهای مدافع حقوق بشر تردیدهای جدی در مورد انتساب چنین اتهاماتی به او ایراد کرده بودند. خود ثلاث هم طی فایلهای صوتی این اتهامات را وارد ندانسته بود و اظهارات منتسب به خود را نتیجه شکنجه عنوان کرده بود.

طبق این گزارش، روز جمعه 26 خردادماه طی تماسی تلفنی از زندان رجایی شهر کرج به خانواده محمد ثلاث، اطلاع داده شد که روز یکشنبه برای آخرین ملاقات با این درویش زندانی به زندان مراجعه کنند.

پس از انجام آخرین ملاقات «خبرگزاری فارس» از رسانه‌های نزدیک به نهادهای امنیتی گزارش داد سحرگاه دوشنبه، حکم اعدام محمد ثلاث پس از رد درخواست اعاده دادرسی در زندان رجایی شهر کرج به اجرا درآمد.

درخواست پایان دادن به اعتراض درواپش زندانی از سوی « فعالان سیاسی

چکیده : خواستار پایان دادن به اعتصاب شده و با توجه به شرایط پرخطر کنونی جامعه و اوضاع پر آشوب منطقه و نارضایتی‌های عمومی، از مسئولان نیز درخواست دخالت مؤثر و مودت آمیز برای حل هرچه سریعتر مشکلات پیش آمده و آزادی زندانیان را داریم

چند فعال سیاسی در نامه‌ای خواستار پایان دادن به اعتصاب غذای تعدادی از درواپش زندانی شدند.

به گزارش انصاف نیوز، در این نامه که به امضای «احمد منتظری، سعید منتظری، حسین کروی، مصطفی تاج زاده، عمادالدین باقی، فاطمه کروی، فاطمه کمالی احمدسرایی، زهرا ربانی املشی، فخرالسادات محتشمی پور» رسیده، با اشاره به شنیده‌های خود از علت اعتراض جمعی از درواپش زندانی، ضمن حمایت از خواسته‌های قانونی آنها، نوشته‌اند که «خواستار پایان دادن به اعتصاب شده و با توجه به شرایط پرخطر کنونی جامعه و اوضاع پر آشوب منطقه و نارضایتی‌های عمومی، از مسئولان نیز درخواست دخالت مؤثر و مودت آمیز برای حل هرچه سریعتر مشکلات پیش آمده و آزادی زندانیان را داریم».

متن این نامه به شرح زیر است:

طبق شنیده‌های مورد وثوق، جمعی از درواپش (از زنان و مردان) چند روز است در اعتراض به شرایط خود در زندان، طولانی شدن ناموجه بازداشت، و برگزاری دادگاه‌هایی که ضوابط قانونی را رعایت نمی‌کنند دست به اعتصاب غذا زده‌اند. با توجه به کمبود امکانات دارویی و درمانی در زندان، نگرانی عمیق خانواده‌ها و مردم



خشونت جنسی و آزار، رفتارهای مبتنی بر رسوم و سنت‌ها، قاچاق انسان، کار اجباری، بردگی جنسی و کنیز بودن در خانه از مشکلات زنان در هند خوانده شده

شریفی که اخبار را دنبال می‌کنند و از سوی دیگر فقدان حمیت لازم مسئولان مربوطه در شنیدن صدای شما به این وسیله به آگاهی می‌رسانیم که ما امضاکنندگان زیر ضمن حمایت از خواسته‌های به‌حق شما و اعتراض به عدم رسیدگی به درخواست‌های قانونی معترضان، برای رفع نگرانی نسبت به سلامت شما، خواستار پایان دادن به اعتصاب شده و با توجه به شرایط پرخطر کنونی جامعه و اوضاع پرآشوب منطقه و نارضایتی‌های عمومی، از مسئولان نیز درخواست دخالت مؤثر و مودّت‌آمیز برای حل هرچه سریعتر مشکلات پیش‌آمده و آزادی زندانیان را داریم.

امریکا جزو ده کشور خطرناک جهان برای زنان

خشونت جنسی و آزار، رفتارهای مبتنی بر رسوم و سنت‌ها، قاچاق انسان، کار اجباری، بردگی جنسی و کنیز بودن در خانه از مشکلات زنان در هند خوانده شده

کارشناسان جهانی مسایل زنان، هند را خطرناکترین کشور برای زنان نامیدند. در یک نظرسنجی که از سوی بنیاد تامسون رویترز انجام شده، ۵۵۰ کارشناس مسایل مربوط به زنان، هند را خطرناکترین کشور جهان برای زنان دانسته‌اند. افغانستان و سوریه در رده‌های دوم و سوم و سومالی و عربستان سعودی بعد از آن‌ها قرار دارند.

در این بررسی از کارشناسان خواسته شد پنج کشور از مجموع ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل را نام ببرند که در آنها زنان از ناحیه دسترسی به خدمات بهداشتی، منابع اقتصادی، عادات و رسوم سنتی، آزارهای جنسی و غیرجنسی و قاچاق انسان در خطرناکترین وضعیت هستند. نظر سنجی تازه از ۲۶ مارس تا ۴ مه سال جاری میلادی انجام شده است.

فهرست ده کشوری که در آنها زنان زندگی پرخطری دارند

جایگاه = کشور = نوع خطر

۱ هند خشونت و آزار جنسی، رفتارهای مبتنی بر رسوم و سنت‌ها، قاچاق انسان، کار اجباری، بردگی جنسی و کنیز بودن در خانه

۲ افغانستان خشونت‌های غیرجنسی، دسترسی به خدمات بهداشتی و دسترسی به منابع اقتصادی

۳ سوریه عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و قرار داشتن آنان در معرض خشونت غیرجنسی (شامل خشونت‌های مرتبط به ستیزه‌گری‌های مسلحانه و خشونت خانگی) و سوء استفاده جنسی

۴ سومالی عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و واقع شدن آنان در معرض خطرات ناشی از رسوم و عادات سنتی

۵ عربستان عدم دسترسی به منابع اقتصادی و نیز تبعیض علیه زنان

۶ پاکستان عدم دسترسی به منابع اقتصادی، تبعیض و نیز قرار گرفتن در معرض خطرات ناشی از رفتارهای فرهنگی، مذهبی و سنتی (به شمول قتل‌های ناموسی)

۷ جمهوری دموکراتیک کنگو خشونت جنسی

۸ یمن عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و منابع اقتصادی و میزان خطرات ناشی از سنت و فرهنگ بومی و نیز خشونت غیر جنسی

۹ نیجریه قاچاق انسان و رفتارهای مبتنی بر سنت‌های بومی

۱۰. ایالات متحده آمریکا خشونت جنسی (تجاوز، آزار جنسی، همخوابگی اجباری و دسترسی نداشتن زنان به عدالت در پرونده‌های تجاوز) و این مایه شرمساری امریکا و خصوصا غربیهاست که مدعی طرفداری از زنان هستند و در این درجه نازله ده کشور خطرناك جهان برای زنان هستند

مشابهت‌های خطر

۱. هند - در صدر جدول قرار دارد. در این کشور میزان خشونت علیه زنان همچنان بالاست، پنج سال و اندی پیش یک دختر دانشجو در اتوبوسی در دهلی مورد تجاوز جنسی قرار گرفت و بعد به قتل رسانده شد و این خبر خشم عمومی را برانگیخت و دولت هند قول داد که با این مسئله برخورد کند. در حال حاضر زنان هند از سه ناحیه در وضعیت پرخطری قرار دارند: خطر خشونت جنسی و آزار، خطر ناشی از رفتارهای مبتنی بر رسوم و سنت‌ها و خطر قاچاق انسان، کار اجباری، بردگی جنسی و کنیز بودن در خانه.

۲. افغانستان - کارشناسان شامل در نظرسنجی می‌گویند هنوز و ۱۷ سال پس از شکست حکومت طالبان، زنان در این کشور با مشکلات هولناکی روبرویند. زنان افغان از سه ناحیه در معرض خطر قرار دارند: خشونت‌های غیرجنسی، دسترسی به خدمات بهداشتی و دسترسی به منابع اقتصادی. در نظرسنجی تازه، زندگی زنان افغانستان "هولناک" توصیف شده است

۳. سوریه - جنگ داخلی در این کشور در هفت سال گذشته ادامه داشته. کارشناسان سوریه را از نظر دسترسی زنان به خدمات بهداشتی و قرار داشتن آنان در معرض خشونت غیرجنسی (شامل خشونت‌های مرتبط به ستیزه‌گری‌های مسلحانه و خشونت خانگی) در جایگاه دوم قرار داده‌اند اما از نظر قرار داشتن زنان در معرض سوءاستفاده جنسی شبیه آمریکا دانسته‌اند که جایگاه سوم را در میان کشورهای جهان دارد.

۴. سومالی - از سال ۱۹۹۱ تا حالا متحمل جنگ و ستیزه‌جویی بوده. سومالی از نظر دسترسی زنان به خدمات بهداشتی و واقع شدن آنان در معرض خطرات ناشی از رسوم و عادات سنتی، سومین کشور خطرناک جهان شناسایی شده. اما از نظر محدودیت دسترسی زنان به منابع اقتصادی، در جایگاه پنجم قرار دارد.

۵. عربستان سعودی - به صورت کلی پنجمین کشور خیلی خطرناک جهان برای زنان دانسته شده اما از نظر دسترسی زنان به منابع اقتصادی و نیز تبعیض علیه زنان، دومین کشور بسیار خطرناک برای زنان در سراسر جهان شناسایی شده.

۶. پاکستان - ششمین کشور بسیار خطرناک برای زنان در جهان است اما از نظر دسترسی آنان به منابع اقتصادی، تبعیض و نیز قرار گرفتن زنان در معرض خطرات ناشی از رفتارهای فرهنگی، مذهبی و سنتی (به شمول قتل‌های ناموسی) دومین کشور بسیار خطرناک برای زنان در سراسر جهان شمرده شده.

۷. جمهوری دموکراتیک کنگو - هفتمین کشور بسیار خطرناک برای زنان نامیده شده، سازمان ملل هشدار داده که خونریزی‌های چندین ساله فرقه‌ای و عدم حاکمیت قانون، زندگی میلیون‌ها نفر را در

این کشور در "وضعیت ناگوار" قرار داده است. اما کنگو از ناحیه خشونت جنسی علیه زنان دومین کشور بسیار خطرناک دانسته شده.

۸. یمن - از نظر محدودیت دسترسی زنان به خدمات بهداشتی و منابع اقتصادی و میزان خطرات ناشی از سنت و فرهنگ بومی و نیز خشونت غیر جنسی، این کشور در جایگاه هشتم است. یمن همچنان دارای بحرانی‌ترین وضعیت انسانی است که ۲۲ میلیون نفر در آن به کمک‌های فوری برای زنده ماندن نیاز دارند.

۹. نیجریه - فعالان حقوق بشر ارتش این کشور را متهم کرده که در جریان جنگ ۹ ساله علیه جنگجویان بوکوحرام دست به شکنجه، تجاوز جنسی و کشتار غیرنظامیان زده است. نیجریه از نظر قاچاق انسان در کنار روسیه، در ردیف چهارم قرار می‌گیرد. اما از نظر روبرو شدن زنان با رفتارهای مبتنی بر سنت‌های بومی، ششمین کشور خیلی خطرناک محسوب می‌شود.

۱۰. ایالات متحده آمریکا - تنها کشور غربی است که در فهرست ده خطرناک‌ترین کشور جهان شامل شده است. آمریکا از نظر خشونت جنسی، شامل تجاوز، آزار جنسی، همخوابگی اجباری و دسترسی نداشتن زنان به عدالت در پرونده‌های تجاوز، مانند سوریه سومین کشور خیلی خطرناک برای زنان است.

این نظرسنجی، تکرار بررسی‌های مشابهی است که در سال ۲۰۱۱ از سوی نهاد تامسون رویترز انجام شده بود و در آن به ترتیب افغانستان، جمهوری دموکراتیک کنگو، پاکستان، هند و سومالی، کشورهای خطرناک برای زنان ثابت شده بودند.

انتقاد سید محمدخاتمی از نامه درخواست مذاکره مستقیم با آمریکا

سید محمد خاتمی با اشاره به شرایط حساس کشور و تهدیدات بین‌المللی گفت: همه دلسوزان و علاقه‌مندان به ایران، اکنون نگران هستند و رشد فزاینده تهدیدات از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی تنها علیه نظام جمهوری اسلامی نیست بلکه علیه ایران است و کسانی که مدعی دوست داشتن ایران هستند نباید به نحوی در این فضا علیه کشور عمل کنند. او با اشاره به خط و نشان کشیدن ترامپ و نتانیاهو علیه کشور گفت: در شرایطی که این افراد با ادبیات کاملاً خصمانه و موهن علیه کشور تهدید و توهین می‌کنند، پیشنهاد کنار گذاشتن آداب دیپلماتیک و مذاکرات بی‌قید و شرط با آمریکا، نقض کرامت ایران است و این‌گونه رفتارها نتیجه‌ای به سود منافع ملی در برنخواهد داشت.

رئیس دولت اصلاحات در دیدار با گروهی از اعضای هیأت‌مدیره و دبیران انجمن اندیشه و قلم، ضمن تقدیر از فعالیت‌های فرهنگی و علمی این سازمان مردم‌نهاد، نوع فعالیت‌های معطوف به مسائل علمی و فرهنگی در جامعه را با اهمیت توصیف کرده و افزود: بارها به چهره‌های اصلاح‌طلب این نکته تأکید شده است که کسب قدرت سیاسی و حضور فعال در انتخابات، اگرچه اهمیت دارد اما نباید به موضوع و محور فعالیت‌های اصلاح‌طلبان تبدیل شده و جامعه اصلاح‌طلبی را یک حرکت معطوف به قدرت تلقی کند، بلکه روح اصلاح‌طلبی را باید در ارتقای فرهنگ و فهم جامعه و شهروندان دید و اگر این تحول رقم بخورد، به‌صورت طبیعی نتیجه خود را در هسته سخت سیاست و قدرت سیاسی می‌گذارد اما اگر به این حوزه کم‌توجهی شود، اصلاح‌طلبی پایگاه اصلی خود در جامعه را از دست خواهد داد و مورد تخریب قرار گرفته و به فرصت‌طلبی متهم می‌شود. رئیس دولت اصلاحات، حرکت‌های مردم ایران در ۱۱۲ سال سپری شده از انقلاب مشروطه را در راستای ارتقای حکمرانی و به دست آوردن اهدافی چون عدالت، آزادی و استقلال دانسته و افزود: اگر می‌بینیم بسیاری از کشورهایی که سال‌ها و دهه‌ها بعد از جامعه ایران حرکت خود را آغاز کردند، امروز از برخی منظرها توسعه‌یافته‌ترند، به دلیل عدم همگرایی و اجماع نخبگان در جهت پیشرفت و توسعه ایران بوده است و اختلافات موجب افتادن کشور به دام افراط و تفریط و انحراف از مسیر اصلی توسعه و اصلاح شده است. خاتمی، فرهنگ گفت‌وگو و تقریب نخبگان را یکی از نیاز مهم جامعه امروز دانسته و حمایت از حرکت‌هایی که در راستای همگرایی نخبگان و ایجاد وفاق در کشور است را ضروری ارزیابی کرد.

انتقاد از نامه درخواست مذاکره مستقیم با آمریکا

خاتمی با اشاره به شرایط حساس کشور و تهدیدات بین‌المللی گفت: همه دلسوزان و علاقه‌مندان به ایران، اکنون نگران هستند و رشد فزاینده تهدیدات از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی تنها علیه نظام جمهوری اسلامی نیست بلکه علیه ایران است و کسانی که مدعی دوست داشتن ایران هستند نباید به نحوی در این فضا علیه کشور عمل کنند. خاتمی با اشاره به خط و نشان کشیدن ترامپ و نتانیاهو علیه کشور گفت: در شرایطی که این افراد با ادبیات کاملاً خصمانه و موهن علیه کشور تهدید و توهین می‌کنند، پیشنهاد کنار گذاشتن آداب دیپلماتیک و مذاکرات بی‌قید و شرط با آمریکا، نقض کرامت ایران است و این‌گونه رفتارها نتیجه‌ای به سود منافع ملی در برنخواهد داشت. وی مذاکرات با اروپا و سایر کشورهایی که خود را از رفتارهای هنجارشکنانه رئیس‌جمهور آمریکا تفکیک می‌کنند، راهبرد صحیح نظام دانسته و افزود: باید برای رویارویی با تهدیدات خارجی، مشکلات داخلی کشور را حل یا دست‌کم مدیریت و با صدایی واحد از منافع ایران دفاع کنیم. وی، موضوع توسعه به خصوص توسعه اقتصادی را یکی از مسائل اصلی و اولویت‌دار کشور در شرایط فعلی دانسته و افزود: نباید برای ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی فقط به امید دولت ماند، دولت اگرچه ضعف‌هایی در عملکرد خود دارد اما به تنهایی قادر به انجام این امر بزرگ نیست و سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه مدنی می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌ها و استعدادهای فراوان جامعه در این حوزه فعال شوند و دولت نیز از آنها حمایت کنند. در ابتدای این دیدار، سمیه عظیمی، مدیر عامل و تعدادی از اعضای انجمن اندیشه و قلم، ضمن ارایه گزارشی از فعالیت‌های این انجمن، دیدگاه‌های خود را مطرح کردند. این دیدار با اقامه نماز جماعت به امامت سیدمحمد خاتمی به پایان رسید.

اعتماد

نام ایران از چند هزار سال قبل برای سرزمین ایران مطرح بوده

و درخواست دولت ایران (در عهد رضاخان) از دول غربی برای بکاربردن نام ایران بجای 'پرشیا' برای تصحیح اسناد غربی طبق واقعیت ایرانی بوده است

رضا نوری

روزنامه نگار

یان ریشار که پیشتر کتاب "ایران از ۱۸۰۰ تا روزگار ما" را منتشر کرده، در این زمینه به روزنامه لیبراسیون گفت: "ایران هرگز نام خود را تغییر نداده، زیرا ایرانیان از زمان‌های دور از این کلمه برای نامیدن کشورشان استفاده می‌کردند. در سال ۱۹۳۵ زمانی که کشور در حال اصلاحات گسترده بود، رضا شاه می‌خواست که خارجی‌ها را از توهم‌ها و تصوراتی که پیشتر از پارس داشتند، منقطع کند. رضا شاه با انتخاب نام ایران می‌خواست بگوید که 'ما کشور مدرنی هستیم'."

یارشاطر می‌گوید: در مورد ایران که آیا ایران گفته شود یا پرشیا، این یک اشتباهی بود که در دوره رضاشاه پیش آمد و دولت ایران از کشورهای خارجی خواست که کشور را ایران بخوانند چون در زبان فارسی، ما کشور ایران می‌گوییم

ایران یا پرشیا؟

روز اول فروردین ۱۳۱۴ شمسی طبق بخشنامه وزارت امور خارجه نام پارس یا پرشیا، رسماً به ایران تغییر یافت. پیش‌تر نام ایران در مجامع بین‌المللی به عنوان پرشیا یا پارس خوانده می‌شد.

گفته می‌شود این تغییر به سفارش کسانی چون سعید نفیسی بوده، که در کنار دیگر روشنفکرانی مانند محمدعلی فروغی اعتقاد به باستانگرایی ایرانی داشتند.

احسان یارشاطر، سروراستار دانشنامه ایرانیکا در این باره گفته است: "داریوش در کتیبه‌اش می‌گوید من پارسی هستم و آریایی. بنابراین کلمه پرشیا و ایران هر دو قدیمی است و قدیم‌ترین سند و مآخذی که از هر دوی این در ایران وجود دارد همان کتیبه‌های داریوش هخامنشی است."

یارشاطر در ادامه گفته است: "در مورد ایران که آیا ایران گفته شود یا پرشیا، این یک اشتباهی بود که در دوره رضاشاه پیش آمد و دولت ایران از کشورهای خارجی خواست که کشور را ایران بخوانند چون در زبان فارسی، ما کشور ایران می‌گوییم. این اصولاً ممکن بود عیبی نداشته باشد. فقط یک عیب بزرگ دارد و آن اینست که کلمه پارس در فرانسه یا پرشیا در انگلیسی یا Persian، یک تداعی‌های مطلوبی دارد. شما وقتی در انگلیسی می‌گویید پرشیا عباراتی از قبیل Persian empire، Persian Art، Persian poetry، و حتی Persian cat را به ذهن می‌آورد که همه غیر از Persian cat حکایت از یک جنبه‌هایی از فرهنگ و تاریخ ایران می‌کند و همه تداعی‌های مطلوبی است."

عباس میلانی، مورخ و استاد دانشگاه، درباره چرایی این تغییر می‌گوید: "ایران نزد ما ایرانیان همواره ایران بود. به آمدن آریاها به سرزمین فعلی ایران تأویل‌پذیر بود. غربی‌ها گویا از زمان هروودوت به خطا ایران را پرژیا خطاب کردند. در اوج قدرت نازی‌ها، اسطوره آریاپرستی آنها رضاشاه را وسوسه کرد که با آنچه موج برآینده تاریخ می‌دانست همسو گردد و همه کشورها را وادارد ایران را همان ایران بخوانند."

برنار هانری لوی به گزارشی نوشته پی‌یر دای، یک فاشیست بلژیکی در تاریخ ششم ژوئیه ۱۹۳۵ اشاره می‌کند که با عنوان "پارسی که به ایران تبدیل شد" در نشریه "من همه جا هستم" متعلق به جناح راست افراطی فرانسه منتشر شد.

او همچنین در گفتگو با شبکه دوم تلویزیون فرانسه گفت: "آلمان نازی به ایرانی‌ها گفت که ما آریایی‌های غرب هستیم و شما آریایی‌های شرق،... ما بر جهان مسلط خواهیم شد..."

لوی اضافه کرد که ایرانی‌ها با قبول پیشنهاد آلمان نازی در واقع دست به یک "کودتای معنانشناسانه" زدند، زیرا پارس فقط نام یک کشور نبود، بلکه برای خارجی‌ها یادآور بسیاری از عناصر تمدنی مثل شعر و قالی پارس بود.

این اظهار نظر برنار هانری لوی اعتراض برخی از ایرانیان و همچنین ایرانشناسان فرانسوی مثل یان ریشار و برنار اورکاد را برانگیخت.

با وجود از بین رفتن آلمان نازی، هنوز اسنادی در زمینه سفارش نازی‌ها به سفیر ایران منتشر نشده است. اما بر چه اساسی گفته می‌شود که احتمالاً آلمان نازی از تغییر نام پارس به ایران سود می‌برده است؟

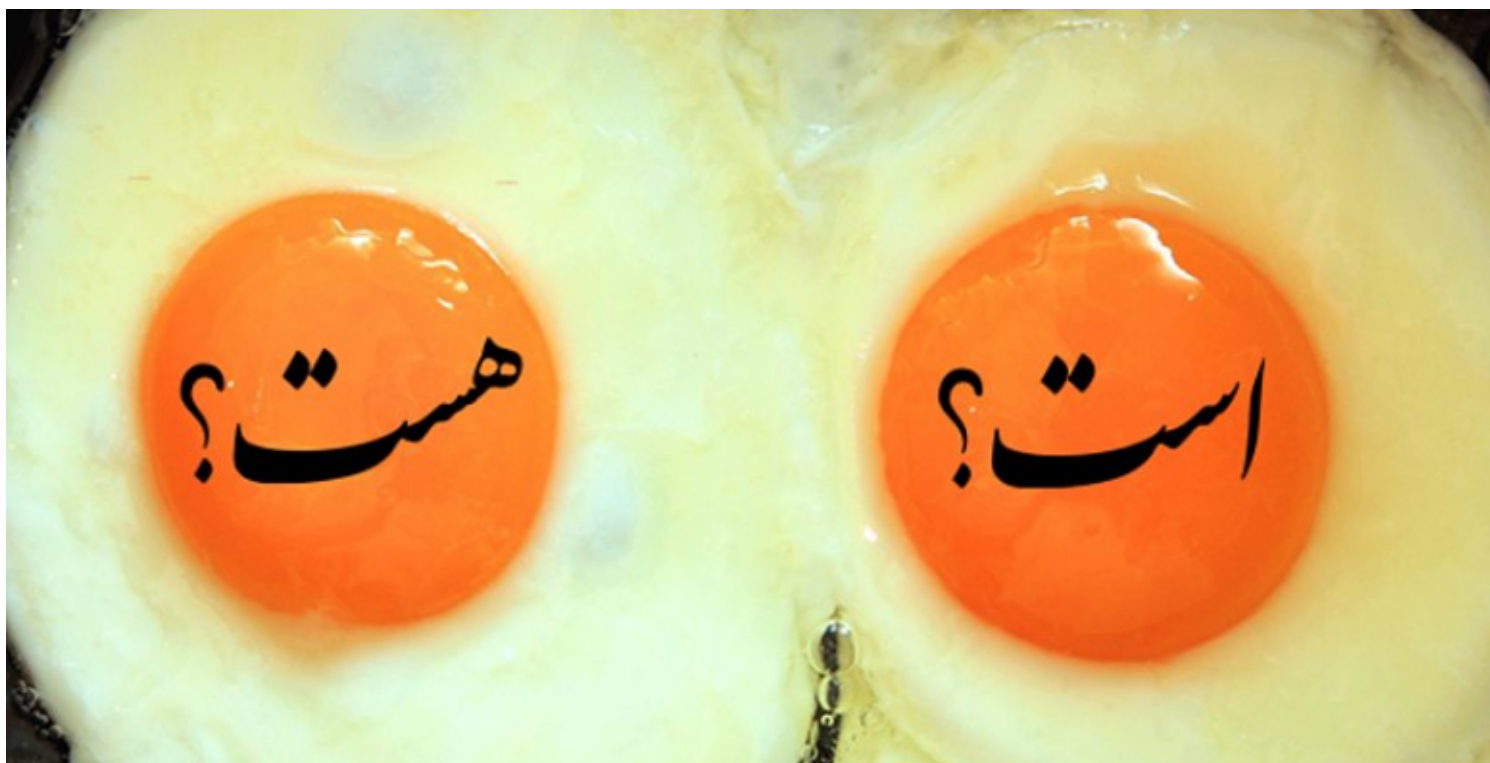
عباس میلانی معتقد است: "این تغییر نام بر اساس یک سوءتفاهم و کژفهمی تاریخی (غریبها) صورت پذیرفت. نظر نژادپرستانه نازیسم مفهوم یکسره ساختگی از آریاها مراد می‌کرد. بیشتر برساخته مکتب تئوسوفی و افکار خانم بلواتسکی (Madam Blavatsky) بود و تنها اندک ارتباطی به آریاهای تاریخ داشت."

برخی از مخالفان این تغییر نام می‌گویند که با این تغییر، دولت تهران نام ایران را به نفع خود مصادره کرد و دیگر کشورهای را که سهمی در ساخت تمدن بزرگ ایران داشته و اکنون از ایران جدا شده‌اند مانند افغانستان، نادیده گرفت.

برخی از موافقان هم می‌گویند پارس تنها نام منطقه ای از ایران است با تاکید بر فارس ها و زبان فارسی اما نام ایران، گستره بیشتری از اقوام و ملل و زبان ها و فرهنگ ها را در برمی گیرد.

اما میلانی در این زمینه تأکید می‌کند: "ایران از سه هزار پیش نام سرزمینی بود که امروز هم ایرانش می‌نامیم. نمی‌دانم کدام نام دیگر مناسب بود؟"

این مورخ با این حال اضافه می‌کند: "نام را به زور و فتوا نمی‌توان تغییر داد. هنوز در غرب فراوانند که ایران را به همان نام پرژیا می‌خوانند. حتی اگر تغییر نام را خطا بدانیم این واقعیت را نادیده نباید گرفت که در نتیجه تلاش آن زمان ایران و آلمان در همدلی، هزاران یهودی - چه یهودیان ایران که از قوم یهودی که نازی‌ها کمر به نابودی آنها بستند مجزا شناخته شدند و چه یهودیان اروپا که به پاسپورت ایرانی دست یافتند - از کوره‌های آتش‌سوزی آلمان رهایی یافتند."



تصحیح و تدقیق در نوشتن و گفتن فارسی:

است یا هست؟

نویسنده: محمد کاظم کاظمی (شاعر، نویسنده و منتقد ادبی افغان که کتاب‌های متعددی درباره ادبیات فارسی و شعر در افغانستان نوشته است).

استفاده ناب‌جا از فعل "هست" در زبان گفتاری و نوشتاری به یکی از عادت‌های غلط در میان فارسی‌زبانان تبدیل شده است.

به خاطر می‌آورم معمایی شوخی‌گونه را که گاهی در محافل دوستانه یا مسابقات هوش صدا و سیما در کابل مطرح می‌شد:

کدام عبارت درست است؟ زردی تخم مرغ سفید "است" یا زردی تخم مرغ سفید "هست"؟

کسی که در برابر این معما قرار می‌گرفت، نگران بود که در تشخیص معنای "است" و "هست" دچار اشتباه شود و بالاخره با تفکر و تردید، یکی از این دو را بر می‌گزید که مثلاً "زردی تخم مرغ سفید است" و آن گاه خنده جمع بلند می‌شد که "زردی تخم مرغ که سفید نیست، زرد است."

ولی از همان هنگام، برایم این مطرح بود که بالاخره "است؟" یا "هست؟" و این تردید وقتی افزوده می‌شد که کسی می‌گفت "من در خانه ام" و من نمی‌دانستم که چرا نمی‌گوید "من در خانه هستم."

ولی بعدها دیدم که قضیه به آن پیچیدگی هم نیست و به واقع پیچیده به نظر می‌آید. حال که یکی از دوستان خواسته است تا در این موضوع روشنی ببندازم، عرض می‌کنم که:

پیش از همه باید گفت که "هست" خود يك فعل مستقل است، از مصدر "هستن"، به معنی "وجود داشتن" و بنابراین، به تنهایی قابل استفاده است. ولی "است" فقط يك رابطه است در جملات اسنادی و اسناد دادن چیزی به چیزی دیگر را نشان می‌دهد.

مثلاً ما می‌گوییم "خدا هست" یعنی "خدا وجود دارد." و این جمله کامل است. فعل و فاعل خود را دارد. اما اگر بگوییم "خدا است." عبارت ناقص به نظر می‌آید و این پرسش را به میان می‌کشد که خدا چه چیزی است؟ یا در کجا است؟ این‌جا مثلاً باید گفت "خدا کریم است." یا "خدا با ما است."

از سوی دیگر، "هست" بر "وجود" چیزی دلالت می‌کند و "است" بر "چگونگی" آن. وقتی می‌گوییم "آب هست" یعنی این‌جا آب وجود دارد. اما وقتی می‌گوییم "آب سرد است" دیگر بحث از وجود آب نیست، از چگونگی آن است.

اما این قضیه گاهی کمی پیچیده می‌شود، وقتی که از عبارت، هم وجود چیزی را بتوان استنباط کرد و هم چگونگی آن را. به‌راستی کدام يك از این دو عبارت درست است؟ "آب در کوزه هست" یا "آب در کوزه است".

به‌واقع هر دو عبارت درست است، ولی هر يك در جای خود و معنای خود. در جمله "آب در کوزه هست" هدف این است که وجود آب را روشن کنیم. گویا کسی صرف بودن یا نبودن آن را از ما پرسیده است و ما به این پرسش پاسخ می‌دهیم که "در کوزه، آب هست؟" یعنی "آب وجود دارد؟"

اما وقتی می‌گوییم "آب در کوزه است" به‌واقع موقعیت آب را روشن می‌کنیم و به این پرسش پاسخ می‌دهیم که "آب در کجاست؟" گویا پرسش‌گر خود می‌داند که آبی در کار هست. می‌خواهد بداند آن آب در کجاست. پس وجود و عدم در کار نیست، بلکه چگونگی یا موقعیت مهم است. این‌جاست که "است" به کار می‌آید.

در گویش و حتی نگارش بعضی مردم، گاه چنین عبارتی می‌بینیم: "من در خانه استم." به‌راستی این درست است یا نه؟ این‌جا باید توضیح دهیم که اگر تکیه اصلی بر "بودن" باشد، باید گفت "من در خانه هستم." یعنی "خاطر جمع باش که من در خانه حضور دارم." اما اگر تکیه اصلی بر "خانه" باشد، یعنی صرفاً بخواهیم موقعیت خود را بیان کنیم، باید گفت "من در خانه‌ام." یعنی مثلاً "در مغازه یا خیابان نیستم."

اما این شکل دوم را در بعضی از مناطق، به صورت "خانه‌ام." نمی‌گویند، بلکه به صورت "خانه استم." بیان می‌کنند، چون شکل اول، در گویش محلی آن‌ها قابل بیان نیست. به طور کلی در گویش کابل و اطراف آن، و نیز در گویش مناطق مرکزی و شمال افغانستان، "است" همانند يك فعل، برای همه ضمایر صرف می‌شود و مثلاً می‌گویند "خوب است، خوب استند، خوب استی، خوب استید، خوب استم، خوب استیم" در حالی که در مناطق غربی افغانستان گفته می‌شود (به شکل محاوره‌ای) "خوب است، خوب‌اند، خوبی، خوبید، خوبم، خوبیم." در مناطق مختلف ایران نیز همین گونه است و "استم" و "استیم" و امثال این‌ها را نداریم.

چون در گویش کابل و اطراف آن، "استم" و "هستم" هر دو رایج است، میان این‌ها گاه اشتباه نیز رخ می‌دهد و طرف در حالی که می‌خواهد حضور در خانه را برساند، می‌گوید "من در خانه استم." یعنی "من در خانه هستم." و این درست نیست. در مناطق غربی افغانستان به جای این، می‌گویند "خونه‌م" و در ایران می‌گویند "خونهم" و به همین لحاظ، این اشتباه در آن‌جاها بسیار رخ نمی‌دهد.

خوب، بالاخره "زردی تخم مرغ سفید است؟" یا "هست؟" با آن چه تا کنون گفته شد، روشن می‌شود که سخن از وجود داشتن زردی نیست، بلکه سخن از چگونگی آن است، پس حال با آرامش خاطر می‌توانیم بگوییم "زردی تخم مرغ سفید است." نه، ببخشید، "زردی تخم مرغ، زرد است."

